

- مدیریت بحران - پیشگیری پیش از وقوع
- رویارویی با سوانح طبیعی از منظری دیگر
- برزجان و بحران آب
- دولت اقتدارگرا و
- قانون شهرداری ها
- مدیریت بلایای طبیعی در بنگلادش
- ۱۳ اکتبر، روز جهانی کاهش بلایای طبیعی
- گروه سازی در سازمان ها، اولیوتی پنهان
- بم فرو افتاد، فاجعه ای دیگر را پیشگیری
- سمینار مدیریت خطر زلزله در مناطق شهری



یادداشت ۴

گزارش اصلی

مدیریت بحران - پیشگیری پیش از وقوع / جواد نیکنام ۵

اندیشه و پژوهش

بحران زمین‌لرزه و مدیریت آن / بهزاد پورمحمد - محمدرضا هوشمند مروستی ۱۲

رویارویی با سوانح طبیعی از منظری دیگر / وحید حسینی - محمد سلیمانی ۱۸

گفت و گو

نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در ایران / ایرج اسدی ۲۳

شهرداری‌ها به روایت اسناد

بلدیه‌ای کوچک در بحرانی بزرگ / عباس جلالی ۲۸

از نگاه شهردار

برازجان و بحران آب / محمد سالاری راد ۳۲

شورا و مشارکت

فران و نشیب قانون شوراها (قسمت چهارم) / مریم بیژنی ۳۶

دولت و شوراها در ایران / دولت‌اقتدارگرای و قانون شهرداری‌ها / حسن شفیعی ۳۸

الغیای شهر / مدیریت بحران / محمود برآبادی ۴۰

تجربیات جهانی

مدیریت بلایای طبیعی در بنگلادش / ترجمه و تلخیص: شهرزاد فرزین پاک ۴۲

بناهای فرهنگی و بلایای طبیعی / ترجمه: پروانه مقدم ۴۵

۱۳ اکتبر، روز جهانی کاهش بلایای طبیعی / ترجمه: علی عربانی دانا ۴۷

شهرها و شهرداری‌های جهانی

همکاری ترکیه و ژاپن در مهندسی زلزله / راهبردهای مدیریت بحران در تایلند / شعار شهرداری ارلانگن / تقویت حکومت‌های محلی در سومالی / اوت ماه دوچرخه‌سواری در نورنبرگ ۵۱

طرح و شهر

تفکیک پسماند از مبدأ و لزوم آموزش شهروندی - تجربه مشهد / محمد حسین بوچانی - اسماعیل جعفری ۵۴

آموزش

گروه‌سازی در سازمان‌ها، اولویتی پنهان / محمد آزاد فلاح ۶۱

دیدگاه

بم فرو افتاد، فاجعه‌ای دیگر را پیش گیریم / مجید محنایی ۶۵

گزیده پژوهش

موانع رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی در ایران / محمد حسین بوچانی ۶۸

گزارش‌های خبری

مدیریت بحران در باقرشهر / سمینار مدیریت خطر زلزله در مناطق شهری / حال و آینده حمل و نقل همگانی شهری در ایران / تهران میزبان شهرداران هلند ۷۱

اخبار کوتاه

لایحه حمایت از سامانه‌های حمل و نقل ریلی درون شهری / اولین شهردار بافت قدیم گرگان / نوآوری صنعتگران اصفهانی / برازجان، شهری با ایده‌های مردمی / مکانیزه کردن جمع‌آوری پسماندها / شهرداری صالح‌آباد و تحول در چهره شهر / و ۸۳

یک شهر و یک نگاه

اهواز، برازجان، تبریز، سراب و ۹۱

معرفی پایگاه‌های شبکه / شهر روز فرزین پاک ۹۲

تازه‌های نشر / عباس جلالی ۹۳

طرح روی جلد: مهدی یار محمدی - مربوط به گزارش اصلی
عکس پشت جلد: زلزله بم، عکس از فرزین گلپاد

۱. مطالب مندرج در ماهنامه لزوماً بیانگر دیدگاه‌های سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها نیست.
۲. ماهنامه در ویرایش و تلخیص مطالب آزاد است.
۳. مطالب ارسالی به هیچ وجه بازگردانده نخواهند شد.
۴. استفاده از مطالب و طرح‌های ماهنامه تنها با ذکر مأخذ مجاز است.

صاحب امتیاز: وزارت کشور - سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور
مدیر مسئول: محمد حسین مقیمی
سردبیر: احمد تواهرن
هیئت تحریریه: عباس جلالی - علیرضا ترابی
شهرزاد فرزین پاک - جلال معصوم
مدیر اجرایی: فرشته عمرانی
ویراستار: حمید خادمی
طراح صفحه‌آرا و اجرای ماهنامه الکترونی: حمید اسفندیاری
تصویرساز: مهدی یارمحمدی
امور عکس: خاتون میررشد
حروفچین: فاطمه دودله
نمونه خوان: فرحناز نوبخت
نظارت فنی: ابراهیم سیف
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

پنجم دی ماه امسال دقیقاً یک سال از فاجعه بروز زلزله بم گذشت و همزمان در جنوب شرقی آسیا چند کشور ساحلی مورد هجوم امواج مخرب ناشی از زلزله - موسوم به «سونامی» - قرار گرفتند و صدها هزار کشته و زخمی و میلیاردها دلار خسارت بر جای ماند.

این حوادث و وقایعی از این دست، که گاه و بیگاه در گوشه و کنار کره خاکی رخ می دهد، از یک سو ضعف ساختاری بشر را در مقابل قوه لایزال الهی به انسان ها گوشزد می کند و از سوی دیگر دانش و توانایی بشر را در پیشگیری، آمادگی، حضور بموقع و توانمند در بحران ها و نهایتاً عادی سازی شرایط و جبران خسارات مناطق آسیب دیده به چالش می کشد.

امروزه مدیریت بحران های طبیعی از اساسی ترین بخش ها در علم مدیریت به شمار می رود. تجارب تلخی که از آخرین زلزله گسترده در ایران عاید مدیران و مسئولان کشور شد گرچه بسیار گران و ناگوار بود لیکن در جای خود امید به توان اجرایی و مدیریتی کشور را در برخورد با حوادث مشابه افزایش داد.

ورود سریع نیروهای امدادگر به صحنه، بهره برداری خارج از ظرفیت فرودگاه و خط آهن بم، بسیج و گسیل نیروها و امکانات مورد نیاز در حجم زیاد و در کوتاه ترین زمان ممکن در منطقه، ورود گسترده سازمان ها و نهادها و تشکل های مردمی به صحنه، پوشش خبری مناسب و بین المللی از حادثه، اعزام گسترده مجروحان از طریق ایجاد پل های هوایی به سراسر کشور در اندک زمان و مواردی از این دست به گونه ای بود که تفاوت فاحشی را نسبت به وضعیت مشابه مدیریت بحران در زلزله رودبار گیلان (۱۳۶۸) و حتی حوادث بعد از آن نشان می داد. اینها همه به گونه ای بود که حتی یکی از کشورهای اروپایی صاحب نام در عملیات امداد رسانی رسماً از حضور نیروهای امدادی ایران در واقعه بم اظهار شگفتی کرد و این عملیات را در نوع خود کم نظیر خواند.

اما به هر تقدیر نگاه واقع بینانه به این گونه حوادث، در شرایطی که کشور ما روی کمربند زلزله قرار دارد و متأسفانه اغلب شهرهای کشور در منطقه قرمز این کمربند واقع شده اند، راهی جز تلاش بیشتر را در تجدیدنظر اساسی در روش ها و قوانین و سازماندهی امکانات و بهره مندی از فناوری های پیشرفته در امر مدیریت بحران در قالب طرحی نو پیش روی مسئولان ما قرار نمی دهد.

در تدوین طرح مذکور، ملاحظات زیادی چند ضروری به نظر می رسند:

۱- پیشنهاد تشکیل سازمانی بین المللی از کلیه کشورهای جهان و استقرار نمایندگی های منطقه ای در جهان به منظور سازماندهی کمک های فناورانه، آموزشی، ترویجی و جذب و هدایت کمک ها و اعتبارات بین المللی و نظایر اینها در اقصی نقاط جهان، به ویژه در مناطقی که ضریب آسیب پذیری بالاتری دارند.

۲- تشکیل شورایی از مدیران ارشد حکومتی و با مسئولیت بالاترین مقام اجرایی کشور (رئیس جمهور و در جانشینی وی وزیر کشور) به منظور سیاستگذاری و راهبری در مدیریت بحران، به گونه ای که در مواقع لزوم امکان بهره جویی و بسیج کلیه امکانات کشوری و لشگری تحت نظام فرماندهی واحد

فراهم گردد.

۳- تشکیل ستادهای اجرایی با اختیارات کامل و تربیت مدیران و اعضای آن، با آخرین آموزه های جهانی مدیریت بحران در سطوح کشوری و استانی و شهری، همزمان با آموزش و ترویج در بین مردم.

۴- سازماندهی ستادهای معین برای مناطق بشدت آسیب دیده، حتی پیش بینی دولت جایگزین برای مرکز کشور.

۵- تدوین قوانین مناسب با ضمانت های اجرایی لازم و نیز طراحی سیستم های نظارتی قوی در امر اجرا در خصوص مقاوم سازی بناها، رعایت استانداردها در ایجاد سازه های انسان ساخت و ایجاد سازه های حفاظتی برای شهرها و مناطق آسیب پذیر از حوادث طبیعی همچون سیل، زلزله، توفان و حتی وقایع انسان ساخت همچون حوادث جاده ای، هوایی و نظایر آنها.

۶- انجام مطالعات گسترده در شهرها و روستاهای کشور به منظور شناسایی زمین و ساختار سطحی و زیرسطحی و مشخصات زمین شناسی آن شناسایی مسیل ها، تهیه نقشه های پهنه بندی و ریزپهنه بندی زلزله، تهیه مدل های ژئوپلی، به کارگیری تجهیزات پیشرفته هشداردهنده در پیش بینی توفان ها و بارندگی ها و امواج مخرب و جز آن به منظور ساماندهی ساخت و سازها در مناطق مطمئن، ایمن سازی مناطق مسکونی و استفاده از سازه های مناسب و مقاوم در احداث بناهای آینده و همچنین اقدام جدی برای مقاوم سازی ساختمان های موجود با اولویت مراکز درمانی، مراکز تجمع عمومی و بناهایی که در مواقع بحران وجود آنها ضروری است.

۷- تدوین سازوکارهای مناسب برای هدایت و جذب کمک های مردمی و قابلیت های نهادها و تشکل های غیردولتی، چه در داخل و در خارج از کشور.

خوشبختانه در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و همین طور در سند فرادستی چشم انداز ۲۰ ساله کشور قابلیت ها و راهبردهایی تعیین کننده برای پرداختن به امر مقابله با حوادث طبیعی و به ویژه مدیریت های بحران ایجاد شده است. لذا مسئولان و برنامه ریزان و مدیران در سطوح مختلف به ویژه دست اندرکاران مدیریت شهری فرصت مناسبی دارند تا برای بهره مندی از جایگاه های قانونی مذکور بسترهای لازم را برای ارتقای شرایط موجود و نزدیک شدن به موقعیت های مطلوب فراهم سازند.

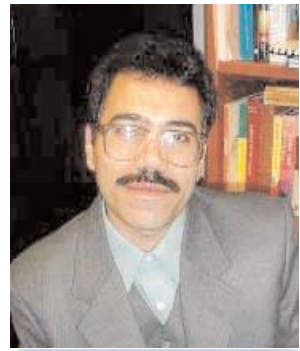
سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور به منظور اجرای قوانین مذکور و بنا به وظیفه، پیشنهادهایی را از قبیل طرح مطالعه ژئوتکنیکی و تهیه نقشه های پهنه بندی و ریزپهنه بندی مناطق مسکونی با اولویت شهرهای با خطرپذیری بالا، تجهیز شهرداری ها و دهیاری ها به وسایل استاندارد امداد و نجات و تقویت بنیه آتش نشانی های کشور، مقاوم سازی ساختمان های شهرداری ها و بازسازی و نوسازی بافت های فرسوده و نظایر اینها به منظور دریافت اعتبارات لازم در بودجه سنواتی سال ۱۳۸۴ به دولت ارائه کرده است و مقوله های مذکور را به عنوان راهبردهای اصلی خود در شهرها و روستاهای کشور دنبال می کند.

مدیریت بحران پیشگیری پیش از وقوع

جواد نیکنام

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

ابعاد گسترده سوانح طبیعی و انسان ساخت باعث شکل‌گیری تحقیقات مختلفی در مورد نحوه مواجهه با این سوانح در دنیا شده است. هم‌اکنون بخش عظیمی از سرمایه انسانی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و نظایر اینها در شهرهای کشور ما متمرکز شده‌اند. با توجه به این امر برنامه‌ریزی برای حفظ این سرمایه‌ها در مقابل تأثیرات بلایای طبیعی و انسان ساخت همیشه جزء جدایی‌ناپذیری از برنامه‌ریزی‌های شهری و ابزارهای آن - که طرح‌های توسعه شهری اند - بوده است. اساساً یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری حرفه برنامه‌ریزی شهری و نیز همین ایجاد امنیت و ایمنی در شهرها برای رسیدن به پایداری آنها بوده است. متأسفانه اکثر شهرهای کشور توسعه‌ای ناموزون و به دور از قواعد صحیح شهرسازی داشته‌اند که در هنگام وقوع حوادث مدیریت آنها را برای خدمات‌رسانی دچار مشکل می‌سازد و آمار تلفات را بالا می‌برد. با توجه به اینکه آمارها نشان می‌دهد در طول صد سال گذشته حدود ۳۵۰۰ زلزله در ایران افتاده که از این میان ۵۳۵ زلزله شدتی بالاتر از ۴ درجه ریشتر داشته‌اند و هر ده سال نیز یک زلزله با مقیاس ۷ درجه ریشتر و بزرگ‌تر در کشور اتفاق افتاده است و سالانه نیز حدود ۲۰۰ زلزله کوچک و بزرگ در کشور اتفاق می‌افتد. برنامه‌ریزی برای تأمین ایمنی در شهرها و ایمن‌سازی آنها اهمیت خود را در کشور نمایان می‌سازد. فقدان این گونه برنامه‌ریزی‌ها تاکنون خسارات فراوانی را به کشور وارد کرده و باعث اتلاف سرمایه فراوانی شده است، به گونه‌ای که آمار و مقدار تلفات انسانی زلزله که تنها یکی از حوادثی است که در طی صد سال گذشته یک درصد از جمعیت جهان را تشکیل داده است ولی تلفاتی که از بابت زلزله به جمعیت کشور وارد شده برابر با ۶ درصد تلفات انسانی زلزله در جهان طی این دوره بوده است. برنامه‌ریزی در باره مدیریت بحران در کشور هم‌اکنون در ابتدای راه خود قرار دارد و تا رسیدن به نتیجه مطلوب راه زیادی در پیش دارد و لازم است این مسئله همیشه مد نظر برنامه‌ریزان کشور قرار گیرد و به سوی امنیت حرکت کرد تا ضریب امنیت در سکونت‌گاه‌های انسانی کشور روز به روز افزایش یابد. در این گزارش به صورت مختصر به بررسی مدیریت بحران در سطح شهرها می‌پردازیم و مباحثی مانند دلیل اهمیت مدیریت بحران در کشور تا تعریف بحران و مدیریت آن و نیز به تعامل مدیریت بحران و شهرداری‌ها و رویکردهای مختلف در مواجهه با بحران‌ها و نظایر اینها مورد توجه قرار می‌گیرد.



دکتر علی عسکری
عضو هیئت علمی دانشگاه برنودن کانادا

چرا مدیریت بحران؟

طبق آخرین تقسیمات کشوری، در ایران ۳۴۸ شهرستان، ۸۵۹ بخش، ۲۳۶۶ دهستان و ۹۷۰ شهر وجود دارد. از مجموع ۶۶/۴۸۰/۰۰۰ نفر جمعیت کشور ۴۴/۳۷۲/۰۰۰ (۶۷ درصد) در ۹۷۰ شهر کشور زندگی می‌کنند و ۲۲/۱۰۸/۰۰۰ نفر (۳۳ درصد) در ۶۸۱۲۲ روستای کشور ساکن‌اند. نکته‌ای که در بررسی تحولات زندگی شهرنشینی جلب توجه می‌کند افزایش روزافزون تعداد شهرنشینان نسبت به روستائینان کشور است، به گونه‌ای که جمعیت شهرنشین کشور در سال ۱۳۳۵ در ۱۹۹ شهر کشور با جمعیتی معادل ۵/۹۰۰/۰۰۰ نفر که ۲۳ درصد از آمار جمعیتی کشور را به خود اختصاص می‌دادند ساکن بوده‌اند در حالی که این آمار امروزه حدود پنج برابر افزایش یافته است.

بعد از اطلاعاتی که در خصوص روند صعودی شهرنشینی در کشور ارائه گردید، با توجه به موضوع بحث که مدیریت بحران و شهرداری‌هاست، آماری نیز در خصوص پهنه‌بندی خطر زلزله در شهرهای کشور ارائه می‌گردد. این آمار مربوط به سال ۱۳۷۵ است که تعداد شهرهای کشور ۶۱۲ شهر بوده است. بعد از آن تاریخ حدود ۲۷۴ شهر به این آمار افزوده شده که متأسفانه هنوز مطالعاتی در خصوص حادثه‌خیزی آنها در دسترس نیست. در این گزارش به ناچار آمارهای سال ۱۳۷۵ ملاک عمل قرار داده شده است. براساس این آمار یک درصد از پهنه ۱/۶۴۸/۱۹۵ کیلومترمربعی کشور در معرض خطر بسیار بالا در برابر زلزله قرار گرفته است. کمتر از ۸ درصد در پهنه خطر بالا، ۷ درصد در پهنه خطر نسبتاً بالا، ۳۱ درصد در پهنه خطر متوسط، ۲۲ درصد در پهنه خطر نسبتاً پایین و ۱۱ درصد در پهنه خطر پایین قرار گرفته‌اند. در مقایسه این آمار و اطلاعات با تعداد شهرها و جمعیت شهری کشور، این نتایج به دست می‌آید: در پهنه خطر بسیار بالا ۸ شهر یا ۱/۰۳ درصد از شهرهای کشور با جمعیتی حدود ۳/۳۸ میلیون نفر، در پهنه خطر بالا ۹۶ شهر یا ۱۵/۰۷ درصد از جمعیت شهرنشین و جمعیتی حدود ۱۱/۴ میلیون نفر، در پهنه خطر نسبتاً بالا ۱۷۰ شهر یا ۲۷/۸ درصد از جمعیت شهرنشین کشور و جمعیتی معادل ۳۵/۲۶ میلیون نفر، در پهنه خطر متوسط ۱۳۵ شهر با حدود ۲۲/۰۱ درصد جمعیت شهرنشینی کشور و جمعیتی حدود ۲۵/۵۸ میلیون نفر، در پهنه خطر نسبتاً پایین ۱۰۰ شهر با درصدی معادل ۱۵/۰۳ درصد از جمعیت شهرنشین کشور و ۱۴/۰۶ میلیون نفر جمعیت شهرنشین، و سرانجام در پهنه خطر پایین حدود ۲۳ شهر یا ۵/۰۴ درصد از جمعیت شهرنشین با جمعیتی معادل ۷/۲۶ میلیون نفر قرار گرفته‌اند. وضعیت ۷۰ شهر نیز در این آمار نامعلوم اعلام شده است.

آمارهای سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهد که از مجموع ۶۱۲ شهر کشور ۲۷۴ شهر در پهنه خطر نسبتاً بالا، بالا و بسیار بالا قرار گرفته‌اند؛ یعنی به لحاظ جمعیتی معادل ۵۰ درصد از جمعیت شهرنشین کشور در آن سال در پهنه‌هایی زندگی کرده‌اند که با خطر نسبتاً بالا، بالا و بسیار بالا از نظر لرزه‌خیزی مواجه بوده است. این آمار هشدار می‌دهد برای متولیان امر مدیریت شهری در کشور، تا توجه بیشتری به موضوع مدیریت

بحران در نواحی شهری کشور داشته باشند.

به جز زلزله که به آمارهای آن اشاره شد، آتش‌سوزی و سیل که تکرار وقوع فراوانی در شهرهای کشور دارند نیز شهرهای ما را با خطر مواجه ساخته‌اند. بر طبق آمار به صورت میانگین تقریباً سالانه ۴۵ هزار حریق و حادثه در شهرهای کشور اتفاق می‌افتد که بر اثر بروز این حوادث به صورت میانگین ۱۴۰۰ نفر سالانه در کشور جان خود را از دست می‌دهند و حدود ۴۵۰۰ نفر هم بر اثر این حوادث مجروح می‌شوند. خسارت‌های مستقیمی که از بابت حوادث مختلف طبیعی و غیرطبیعی در شهرهای کشور رخ می‌دهد معادل ۴۵۰ میلیارد ریال در سال تخمین زده شده است. در این زمینه لازم است به نکته مهمی توجه گردد و آن خسارت‌های غیرمستقیم حوادث و سوانح است که ممکن است ابعاد فاجعه بارتتری از خسارت‌های فیزیکی آنها داشته باشد. در حوادث همیشگی گفته می‌شود که چند خانه تخریب شد، چند هزار نفر جان خود را از دست دادند و چه خسارت‌های اقتصادی بر جای مانده است. در حالی که خسارت‌های غیرمستقیم بحران‌ها مانند تأثیرات روانی و اجتماعی آنها، معلولیت‌های ناشی از بحران‌ها و نظایر اینها همیشه مورد غفلت قرار می‌گیرند. با محاسبه خسارت‌های وارد شده عمق فاجعه برای ما نمایان‌تر می‌شود و لزوم برنامه‌ریزی برای مهار بحران‌ها محسوس‌تر می‌گردد.

مدیریت بحران و تعاریف

برای بررسی مدیریت بحران در شهرها لازم است ابتدا شناسایی از بحران صورت گیرد. در ابتدای ورود به بحث چنین سؤالاتی به ذهن می‌رسد که باید برای آنها پاسخ یافت. بحران چیست؟ چه حادثی را می‌توان بحران نامید؟ بحران‌ها از کدام عوامل ناشی می‌شوند؟ چگونه می‌توان بحران‌ها را طبقه‌بندی کرد؟

علی عسکری، دکتر در شهرسازی و عضو هیئت علمی دانشگاه برنودن کانادا در این زمینه می‌گوید: «برای بحران تعاریف مختلفی ارائه شده است ولی در تعریفی که می‌توان گفت مورد قبول همگان است، بحران سانحه‌ای تعریف شده است که باعث خسارات و تلفات جانی و مالی می‌شود و زندگی عادی مردم را مختل می‌کند. مدیریت بحران نیز شامل کلیه تلاش‌هایی است که به دنبال پیشگیری از وقوع بحران‌ها در درجه اول، سپس مقابله با آنها در صورت وقوع برای کاهش خسارات و تلفات و بالاخره واکنش مناسب پس از وقوع بحران‌هاست.»

مجید عبدالهی مدیر کل دفتر توسعه مدیریت روستایی و معاونت دهیاری‌های سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور مدیریت بحران را این گونه تعریف می‌کند: «مدیریت بحران در تعریف ساده عبارت است از مجموعه اقداماتی که قبل، حین و بعد از وقوع حادثه انجام می‌گیرد تا خسارات آن را کاهش دهد. در تعریف علمی مدیریت بحران را دانشی می‌دانند سیستماتیک و فرایندی که سعی می‌کند اولاً از وقوع حوادث پیشگیری کند، ثانیاً در صورت وقوع به مقابله با آنها رود و از تأثیرات آنها بکاهد، و ثانیاً پس از فروکش کردن بحران برای بازسازی پس از آن تلاش کند. بر طبق این تعریف عناصر پنج‌گانه مدیریت بحران اینها

هستند: ۱- کاهش، ۲- پیشگیری، ۳- آمادگی، ۴- امداد و نجات، و ۵- بازسازی».

به نظر علی عسکری معمولاً بحران‌ها را براساس منشأ آنها تقسیم‌بندی می‌کنند: «بحران‌ها به دو نوع با منشأ طبیعی (بلایای طبیعی) و غیرطبیعی (بلایای انسان‌ساز) تقسیم می‌شوند. هر کدام از این دو نوع نیز تقسیم‌بندی‌های خاص خود را دارند. بحران‌های طبیعی به بحران‌های زمینی با منشأ زمین مانند زلزله، زمین لغزه و جز اینها، و بحران‌های با منشأ هوایی مانند سیل، خشکسالی و جز آن تقسیم می‌شوند. بحران‌های انسانی را نیز می‌توان به بحران‌های اجتماعی، سیاسی، تکنولوژیک، تروریستی و مانند اینها تقسیم کرد». وی همچنین معتقد به وجود ارتباط تنگاتنگ بین ویژگی‌های شهرها و نوع بحران‌هایی است که در آنها اتفاق می‌افتد؛ و در این زمینه چنین می‌گوید: «طبیعتاً شهرها براساس نوع فعالیت، موقعیت جغرافیایی، اندازه و ترکیب جمعیت‌شان دستخوش بحران‌های متفاوتی می‌شوند. به همین دلیل هم برنامه‌ریزی برای مدیریت بحران در آنها باید متناسب با ویژگی‌های فیزیکی، اجتماعی و

آمارهای سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهد که از مجموع ۶۱۲ شهر کشور ۲۷۴ شهر در پهنه خطر نسبتاً بالا، بالا و بسیار بالا قرار گرفته‌اند؛ یعنی به لحاظ جمعیتی معادل ۵۰ درصد از جمعیت شهرنشین کشور در آن سال در پهنه‌هایی زندگی کرده‌اند که با خطر نسبتاً بالا، بالا و بسیار بالا از نظر لرزه‌خیزی مواجه بوده است

اقتصادی و زیست محیطی آنها تعریف شود. مثلاً در شهرهایی که صنعتی هستند امکان وقوع بحران‌های تکنولوژیکی زیاد است و به همین دلیل متولیان امر باید بیشتر توجه خود را معطوف به این قسمت کنند و یا شهرهایی که در معرض خطرهای طبیعی قرار دارند و بیشتر از جانب بلایای طبیعی تهدید می‌شوند، سرمایه‌گذاری‌ها برای مدیریت بحران باید در این جهت صرف شود». حال باید دید که روش صحیح مقابله با بحران چیست و چگونه می‌توان آن را مهار کرد و از خسارات آن کاست.

مدیریت ریسک

دولت‌ها، چه در تعبیر کلان دولت‌های ملی و چه در تعبیر خردتر دولت‌های محلی، معمولاً سیاست‌های مختلفی را در مقابله با بحران‌ها در پیش می‌گیرند. عسکری برخی از این سیاست‌ها را چنین برمی‌شمارد: «یکی از اینها سیاست پیشگیری از بحران است؛ یعنی تلاش دولت‌ها - اعم از محلی و ملی - این است که حتی الامکان از وقوع سوانح پیشگیری کنند. در چنین سیاستی نیاز است که سرمایه و بودجه زیادی برای اقدامات پیشگیرانه صرف شود از جمله اقداماتی که در این سیاست بیشتر به آن توجه می‌شود، می‌توان به مقاوم سازی ساختمان‌ها اشاره کرد. سیاست دیگر در مواجهه با بحران‌ها

آماده سازی وامداد و نجات است. در این سیاست جامعه برای مواجهه با بحران آماده می‌گردد و هزینه‌ها و منابع صرف آماده سازی و واکنش صحیح به بحران‌ها می‌شود. این سیاست تا حدود زیادی از این دیدگاه ناشی می‌شود که اصولاً ممکن است نتوان از سوانح پیشگیری کرد؛ پس بهتر است جوامع برای مواجهه با آنها آماده شوند تا در هنگام وقوع، واکنش بهتر و مناسب‌تری نسبت به آنها نشان دهند. تجربه هم نشان داده است که داشتن واکنش مناسب در مواجهه با بحران می‌تواند نتایج خوبی در بر داشته باشد. از اقدامات مهمی که در این سیاست بر روی آنها تأکید می‌شود، می‌توان به تقویت سازمان‌هایی مانند آتش نشانی و اورژانس اشاره کرد. سیاست دیگر در مواجهه با بحران، سیاست بازار است. در این سیاست پیشنهاد می‌شود که امور به بازار واگذار گردد، چون بازار خود می‌تواند شرایط لازم را برای پیشگیری، آماده سازی و مقابله و بازسازی در بحران‌ها فراهم سازد. پس بر طبق این سیاست (البته اگر بشود نام آن را سیاست گذاشت)، عملاً در مواجهه با بحران نباید هیچ کاری انجام داد. برخی از دولت‌ها ممکن است عملاً اگر چه در ظاهر اظهار نکنند معتقد به این سیاست باشند». در اینجا لازم است که اشاره شود از میان سیاست‌های نام برده شده، سیاست اول اکنون در جهان مقبولیت بیشتری یافته است به گونه‌ای که در جهان نگاه سنتی به مدیریت بحران تغییر پیدا کرده و دولت‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که به جای اینکه منابع خود را صرف مقابله با بحران کنند، قبل از حدوث آن پیش‌بینی‌های لازم را به عمل آورند تا از خسارات آن در هنگام حدوث بکاهند. عسکری در این زمینه چنین می‌گوید: «تا حدود ده سال پیش دیدگاه حاکم در جهان در مدیریت بحران، سیاست امداد و نجات و واکنش نشان دادن به بحران در هنگام وقوع آن بود اما از ده سال پیش تاکنون دیدگاه‌ها و سیاست‌ها در مدیریت بحران به سمت پیشگیری از بحران حرکت کرده است. اگر در بلند مدت قرار باشد از تلفات جانی و مالی بحران‌ها کاسته شود، هیچ راهی مناسب‌تر از پیشگیری نیست. پیشرفت‌های تکنولوژیکی کمک بسیار مؤثری به شکل‌گیری این تفکر کرده است، زیرا به کمک این پیشرفت‌ها می‌توان از خسارات بحران‌ها در هنگام وقوع تا حدود زیادی کاست. به عنوان مثال، هر چند از وقوع زلزله نمی‌توان جلوگیری کرد، ولی می‌توان از خسارات و تلفات آن با استفاده از تکنولوژی‌های جدید و اقدامات پیشگیرانه کاست. هم اکنون کشوری مانند ایالات متحده آمریکا بیشترین بودجه خود را صرف پیشگیری از بحران می‌کند - و نه مقابله با آن - و نتایج مثبتی نیز کسب کرده است». به همین دلیل است که عبداللهی معتقد است در کشور به جای مدیریت بحران بهتر است مدیریت ریسک جایگزین گردد. وی می‌گوید: «در مدیریت بحران معمولاً اقداماتی که حین بحران یا پس از بحران اتفاق صورت می‌پذیرد مورد توجه قرار می‌گیرد و برای آنها برنامه‌ریزی می‌شود، در حالی که در دنیا این تفکر تقریباً منسوخ گردیده و مدیریت ریسک جایگزین مدیریت بحران شده است. تفاوت مدیریت بحران و مدیریت ریسک در این است که در مدیریت بحران سعی می‌شود خود بحران مدیریت گردد؛ یعنی مثلاً هنگامی که حادثه‌ای مانند زلزله، سیل و آتش‌سوزی رخ می‌دهد، برای نجات مجروحان و مصدومان و جلوگیری از خسارات بیشتر



مجید عبداللهی
مدیر کل دفتر توسعه مدیریت روستایی

به مقابله با آن پرداخته می‌شود و به نوعی مدیریت می‌گردد، و سپس بازسازی تخریب‌های به وجود آمده آغاز می‌شود. در این نگرش به قبل از ایجاد بحران توجهی نمی‌شود. در واقع مدیریت بحران مدیریت هنگام بحران و پس از آن را شامل می‌شود؛ ولی به نظر من باید به جای مدیریت بحران مدیریت ریسک را جایگزین کرد؛ یعنی می‌بایست خطری را که موجب تهدید جامعه شهری، روستایی و یا ساختاری فضایی می‌شود مدیریت کرد. در مدیریت ریسک موضوع این است که اولاً خطر شناسایی گردد؛ ثانیاً اولویت‌های برخورد با خطر مشخص شود؛ و ثالثاً با ارزیابی‌ای که از خطر وجود دارد، تمهیدات و شیوه‌های مختلف مقابله با آن مشخص گردد. مدیریت بر ریسک درست است که هزینه بر است ولی در درازمدت باعث کاهش خسارات حوادث می‌شود».

حال باید دید با توجه به اهمیتی که مدیریت بحران در جوامع کنونی دارد بهترین سطح برخورد برای مهار بحران‌ها در چه سطحی است. آیا دولت‌ها خود باید مستقیماً در این امر دخالت کنند و یا اینکه ضمن حمایت از دولت‌های محلی امر مدیریت بحران را به آنها بسپارند.

مدیریت بحران و مدیریت شهری

تجربیات و مطالعات نشان می‌دهد که بهترین و موفق‌ترین سطح برخورد با بحران در شهرها سطح مدیریت شهری و شهر است. مدیریت بحران باید از سطح شهر شروع شود و اگر منابع، برنامه‌ها و امکاناتی برای مدیریت بحران در نظر گرفته شده است، این منابع باید در سطح شهر بسیج شوند در اختیار مدیریت شهری قرار گیرند. عسکری می‌گوید: «توصیه می‌کنم که برنامه مدیریت بحران در سطح ملی و استانی وجود داشته باشد که شهرها خود را با آن وفق دهند و باید برنامه‌ریزی مدیریت بحران در سطح شهری داشت، که برنامه‌های استانی و ملی تکمیل کننده آن باشد. تهیه طرح، اجرای طرح، آزمون طرح و روزآمد کردن طرح و تمام تلاش‌هایی که در حیطه مدیریت بحران صورت می‌گیرد باید در سطح شهر تعریف گردد چون در هر حادثه و سانحه‌ای که در سکونتگاه‌های شهری اتفاق می‌افتد اولین کسانی که می‌توانند در ابتدا با آن سانحه مواجه شوند و بحران را مدیریت کنند، همان کسانی هستند که در آن شهر ساکن‌اند؛ زیرا آنها با شهر خود آشنایی دارند و می‌توانند بحران را به شکل بهتری بفهمند و مدیریت کنند». پس لازم است شهرهای ما همان گونه که طرح‌های شهری دارند - متناسب با ابعاد و اندازه آنها تعریف شده است - طرح‌های مدیریت بحران نیز داشته باشند که در همان سطح برای آنها تعریف شده باشد. می‌توان نتیجه گرفت که گستره‌های مدیریت بحران شهری ارتباط تنگاتنگی با همدیگر دارند؛ یعنی مدیریت بحران جزئی از وظایف و خدماتی است که مدیریت شهری فعال و پویا باید ارائه کند.

احتشام حاجی پور، شهردار تبریز، می‌گوید شهرداری‌ها در مدیریت بحران‌های شهری باید نقش اول را ایفا کنند و اظهار می‌دارد: «چون شهرداری‌ها متولی مدیریت شهری و خدمات‌رسانی به شهروندان هستند، اساساً ارائه خدمات پس از بحران نیز در ابتدای وقوع بحران بیشتر بر عهده آنها قرار

می‌گیرد. با وجود امکانات و پتانسیل‌های مناسب خدمات‌رسانی که هم اکنون در اختیار شهرداری‌ها برای مدیریت شهری قرار دارد، مدیریت بر بحران امکانات بیشتری را طلب می‌کند که شهرداری‌ها هنوز آن گونه که باید و شاید مسلح به این امکانات نشده‌اند و در این زمینه در ابتدای راه قرار دارند. از طرفی ابزارهای موجود که در اختیار شهرداری‌ها قرار دارند نیز به نحو احسن کانالیزه نشده‌اند تا بتوان در مواقع بحران به نحو احسن از آنها استفاده کرد».

مجید عبداللهی معتقد است که ارتباط مدیریت شهری در مدیریت بحران را می‌توان از دو دیدگاه کلان و خرد نگریست: «در نگاه کلان باید دید که حاکمیت - یعنی وزارت کشور و دولت - چه نقشی را برای حکومت‌های محلی یا شهرداری‌ها در مدیریت بحران قائل شده‌اند. تاکنون در این زمینه روال بدین گونه بوده است که نقش اصلی در مدیریت بحران را حاکمیت و دولت بر عهده داشته‌اند ولی به تازگی تجربه‌های تازه در این زمینه در شهرداری تهران شکل گرفته که حاکمیت نقش خود را در مدیریت بحران به شهرداری واگذار کرده است. یعنی شهردار

در حوادث همیشه گفته می‌شود که چند خانه تخریب شد، چند هزار نفر جان خود را از دست دادند و چه خسارت‌های اقتصادی بر جای مانده است. در حالی که خسارت‌های غیرمستقیم بحران‌ها مانند تأثیرات روانی و اجتماعی آنها، معلولیت‌های ناشی از بحران‌ها و نظایر اینها همیشه مورد غفلت قرار می‌گیرند. با محاسبه خسارت‌های وارد شده عمق فاجعه برای ما نمایان تر می‌شود و لزوم برنامه‌ریزی برای مهار بحران‌ها محسوس تر می‌گردد

تهران خود رأساً رئیس ستاد مدیریت بحران شهر تهران است و شهرداران مناطق هر کدام در منطقه خود همین نقش را ایفا می‌کنند. این امر می‌تواند تحولات مهمی در مدیریت بحران شهری ایجاد کند. دیدگاه دوم مدیریت بحران شهری، نگاه به آن در سطح محلی است که بستگی به توجه شهرداری‌ها در این زمینه دارد؛ هر چند حاکمیت نیز می‌تواند در این زمینه به آنها کمک کند. در سطح محلی مهم‌ترین سیاستی که شهرداری‌ها برای مقابله بحران‌ها در پیش می‌گیرند، تجهیز آتش نشانی‌ها و سازمان‌های اورژانس است. با این تفصیل در فقدان اعطای اختیار مدیریت بحران به دولت‌های محلی باید شهرداری‌ها وضع موجود را بپذیرند و در همین حد به برنامه‌ریزی برای مدیریت بحران بپردازند. بدین منظور باید دید در کشور ما قوانین چه ابزاری برای کنترل بحران در اختیار شهردارها قرار داده‌اند. به نظر عبداللهی مدیریت شهری از دو طریق می‌تواند در مقوله مدیریت بحران دخالت کند. طبقه اول اختیاری است که برطبق قانون به شهرداری داده شده است که به خدمات‌رسانی به شهروندان برای مقابله با سوانح در شهرها بپردازد؛ و طبقه دوم

نظارت و کنترل قانونی است که شهرداری‌ها می‌توانند بر ساخت و سازهای شهری داشته باشند. مورد اول را می‌توان به بند ۱۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها استناد داد. در این بند آمده است: «اتخاذ تدابیر مؤثر و اقدام لازم برای حفظ شهر از خطر سیل و حریق و همچنین رفع خطر از بناها و دیوارهای شکسته و خطرناک واقع در معابر عمومی و کوچه‌ها و اماکن عمومی و دالان‌های عمومی و خصوصی و پرکردن و پوشاندن چاه‌ها و چاله‌های واقع در معابر و نظایر اینها». وی در ادامه می‌افزاید: «برای اجرایی کردن این بند واحدهای ادارات و سازمان‌های آتش‌نشانی در تشکیلات شهرداری‌ها ایجاد شد، به گونه‌ای که در زمان حاضر حدود ۴۷ سازمان آتش‌نشانی در کشور مجوز فعالیت گرفته‌اند و در تمامی شهرداری‌ها با ایجاد ایستگاه‌های مستقل و غیرمستقل آتش‌نشانی، به کارگیری نیروهای آتش‌نشانی - اعم از نیروهای فنی و عملیاتی شهرداری‌ها - در صدور انجام این وظیفه برآمده‌اند. اما در اجرای این بند فقط به مبارزه با حریق در شهرها توجه شده است و نکته‌ای که در این بند وجود دارد و مغفول مانده است وظیفه‌ای است که به موجب همین بند قانونی به شهرداری‌ها داده شده، که اندیشیدن تدابیر لازم برای حفظ شهر از خطر سیل است. خوشبختانه در طول برنامه دوم و سوم توسعه کشور به این امر به خوبی پرداخته شده است، به گونه‌ای که شهرداری‌ها سیل‌بندهایی در سطح شهرها ایجاد کرده‌اند و تدابیر دیگری مانند رسوب‌زدایی از مسیرهای موجود در شهرها را نیز مد نظر قرار داده‌اند؛ اما من فکر می‌کنم شهرداری‌ها خیلی بیشتر باید در این زمینه سرمایه‌گذاری کنند؛ هم به لحاظ سازمانی و هم به لحاظ خرید و نصب تجهیزات و مورد نیاز برای مهار سیلاب‌ها تا اگر سیلی در شهر اتفاق افتاد توانایی مقابله با آن را داشته باشند». ابزار کنترل دیگری که شهرداری‌ها برای مدیریت بحران شهری در اختیار دارند، نظارت و کنترل بر ساخت و سازهای شهری است. برخی از موارد قانون شهرداری مانند بند ۲۴ ماده ۵۵، ماده ۹۹ و ماده ۱۰۰ شهرداری چنین چیزی را به صراحت بیان کرده‌اند. از طرفی شهرداری‌ها از طریق طرح‌های توسعه شهری نیز به مدیریت بحران شهری می‌پردازند.

به طور کلی اینکه مدیریت بحران از مدیریت و برنامه‌ریزی شهری جداست یا نه، جای بحث دارد. برخی بر این باورند که مدیریت بحران مقوله‌ای جدا از مدیریت و برنامه‌ریزی شهری است؛ بنابراین باید به صورت جداگانه و مخصوص به آن نگریسته شود و باید طرح‌ها و برنامه‌های خاص خود داشته باشد. طبق نگرشی دیگر مدیریت بحران در متن مدیریت و برنامه‌ریزی شهری قرار دارد. به نظر عسکری: «ارتباط نزدیکی بین این دو به چشم می‌خورد. به عنوان مثال، پیشگیری از سوانح یا آماده‌سازی شهرها در مقابل بحران اساساً بدون برنامه‌ریزی و مدیریت شهری امکان‌پذیر نیست؛ یعنی برنامه ریزان شهری در هر صورت، چه به صورت مستقل به موضوع نگاه شود و چه به صورت عنصری از این زیر مجموعه، می‌توانند - و باید - نقش و تأثیری جدی در مدیریت بحران داشته باشند. اساساً بر طبق تعریف اولیه از برنامه‌ریزی شهری یکی از آرمان‌ها و مأموریت‌های برنامه‌ریزی شهری ایجاد شهرها و جوامع سالم، ایمن، مطمئن و

پایدار است. اگر چه در بسیاری از موارد این هدف لایه اهداف دیگر برنامه ریزان شهری گم شده است، اما از ابتدای شکل‌گیری این حرفه تاکنون این هدف جزء اهداف اصلی آنها بوده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مدیریت بحران نقش مهمی در برنامه‌ریزی شهری دارد و نمی‌شود از آن غافل شد - چه در مرحله پیشگیری، چه در مرحله آماده‌سازی و چه در مرحله بازسازی». وی همچنین می‌افزاید: «در نحوه نگرش به برنامه‌ریزی شهری و مدیریت بحران دو دیدگاه وجود دارد. یک دیدگاه به مدیریت بحران و مدیریت شهری به صورت یکپارچه و واحد می‌نگرد؛ ولی دیدگاه دیگر این دو را از هم تفکیک می‌کند و به صورت مستقل - ولی در تعامل با یکدیگر - به آنها می‌نگرد. به عنوان مثال در برخی از کشورها در طرح‌های شهری مدیریت بحران به عنوان بندی در شرح خدمات طرح‌ها گنجانده می‌شود مانند طرح‌های شهری که در کانادا تهیه می‌شود. ولی در برخی دیگر از کشورها طرح‌های مدیریت بحران مستقل و مجزا از طرح‌های شهری است. در این طرح‌ها، آنهایی‌شان که برای مدیریت بحران تهیه می‌شوند عمدتاً باید بر مبنای طرح‌های موجود شهرسازی تهیه گردند؛ یعنی در هر طرح بحرانی که تهیه می‌شود در ابتدای مطالعات باید طرح‌های موجود شهرسازی را بررسی و با آنها آشنایی پیدا کرد تا بر طبق محتوا و جزئیات طرح‌های مذکور طرح‌های مدیریت بحران تهیه شوند و معمولاً هم در تهیه طرح‌های مدیریت بحران افراد و عوامل مدیریت و برنامه‌ریزی شهری یا تهیه‌کنندگان طرح‌های شهری حضور دارند».

آموزش گام اول در مقابله با بحران

در ایران اساساً مدیریت بحران در چارچوب آموزشی تعریف می‌شود و سیستماتیک قرار ندارد. یعنی در مقوله‌های آموزشی خود تاکنون چنین چیزی وجود نداشته است. و همین امر در هنگام بروز بحران‌ها در کشور به شدت محسوس است. علی عسکری که مدیر پروژه مطالعه و بررسی سوانح آتش‌سوزی در مناطق شهری کشور و تدوین طرح جامع آموزش ایمنی در برابر آن برای مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری سازمان شهرداری‌های کشور بوده است، در این زمینه می‌گوید: «بحران‌هایی که در کشور، رخ داده‌اند، معمولاً افرادی که با دانش و آگاهی به اضافه تجربه قادر باشند این بحران‌ها را مدیریت کنند خیلی کم و نادرند. درست است که کسانی هم هستند که تجربه مناسبی در این زمینه دارند ولی اگر این تجربیات با آموزش ترکیب شود، می‌تواند تأثیر و کارایی خیلی زیادی داشته باشد. با توجه به اینکه کشور ما کشوری سانحه‌خیز و بلاخیز است، باید نقش مهمی برای آموزش در مقابله با بحران قائل شد». به نظر عسکری این آموزش‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: «آموزش‌های دانشگاهی و آکادمیک یا سطوح بالا برای تربیت مدیران بحران و کسانی که بتوانند برای مقابله با بحران‌ها برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کنند. دیگر آموزش‌های کاربردی‌تر برای کسانی است که حین وقوع بحران‌ها درگیرند. تجارب نشان داده است که آموزش باعث کاهش خسارات ناشی از بحران‌ها می‌شود. حتی در آموزش‌های عالی اگر توجه به سوی مسائل پیشگیری متمرکز شود نتایج بهتری به دست



اکشام حاجی پور
شهردار تبریز

خواهد آمد. اما باید توجه داشت که این آموزش‌ها باید جامعیت لازم را داشته باشند». علی‌عسکری در ادامه می‌گوید: «هم اکنون افراد متخصص در زمینه‌های مختلف مرتبط با بحران و مدیریت بحران وجود دارند ولی هیچ کدام دید جامعی نسبت به مسئله ندارند و هر کدام از منظر رشته خود به صورت تکبعدی به آن می‌نگرند و توصیه‌های لازم را ارائه می‌کنند که فاقد جامعیت است. مثلاً زمین‌شناسان ما با مسائل زمین‌شناسی، تکتونیک و زلزله‌شناسی دارند و در این زمینه می‌توانند دستورالعمل‌هایی را در اختیار قرار دهند تا در مدیریت بحران از آنها استفاده شود؛ و یا کسانی که در زمینه مدیریت منابع طبیعی تخصص دارند می‌توانند توصیه‌هایی در مورد مقابله با سیل و خشکسالی بکنند، و نظایر اینها؛ ولی هیچ کدام دید جامعی به مسئله ندارند. در کشور به افرادی نیاز است که آموزش‌های لازم را در زمینه بحران در همه جهات دیده باشند و با تخصص‌های مختلف در این زمینه آشنایی داشته باشند تا بتوانند به صورت صحیح به برنامه‌ریزی و سیاستگذاری در این زمینه بپردازند».

پیشگیری قبل از وقوع

بر طبق آماری که در ابتدای این گزارش ارائه گردید، می‌توان گفت که خواه و ناخواه شهرها در کشور ما گسترش پیدا خواهند کرد. این گسترش خود به خود مشکل ساز نیست بلکه آنچه شهرها را با خطر مواجه می‌سازد رعایت نکردن اصول شهرسازی در گسترش شهرهاست. عباس جزایری، کارشناس ارشد عمران و مدیر کل دفتر مطالعات و هماهنگی امور ایمنی و بازسازی وزارت کشور می‌گوید: «در کشورهایی که دارای سیستم برنامه‌ریزی منظم و منسجمی هستند همه مسائل برنامه‌ریزی شهری در شهرها مد نظر قرار می‌گیرند و شهرها در هنگام گسترش و توسعه روال صحیحی را طی می‌کنند که مدیریت شهری آنها را در اداره شهرها با مشکل مواجه نمی‌سازد. ولی در کشورهایی مانند کشور ما، یا به اصطلاح کشورهای در حال توسعه، که می‌خواهند به سرعت و طی فرایندی سریع خودشان را به مراحل بالای توسعه و کشورهای توسعه یافته برسانند، برنامه‌ریزی‌ها و از جمله برنامه‌ریزی‌های شهری به صورت جامع و همه جانبه نگر تهیه نمی‌شوند و این برنامه‌ها در بخش‌های مختلف با مشکل مواجه می‌گردند که در مواقع بحرانی، شهرها را آسیب پذیر می‌سازد. به عنوان مثال می‌توان به اهمیت ندادن لازم به اصول ایمنی و مدیریت بحران در طرح‌های هادی، جامع و تفصیلی در شهرها اشاره کرد. اگر مطالعات طرح‌های جامع و تفصیلی به دقت صورت بگیرد، گسل‌های شهر شناخته شوند، نقاط آسیب پذیر مشخص گردند، می‌توان با برنامه‌ریزی صحیح شهرها را در مقابل حوادث بیمه کرد».

حاجی پور رشد شهر تبریز را نمونه بارزی از این گونه رشد بدون برنامه می‌داند که در آینده و خصوصاً هنگام وقوع بحران، مدیران شهری آن را با مشکل مواجه خواهد ساخت: «هم اکنون در تبریز حداقل ۴۰ درصد از پیکره شهر بدون برنامه و به صورت حاشیه‌ای شکل گرفته و هیچ گونه قواعد شهرسازی در آنها رعایت نشده است. با افزودن بافت‌های فرسوده شهری به این ۴۰ درصد می‌توان ادعا کرد که ۵۰ درصد از شهر با مشکل جدی در

زمینه خدمات رسانی در هنگام وقوع بحران‌ها مواجه خواهد شد. امداد رسانی به این بافت‌ها در هنگام بحران به دو دلیل امکان پذیر نیست: اولاً اینکه به دلیل فرسوده بودن بافت کالبدی این مناطق در زلزله‌های با قدرت بیش از ۴ ریشتر تخریب در آنها شدید است و این امر امکان امداد رسانی را به حداقل کاهش می‌دهد؛ ثانیاً اینکه شبکه بندی معابر در این بافت‌ها غلط و غیراصولی است و امکان تردد خودروهای امداد رسانی را در هنگام بحران دشوار می‌کند. برای برطرف ساختن این مشکلات می‌بایست بافت‌های فرسوده شهری را از طریق مشارکت بخش‌های خصوصی احیا کرد. همچنین با بدنه سازی، احداث خیابان‌های عریض و بهسازی شبکه معابر این بافت‌ها باید درصدد اصلاح شبکه معابر آنها برآمد. با این اقدامات هم می‌توان میزان تخریب را در هنگام وقوع بحران در این بافت‌ها کاهش داد و هم خدمات رسانی بهتری به این بافت‌ها ارائه کرد». حاجی پور در گفته‌های خود تأکید فراوانی بر این نکته دارد که مردم ایران را دو چیز از بین می‌برد: زلزله و راه‌ها. دولت، مجلس، سازمان‌ها، ادارات، شهرداری‌ها، وزارت کشور، سازمان شهرداری‌ها و نظایر اینها باید همت کنند و بودجه‌ای ویژه برای

بحران سانحه‌ای تعریف شده است که باعث خسارات و تلفات جانی و مالی می‌شود و زندگی عادی مردم را مختل می‌کند. مدیریت بحران نیز شامل کلیه تلاش‌هایی است که به دنبال پیشگیری از وقوع بحران‌ها در درجه اول، سپس مقابله با آنها در صورت وقوع برای کاهش خسارات و تلفات و بالاخره واکنش مناسب پس از وقوع بحران‌هاست

سرعت دادن به تکمیل راه‌ها و بهسازی و بازسازی بافت‌های حاشیه‌ای و فرسوده شهرها اختصاص دهند تا این دو معضل را بر طرف سازند. وی همچنین می‌افزاید: «تشکیل ستاد بحران و آماده سازی برای مقابله با بحران و عملیات بعد از بحران ۱۰ درصد یا ۱۵ درصد از موضوع مقابله با بحران را شامل می‌شود و ۹۰ درصد بقیه به ایمن سازی بافت‌های شهری باز می‌گردد. ما باید به دنبال احیای بافت‌های فرسوده و حاشیه شهرها برویم و به دنبال مقاوم سازی و رعایت مقررات ساختمان سازی در امر ساخت و سازهای جدید شهری باشیم. به دلیل رعایت کردن همین اصول است که در زلزله‌ای ۶/۸ ریشتری در ژاپن فقط ۳ نفر زخمی می‌شوند ولی در زلزله بم بیش از ۱۰۰ هزار نفر مجروح یا کشته می‌شوند. این نشان می‌دهد که شهرسازی ما مشکل دارد و باید در امر شهرسازی و مقاوم سازی، بازسازی و بهسازی شهرها تلاش کرد تا قبل از زلزله بتوان شهرها را مقاوم کرد. هر چقدر آسیب‌ها در شهرسازی پایین آید، قدرت مدیریت بحران هم افزایش پیدا می‌کند».

عباس جزایری در مورد اقدامات انجام گرفته برای ایمن سازی شهرها می‌گوید: «در کشور بعد از زلزله مخرب خرداد ماه ۱۳۶۹ رودبار و منجیل، دولت قوانین و مقررات بسیار خوبی را

در زمینه مقاوم سازی بافت‌های شهری در مقابل زلزله به تصویب رساند ولی متأسفانه سیستم اجرا و نظارت به گونه‌ای نبوده است که بتواند آنچه را که در قوانین آمده کنترل کند تا به خوبی اجرا شود. هم‌اکنون در ساخت و سازهایی که در کشور انجام می‌شود هر کسی می‌تواند دخالت کند، در حالی که در هیچ‌جای دیگر دنیا بدین گونه عمل نمی‌شود و ساختمان سازی فقط به وسیله متخصصان انجام می‌گیرد». وی از اقدامات شورای کاهش خطرپذیری به عنوان عامل مهمی در ساماندهی به ساخت و سازهای کشور نام می‌برد و می‌گوید: «در سال ۱۳۷۹ براساس ماده ۱۳ قانون بودجه شورای عالی کاهش خطرپذیری تشکیل شد و مسئولیت آن به عهده معاونت فنی سازمان برنامه و بودجه یا مدیریت و برنامه‌ریزی کنونی قرار گرفت. خوشبختانه با تشکیل شورای عالی کاهش خطرپذیری که مکمل ستاد حوادث و سوانح غیرمترقبه کشور بود و از طریق کمیته ساخت و سازهای اصولی این شورا اقدامات مثبتی را در زمینه تصویب قوانین کنترل اصولی ساخت و سازها به عمل آورده است. یکی از این اقدامات مثبت تهیه گردش کار ساختمان سازی بود که در مرداد ماه امسال به اتمام رسید». وی همچنین از تدوین آیین‌نامه اجرایی ماده ۳۳ قانون نظام مهندسی ساختمان به عنوان یکی دیگر از اقدامات مثبت شورای عالی کاهش خطرپذیری نام می‌برد: «براساس آیین‌نامه اجرایی ماده ۳۳ قانون نظام مهندسی ساختمان دیگر هر کسی نمی‌تواند در زمینه ساخت و ساز در کشور فعالیت داشته باشد بلکه فقط مجریان متخصص می‌توانند اقدام به این امر کنند. براساس این آیین‌نامه هر کس بخواهد در ساخت و ساز دخالت کند باید یک مجری ذی صلاح که از طرف وزارت مسکن و شهرسازی تأیید شده باشد برای این کار برگزیند، تا این مجری از ابتدای کار ساختمان سازی تا انتهای آن بر امور نظارت داشته باشد و از نیروهای متخصص در این زمینه استفاده کند. براساس همین آیین‌نامه وزارت کار و تأمین اجتماعی و سازمان فنی و حرفه‌ای موظف شده‌اند که کارگران متخصص و آموزش دیده‌ای را در بخش ساختمان تربیت کنند و به این افراد کارت مهارت بدهند تا مجریان طرح‌های ساختمان سازی در هنگام نیاز از آنها استفاده کنند. همچنین مجری ساختمان سازی موظف به استفاده از مصالح استاندارد در ساختمان‌ها شده و دیگر کار فرما یا مجری مهندس ناظر را انتخاب نمی‌کند بلکه مهندسان ناظر از طرف سازمان نظام مهندسی برای نظارت و کنترل بر کار معرفی می‌گردند». اقداماتی که برشمرده شد برای ساخت و سازهای جدید در کشور است. در مورد بافت‌های فرسوده شده و بافت‌هایی که هم‌اکنون وجود دارند نیز شورای عالی کاهش خطرپذیری کشور تمهیداتی را اندیشیده است که جزایری آنها را از این گونه برمی‌شمارد: «برای ساختمان‌های کنونی شهرها نیز تمهیداتی از جمله مقاوم سازی آنها اندیشیده شده است. هم‌اکنون کار مطالعات و تحقیقات برای مقاوم سازی ساختمان‌های پایتخت از جمله ساختمان نهادها و مراکز دولتی، مراکز امدادی، آتش‌نشانی‌ها، شریان‌های حیاتی شهری همچون شبکه آب، برق، گاز، پل‌ها و جز اینها شروع شده و از ابتدای برنامه چهارم کار مقاوم سازی آنها آغاز می‌گردد». خوشبختانه در برنامه چهارم توسعه کشور توجه خاصی به استحکام بخشی ساخت و

سازها شده و در ماده ۳۰ آن چنین آمده است: «دولت موظف است به منظور هویت بخشی به سیمای شهر و روستا، استحکام بخشی ساخت و سازها، دستیابی به توسعه پایدار و بهبود محیط زندگی در شهرها و روستاها اقدام‌های مناسبی را در بخش عمران شهری به عمل آورد». بند «ب» این ماده به صورت شفاف موضوع ایمن سازی ساختمان‌ها را چنین مطرح می‌سازد: «ایمن سازی و مقاوم سازی ساختمان‌ها و شهرها به منظور کاهش خسارات انسانی و اقتصادی ناشی از حوادث غیرمترقبه». به گفته جزایری «کارهای مطالعاتی، تحقیقاتی، پژوهشی، کاربری و اجرایی مناسبی در زمینه ایمنی سازی ساخت و سازها در کشور انجام گرفته ولی به اجرا درآوردن آنها نیاز به اعتبارات مناسب و فرهنگ سازی بین مردم و مسئولان دارد تا این اقدامات مفید واقع شود».

نتیجه‌گیری

هر ساله حوادث مخرب مختلفی در کشور به وقوع می‌پیوندند، همچون سیل، زلزله، خشکسالی و جز اینها. به دلیل تعداد فراوان و تعدد تکرار این حوادث، ایران را از حادثه‌خیزترین کشورهای جهان دانسته‌اند. عدم برنامه‌ریزی صحیح برای مقابله با این حوادث خسارات فراوانی را به کشور تحمیل می‌کند. این امر توجه جدی دست اندکاران را به برنامه‌ریزی برای مقابله با سوانح ضروری می‌سازد تا از خسارات این حوادث کاسته شود. طبق نظر متخصصان بهترین گزینه برای مقابله با سوانح، که هم‌اکنون نیز در جهان مورد اقبال اکثر کشورها قرار گرفته، پیشگیری از سوانح و برنامه‌ریزی برای مقابله با آنهاست. پیشگیری مقوله‌ای هزینه‌بر و در عین حال طولانی مدت برای مقابله با بحران‌هاست ولی در دراز مدت صرفه اقتصادی آن بیشتر از برنامه‌ریزی برای آمادگی برای مقابله با بحران است. خوشبختانه در سال‌های اخیر این رویکرد در سیستم برنامه‌ریزی کشور مورد توجه قرار گرفته و اقدامات مثبتی در این زمینه انجام شده است. لیکن اکنون آغاز راه است و تا به نتیجه رسیدن راه درازی در پیش است که امید است با اهتمام بیشتر دولتمردان در آینده شاهد نتایج مثبت این اقدامات در کشور باشیم. اقدام مثبت دیگری که نقش مهمی در مقابله با بحران‌ها دارد برنامه‌ریزی مقابله با بحران در سطح محلی و تقویت مدیریت‌های محلی برای مقابله با بحران است. مدیریت‌های محلی در ابتدای وقوع سوانح در محل حضور دارند و همان‌ها باید به مقابله با آن بپردازند. در این زمینه نیز خوشبختانه اقدامات مثبتی مانند واگذاری مدیریت بحران در شهر تهران به شهرداری تهران صورت گرفته است که نتایج این تجربه می‌تواند در آینده مورد استفاده دیگر شهرداری‌های کشور قرار گیرد تا آنها نیز به تشکیل ستاد‌های مدیریت بحران در سطح محلی بپردازند. لیکن این اقدامات در سطح فعلی پاسخگو نیست و مدیریت‌های محلی باید بیشتر در این زمینه تجهیز شوند. سرانجام اینکه بر طبق نظر صاحب‌نظران بهترین روش برای کاهش خسارات و پیشگیری از سوانح و بحران‌ها آموزش است؛ هم آموزش‌های عمومی و هم آموزش‌های تخصصی به کسانی که مستقیماً در موقع بحران درگیرند. بامد نظر قرار دادن رویکردهای مذکور تا حدود زیادی می‌توان از خسارات ناشی از سوانح و بحران‌های شهری کاست.

بحران زمین لرزه و مدیریت آن

بهزاد پورمحمد

مسئول ستاد حوادث و سوانح غیرمترقبه استان مازندران با همکاری

محمد رضا هوشمند مروستی

کارشناس ستاد حوادث و سوانح غیرمترقبه کشور



بحران

هرگونه تغییرات ناگهانی در اثر رخ دادن حوادث غیرمترقبه که باعث اختلال در شرایط عادی جامعه شود و نیاز به اقدام ضروری باشد و یا به عبارتی دیگر هرگاه رخدادی ناپهنگام و پیش بینی نشده با شدتی بیش از حد معمول باعث به هم خوردن وضع عادی مردم شود، بحران تلقی می‌گردد. بحران بر دو گونه است: بحران طبیعی^(۱)، بحران انسان ساخت.^(۲) بحران یعنی دگرگونی و ایجاد وضع فاجعه‌آمیز به گونه‌ای که شیرازه زندگی مردم ناگهان گسیخته شود و مردم دچار رنج و درماندگی گردند و تأمین نیازهای اولیه زندگی شان مخدوش شود. بحران را می‌توان ایجاد وضع اضطراری و غیرعادی در جامعه برشمرد، که جامعه آسیب دیده توانایی رفع آن را چندان - یا به طور کلی - نداشته باشد. بحران‌ها از نظر وسعت تأثیر و شدت به محلی یا استانی و فراملی تقسیم می‌شوند و در هر بحران نیز سه مرحله قابل تشخیص است: پیش از وقوع، وقوع، بعد از وقوع.

مدیریت بحران

مدیریت بحران دربرگیرنده عملیات و اقدامات پیوسته و بویاست و به طور کلی براساس تابع کلاسیک مدیریت (برنامه‌ریزی،

چکیده

بررسی زمین لرزه‌های رخ داده در کشور نشان می‌دهد که اکثر مناطق ایران در معرض خطرهای ناشی از زلزله‌های مخرب قرار دارند.

شناخت اصول و شیوه‌های صحیح مقابله با بحران، تهیه و تدوین برنامه جامع مقابله با بحران در جهت حفظ آمادگی لازم و کاهش تأثیرات آن (خسارت‌های مالی، تلفات جانی) با مدیریت واحد بحران در مسیر توسعه پایدار کشور امری اجتناب‌ناپذیر و ضروری است.

در این مقاله ابتدا به تشریح بحران پرداخته شده و مدیریت بحران و وضع موجود آن در ایران به اختصار تحلیل گردیده است. سپس در مورد چرخه مدیریت بحران و حلقه‌های ناگسستگی آن شامل چهار مرحله پیشگیری، آمادگی، مقابله، اسکان و بازسازی توضیح کوتاهی داده شده و همزمان نیز به نقش مردم در مراحل مختلف مدیریت بحران اشاره شده است. نهایتاً این مقاله ضرورت مدیریت بحران واحد را با هدف کاهش خسارت‌ها و تلفات جانی ناشی از بلایای طبیعی که به بحران تبدیل شده، مدنظر داشته است.

برنامه‌ها.

وضع موجود مدیریت بحران در ایران

به منظور حفاظت از جان و مال مردم، تأسیسات، منابع مختلف و ثروت‌های ملی در برابر حوادث طبیعی، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی «سازمان دفاع غیرنظامی» با مدیریت وزارت کشور به فعالیت می‌پرداخت. پس از چند سال براساس مصوبه مجلس در ۱۳۵۴ به منظور ایجاد آمادگی بین مردم و دولت، سازمان آمادگی ملی و بسیج غیرنظامی زیر نظر نخست‌وزیر تشکیل شد و با پیروزی انقلاب اسلامی مسئولیت امداد رسانی و وظایف سازمان‌های اشاره شده به عهده ستادی تحت عنوان «ستاد حوادث غیرمترقبه» و زیر نظر ریاست جمهوری قرار گرفت. به همین منظور در وزارت کشور دفتری با نام «دفتر مطالعات و هماهنگی امور ایمنی و بازسازی»، و در استانداری‌ها نیز دفتری با همین نام تشکیل شد. فعالیت‌های این ستاد عموماً برنامه‌ریزی، مطالعات، نظارت و هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی در امور مربوط به حوادث غیرمترقبه و بحران‌های طبیعی است.

وقوع حوادث مختلف از جمله زلزله سال ۶۹ رودبار این احساس نیاز مدیریتی را در بین مقامات دولتی و جامعه بیش از پیش برانگیخت و تجربیات تلخ این زلزله و حوادث بعدی باعث شد تا همه دستگاه‌های امدادی و خدماتی دولتی و خصوصی به تناسب نوع خدمات و فعالیتی که دارند در مواقع بحران دخالت کنند. در زمان حاضر مدیریت بحران به صورت ستادی زیر نظر وزارت کشور و واحدهای تابع استانی آن یعنی استانداری‌ها، و در شهرستان زیر نظر واحدهای شهرستانی این وزارتخانه یعنی فرمانداری‌ها، با هدف هماهنگی و نظارت بر دستگاه‌های اجرایی در امور مرتبط با حوادث غیرمترقبه و همچنین در مواقع بحران اداره می‌شود.

اعضای این ستاد را نمایندگانی از وزارتخانه‌ها و نهادهای مختلف تشکیل می‌دهند؛ همچون: وزارت کشور، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی، ارتباطات و فناوری، آموزش و پرورش، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، راه و ترابری، نیرو، مسکن و شهرسازی، جهاد کشاورزی، اقتصاد و دارایی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، امور خارجه، علوم و تحقیقات و فناوری، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، جمعیت هلال احمر، نیروی مقاومت بسیج، سازمان صدا و سیما، ستاد کل نیروهای مسلح، سازمان شهرداری‌ها، نیروی انتظامی، بنیاد مسکن در سطح کشور و زیرمجموعه‌های آنها در سطح استان‌ها و شهرستان‌ها.

وظایف اصلی این ستاد شامل چهار مرحله است.

- ۱- مرحله پیشگیری
- ۲- مرحله آمادگی
- ۳- مرحله مقابله
- ۴- مرحله اسکان و بازسازی

چرخه مدیریت بحران

مرحله پیشگیری

در کشورهای لرزه خیزی که اصول پیشگیری و ایمنی در آنها رعایت می‌شود، ثابت گردیده است که درصد تلفات، صدمات و

سازماندهی، تشکیلات، رهبری و کنترل) در مواقع بحرانی استوار است. بنابراین مجموعه اقداماتی که قبل، حین و پس از وقوع بحران بایستی انجام گیرد تا جامعه ضمن حفظ آمادگی کامل در جهت کاهش تأثیرات بلا یا (خسارت مالی و تلفات جانی) سوق داده شود و در کوتاه‌ترین زمان ممکن پس از وقوع بحران وضع به حالت عادی برگردد، همان مدیریت بحران است.

از نظر علمی مدیریت بحران عبارت است از منابع موجود، نیازهای واقعی اجرای مدیریت در شرایط بحرانی، با توجه به محدودیت منابع و جلوگیری از تشکیلات و سازماندهی اضافی. عموماً در زمان بحران به صورت آشکارا و یا ناملموس همه دوست دارند دخالت کنند و این احساس که اگر دخالت کنند در جهت رفع بحران مؤثر خواهند بود، در گروه‌های مختلف دیده می‌شود.

این گروه‌ها عبارت اند از: مردمی که مستقیم در معرض خطر هستند، مردمی که در معرض خطر نیستند ولی حس نوع دوستی دارند، ارباب جراید و روزنامه‌های گروهی، جامعه‌شناسان، قانونگذاران، سرمایه‌گذاران و بیمه‌گران، مسئولان و مقامات، جامعه علمی و فنی و جز اینها.

بنابراین گروه‌های مداخله کننده به دو گروه دولتی و مردمی تقسیم می‌شوند. مسلماً عدم هماهنگی و انسجام بین گروه‌های مختلف در زمان بحران می‌تواند باعث ایجاد نابسامانی در جامعه شود و بر شدت تأثیرات بحران بیفزاید. چنانچه در زمان بحران و سایر مراحل بحران بخواهیم به جامعه سامان دهیم، می‌بایست در مراحل مختلف بحران با در نظر گرفتن هدف اصلی آمادگی و رویارویی، نقش‌ها و مسئولیت‌ها را براساس برنامه‌ای مشخص به طور صحیح و هماهنگ به اجرا درآوریم.

از آنجا که در مدیریت بحران هدف مدیریت واحد است، بنابراین نکات زیر بایستی در برنامه کاری قرار گیرد.

۱- تعیین هریک از منابع سازمانی با تخصص مشخص؛ و سازمان متخصص نیز خود باید دارای سیستم مدیریت صحیح و قوی باشد.

۲- مدیریت واحد و کلی بحران نباید در امور مدیریت داخلی سازمان‌های تعیین شده دخالت کند.

۳- مدیریت واحد و کلی بحران بایستی وظایف و اولویت‌ها را برای سازمان‌های زیرمجموعه مشخص سازد و به آنها ابلاغ کند.

۴- مدیریت کلی بحران نباید نحوه انجام وظایف تخصصی و داخلی را به سازمان‌های زیرمجموعه دیکته کند.

با توجه به نکات ذکر شده و رعایت چهار اصل زیر در مدیریت بهینه منابع و در زمان بحران نتایج مطلوب‌تری حاصل خواهد شد. الف- وجود یک مرکز عملیات اضطراری مجهز به تجهیزات و نیروهای متخصص و ورزیده در دستگاه‌های اجرایی که هر کدام دارای کد مشخص و درجه‌بندی شده باشند و توانمندی واکنش‌های سریع را نیز داشته باشند.

ب- وجود سیستم اطلاعاتی و ارتباطی مناسب.

ج- وجود ارتباط مؤثر و نزدیک و مرتب بین مسئولان هدایت مدیریت بحران و سازمان‌های ذی‌ربط، مسئولان و پرسنل اجرایی.

د- احساس مسئولیت سازمان‌های مداخله کننده در بحران در قبال وظایف خود در مراحل مختلف بحران، به ویژه عملیاتی کردن

خسارات ناشی از حوادث غیرمترقبه به خصوص زلزله‌های مخرب به مراتب کمتر از جوامعی است که به این اصول عمل نمی‌کنند و یا به طور کلی به امر پیشگیری اعتقاد ندارند و در اذهان خود همواره می‌پروراند که زلزله بلایی طبیعی است و بایستی انتظار کشید تا رخ دهد و آن گاه کمک‌رسانی انجام شود.

هرگاه رخدادی نابهنگام و پیش‌بینی نشده با شدتی بیش از حد معمول باعث به هم خوردن وضع عادی مردم شود، بحران تلقی می‌گردد

به منظور پیشگیری از آثار سوء ناشی از زلزله بایستی نکاتی همچون فرهنگ عمومی جامعه، ویژگی‌های زمین ساختی، وضعیت جمعیتی، نوع و بافت سازه‌های مسکونی و تجاری، وضعیت زیرساخت‌ها، آثار فرهنگی و تاریخی و نظایر اینها مدنظر قرار گیرد. در امر پیشگیری دولت و مردم مشترکاً می‌توانند نقش بسیار مفیدی داشته باشند و عموماً در جوامع در حال توسعه هر کدام به تنهایی موفقیت چندانی نخواهند داشت. در امر پیشگیری جهت‌گیری‌های دولت و مردم بایستی کاهش تأثیرات بلایا با آموزش رفتار در برابر زلزله و افزایش ایمنی باشد. پیشگیری عموماً قبل و بعد از بحران مؤثر است، زیرا قبل از بحران با توجه به بحران‌های گذشته و بلافاصله بعد از جریان به واسطه تأثیرات منفی زلزله رخ داده، جامعه آمادگی لازم را برای این موضوع دارد و در واقع بستر کار مهیاست. در پیشگیری از بحران چند اصل مهم وجود دارند که اینها هستند:

۱- بانک اطلاعات - بانک اطلاعات می‌تواند به دو گونه باشد: (۱) بانک اطلاعات زمین ساختی منطقه و تفکیک مناطق از نظر میزان خطرپذیری و پردازش اطلاعات و استفاده از آنها در امور اجرایی مناطق جمعیتی؛ و (۲) بانک اطلاعات وضعیت ساختمان‌های مسکونی و امدادی، تأسیسات زیربنایی، بافت‌های شهری، وضعیت معابر، فضاها و جز اینها.

۲- مقاوم سازی - مقاوم‌سازی بناهای موجود (مسکونی و تجاری و بناهای مهم مثل پل‌ها و جز آن)، افزایش ایمنی تأسیسات زیربنایی، اصلاح بافت‌های شهری نامناسب و نظایر اینها. در افزایش ایمنی تأسیسات زیربنایی چنانچه اطلاعات کاملی از وضعیت این تأسیسات و نقشه‌ها و وضعیت موجود آنها در سطح مناطق جمعیتی موجود باشد، با استفاده از راهکارهای جدید علمی می‌توان در جهت ایمن کردن آنها اقدام کرد تا در مواقع بحرانی حداقل خسارت و تلفات رخ دهد.

۳- آموزش رفتار در برابر زلزله - آموزش‌های رفتاری و مقابله با پدیده زمین‌لرزه به طور فردی، خانوادگی و همگانی مهم‌ترین موضوع در کاهش تلفات، صدمات و خسارات است. شناخت خطر در افزایش آگاهی‌های عمومی به خصوص مقاوم‌سازی و افزایش ایمنی، همچنین ضروری‌ترین اقدامات رفتاری قبل از وقوع حادثه، به هنگام تکان‌های شدید ناشی از زلزله و نیز در عملکرد پس از وقوع زلزله بسیار مفید است.

مرحله آمادگی

حذف فاجعه ناممکن است اما کاستن از صدمات و تلفات ناشی از آن امکان‌پذیر است. آمادگی جامعه به عنوان بخشی از برنامه کاهش خسارت تلقی می‌شود. مردم به طور معمول تا حادثه‌ای - به ویژه حوادث طبیعی - پیش نیاید، به فکر چاره‌اندیشی نمی‌افتند و به عبارت دیگر آمادگی چندانی برای رویارویی با آن ندارند. بنابراین داشتن برنامه‌های رسمی به منظور برخورد صحیح و سریع با حوادث و به محض وقوع آن لازم است. آگاه و متقاعد کردن مردم به ضرورت درک خطر بلایای طبیعی و نیز ایجاد انگیزه همکاری مشترک بین مقامات محلی و مردم در تدوین برنامه‌های مطلوب برای حفظ سلامت اهمیت ویژه‌ای دارد.

شبیه‌سازی صحنه‌های مربوط به بحران و انجام تمرینات دوره‌ای و مداوم به وسیله گروه‌های درگیر در بحران و ارزیابی نتایج حاصل از آن و شناسایی نواقص و کمبودها و بهره‌گیری از تجربیات افرادی که خود قبلاً به طور مستقیم در بحران حضور داشته و دارای تجربه‌اند، در تمرینات مفید خواهد بود.

شناخت کامل وضع موجود شهرها و مکان‌های جمعیتی و شریان‌های حیاتی و تأسیسات زیربنایی، شناخت مکان‌های امن و فضاها و باز، شناخت توانمندی‌ها و توانایی‌های موجود گروه‌های درگیر در بحران - اعم از نیرو و امکانات - و تقویت آنها و برنامه‌ریزی قبل از بحران، آموزش‌های تخصصی برای گروه‌های درگیر در بحران و آموزش‌های عمومی برای مردم، انجام تمرینات دوره‌ای برای گروه‌های درگیر و مردم، ساماندهی نیروها و امکانات، شناخت پتانسیل‌های موجود، همگی در آمادگی مناطق برای مقابله با بحران مؤثر خواهد بود.

استفاده از توانمندی‌های مناطق همجوار به خصوص استان‌های معین (باریگر)، تقسیم کار به تناسب تخصص‌ها و ایجاد هماهنگی‌های بین بخشی، استفاده از پیشرفته‌ترین روش‌های عملیاتی و به کارگیری مدرن‌ترین و کامل‌ترین تجهیزات، ایجاد هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی درگیر در بحران و ایجاد مدیریت واحد در بحران، به کارگیری مشارکت‌های دولتی و مردمی برنامه‌ریزی شده در بحران، پیش‌بینی امکانات و تجهیزات مقابله با بحران در مناطق امن جمعیتی، شناسایی مناطق امن به منظور استفاده از آنها در زمان بحران، شناسایی محلی برای دفن زباله، طراحی مراکز امدادی و خدماتی مناسب به تناسب وضعیت جمعیتی و بافت و موقعیت شهری و نظایر اینها همگی در آمادگی برای مقابله با بحران و اتخاذ تصمیم سریع، صحیح و هماهنگی، استفاده بهینه از منابع (نیرو و امکانات) در قالب مدیریت واحد با هدف به حداقل رساندن خسارت‌ها و تلفات ناشی از بحران‌های احتمالی مدنظر قرار می‌گیرد.

بنابراین برنامه‌ریزی مناسب، پیش‌بینی‌های لازم، استفاده از نیروهای واکنش سریع با تجهیزات مناسب، برقراری ارتباط مؤثر بین گروه‌های درگیر در بحران و اجرای اضطراری و منظم امور در بحران در مرحله آمادگی باعث می‌شود تا همگی برای بحران و مقابله با آن همواره مهیا باشند.

مرحله مقابله

برنامه‌ریزی‌های بیشتر، هماهنگی‌های قبلی بهتر بین

گروه‌های درگیر، آموزش‌های تخصصی و عمومی بیشتر، تجهیزات مناسب‌تر و تمرین‌های لازم برای مقابله با بحران، باعث دستیابی به نتایج مطلوب‌تر می‌گردد.

در هنگام مقابله سه نوع استفاده از منابع - یا نیرو و امکانات - به ترتیب زمانی بعد از وقوع حادثه انجام خواهد شد:

۱- ورود سریع بازماندگان حادثه، برای مقابله.
۲- ورود سریع نیروهای امدادی و خدماتی دستگاه‌های اجرایی درگیر در بحران از نزدیک‌ترین محل به حادثه و از مناطقی که کمتر آسیب دیده‌اند.

۳- ورود استان‌های معین (یاربگر) و یا کشورهای همسایه که می‌تواند به تناسب فاصله از مرکز بحران انجام گیرد.

بنابراین در مرحله مقابله می‌توان موارد زیر را انجام داد:

۱- دریافت اطلاعات سریع و از منابع معتبر از مناطق بحران زده و اعلام نیاز اولیه براساس نوع و ابعاد حادثه.

ماشین‌های آتش‌نشانی و خدمات ایمنی و تأسیساتی به منطقه بحران از هر طریق که ممکن باشد. در این مرحله حضور بالگردهای امدادی - و در مناطق دریایی، قایق‌های امدادی - بسیار مؤثر خواهد بود.

۹- حضور بموقع نیروهای امنیتی و حفاظتی به منظور جلوگیری از هرج و مرج، سرقت اموال و کنترل آمدورفت خودروها.

۱۰- فعالیت گروه‌های خاکسپاری و ایجاد بانک اطلاعات و ثبت مشخصات افراد بومی و غیربومی با همکاری ثبت احوال.

۱۱- فعالیت گروه‌های دفع مواد زائد و زباله در مکان‌های مناسب و فعالیت نیروهای خدمات شهری.

۱۲- فعالیت گروه آمار و اطلاعات برای ارزیابی خسارات مالی و جمع‌بندی سایر اطلاعات مورد نیاز.

۱۳- فعالیت گروه زیربنایی برای تأمین اضطراری و رفع عیب آب و برق و گاز و مخابرات در نقاط بحران.



۱۴- فعالیت گروه روابط عمومی به منظور اطلاع رسانی و هشدار و به تصویر کشیدن وقایع.

۱۵- فعالیت گروه بهزیستی و بهداشتی و انجام امور به تناسب تخصص.

بنابراین در مرحله مقابله گروه‌ها در دو بخش امداد و نجات و پشتیبانی زیر نظر ستاد مدیریت بحران - که مدیریت واحد خواهد بود - فعالیت می‌کنند. گروه‌های فعال در هر بخش بدین شرح‌اند:

امداد و نجات: امداد و نجات، بهداشت و درمان، آتش‌نشانی و

۲- فراخوانی نیروهای اضطراری و واکنش سریع از دستگاه‌های اجرایی امدادی و خدماتی از طریق سازمان متبوع.

۳- فراخوانی مسئولان و فرماندهان درجه اول دستگاه‌های عضو ستاد به اتاق بحران مرکزی و اتاق بحران مناطق.

۴- ورود اضطراری دستگاه‌های اجرایی به تناسب ضرورت امر در منطقه بحرانی و هماهنگی و هدایت این نیروها به وسیله مرکز اتاق بحران. در این مرحله بایستی از ورود نیروها و امکانات غیر ضروری به منطقه بحرانی جلوگیری کرد.

۵- تشکیل ستادهای محلی برای ساماندهی نیروها و امکانات و استفاده بهینه از منابع و ارتباط مستمر و مستقیم این مرکز محلی با اتاق بحران مرکز و نیروهای درگیر در حادثه و تأمین خواسته‌های گروه‌های درگیر در حادثه.

۶- انتقال مجروحان و آسیب‌دیدگان به مراکز درمانی از هر طریق ممکن (هوایی، زمینی، دریایی).

۷- بازگشایی معابر اصلی و فرعی به وسیله ماشین‌آلات سنگین و فعالیت ماشین‌آلات برای آواربرداری‌های اولیه به منظور عملیات امداد و نجات.

۸- حضور بموقع و سریع آمبولانس و خودروهای امدادی،

مجموعه اقداماتی که قبل، حین و پس از وقوع بحران بایستی انجام گیرد تا جامعه ضمن حفظ آمادگی کامل در جهت کاهش تأثیرات بلا یا (خسارت مالی و تلفات جانی) سوق داده شود و در کوتاه‌ترین زمان ممکن پس از وقوع بحران وضع به حالت عادی برگردد، همان مدیریت بحران است

خدمات ایمنی، تأسیسات زیربنایی، تأمین سلامت روانی و اجتماعی، دفع مواد زائد، خاکسپاری، امنیت و انتظامات.

پشتیبانی: بودجه، بیمه و امور مالی، مشارکت مردمی، روابط عمومی، هماهنگی استان‌های یاریگر، هماهنگی تشریفات، آمار و ارزیابی خسارت، تدارکات، ترابری، امور قضایی و حقوقی، جذب و هماهنگی مشارکت‌های بین‌المللی، مخابرات و بی‌سیم، تأسیسات زیربنایی، مهندسی و طراحی، خدمات شهری.

مرحله اسکان و بازسازی

۱- اسکان موقت

بعد از هر زمین‌لرزه به منظور ساماندهی مردم و جلوگیری از سرگردانی آنها و برنامه‌ریزی در خدمات‌دهی بهتر و مناسب‌تر، اسکان موقت مردم ضروری است. عموماً اسکان موقت در چادر و کانکس صورت می‌گیرد. بخشی از مردم نیز در خانه‌هایی که مقاوم بوده و سالم مانده‌اند سکونت می‌یابند. بهترین راه برای اسکان موقت مردم بر پا کردن چادر و کانکس در محل ساختمان تخریب شده بر اثر زلزله و یا نزدیک‌ترین محل به آن است؛ ولی از آنجا که عموماً بعد از زلزله اصلی احتمال وقوع پس‌لرزه‌ها نیز وجود دارد و از طرفی تأسیسات زیربنایی (آب و برق و گاز و مخابرات) خسارت دیده‌اند و استفاده از آنها امکان‌پذیر نیست، ایجاد اردوگاه‌های محلی در پارک‌ها و فضاهای باز در محله‌های داخل و اطراف شهر بهترین نوع اسکان موقت خواهد بود. از طرفی در عملیات آواربرداری چادرهای اسکان موقت دست‌وپاگیر هستند؛ ولی مردم تمایل دارند به‌دو منظور در کنار خانه‌های تخریب شده خود اقامت داشته باشند: اول به خاطر حفاظت از اسباب و اثاث و اموال زیر آوارمانده‌شان؛ و دوم اینکه در بازسازی و آواربرداری حضور مستمر داشته باشند. به هر حال بلافاصله پس از برپا کردن چادر و استقرار مردم در این چادرها، تأمین آب آشامیدنی و بهداشتی از طریق تانکر سیار و ثابت و یا با ایجاد شبکه شیر برداشت با کنترل‌های بهداشتی در اردوگاه، تعبیه فضاهای تخلیه زباله و انتقال مرتب زباله‌های جمع‌آوری شده، تأمین سیستم روشنایی در فضاهای عمومی اردوگاه و در چادرها و یا کانکس‌ها، تأمین خط تلفن عمومی، تأمین حمام‌ها و توالت‌های بهداشتی عمومی و نظایر اینها ضرورت پیدا

می‌کند. از طرفی تأمین نیازهای عمومی مردم نیز همچون پوشاک، لوازم گرمایی، سرمایی و روشنایی، مواد خوراکی مانند کنسرو و نان در روزهای اول و تأمین ظروف و وسایل و لوازم‌پخت و پز در روزهای بعد، تأمین لوازم بهداشتی، تأمین شیرخشک و نظایر اینها بسیار ضروری است.

در کنار اینها، راه‌اندازی مهدهای کودک، مراکز بهداشتی و درمانی، نانواپی‌ها، فروشگاه‌های سیار، ایجاد پاسگاه‌های انتظامی محلی، راه‌اندازی اداراتی که قبلاً در منطقه فعالیت داشتند (حتی به صورت موقت)، راه‌اندازی مراکز آموزشی، راه‌اندازی ستادهای تدارکات محلی، راه‌اندازی سرویس‌های رفت و آمد عمومی، حضور مرتب گروه‌های آمار و ثبت و احوال، مددجویان، روان‌شناسان و کارشناسان بهداشتی در بین بازماندگان نیاز است. در این مرحله که حتی می‌تواند چندماه نیز طول بکشد، اگر بتوان زمینه اشتغال بازماندگان را فراهم آورد و این افراد را در آواربرداری و بازسازی دخیل کرد، بسیار مثبت خواهد بود.

در این مرحله نیز به منظور جلوگیری از هرج و مرج بایستی بلافاصله از طریق مقامات محلی و مدارک و مستندات موجود بازماندگان بومی شناسایی شوند و برای آنها کارت‌ها و دفترچه‌هایی صادر گردد و هرگونه خدمات به بازماندگان براساس این کارت‌ها و دفترچه‌ها صورت گیرد.

۲- آواربرداری

بخشی از آواربرداری در زمان امداد و نجات انجام می‌گیرد و بخش اعظم آواربرداری معمولاً هم‌زمان با اسکان موقت - یا بعد از آن - صورت می‌پذیرد. این مرحله حتماً بایستی براساس برنامه مشخص و به‌وسیله دستگاه‌ها و ماشین‌آلات و نیروهای متخصص با نظارت مسئول محلی صورت گیرد. در این میان نمایندگان آتش‌نشانی و ایمنی، آب، برق، گاز، مخابرات و مانند اینها نیز می‌بایست حضور داشته باشند تا در مواقع ضروری برای سرعت بخشیدن به کار و افزایش ایمنی از آنها استفاده شود.

داشتن آماری از ماشین‌آلات و نیروهای موجود در کل منطقه بحران و محله‌ها لازم است، زیرا گاه ایجاب می‌کند که بعضی گروه‌ها و ماشین‌آلات در مناطق جابه‌جا شوند، یا در صورت کمبود به ستاد بحران محلی و مرکز اعلام نیاز گردد. در آواربرداری تعیین محل مناسب برای تخلیه نخاله مهم است. نزدیکی به محل آواربرداری، ایجاد حداقل ترافیک در مسیر تخلیه و عدم خسارت به محیط زیست بایستی مدنظر باشد.

در زمان آواربرداری حضور مالک، نیروی نظامی و نماینده دستگاه قضایی الزامی است. جذب مشارکت‌های مردمی در این کار نیز عموماً در سرعت آواربرداری مؤثر است و از حساسیت‌ها می‌کاهد.

۳- اسکان دائم

به تناسب میزان خسارت وارد شده به بخش‌های مختلف، به زمان نیاز است و شاید علاوه بر آن، تأمین منابع مالی از طرف دولت و مردم برای بازسازی نیز - که به صورت اعتبار دولتی و یا مشارکت مردمی در سطح منطقه، کشور و یا بین‌المللی است - الزامی است. تجربه هر زلزله‌زنگ خطری برای دولت و مردم است که خوب و



۹- بهره‌گیری از مشورت مسئولان محلی و مشارکت مردمی.

۴- بازسازی اماکن دولتی و عمومی و تأسیسات زیربنایی
عموماً این کار به تناسب کار تخصصی اعضای ستاد مدیریت بحران به وسیله دستگاه اجرایی ذی‌ربط و با تأمین اعتبار به وسیله دولت صورت می‌گیرد. گاه این اعتبارات را افراد نیکوکار، نهادهای غیردولتی و مجامع بین‌المللی تأمین می‌کنند. بازسازی این‌گونه اماکن عمومی بایستی بر پایه اصول مقاوم‌سازی و رعایت اصول ایمنی و براساس بافت بومی منطقه صورت گیرد. در بازسازی زیرساخت‌های شهری در مناطق جمعیتی نیز باید ضمن

آموزش‌های رفتاری و مقابله با پدیده زمین‌لرزه به طور فردی، خانوادگی و همگانی مهم‌ترین موضوع در کاهش تلفات، صدمات و خسارات است

آینده‌نگری و شناخت ویژگی‌های توسعه مناطق متناسب با طرح‌ها و نقشه‌های مهندسی با رعایت اصول پیشگیری و ایمنی، کارها انجام گیرد.

تأمین اعتبار بموقع و اجرای سریع عملیات بازسازی با حفظ اصول مقاوم‌سازی، ایمنی و آینده‌نگری همواره بایستی مدنظر باشد.

رعایت اصول شهرسازی مانند ساختار شهری، فرم شهر، کاربری اراضی شهری، تراکم‌های شهری، تأسیسات و زیرساخت‌های شهری نقش مهمی در میزان آسیب‌پذیری مناطق جمعیتی در برابر زلزله دارند. در نتیجه در کنار بازسازی واحدهای مسکونی بایستی به‌طور ویژه و همزمان، اینها را نیز مدنظر قرار داد.

نتیجه‌گیری

ایران بر روی کمربند فعال لرزه‌خیزی آلپ- هیمالیا قرار دارد و وقوع زمین‌لرزه‌های مخرب در ایران امری اجتناب‌ناپذیر است، به گونه‌ای که همه ساله خسارات مالی و تلفات جانی فراوانی را در مناطق شهری و روستایی بر مردم وارد می‌کند. برای تحقق خواسته‌های مردم در زمینه کاهش خسارت‌ها و رفع نیاز جامعه به برنامه‌ریزی، تأمین منابع، مشارکت و همدلی آحاد مختلف جامعه نیاز است. این امر زمانی تحقق خواهد یافت که دستگاه‌های دولتی و گروه‌های مردمی با بسیج عمومی و با عملی کردن برنامه‌های خود در چرخه مدیریت بحران - شامل چهار مرحله پیشگیری، آمادگی، مقابله، اسکان و بازسازی - حضور یابند و عملاً توانمندی‌های بالقوه خود را به بالفعل تبدیل کنند. این امر را می‌توان در قالب مدیریت واحد بحران و با نیروهای واکنش سریع و متخصص در امور مختلف، با توان تجهیزاتی مناسب، مشارکت مردمی و با شبیه‌سازی و درس‌آموزی از بحران‌های گذشته و تمرین و ممارست در دوره آرامش، در مراحل سه‌گانه بحران (قبل، بعد و هنگام وقوع) عملی کرد.

مقاوم‌سازی و کمبود اعتبارات مالی بایستی مردم و مسئولان را از این امر غافل کند.

هرگونه بازسازی بایستی مبتنی بر اصل مقاوم‌سازی و متناسب با طرح‌های جامع و اصول معماری و شهرسازی در مناطق مختلف باشد و ضمن حفظ اصول ایمنی در آن اکثر نیازهای مردم پیش‌بینی شده باشد. در مرحله بازسازی جامعه از شرایط بحرانی به شرایط عادی بازگردانده می‌شود.

بازسازی واحدهای مسکونی می‌تواند به دو صورت انجام گیرد:

۱- بازسازی برای مردم بدون مردم؛ و

۲- بازسازی برای مردم با مشارکت مردم.

در بازسازی برای مردم بدون مردم، عموماً دولت از طریق ستاد مدیریت بحران نسبت به برآورد ریالی و تأمین اعتبار مورد نیاز برای بازسازی و اسکان دائم ساکنان واحدهای تخریب شده اقدام می‌کند. این نوع بازسازی عموماً با تأخیر زمانی انجام می‌گیرد و معمولاً دخالت‌های مردمی و کارشناسی‌های آنها را به همراه دارد.

در بازسازی برای مردم با مشارکت مردم عموماً طراحی و مشخصات ساختمان براساس نقشه و به وسیله دولت انجام می‌گیرد. دستگاه یا نهاد دولتی مصالح را تأمین می‌کند و مردم به ساخت‌وساز می‌پردازند. نظارت دولت هم در مراحل مختلف انجام می‌گیرد. عموماً در بازسازی بخشی از هزینه‌های ساخت‌وساز، شامل تأمین مصالح و نیروی کار، به صورت تسهیلات بانکی با بهره کم و درازمدت عرضه می‌گردد، یا به صورت کمک بلاعوض به وسیله دولت به مردم داده می‌شود.

تجربه در بازسازی مناطق آسیب‌دیده در ایران نشان می‌دهد که نوع دوم بازسازی موفق‌تر است؛ چون دستگاه‌های اجرایی عضو ستاد بحران و متولی ساخت‌وساز از نیروها حداکثر بهره‌را در جهت نظارت خواهند برد. از طرفی مردم نیز از حالت بحران به وضعیت امید می‌رسند و نشاط در جهت رسیدن به حالت عادی در منطقه بحران‌زده حاکم خواهد شد. لیکن آنچه که در این نوع بازسازی عموماً باعث ایجاد تأخیر می‌گردد، عدم تأمین اعتبار مالی در زمان مناسب به میزان کافی از طرف دولت است.

در بازسازی واحدهای مسکونی آسیب‌دیده بایستی نکات زیر مدنظر باشد:

۱- شناسایی مناطق امن برای ساخت‌وساز، براساس نقشه‌ها و الگوهای بازسازی.

۲- رعایت اصل مقاوم‌سازی و رعایت نکات ایمنی در ساخت‌وساز.

۳- انجام ساخت‌وسازها براساس طرح‌ها و نقشه‌های مهندسی.

۴- تعیین ابعاد و مترژ ساختمان‌ها براساس نیاز خانوار.

۵- همخوانی مشخصات ساخت‌وساز با بافت سنتی و بومی منطقه.

۶- استفاده از مصالح در دسترس و بومی منطقه، در ساخت‌وساز.

۷- استفاده از مصالح استاندارد و سبک و مقاوم در مراحل مختلف ساخت‌وساز.

۸- پرهیز از جابه‌جایی و انتقال ساکنان از منطقه‌ای به مناطق دیگر برای اسکان دائم.

پانویس:

1-Disaster
2-Crisis

منابع:

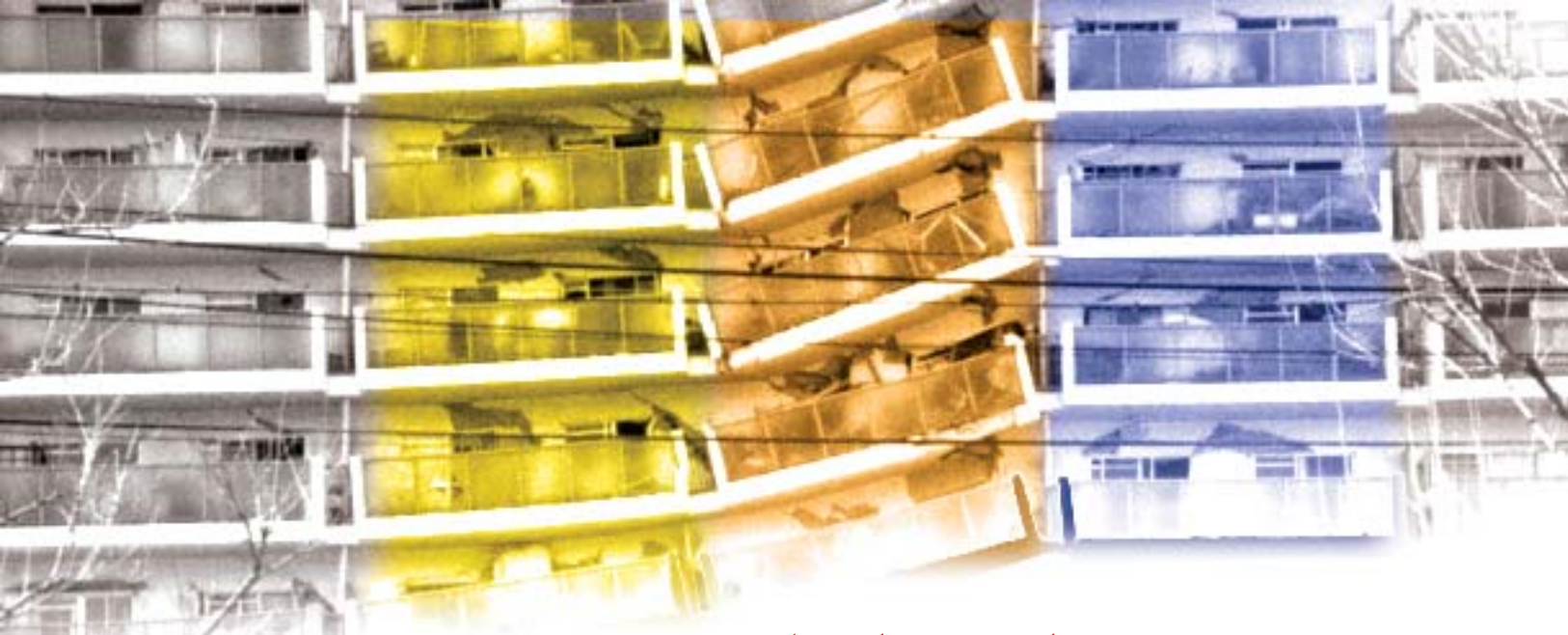
1-Hand Book of Emergency Management Programs and Policies R.John, H.Y. & W.Wough Jr. 1996.
2-UNCRD, Seismic Damage of Lifeline Facilities and Disaster Prevention in China.
Shoaping, Sun; Disaster Management in metropolitan Area in 21st.Century International Conference 1993, Japan.

۲- عبداللهی، مجید؛ مدیریت بحران در نواحی شهری، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، ۱۳۸۰.

۴- ویسه، یدالله؛ "برنامه جامع مدیریت بحران: محافظت، امداد، بازسازی و آثار اجتماعی و اداری خطر زلزله"، پژوهشنامه مؤسسه بین‌المللی زلزله‌شناسی، سال هفتم، شماره اول، بهار ۷۷.

۵-وزارت کشور؛ طرح جامع امداد و نجات کشور، مصوب هیئت وزیران شماره ۲۲۸۲/ت/۲۴۴۱۲ مورخ ۸۲/۱/۲۳.

۶-سلامت، نازنین؛ "مقاوم‌سازی و مدیریت بحران چاره کار است". ماهنامه صنعت حمل و نقل، شماره ۲۲۵، اردیبهشت ۸۲.



رویا رویی با سوانح طبیعی از منظری دیگر

وحید حسینی جناب
کارشناس مدیریت بحران از ژاپن
محمد سلیمانی مهرنجانی
دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری

مقدمه

همه ساله حوادث متعددی از جمله زلزله و سیل در گوشه و کنار کشورمان به وقوع می‌پیوندد که با خسارات مالی و جانی زیادی همراه است. همچنین هزاران انسان در جهان در جریان وقوع بلایای طبیعی جان خود را از دست می‌دهند و صدها هزار نفر مجروح می‌شوند و شمار بسیاری نیز خانه و کاشانه خود را از دست می‌دهند. علاوه بر این، حوادث ناشی از پیشرفت‌های فناوری جدید نیز جان انسان‌ها را تهدید می‌کند. گفته می‌شود که با وجود کاهش فراوان شاخص مرگ و میر ناشی از انواع بیماری‌ها و پیشرفت‌های به دست آمده در زمینه بهداشت فردی و عمومی، اینک انسان‌ها بیشتر جان خود را در جریان بلایای طبیعی و حوادثی مانند تصادفات رانندگی، سقوط هواپیما و آلودگی زیست محیطی از دست می‌دهند. واقعیت آن است که ایران در این میان جزو کشورهای پرخطر و حادثه‌خیز دنیا قرار دارد که می‌توان به طور شاخص به خطر وقوع زلزله و تنوع حوادث رانندگی در آن اشاره کرد (فاطمی، محمود، ۱۳۸۰ و ابراهیمی، محسن، ۱۳۸۱).

رشد شتابان جمعیت شهری جهانی از برجسته‌ترین ویژگی‌های دوران معاصر است. در سال ۱۹۰۰ میلادی ۱۴ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کردند. در سال ۱۹۵۰، این رقم به ۳۰ درصد، در سال ۱۹۸۰ به ۳۹ درصد و در

سال ۲۰۰۱ به ۴۷/۵ درصد جمعیت جهان رسید. پیش‌بینی شده است که میزان شهرنشینی در جهان تا ۲۰ سال آینده به حدود ۶۰ درصد برسد. نکته درخور توجه این است که تقریباً تمام این رشد در کشورهای در حال توسعه رخ می‌دهد. در زمان حاضر اکثریت جمعیت ایران نیز در مناطق شهری سکونت دارند: در سال ۱۳۶۵، تعداد ۴۹۶ شهر با جمعیتی حدود ۲۷ میلیون نفر در سطح کشورمان وجود داشته است که در سال ۱۳۷۰ به ۵۳۰ شهر رسید. سپس با رشد بسیار زیاد، شهرداری‌های کشور تا پایان سال ۱۳۸۰ به بیش از ۹۰۰ رسیده است. از سوی دیگر، جمعیت شهری کشور در سال ۱۳۶۵، حدود ۵۶ درصد و در سال ۱۳۷۴ حدود ۵۹ درصد کل جمعیت کشور بوده است و تا به امروز روند شهرنشینی به سرعت رو به افزایش است (شیعه، اسماعیل، ۱۳۸۰).

از طرف دیگر، در مدیریت شهری، با توجه به سه عامل سعادت بشر (مثلث سعادت بشر) یعنی احساس امنیت، احساس اجتماعی بودن و احساس احترام به خود، می‌توان به نیازهای زیر اشاره کرد: احساس وجود ایمنی و امنیت برای شهروندان، احساس بهره‌مند شدن از امکان برقراری ارتباط با دیگران و انجام فعالیت‌های اجتماعی با مشارکت سایر شهروندان، احساس مشارکت در امور اجتماعی و شهری و با اهمیت بودن دیدگاه‌ها و خواسته‌های شهروندان (ابراهیمی، محسن، ۱۳۸۱).

کشور ما طی سالیان گذشته با شیوه‌های گوناگون برخورد با سوانح طبیعی مواجه شده و برای دستیابی به مدیریت بهینه آثار ناشی از بلایا، تاوان سنگینی پرداخته است. به طور قطع می‌توان ادعا داشت که ایجاد کمیته ملی کاهش تأثیرات طبیعی و فعال شدن ستادهای مدیریت حوادث غیرمترقبه در استانداری‌ها و وزارت کشور پس از زلزله غمبار رودبار و منجیل در سال ۱۳۶۹ و پس از آن ایجاد ستاد مدیریت بحران شهر تهران و تصویب طرح جامع امداد و نجات کشور طی سالیان اخیر، مهم‌ترین راهبردهای اثر بخش در زمینه مدیریت سوانح طبیعی در کشور است. در طرح جامع اخیر به مقوله مدیریت بحران در تمامی ساختارهای کشوری



زلزله - کوبه



گونگونجامه و افراد آن تقسیم کرد. برنامه ریزی برای کاهش خطرها و افزایش پایداری شهر باید بتواند فرهنگ ایمنی را گسترش دهد، به گونه‌ای که مردم بتوانند خطرهای گوناگون را بشناسند و در برابر آنها از خود محافظت کنند و از تلاش‌های انجام شده در مسیر ارتقای ایمنی‌شان حمایت کنند. برای کاهش آسیب پذیری، به توسعه اقتصادی شهر نیز باید توجه داشت. در این بین فعالیت‌هایی نظیر تمرکززدایی اقتصادی، به ویژه تمرکززدایی صنایع آلاینده محیط زیست اهمیت ویژه‌ای دارد. همچنین با توجه به اهمیت امداد و نجات سریع در زمان بحران در شهرها به ویژه کلان شهرهایی نظیر تهران که دارای بافت‌های فرسوده و متراکم در بخش‌های عمده‌ای از شهر هستند، طراحی شبکه‌های ترافیک اضطراری و مشخص کردن اولویت‌های بازگشایی مسیر پس از بحران اهمیت حیاتی دارد. برای مثال می‌توان به این واقعیت اشاره کرد که در مناطق جنوبی شهر تهران به ویژه مناطق ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۱۴، ۱۵ و ۲۰ و بافت‌های متراکم و پراهمیت اقتصادی بازار قدیم تهران در منطقه ۱۲، در شرایط عادی و غیربحرانی نیز تردد آمبولانس‌ها و ماشین‌های آتش‌نشانی در بسیاری از مناطق به سختی امکان پذیر است. در نتیجه این مناطق پرجمعیت از آسیب‌پذیرترین مکان‌ها پس از زلزله خواهند بود. نکته مهم دیگر تعیین و تجهیز فضاهای باز و مناسب در شهرها برای اسکان اضطراری پس از بروز زلزله است که با پرداختن به الگوهای صحیح تأمین آب بهداشتی و تغذیه اضطراری و نیز بهداشت عمومی این اماکن، شهروندان می‌توانند تا پایان عملیات بازسازی زندگی نسبتاً مناسبی در آنها داشته باشند. خوشبختانه در شهرهای کشور ما فضاهای مناسب و متعددی برای اسکان اضطراری و موقت وجود دارد که کشورهای حادثه خیزی نظیر ژاپن از این امتیاز بی‌بهره‌اند. برای مثال در



کانادا - هالیفاکس

– حتی در سطح دهیاری‌ها – پرداخته شده است، که دارای تفاوت‌های ذاتی با مدیریت بحران شهری است. برای مثال در مدیریت بحران نواحی روستایی مقوله‌هایی همچون تأثیرات کشاورزی و دامداری بلایا و تفاوت در شیوه‌های امداد و نجات روستایی با امداد شهری مطرح است، که در این مقاله به خصوصیات مدیریت بحران شهری و کارایی آن در ارتقای ایمنی شهرها اشاره خواهد شد (فاطمی، محمود، ۱۳۸۰).

طرح مسئله

در سال‌های اخیر ایمن‌سازی شهرهای کشور در برابر حوادث و سوانح غیرمترقبه مورد توجه قرار گرفته است. مدیریت شهری در سراسر کشور ناگزیر است برای کاهش تأثیرات بلایای طبیعی در شهرها، کارایی لازم را داشته باشد و آن را با گذشت زمان افزایش دهد. همچنین می‌بایست همواره روش‌های مدیریت و فناوری‌های موجود را به ویژه در مورد ایمن‌سازی خدمات، تأسیسات و ساختمان‌های شهر بهبود بخشد و بهنگام سازد. در این مقاله به اصول و مفاهیم پایه و چگونگی عملیاتی کردن مدیریت بحران شهری توجه بیشتری خواهد شد و مثال‌های عمده آن ذکر خواهد گردید. همچنین باید اذعان داشت که پرداختن به این موضوع جز با گنجانیدن برنامه‌های کاهش آسیب پذیری شهروندان و جامعه در برابر مخاطرات و بلایای طبیعی در

در سال‌های اخیر ریسک (خطر خیزی) شهرهای بزرگ ایران، به ویژه شهر تهران، در برابر حوادث و سوانح غیرمترقبه افزایش یافته است

طرح‌های توسعه شهری امکان پذیر نیست. در حقیقت، حفاظت از جان و مال مردم، گنجینه‌های دانش و مهارت‌های موجود، ابزارهای تولیدی و صنعتی و تأسیسات و خدمات شهری در مقابل تأثیرات بلایای طبیعی، باید بخش جدایی ناپذیری از طرح‌های آمایش کشور و مدیریت شهری قلمداد شوند.

از سوی دیگر، در سال‌های اخیر ریسک (خطر خیزی) شهرهای بزرگ ایران، به ویژه شهر تهران، در برابر حوادث و سوانح غیرمترقبه افزایش یافته است. البته در سال‌های اخیر مدیریت بحران و ایمن‌سازی شهرهای کشور مورد توجه قرار گرفته، زیرا مدیریت شهری کشور ناگزیر است برای کاهش تأثیرات بلایای طبیعی در شهرها منسجم‌تر و کارآمدتر از گذشته عمل کند و روش‌های مدیریت و فناوری‌های مرتبط با ایمن‌سازی خدمات تأسیسات و ساختمان‌های شهر را دائماً بهبود بخشد و روزآمد کند (فاطمی، محمود، ۱۳۸۰). در این زمینه می‌توان به تأسیس «مرکز پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران» و تدوین «طرح جامع مدیریت بحران کشور» و تصویب «طرح جامع امداد و نجات کشور» اشاره کرد؛ که پژوهشکده سوانح طبیعی برای اجرای طرح یاد شده برنامه‌های مدونی را به استانداری‌ها ارائه کرده است. برای مدیریت ریسک (خطر خیزی) و ایمنی در برنامه‌ریزی برای شهرها باید عوامل دانش و آگاهی و تفاهم را مورد توجه قرار داد و مسئولیت آن را بین دستگاه‌های

مخاطرات موازنه گردد تا با استفاده از منابع موجود بتوان بحران را کنترل کرد (FEMA, 1998).

پژوهش‌هایی که در سال‌های اخیر در مورد پیامدها و خسارات گسترده جانی و مالی بلایای طبیعی در برخی از کشورهای جهان انجام شده، نمایانگر این است که آمادگی لازم برای مقابله با بحران وجود نداشته و مقابله با بحران نیز به طور غیرمؤثر و غیرعلمی انجام گرفته است. افزون بر این، مدیریت بحران مدیریت ناشایسته، نآزموده و آموزش ندیده بوده است.

در هیچ جا به اندازه کشورهای در حال توسعه نمی‌توان به اهمیت مدیریت بحران پی برد. بررسی کارشناسان توسعه اقتصادی نشان داده است که با فراهم آوردن پول، توسعه و رشد پدید نمی‌آید، چنان که عامل بازدارنده در بسیاری از موارد دانش فنی بوده است. در حالی که بشر در دانش‌های فیزیکی و زیستی پیشرفت‌های بسیاری کرده است، ولی دانش‌های فرهنگی و اجتماعی بسیار عقب مانده‌اند. در واقع مدیریت بحران با همکاری سازمان یافته همه سازمان‌های مسئول مقابله با بحران ضرورت دارد. مدیریت اثر بخش و تیزبین خواهان آن است که همه آنهایی که مسئول ایمنی شهروندان هستند، در همه رده‌ها و هر سازمانی، خود را در زمره مدیران بحران به شمار آورند. در حقیقت بین مدیران و کارگزاران و به عبارت دیگر استاندار، شهردار و سرپرست یک گروه کوچک امدادگر هیچ گونه تفاوت بنیادی وجود ندارد. ولی این حقیقت همچنان پابرجاست که در نقش مدیران، همه کسانی که در مسیر کوشش‌های اثر بخش گروهی گام برمی‌دارند، وظیفه‌ای همانند و بزرگ را انجام می‌دهند (ابراهیمی، محسن، ۱۳۸۱، FEMA, 1998).

برای مدیریت ریسک (خطر خیزی) و ایمنی در برنامه ریزی برای شهرها باید عوامل دانش و آگاهی و تفاهم را مورد توجه قرار داد و مسئولیت آن را بین دستگاه‌های گوناگون جامعه و افراد آن تقسیم کرد

مهم‌ترین هدف مدیریت بحران بهینه سازی فعالیت‌های مقابله با بحران و به حداقل رساندن خسارات ناشی از آن است. در نهادهای غیربازرگانی مانند استانداری‌ها و همچنین در واحدهای تجاری نظیر شرکت‌های خدمات رسانی که مسئولیت سود کلی بازرگانی را ندارند، مدیران هدف‌هایی دارند و باید بکوشند تا با به کار بردن کمترین منابع به آنها دست یابند. در مدیریت بحران نیز بهبود بهره‌وری با توجه به اهمیت حیاتی عملیات آن، ضرورت ویژه‌ای می‌یابد.

در مقوله مدیریت زمان، مدیر موظف است هزینه‌ها و مدت پروژه‌ها را کاهش دهد و تعداد و کیفیت پروژه‌ها و فعالیت‌ها را برای نیل به اهداف‌شان فزونی بخشد. به عبارت دیگر زمان شروع واکنش و امداد رسانی، هزینه عملیات آمادگی و امداد رسانی و بازسازی و نیز زمان عملیات امداد رسانی و بازسازی باید کاهش یابد. از طرف دیگر حجم عملیات در آمادگی، امداد رسانی و بازسازی می‌بایست افزایش یابد. همان گونه که کیفیت عملیات آمادگی، امداد رسانی و بازسازی، سطح آمادگی مقابله با بحران و



زاین - کوبه

شهر تهران حدود ۸۰۰ مکان برای اسکان شهروندان پس از زلزله انتخاب شده که تجهیز برخی از این مکان‌ها آغاز گردیده است. طرح‌های متعدد دیگری نیز در مدیریت بحران شهری پیشنهاد می‌گردد که اجرای آنها پیش از هر چیز در گرو دگرگون شدن نگرش مجموعه مدیریت شهر و تمام نهادها و سازمان‌های دولتی و خصوصی و شهروندان در این زمینه است. چنین تحولی خود در چارچوب نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی متعددی توصیف شدنی است، که از جمله می‌توان به اینها اشاره کرد: توانمندسازی مدیریت شهری با هدف ارتقای ایمنی، تثبیت شیوه‌های مدیریت ایمنی مشارکتی، مسئولیت پذیری و پاسخگو بودن مدیران در قبال شهروندان، روان‌سازی امور و افزایش بهره‌وری به منظور ارتقای ایمنی شهری، تحقق واقعی توسعه پایدار با توجه به مسائل ایمنی در شهر و نظایر اینها. در این بین ایجاد ساختارهای مدیریتی و تقویت آنها و هماهنگی بین بخشی اهمیت ویژه‌ای دارند که در کشور مائاکنون از آن غفلت شده است (فاطمی، محمود، ۱۳۸۰ و UNDP, 2003).

مفهوم و دامنه مدیریت بحران شهری

مدیریت بحران‌های شهری از عمده‌ترین حرفه‌های انسانی مدیریت خدمات عمومی به شمار می‌آید؛ زیرا همه مدیران وظیفه بنیادی برنامه‌ریزی، طراحی و پایا نگه داشتن محیط را بر عهده دارند تا افراد از راه همکاری بتوانند مأموریت‌ها و هدف‌های برگزیده مسئولان رده‌های مختلف را به اجرا درآورند. به عبارت دیگر مدیران مسئولیت دارند فرصت‌هایی را ایجاد کنند که افراد بتوانند بهترین یاری‌های خود را برای نیل به هدف‌های ایجاد محیط سالم و ایمن ارائه دهند.

مدیریت بحران دارای چهار رکن اصلی است: ۱) کاهش خسارات؛ ۲) آمادگی؛ ۳) واکنش اضطراری؛ و ۴) بازسازی. سیستم جامع مدیریت بحران، به ارزیابی مخاطرات بالقوه و منابع موجود می‌پردازد و طوری برنامه‌ریزی می‌کند که منابع موجود با

حجم اقدامات بازسازی و عادی سازی باید فزونی یابد. با این چشم انداز برای درک بهتر این مقوله به ویژگی های پایه ای مدیریت بحران اشاره می شود:

۱- مشارکت داوطلبانه، مردم را در امور آمادگی، مقابله با بحران و امداد رسانی، کاهش تأثیرات بلایای طبیعی و بحران و بازسازی و عادی سازی تشویق و ترغیب می کند.

۲- مدیریت عمل گرا است، یعنی جهت گیری به سوی عمل دارد.

۳- به نیاز آسیب دیدگان واقف می شود.

۴- مدیریت مستقل و پرداختن به عملیات امدادرسانی جدید و ابتکاری را تشویق می کند.

۵- به توسعه عملیات مقابله با بحران و آمادگی اهمیت می دهد.

۶- با توجه دلسوزانه به نیازهای کارکنان خود به بهره‌وری دست می یابد.

۷- فلسفه ای را که بیشتر بر پایه ارزش های رهبران شان و مردم استوار است، به کار می بندد.

۸- به کاری که درباره آن بهترین اطلاعات و آگاهی را دارد، دست می زند.

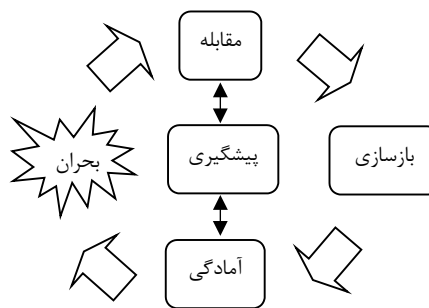
۹- سازمانی ساده و شمار اندکی کارمند ستادی دارد.

۱۰- به تناسب و اقتضا، کارها را به گونه ای نامتمرکز انجام می دهد.

۱۱- آداب و سنن اجتماعی، فرهنگی و محلی را محترم می شمارد.

همچنین باید به مفاهیم مراحل مدیریت بحران و چرخه مدیریت بحران اشاره کرد (فاطمی، محمود، ۱۳۸۱، ۱۹۹۸، UNDP, 2003, FEMA).

شکل ۱- چرخه مدیریت جامع بحران



با توجه به چرخه مدیریت بحران، مراحل چهارگانه این مدیریت عبارتند از:

۱- **پیشگیری و کاهش پیامدها:** کاهش احتمال وقوع یا تأثیرات ناشی از بلایا. در این مرحله موضوع های مهمی نظیر مقاوم سازی بناها و کاهش تأثیرات غیرسازه ای مطرح اند که با توجه به هزینه های بسیار سنگین مقاوم سازی بافت های فرسوده و کم هزینه بودن اجرای برنامه های کاهش تأثیرات غیرسازه ای، راه حل دوم برای کشور ما مناسب تر و دست یافتنی تر است.

۲- **آمادگی:** برنامه ریزی و پژوهش، آموزش و مانور. در این مرحله اجزای مهمی نظیر آموزش، پژوهش، مانور، طراحی و برنامه ریزی، ایجاد ساختارهای مدیریتی و مدیریت منابع قرار دارند که می توان آموزش همگانی را مهم ترین فعالیت ضروری برای ارتقای ایمنی در کشور دانست.

۳- **مقابله:** ارائه خدمات اضطراری بلافاصله پس از وقوع بحران. در این مرحله فعالیت های مهمی نظیر اجرای برنامه های عملیاتی استاندارد مدیریت بحران و هماهنگی های بین بخشی مدنظر قرار می گیرد.

۴- **بازسازی:** بازگرداندن جامعه به حالت عادی و نه لزوماً حالت پیش از بحران (UNDP, 2003, FEMA, 1998).

مانورهای آمادگی در برابر سوانح: در صورت وقوع سانحه در یک محل یا احتمال وقوع آن، هر فرد باید همراه با سایر ساکنان محل ضمن برقراری تماس و همکاری با سازمان های مسئول، اقدامات گوناگونی را با سرعت و دقت برای پیشگیری از سانحه انجام دهد. به همین منظور آمادگی دائمی و انجام تمرینات ضروری به طور مرتب، اهمیت حیاتی دارد. بنابراین آموزش همگانی مقولات مربوط به بلایای طبیعی و مشارکت مردمی را در این زمینه می توان با انجام مانورها ارزیابی کرد و راهکارهای تازه ای برای تقویت آنها ارائه داد. گسترش فعالیت های پیشگیری از سوانح مستلزم آگاهی و همکاری افراد جامعه است؛ به همین دلیل، بایستی انتقال دانش پیشگیری از سوانح با شیوه های گوناگون صورت گیرد (FEMA, 1998).

تجربه نشان داده است که آموزش از بهترین شیوه های ارتقای شاخص بهره‌وری در جوامع انسانی است. در آموزش همگانی مقولات بلایای طبیعی، با ارائه شیوه های مختلف اطلاع رسانی و آموزشی، شهروندان در سنین مختلف آموزش های فردی رویارویی با شرایط اضطراری و بحرانی ناشی از بلایای طبیعی را فرا می گیرند، که فعالیت در این زمینه نیازمند دارا بودن برنامه و طرح های دقیق مبتنی بر مطالعات کارشناسانه است. اما بخش دیگر آموزش رویارویی با بلایای طبیعی به کسانی ارائه می شود

در شهر تهران حدود ۸۰۰ مکان برای اسکان شهروندان پس از زلزله انتخاب شده که تجهیز برخی از این مکان ها آغاز گردیده است

که در زمینه بحران های طبیعی عهده دار مسئولیت اند و در زمره نیروهای امدادگر و مدیران بحران قرار می گیرند. با وجود آنکه برنامه های آموزشی برای کارکنان نهادها و سازمان های فعال در امر حوادث و بلایا همواره در سازمان ها مورد توجه قرار می گیرد اما به نظر می رسد که جایگاه واقعی آموزش در آنها همچنان ناشناخته مانده است و باید در آینده بیشتر به آن پرداخته شود (فاطمی، محمود، ۱۳۸۱).

از منظری دیگر، اقدامات مردم برای آمادگی و کاهش پیامدها به دو دسته ساختاری و غیرساختاری تقسیم می شود: اقدامات ساختاری پیچیده اند و شامل فعالیت های مهندسی، تأمین

تجهیزات، پایه گذاری نظام‌های مدیریتی و نظایر اینها هستند. اقدامات غیرساختاری دربرگیرنده آموزش، آگاهی، پایه گذاری قوانین و مانند اینها هستند که بخش منحصر به فرد روند توسعه جوامع است (UNDP, 2003).

در موضوع مقابله مفاهیم مهمی نظیر سطح بحران، برنامه عملیاتی استاندارد و سامانه فرمانده حادثه مطرح می‌گردد که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

سطح بحران ("E" Emergency Level) شرایطی است که براساس عوامل زیر شکل می‌گیرد و واکنش خاص خود را می‌طلبد:

۱- امکانات موجود در یک سازمان یا مجموعه سازمانی؛ ۲- میزان و نوع درخواست مشتریان سازمان یا مجموعه سازمانی؛ و ۳- شرایط محیطی به ویژه در زمان بحران.

به عبارت دیگر، واکنش هر سازمان یا مجموعه سازمانی، باید متناسب و ویژه همان سطح باشد و در یک زمان نباید در دو سطح مختلف قرار گیرد. مشتری به مجموعه افراد و گروه‌هایی گفته می‌شود که سازمان یا مجموعه سازمانی در زمان بحران مطابق با اهداف کمیته باید خدماتی به آنها ارائه کند و نیازهایی را برآورده سازد. تعداد سطوح در هر سازمان یا مجموعه سازمانی، بستگی به تغییر شرایط در ساختار سازمان یا مجموعه سازمانی در مقاطع مختلف زمانی و مکانی دارد. در تعیین سطح، نکته مهم همانا نوع فعالیت‌ها و سلسله مراتب اجرایی فعالیت‌های آن سازمان یا مجموعه سازمانی است، نه کمیت و حجم واکنش.

ایجاد هر چه سریع‌تر ساختارهای مدیریتی کارآمد در حوضه مدیریت بحران کشور و سازوکارهای هماهنگی بین بخشی سازمان‌های مسئول مقابله با بحران از مهم‌ترین وظایف مسئولان کشور است

برنامه‌های عملیاتی استاندارد SOP شامل سلسله عملیاتی است که انتظار می‌رود سازمان‌ها آنها را هنگام بحران به انجام برسانند.

سامانه فرماندهی حادثه (Incident Command System - ICS) در زمان حاضر رایج‌ترین نظام اعمال مدیریت سوانح و حوادث در جهان به شمار می‌آید که مقبولیت آن با توجه به نتایج حاصل از به کارگیری آن رو به افزایش است. یکی از مهم‌ترین وقایعی که در حیطه خدمات اضطراری در طی ۲۵ سال آخر قرن بیستم رخ داده، جایگزینی گسترده سامانه فرماندهی حادثه به عنوان مدل فرماندهی، نظارت و هماهنگی منابع و نیروی انسانی در موارد اضطراری بوده است. سامانه فرماندهی حادثه براساس اصول بنا نهاده شده است که از یک سو موجب اطمینان یافتن از به کارگیری مؤثر منابع و از سویی دیگر باعث کاستن از اختلالات در سیاست‌گذاری‌ها و عملیات سازمان‌های پاسخگو می‌گردد. این اصول بایستی برای هر نوع بحران و در هر سطحی به کار گرفته شوند (ابراهیمی، محسن، ۱۳۸۰، FEMA, 1998).

اصول سامانه فرماندهی حادثه عبارت‌اند از:

← زبان مشترک، که موجب می‌شود تمام سازمان‌های پاسخگو از اصطلاحات ثابت و استاندارد استفاده کنند.

← ساختار مشترک و یکسان، که ساختاری استاندارد به تمام سازمان‌های مسئول مقابله با بحران ارائه می‌کند و در تسهیل ارتباطات بین سازمانی نیز مؤثر است.

← سازماندهی با الگوی مشخص، که اجازه می‌دهد ساختار سامانه فرماندهی حادثه در موارد نیاز، قابلیت توسعه با یک الگوی مشخص را داشته باشد.

← سیستم ارتباطی منسجم، که موجب ایجاد طرح ارتباطی مشترک، عملیات استاندارد، متون ارتباطی منظم، فرکانس‌های مشترک و زبان مشترک می‌شود.

← طرح‌های عملیاتی حادثه به شکل متمرکز، که اهداف مقابله، ایده‌آل‌های عملیاتی و فعالیت‌های پشتیبانی را توصیف می‌کند.

← حوزه مدیریتی قابل کنترل، که تعداد حوزه‌های تحت نظارت یک مدیر را به ۳ تا ۷ حوزه (در شرایط ایده‌آل، ۵ حوزه) محدود می‌کند.

← اماکن و پایگاه‌های مشخص، که شامل مکان فرماندهی حادثه و در مواقع لزوم استقرار پایگاه‌ها در محل حادثه است.

← مدیریت جامع منابع که موجب به کارگیری صحیح منابع، ایجاد نظارت متمرکز بر منابع، کاهش بار ارتباطی افراد، افزایش اعتماد به سیستم و ایمنی افراد و کاستن از کارهای بی‌هدف و تک محوره می‌شود.

← سیستم فرماندهی هر واحد، که هر فرد در سازمان یا مجموعه سازمانی را موظف می‌کند فقط به یک نفر گزارش دهد.

نتیجه‌گیری

به طور قطع ارتقای شاخص ایمنی شهرها نیازمند بستر سازی فرهنگی و مدیریتی است که خود به سال‌های طولانی فعالیت در این زمینه نیاز دارد. بدین منظور باید به آگاه‌سازی افکار عمومی و ارتقای دانش آنان در باره ماهیت حوادث غیرمترقبه و نحوه برخورد با آنها پرداخت. همچنین اهمیت باورسازی نیاز به ایمنی در مسئولان و مردم بر هیچ کس پوشیده نیست و عدم آینده‌نگری، فقدان برنامه‌های جامع و راهبردی شهری، فقدان مدل‌های تصمیم‌گیری خردگرا در سازمان‌ها و مشکلات مدیریتی از مهم‌ترین موانع این امر به شمار می‌آید. بنابراین باید از مسئولان امر خواست که با اولویت دادن به مقوله آمادگی در برابر حوادث به طراحی و برنامه ریزی، تهیه قوانین مطلوب، تهیه قوانین سازوکارهای نظارتی، طراحی الگوهای شهری مناسب، مدیریت منابع، مدیریت مواد خطرناک، اطلاع‌رسانی شفاف و ایجاد انگیزه در بخش خصوصی و دولتی برای رعایت استانداردهای ایمنی و نظایر اینها بپردازند. همچنین ایجاد هر چه سریع‌تر ساختارهای مدیریتی کارآمد در حوضه مدیریت بحران کشور و سازوکارهای هماهنگی بین بخشی سازمان‌های مسئول مقابله با بحران از مهم‌ترین وظایف مسئولان کشور است؛ که خوشبختانه با ایجاد ستاد عالی مدیریت بحران کشور و استقرار اجزای طرح جامع مدیریت بحران در استان‌های کشور دست یافتنی است.

منابع:

- ابراهیمی، محسن، و وحید حسینی چناب، ایمنی در شهر پایدار، مینار ساخت و ساز در پایتخت، تهران، ۱۳۸۱.
- شیعه، اسماعیل، با شهر و منطقه در ایران، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ۱۳۸۰.
- فاطمی عقدا، سید محمود، و دیگران: آشنایی با مدیریت بحران - دوره مقدماتی، ستاد مدیریت بحران شهرداری تهران و پژوهشکده سوانح طبیعی، ۱۳۸۰.
- کارگاه تخصصی مدیریت بحران - سامانه فرماندهی حادثه؛ اولین کنگره سراسری مدیریت بحران در حوادث غیرمترقبه، بسیج جامعه پزشکی، ۱۳۸۲.
- FEMA, National Security Emergencies, 1998.
- DISASTER MITIGATION; UNDP, 2003

نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری در ایران

یک گام به پیش، دو گام به پس

گفت‌وگو با احمد سعیدنیا

ایرج اسدی

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای



احمد سعیدنیا، متولد ۱۳۱۷ تهران، در سال ۱۳۵۴ در رشته شهرسازی از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد. وی از سال ۱۳۵۵ به تدریس شهرسازی در دانشگاه تهران پرداخت و به موازات آن در بخش حرفه‌ای نیز مدیریت شهرسازی طرح‌های شهری گوناگونی را بر عهده گرفت. سعیدنیا عضو هیئت مدیره جامعه مهندسان شهرساز و دبیر هیئت رئیسه گروه تخصصی شهرسازی سازمان نظام مهندسی تهران است. از جمله طرح‌های پژوهشی که با مدیریت وی به انجام رسیده است، می‌توان به طرح بازنگری شرح خدمات طرح‌های جامع و تفصیلی، طرح بازسازی ربع رشیدی و برخی دیگر اشاره کرد.

حقیقت پی برده‌اند که طرح‌های جامع کارایی چندانی ندارند. دانشگاهیان مبانی نظری آن را مردود می‌دانستند و مهندسان مشاور انتقاد اصلی را بر شرح خدمات این طرح‌ها وارد می‌کردند. مدیران اجرایی نیز عدم تحقق طرح‌های مذکور را اشکال عمده آنها برمی‌شمردند. بدین ترتیب از سه جهت این طرح‌ها مورد نقد قرار گرفت، ولی هیچ‌گاه جایگزینی برای آن پیشنهاد نشد.

یکی از دلایل و انگیزه‌های عمده‌ای که موجب مطرح شدن رویکرد طرح‌های راهبردی-ساختاری گردید - علاوه بر انتقادات سه گانه‌ای که عنوان شد - دو واقعیت عمده در نظام برنامه‌ریزی و مدیریت شهری کشور بود؛ که در دهه ۷۰ به اوج خود رسید:

اولین مورد تصمیماتی بود که شهرداری تهران برای اجرای پروژه‌های شهری مشخصی چون پارک سازی، نوسازی و انواع پروژه‌های عمرانی اتخاذ می‌کرد. این نوع تصمیم‌گیری درباره پروژه‌های شهری، بزرگ‌ترین رویدادی بود که در تاریخ شهرسازی ایران رخ می‌داد و همه را متوجه کرد که «تصمیمات» عمده را مدیران اتخاذ می‌کنند زیرا شهرداران هر لحظه برای مسائل شهر خود باید تصمیم‌گیری کنند. یکی از انتقاداتی که به کرباسچی - شهردار وقت تهران - وارد می‌شد این بود که وی بدون ملاحظه طرح و برنامه تصمیم می‌گیرد. اما آنان این واقعیت را نادیده می‌گرفتند که این نوع تصمیم‌گیری نمی‌تواند در چارچوب آن نوع طرح‌ها - یعنی طرح‌های جامع و تفصیلی - جای گیرد. به عبارت دیگر، طرح‌های جامع تحمل تصمیم‌گیری برای عمران شهری را ندارند.

دومین انگیزه از طرح این رویکرد، این واقعیت بود که بسیاری از پیشنهادها طرح جامع در حین عمل و اجرا در ارگانی به نام «کمیسیون ماده پنج شورای عالی شهرسازی و معماری» مدام مورد تجدید نظر قرار می‌گیرد. تعداد این تجدید نظرها به قدری زیاد بود که برخی از شهرسازان ادعا می‌کردند کمیسیون ماده پنج کمیسیونی است که به تدریج خطوط پیشنهادی طرح جامع و

رویکرد برنامه‌ریزی راهبردی - ساختاری به عنوان آنتی تزی برای طرح‌های جامع و تفصیلی در ایران چند سالی است که با جدیت طرح گردیده است و پیگیری می‌شود. در مقابل این رویکرد اگر چه افراد یا گروه‌هایی به طور مشخص بیریق مخالف با آن علم نکردند، اما بسیاری با توسل به عناوینی چون آماده نبودن ساختار اداری و مدیریتی برای پذیرش آن، ضرورت انطباق دادن این رویکرد با شرایط اقتصادی - اجتماعی و سیاسی کشور، موقوف ساختن پذیرش آن به اصلاح قوانین و مقررات و تشکیلات شهرسازی همپای اصلاح شرح خدمات و نظایر اینها به نوعی مانعی برای نشست و توسعه این رویکرد گردیدند. گواه این امر طرح راهبردی تهران است که قرار بود بر اساس رویکرد جدید دنبال شود ولی از همان آغاز در قید و بند طرح‌های جامع و تفصیلی مقید شد.

گفت و گوی حاضر با شارح اصلی این رویکرد در نظام تهیه طرح‌های توسعه شهری، حاوی متنی جامع و تحلیلی درباره انگیزه‌های طرح این ایده، فرصت‌ها و تهدیدات عمده فرا روی توسعه آن در کشور و پاسخ به انتقادات عمده‌ای است که از سوی برخی گروه‌ها و افراد بر این رویکرد و طرح آن وارد شده است.

○ در شرایط حاضر ارائه هیچ استدلال جدیدی برای رد رویکرد طرح‌های جامع (Master Planning) ضرورت ندارد. کدام نیروها و عوامل - چه درونی و چه بیرونی - به عنوان انگیزه‌های اصلی در طرح رویکرد ساختاری-راهبردی عمل کرده‌اند؟ اهداف اصلی از طرح و پیگیری این رویکرد چیست؟

● نزدیک به ۲۰ سال است که چه در حوزه دانشگاهی، چه در حیطه مهندسان مشاور و چه مدیران و کارشناسان اجرایی به این

تفصیلی را پاک می‌کند. اگر چه همگان نسبت به این گونه تصمیمات معترض بودند - و هستند - اما فراموش می‌کردند که به زعم خود آنها شهر پدیده‌ای پویاست و طرح‌های جامع و تفصیلی با این پویایی انطباق ندارند. در چنین شرایطی الگوی طرح‌های راهبردی - ساختاری می‌توانست به انتقاداتی که بر طرح جامع وارد می‌شد و همچنین به الزامات تصمیم‌گیری مدیریت شهری و تغییرات لازم کمیسیون ماده پنج پاسخگو باشد.

رویکرد راهبردی - ساختاری پیشنهاد آزموده‌ای بود که اول بار از سوی بدنه دولتی برنامه‌ریزی شهری یعنی وزارت مسکن و شهرسازی عنوان گردید، ولی با کمال تعجب بعدها با بی‌اعتنایی از سوی همان ارگان روبه‌رو شد، با این گمان که کشور در شرایط حاضر توانایی پذیرش آن را ندارد. ولی دو راه بیشتر وجود نداشت: یا باید همان راهی را پیمود که کمیسیون ماده پنج و مدیریت شهری دنبال می‌کنند و یا باید طرحی تهیه کرد که انعطاف‌پذیر باشد و بتواند در حین عمل مورد تجدید نظر قرار گیرد و اجازه دهد تا تصمیمات شهری در چارچوب راهبردها و اهداف راهبردی و عملیاتی آن اتخاذ شود.

○ **نظر شما درباره این نقد اساسی که تنها با اصلاح شرح خدمات طرح‌های توسعه شهری نمی‌توان معضل و بحران شهرسازی کشور را رفع کرد، چیست؟ قوانین و مقررات و نظام و تشکیلات شهرسازی چه جایگاهی در این میان دارند؟**

● ساده‌اندیشی است اگر کسی فکر کند که با تغییر شرح خدمات طرح‌های شهری تحول عمده‌ای در شهرسازی رخ خواهد داد. از آغاز مطرح شدن رویکرد ساختاری - راهبردی نیز مشخص بود که سازمان و تشکیلات شهرسازی و قوانین و مقررات و شیوه‌های تولید طرح می‌بایست همپای یکدیگر تغییر یابند. اگر چه بررسی این سه بخش مطالعات هم‌زمان با هم شروع شد، اما آن دو در همان آغاز از ادامه کار بازماندند و به عبارت دیگر به حرف بسنده کردند. البته این واقعیت مهمی است که تا آن دو بخش دیگر اصلاح نگردند این بخش که همانا تغییر نظریه‌ها، رویکردها، شیوه‌ها و قالب شرح خدمات طرح‌های توسعه شهری است اثر بخش نخواهد شد.

شاید یکی از دلایل پیشگام شدن این بخش از مطالعات سه‌گانه، استقبال آن از سوی جامعه حرفه‌ای شهرسازی بود. مشاوران کلیات طرح راهبردی یا ساختاری را قبول داشتند. این گروه به دلایل علمی و تکنیکی، مفاهیم راهبردی را با تعریف‌ها و تنقیدهایی که ارائه داده بودند، پذیرفته و در انتظار شرح خدمات جدید بودند. اصلاح طرح در این حالت می‌توانست برانگیزاننده باشد. یعنی زمانی که بخشی از یک سیستم اصلاح گردد بخش‌های دیگر آن سیستم نیز ممکن است برای هماهنگی با آن بخش تغییر یابند. البته به هر حال عکس آن نیز احتمال داشت؛ به این معنی که مقاومت آن دو بخش دیگر در برابر اصلاحات، بخش پیشرو را نیز از رسیدن به اهداف بازدارد. این کوتاهی از سوی وزارت مسکن و شهرسازی است که مطالعات آن دو بخش دیگر را متوقف ساخته است.

○ **از نظر شما مهم‌ترین موارد اصلاحی در قوانین و مقررات شهرسازی که می‌تواند در توسعه این رویکرد (راهبردی) اقدام عمده‌ای به حساب آید چیست؟**

● مهم‌ترین اصلاحات در قوانین و مقررات شهری، که بسیار هم دشوار است، موضوع تجدید نظر در طرح‌هاست. در شرایط حاضر بعد از ۱۰ سال از زمان تهیه طرح‌ها می‌توان در آن تجدید نظر کرد، که آن هم مستلزم طی مراحل طولانی و دشوار است. (اگر اختیارات تجدید نظر به شهرداری‌ها تفویض شود - شهرداری‌هایی که در شرایطی کاملاً دموکراتیک و به وسیله مردم یا شوراهای شهری نظارت می‌شوند - گام بزرگی برای تغییر و تحول نظام شهرسازی برداشته شده است.) شهرداری‌ها باید اختیار تجدید نظر در طرح‌ها و برنامه‌های خود را در چارچوب راهبردهای مصوب یعنی سیاست‌های کلان و بلندمدت شهر داشته باشند. این تغییرات اگر به تصویب شورای شهر برسد کافی است و دیگر لازم نیست که طرح برای تجدید نظر به شورای عالی شهرسازی ارجاع شود. به عبارت دیگر، ساختارها و استراتژی‌های کلان شهر در سطوحی فراتر از شهر یعنی شورای عالی شهرسازی به تصویب می‌رسد، ولی تصمیم‌گیری‌های خردتر در چارچوب آن ساختارها می‌تواند به وسیله شورای شهر اتخاذ شود. شهر در این حالت در اختیار شهرداری است و تصمیمات مرتبط با آن هر سال تجدید نظر شدنی است. به این ترتیب هر آنچه‌را که کمیسیون ماده پنج در زمان حاضر به صورت موردی تغییر می‌دهد، می‌تواند از طریق شورا و واحد برنامه‌ریزی آن انجام شود. این چنین تغییراتی از سوی شورای شهر در چارچوب طرح راهبردی - ساختاری حلال مسائل شهری خواهد بود، ولی آنچه کمیسیون ماده پنج انجام می‌دهد بدون ملاحظات عمومی و پیشنهادهای شورای شهر است.

○ **دومین اصلاح الزامی در قوانین و مقررات شهرسازی حذف مفهومی به نام «طرح تفصیلی» است. طرح تفصیلی در برداشت کنونی آن چیزی نیست جز طرح شبکه خیابان بندی و تراکم ساختمانی. در زمانی که تراکم شهر بنا به ملاحظات مالی تغییر می‌یابد، عملاً طرح تفصیلی به چیزی بی‌مصرف تبدیل می‌شود. هنگامی که رابطه‌ای مستقیم بین تراکم و عرض شبکه تعیین‌کننده نظام کالبدی شهر شده است، دیگر طرح تفصیلی معنای وجودی خود را از دست خواهد داد. آیا تمام شهر فقط شبکه و تراکم است؟ آیا مسائل و موضوعات دیگری وجود ندارد؟**

● به نظر من هیچ مانعی برای تهیه طرحی به نام نقشه شبکه شهری و نقشه کاربری زمین وجود ندارد؛ ولی نمی‌توان آنها را طرح تفصیلی نامید. این دو اگر چه طرح‌های اساسی هستند، ولی هیچ کدام آنها طرح‌های تصمیم‌گیری محسوب نمی‌شوند. آنچه می‌تواند جانشین طرح تفصیلی گردد، شامل دو نوع طرح عمده است:

اولی طرح‌های موضعی، که تعریف پروژه‌هایی برای شهر در قالب برنامه‌هایی چون نوسازی، طرح آماده سازی، بهسازی، تجمیع و نظایر آن است. دوم طرح‌های موضعی که برنامه‌های خاصی از نوع طرح‌های زیست محیطی، ایمنی، آب‌های سطحی،

گردشگری و مانند آن را تهیه می‌کند. بنابراین طرح‌های عملیاتی موضوعی و موضعی به اضافه کتابچه مقررات و ضوابط ملاک عمل برنامه عملیاتی شهر را مشخص می‌سازند. اما همان گونه که گفته شد، تهیه این دو سند به معنی رد تهیه و استفاده از نقشه شبکه و کاربری زمین نیست. آنها می‌توانند تحت عنوان طرح‌های پایه برای طرح‌های عملیاتی ملاک عمل قرار گیرند. تاکنون درباره کم و کیف طرح‌های راهبردی - ساختاری و به خصوص در سطح عملیاتی آن یعنی طرح‌های موضعی و موضوعی توضیحات روشنگری ارائه نشده است.

○ مواضع و منافع مختلفی را که در قالب گروه‌های مشخصی با رویکرد راهبردی - ساختاری برخورد کرده‌اند چگونه دسته بندی می‌کنید و ارزیابی‌تان از شیوه برخوردشان چیست؟

● به نظر می‌رسد اولین گروه - البته مخالف - فرا روی این رویکرد، آن عده از کارشناسان شهرسازی وزارت مسکن و شهرسازی هستند که با موضوع آشنایی کافی پیدا نکرده‌اند. به عقیده اینان در شرایط حاضر و با طرح شیوه راهبردی - ساختاری، شهرسازی در کشور ما مسیر قهقراپی یافته است و روز به روز تضعیف می‌شود؛ زیرا به زعم [نظر] این گروه اگر طرح‌های دقیق شهرسازی (طرح جامع و تفصیلی) تهیه نشوند، سوء استفاده‌های زیادی از طرف شهرداری‌ها صورت خواهد گرفت. این اعتقادی است که در عمل می‌توان عکس آن را ثابت کرد.

برخی از مشاوران شهرسازی نیز دچار سوء تفاهم هستند، زیرا می‌پندارند که طرح راهبردی طرحی است که خیلی کلی، بدون عمق و به طور سطحی با مسائل شهری برخورد می‌کند. اما باید گفت که هر چیز ساده، اولاً آسان نیست، ثانیاً سطحی نیست، بلکه شفاف و گویاست. به همین دلیل باید گفت: اگر چه طرح راهبردی طرح ساده‌ای است، ولی عمق دارد، زیرا به مسائل بلند مدت و اساسی شهر می‌پردازد. در زمان حاضر تعریف «ساختار» برای بسیاری از منتقدان روشن نیست. آنان از ساختار تصویری معمارانه دارند نه تصویری فضایی و شهرسازانه.

گروه دیگری در جمع مشاوران شهرسازی وجود دارند که معتقدند طرح‌های راهبردی - ساختاری همان طرح‌های جامع گذشته هستند. از نظر آنان اگر در یک طرح به مطالعات مسکن، جمعیت، توپوگرافی، ترافیک شهری و نظایر آنها پرداخته می‌شود، فرقی ندارد که طرح راهبردی نام بگیرد یا طرح جامع! اما آنها غافل‌اند از اینکه در طرح راهبردی مطالعات برای شناخت ساختارها و نظام‌های کلان شهری صورت می‌گیرد نه به عنوان یک سری مطالعات ناپیوسته که هدف خاصی را مدنظر ندارند. این تفاوت خیلی ساده و گویاست. این مطالعات نیستند که طرح‌های شهری را به وجود می‌آورند بلکه این هدف، تفکر و رویکردی است که در مطالعات پی‌گیری می‌شود.

گروه سوم دانشگاهیان هستند. اصولاً دانشگاهیان تاکنون برخورد روشن و مشخص با این طرز تفکر نداشته‌اند. آنان طرح جامع را به شدت نفی می‌کنند، ولی تاکنون هیچ گونه پذیرشی برای طرح‌های راهبردی - ساختاری از خود نشان نداده‌اند و هیچ گونه پیشنهاد دیگری را نیز ارائه نکرده‌اند. علت آن هنوز برای شخص

من کاملاً روشن نیست. به نظر من برخورد آنها کاملاً آنفعالی است.

به رغم اینکه این ایده و طرح از سوی وزارت مسکن و شهرسازی تعریف شده است و من به نمایندگی از طرف آنها حدود ۳۰ جلسه در سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی از مبانی طرح دفاع کرده‌ام به دلیل سوءظن بدنه کارشناسی خود، این وزارتخانه در پشتیبانی از طرح ضعیف عمل می‌کند. گویا منتظرند اتفاق بهتری بیفتد که با سیستم اداری مطابقت داشته باشد. این تردید بیشتر در سطح میانی مدیریت این وزارتخانه به چشم می‌خورد. طرح‌های

راهبردی - ساختاری اصولاً طرح‌های راهنمای عمل‌اند و ویژگی اصلی‌شان تصمیم‌سازی برای تصمیم‌گیرندگان است و نه برای مجریان. از آنجا که سطح مدیریت استراتژیک در ارگان‌های شهرسازی کشور وجود ندارد، بنابراین به طور طبیعی طرح راهبردی - ساختاری با مانعی بزرگ یعنی مدیران اجرایی روبه‌رو می‌شود. در حالی که تصمیم‌سازی برای تصمیم‌گیرندگان باید از تعامل بین تصمیم‌گیرنده و تصمیم‌ساز حاصل آید. چون این رابطه بین تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیرنده یعنی بین کارفرما و مشاور به سادگی برقرار نمی‌شود، لذا مشکلات عملیاتی بروز می‌کند. نظام تصمیم‌گیری در کشور ظرفیت پذیرش این تعامل را از خود نشان نمی‌دهد و اصولاً فاقد توانایی برای گفت‌وگو و یا تعامل است. نظام مدیریت نمی‌تواند طرح را محصول تعامل مشاور و کارفرما بداند، بلکه انتظار دارد که طرح محصول مستقیم مطالعات مشاور باشد. کارفرما تنها وظیفه خود را ایرادگیری نسبت به انجام مطالعات طرح می‌داند. این یک مشکل فرهنگی و نهادی است. طرح راهبردی - ساختاری در واقع بر این تعامل بین تصمیم‌گیرنده و تصمیم‌ساز است. در بسیاری از کشورها نهاد مشاور (تصمیم‌سازان) در دل شهرداری و شورای شهر عمل می‌کند؛ در حالی که در کشور ما تصمیم‌گیرنده و تصمیم‌ساز دو سازمان و تشکیلات مجزا قرار دارند و کاملاً مستقل از هم عمل می‌کنند. قراردادی بین مشاور و کارفرما منعقد می‌شود و بعد از چندی محصول از سوی مشاور به کارفرما ارائه می‌گردد. طرح تهیه شده براساس فهرست شرح خدمات کنترل می‌شود. اگر مطالب طرح جوابگوی بندهای شرح خدمات بود پذیرفته می‌شود و گرنه برای اصلاح بازگردانده می‌شود. این نوع نظارت و کنترل مانعی بزرگ و حتی آسیب فاجعه‌آمیزی برای توسعه شیوه‌های جدید برنامه‌ریزی راهبردی - ساختاری محسوب می‌شود.

○ اجرای شیوه راهبردی - ساختاری در شرایط کنونی کشور، به ویژه در زمینه مدیریت شهری و انفکاک آن از برنامه‌ریزی شهری، با چه موانعی روبه‌روست و شرط تحقق آن مستلزم انجام چه تغییراتی است؟

● اولین شرط برای تحقق این شیوه فراهم شدن امکان تهیه و اجرای طرح‌های شهری به وسیله خود شهرداری‌هاست. این امر در ایران به دلایلی چند از جمله ضعف شهرداری‌های کوچک و متوسط و بی‌اعتنایی شهرداری‌های بزرگ به قانون و مقررات و طرح‌های مصوب با مانع عمده‌ای روبه‌روست. در حالی که اگر تصمیم‌گیری‌های شورای شهر در چارچوب طرح راهبردی در اختیار شهرداری‌ها قرار گیرد، مسلماً شهرداری‌ها ملزم به رعایت قوانین طرح می‌گردند. رویکرد راهبردی کارآمدترین رویکرد برای

شهرداری هاست. جای تعجب است اگر شهرداری‌ها هنوز موضوع به این سادگی را از نظر عملیاتی نپذیرفته‌اند.

در مورد مهندسان مشاور باید توجه داشت که آنها محدودیت‌هایی دارند که کارفرمای آنها - وزارت مسکن و شهرسازی - نوشته یا نانوشته به آنها ابلاغ کرده است. تردیدی نیست که اگر وجوه مختلف این فکر به طرز صحیحی ابلاغ شوند مشکل اصلی مرتفع خواهد شد. برای مثال اینکه اگر «ساختارهای اصلی و بنیادی شهر را مشخص کنید و آنها را به عنوان عوامل پایدار شهر به شمار آورید...» در آن صورت هر گونه تصمیمات شهری می‌تواند در قالب پروژه‌های عمرانی موضوعی یا موضعی به درستی تعریف شود و اولویت بندی گردد. تردیدی ندارم که آن گاه عملی‌ترین نوع برنامه‌ریزی شهری در کشور شکل خواهند گرفت. این نوع نگرش به شهرداری‌ها، کارفرمایان و حتی مشاوران اجازه می‌دهد تا در مواقع ضروری اولویت بندی تصمیمات - یا به عبارتی ساده‌تر، طرح‌های عملیاتی - خود را در چارچوب طرح ساختاری تغییر دهند. این رویکرد با توجه به ضرورت تصمیم‌گیری عملیاتی در شهرداری‌های کشور طراحی و تنظیم شده است و به همین دلیل بعید است با شناخت کامل از اهداف و وجوه آن مخالفتی از سوی شهرداری‌ها را برانگیزد.

○ **تحقق برنامه‌ریزی استراتژیک را در فقدان لایه مدیریت استراتژیک نام بردید. آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

● **فقدان نگرش استراتژیک نوعی آسیب برای برنامه‌ریزی و مدیریت شهری است. به دلایل بسیاری مدیران شهری در کشور خود را در جایگاه استراتژیک نمی‌بینند؛ و اگر چه البته مدیران شهری در سطح فراتر اهل معامله و مذاکره‌اند، اما همان‌ها وقتی به مسئله عمران شهری فکر می‌کنند به علت روزمره‌گی کاملاً تبدیل به مدیران اجرایی می‌شوند. این مشکل ساختاری مدیریت در کشور است که موجب می‌شود سطح مدیریت استراتژیک شهری در کشور رشد نکند. به نظر من در مسیر واقعیت‌های آینده، داشتن مدیران استراتژیک امکان‌پذیر است. البته بدون تصمیم‌سازی هیچ تصمیم‌گیرنده‌ای نمی‌تواند به درستی راهیابی کند و هیچ تصمیمی بدون توافق و مشارکت عوامل ذی‌نفع و ذی‌مدخل معنی‌دارو پایدار نیست. این حرف‌ها گویی مربوط به جامعه‌ای توسعه‌یافته‌تر از ماست. اما جامعه‌ما خواه ناخواه به سوی چنین جامعه‌ای در حرکت است، زیرا بسیاری از ابزارها و تکنولوژی‌های فرهنگی مدرن شده‌اند، و در نتیجه مدیریت هم باید مدرن شود. شهری چون تهران که کلیه آثار و علائم پیشرفت‌های جدید را در خود دارد در مدیریت دچار ناکارآمدترین شکل اداره و کنترل است.**

○ **چالش‌های اساسی فراروی پیاده‌سازی رویکرد راهبردی در نظام برنامه‌ریزی کشور را می‌توان از زوایای مختلفی چون ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی ایران، سطح پایین توسعه سیاسی، ابعاد تکنیکی و آموزشی و مانند اینها ارزیابی کرد. نظر شما درباره این گونه نگاه تحلیلی به این موضوع چیست؟**

● **جامعه ایران به علت توسعه نیافتگی اجتماعی - اقتصادی دچار مسائل روزمره بسیار حاد است. وقتی کلان‌شهرهای جهانی کشور قادر به حل مسئله‌ای به نام ازدحام ترافیک نیستند باید بدانند که این امری است بلندمدت و ساختاری و به راهبردهای بنیادی نیازمند است. لیکن اینها برعکس به علت روزمره‌گی به راه‌حل‌های مقطعی و موردی روی می‌آورند. بنابراین مدیران شهری به ویژه مدیریت کلان‌شهرها به جای اندیشه‌درباره برنامه‌های بلندمدت و ساختاری موردنیاز شهرها همواره درگیر مسائل روزمره و کوتاه‌مدت هستند. در چنین حالتی آنها هیچ‌گاه به جایگاه مدیران استراتژیک ارتقا نمی‌یابند، بلکه بدل به مدیران اجرایی می‌شوند که معتقدند طرح شهری باید اقدامات موردی را در اختیار آنها قرار دهد. این مدیران زمانه را کوتاه می‌بینند چون مدیریت آنها نیز کوتاه‌مدت است؛ زیرا هیچ ارگانی وجود ندارد که ده سال بعد از آنها بپرسد چرا به موضوع سیلاب و زلزله شهر فکر نکردید؟ چرا به مسئله فضاهای عمومی و هویت شهر توجه نکردید؟ ... اما این پرسش هر روزه از آنها می‌شود که چرا فلان چهارراه دچار ازدحام ترافیک است و یا چرا در فلان نقطه زباله تلنبار می‌شود. سقوط مدیران استراتژیک به سطح مدیریت اجرایی سطح پایین یا عدم ارتقای آنها به مدیریت سطح بالا سبب شده است که طرح استراتژیک از نظر همان شهرداری‌هایی که اندکی پیش از آنها به عنوان مدافعان واقعی طرح‌های استراتژیک سخن می‌گفتیم، باشد.**

در مورد چالش‌هایی که در بُعد تکنیکی فراروی طرح راهبردی است باید گفت از طریق اعمال این رویکرد تغییری در محتوای شهرسازی داده نمی‌شود. محتوا همان موضوع برنامه‌ریزی شهری و فعالیت‌های آن است. طرح‌های راهبردی مدعی روش جدید مواجهه با موضوع یا محتوای شهری است؛ به این معنی که چگونه می‌توان از ساخت یک عنصر ساده مانند پیاده‌روهای شهری تا پیچیده‌ترین اقدام در مسیر توسعه شهری را در یک چارچوب کلان قرارداد و توجه و تبیین کرد. همان‌گونه که ذکر شد، مهم‌ترین آسیب بر سر تحقق این رویکرد، روزمره‌گی مدیریت شهری در حل مسائل مقطعی است.

از بُعد آموزشی می‌توان گفت کارشناسان شهرسازی به طور نسبی با این رویکرد آشنایی دارند. مشاورانی هم وجود دارند که مدعی‌اند حتی قبل از طرح این ایده به این روش و قواعد آن عمل می‌کرده‌اند، به این ترتیب که بر ساختارها تأکید داشتند و در برنامه‌های شان به اولویت بندی پروژه‌ها می‌پرداختند. این گروه از مشاوران تلاش زیادی برای جا انداختن این رویکرد به عمل آورده‌اند؛ ولی همان‌گونه که اشاره شد گروه کوچکی در نظام برنامه‌ریزی شهری رسمی کشور وجود دارند که از ترویج و توسعه این رویکرد جلوگیری می‌کنند. در چنین شرایطی طرح‌هایی تولید می‌شود که نه طرح جامع هستند و نه طرح راهبردی. نکته جالب توجه درباره اهمیت آموزش شهرسازی این حقیقت است که گرایش به یادگیری در بسیاری از نهادهای شهرسازی ناشی از پیگیری مدیریت کلان شهرسازی (یعنی وزارت مسکن و شهرسازی) است. اگر وزارت مسکن و شهرسازی در ارزیابی طرح‌ها معیارهایی را مد نظر قرار دهد که طرح ملاک عمل است نه مطالعات و البته ابزار راهنما را نیز در اختیار آنها قرار دهد، مسلماً این روش با رویکرد

با سرعت بسیار مطلوب تری تحقق خواهد یافت.

اما مخالفان اصولاً گروه‌های محافظه کاری هستند که پذیرفتن حتی یک اصل جدید نیز برای شان دشوار است، زیرا چنین چیزی موقعیت کنونی ایشان را تهدید می‌کند و عدم کفایت علمی و فنی آنها را بیش از پیش آشکار می‌سازد. بنابراین روحیه انفعالی موجود در سطوح مدیریت شهری کشور، مانع ساختاری بر سر راه اصلاحات ساختاری در شهرسازی کشور است. به همین علت نقش فعال و پیشرو صاحبان اندیشه بیشتر از صاحبان مقام در تحولات مؤثر است. باید پذیرفت که راه بازگشت به عقب وجود ندارد. باید اندیشه و عمل با همدیگر متحد شوند تا بنیاد درست پی‌ریزی گردد.

○ شیوه برخورد شرح خدمات طرح‌های راهبردی - ساختاری با موضوع سیاستگذاری، تصمیم‌گیری و اجرا در طرح‌های توسعه شهری چگونه است؟ این شرح خدمات تا چه حد نقایص اساسی شرح خدمات طرح‌های جامع و تفصیلی را در مقوله اجرا رفع کرده است؟

● با نگاهی دوباره به شرح خدمات طرح‌های ساختاری - راهبردی، می‌توان دریافت که در هر زمینه‌ای مطالعاتی در مرحله نتیجه‌گیری مشخص خواسته شده است که درباره ساختار موضوع مورد مطالعه جمع بندی صورت گیرد. برای مثال در یک شهر فرضی بایستی مشخص شود که ساختار جمعیت و نحوه توزیع آن در شهر چگونه است. در سایر زمینه‌ها نیز باید ساختارها مشخص گردند. مجموعه این ساختارها در هر یک از موضوعات شهری به شناخت نظام و ساختار فضایی - اجتماعی کل شهر می‌انجامد. به این ترتیب از روی هم گذاری این لایه‌های مطالعاتی، ساختار عمومی شهر به دست می‌آید. بسیاری از این ساختارها طرح و نقشه و خط نیست، بلکه رهنمودهایی مشخص را در زمینه توسعه و عمران شهر ارائه می‌کند. برای مثال اگر هدف تقویت یک محور فعالیت در بخشی از شهر است، باید میزان تسهیلات لازم، سیاست‌های پشتیبان و امکانات سرمایه‌گذاری لازم مورد سنجش قرار گیرد. این سیاست‌ها اگر با واقعیت‌ها سازگار نباشند، مسلماً بنا به میل برنامه ریز شهری نیز اتفاق نخواهند افتاد. بنابراین مهم‌ترین ویژگی طرح‌های راهبردی تدوین روش‌ها یا تمهید سیاست‌ها و اقداماتی است برای فراهم ساختن امکانات سرمایه‌گذاری برای توسعه و آبادانی شهر. این هدف از طریق تدوین مقررات و ضوابط تنبیهی و تشویقی، با بستن عوارض و مالیات و یا با دخالت انواع ابزارهای اقتصادی دیگر برای هدایت سرمایه‌ها به بخش مورد نظر از شهر تحقق خواهد یافت. به عبارت دیگر هدایت سرمایه‌ها برای عمران شهری و یا تولید فضای شهری موضوعی است که طرح راهبردی در پی تحقق آنهاست. هدایت توسعه مفهومی است که در طرح جامع کاملاً مورد غفلت قرار گرفته است. هدایت توسعه تنها از طریق یک نقشه تحقق نخواهد یافت، بلکه باید از طریق هدایت سرمایه‌گذاری و انگیزه سرمایه‌گذاری تحقق یابد. لازمه آن تأمین زیرساخت‌هاست که خود امری ساختاری است. به این ترتیب سرمایه‌گذاری و زیرساخت است که می‌تواند توسعه را هدایت کند. طرح جامع و تفصیلی از این دیدگاه ضعیف‌ترین و ناکارآمدترین طرح‌ها در نوع خود هستند.

در طرح جامع، برنامه‌ریزی و مدیریت از هم جداست. هر بخش روش‌های ویژه خود را به کار می‌بندد. طرح تفصیلی به وسیله مشاور تهیه می‌شود، ولی مدیریت شهری درست عکس آن عمل می‌کند. هم اکنون طرح تفصیلی وسیله‌ای است که از قبال آن جریمه‌های خلاف سنگینی دریافت می‌گردد و به خزانه شهرداری وارد می‌شود. اکنون این شیوه به استراتژی‌ای برای درآمد شهرداری بدل شده است. این خود به عبارتی یعنی شما طرح تهیه کنید، من اجازه خلاف می‌دهم تا درآمد شهرداری را برای عمران شهری تأمین کنم!

○ بسیاری از گروه‌ها و افرادی که اظهار نظر می‌کنند عدم انطباق این طرح با شرایط و اوضاع کشور را نقص عمده آن برمی‌شمارند، اما این نگرانی نیز وجود دارد که عملیات انطباق ماهیت این رویکرد را از درون و به طور اساسی تغییر دهد، به گونه‌ای که کاربکاتوری بیش از آن نماند. نظر شما در این باره چیست؟

● به نظر من اصلاً جای نگرانی نیست. جامعه کارشناسی به طور کلی پذیرفته است که طرح‌های جامع کارایی ندارند و به طور نسبی طرح‌های راهبردی طی چند سال اخیر همیشه با استقبال از سوی گروه‌های کارشناسی مواجه بوده‌اند. در نظر خواهی‌ای که در چارچوب طرح بازنگری در شرح خدمات طرح‌های جامع و تفصیلی صورت گرفت، همگان معتقد بودند که طرح‌های جامع باید تغییر یابند، اما اغلب اظهار نظر کنندگان چند تذکر را یادآور می‌شدند؛ از جمله اینکه طرح‌های راهبردی - ساختاری باید با ویژگی‌های ملی کشور انطباق داده شوند. به نظر من این خواسته باید به دقت تحلیل گردد. در عصر اطلاعات و نظام ارتباطات جهانی خواه ناخواه نظام شهری و به ویژه کلان شهری کشور چنان دگرگونی یافته است که بومی و غیربومی دیگر مفهومی ندارند. کلان شهر پدیده‌ای جهانی است، با تمامی ویژگی‌های منحصر به فرد آن. از این رو فرایند انطباق با تکیه بر مفهوم بومی معنای محتوایی دارد، نه روشی - حداقل در مقوله زندگی شهری. در برخی نظریات مفهوم بومی در ایران مفهومی جز عقب ماندگی سیستم اداره و مدیریت شهری ندارد. این مدیریت و سیستم اداری است که نسبت به کل زندگی شهری عقب مانده است. انتقال قدرت از حکومت مرکزی به محلی صورت نگرفته و همین امر مانع بزرگی برای انطباق مورد نظر صاحب نظران است. در نتیجه زمانی که نهاد مرکزی با رویکردی مواجه می‌شود که قدرت تصمیم‌گیری مدیریت محلی تحت آن شرایط باید افزایش یابد، عناصر حکومت مرکزی به بهانه عدم انطباق به ایجاد مانع بر سر تحقق آن رویکرد می‌پردازند. طرح جامع به نیروی مرکزی قدرتمندی نیاز دارد. در عوض طرح‌های راهبردی به قدرت محلی و بومی تکیه دارند. از نظر من آنچه از بومی سازی در معنای کنونی آن برداشت می‌شود، مراد همانا تقویت سیستم مرکزی است. اگر چه اعتقاد ندارم مدل طرح‌های راهبردی - ساختاری مدلی انطباق یافته با تمام شرایط موجود ایران است، ولی به نظر من انطباق دادن آن با شرایط کشور به این معنی است که کار برنامه‌ریزی به دست کارفرمای واقعی آن - یعنی شهرداری‌ها و شورای شهر - سپرده شود. در آن صورت این رویکرد کاملاً منطبق با شرایط مدیریت شهری خواهد بود.

بلدیه‌های کوچک در بحرانی بزرگ

در جلسه ۱۲ خرداد ماه ۱۳۰۸ خورشیدی به وزارت داخله (کشور) ابلاغ شده است.

اکنون شهری بی دفاع و بلدیهای ناتوان که زمین لرزه هولناکی با بزرگای ۷/۳ آن را در هم می‌کوبد. مدیران شهری (؟) کوچک‌ترین واکنشی از خود نشان نمی‌دهند یا نمی‌توانسته‌اند کاری بکنند و یا در خوش بینانه‌ترین نگاه، در جایی ثبت نشده است. مدیریت از هم پاشیده چشم به راه پایتخت نشینان و کرسی ایالتی (مشهد) می‌ماند. نگاهی به گزارش‌های ریز و درشت آن روزها وضعیت را به خوبی نشان خواهد داد. نخست خود رخداد را بررسی می‌کنیم.

روز ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۰۸ برابر با اول ماه مه ۱۹۲۹ زمین لرزه مهیبی شمال خاوری ایران و ترکمنستان (شوروی) را در هم کوبید. لرزه زمین دهستان‌های گینان، رباط، زیدر، قوشخانه، جیرستان، امیرانلو، اوغاز و باغان را ویران ساخت. هشتاد روستا با خاک یکسان شد و بیش از ۳۲۰۰ تن (!؟) جان باختند. در این زمین لرزه بر روی هم ۳۰۰ روستا آسیب دید که در آنها ۱۱۰۰ تن زخمی شدند و هزاران دام از میان رفت. لرزه به ویژه در بخش شمال باختر ناحیه کلان لرزه‌ای میان گینان و زیدر شدید بود (← نقشه) که بیش از نیمی از تلفات در آنجا روی داد. به گونه‌ای که در زیدر همه ۳۰۰ تن باشندگان روستا به جز یک تن کشته شدند. کاربزه‌های سکه، الله‌آباد و باغان به شدت آسیب دید. روستاهای شینرغی، تهرانی، آق قلعه، سولی، نظر محمد، گوگلی، بیگ، برزو و سکه تقریباً یکسره ویران شدند.

۵۵ کیلومتر در ازای جنبش‌های زمین لرزه‌ها بود. جا به جایی عمودی گاه - در نزدیکی آق قلعه - به ۲ متر هم می‌رسید. شکستگی‌های زمین به صورت رشته‌هایی به درازای ۱۰۰ تا ۲۰۰ متر به گونه‌ای ناپیوسته از حدود یک کیلومتری جنوب زیدر تا جعفرآباد کشیده شده بود. شکستگی گسلی در پیوند با این زمین لرزه (کپه‌داغ) به درازای ۷۰ کیلومتر از سکه تا جعفرآباد (← نقشه) امتداد داشت. گستره احساس شده لرزه از آمودریا (رود جیحون در خاور)، بیابان قره‌قوم، دریاچه آرال، دریای خزر، جلگه مازندران (در باختر) بوده است.

پسلرزه‌های ویرانگر آن در سوم ماه مه - سه روز بعد از زمین لرزه، گرماب و کورکولاب را در اتحاد شوروی یکسره فروپاشید. ۱۰ روز بعد پسلرزه آتابک در غرب گرماب را در هم کوبید و از دیگر سو در گستره جنوب خاوری، قلعه فاروج، سینکلی و ۱۰ روستای دیگر را که بیشتر آسیب دیده بودند، کاملاً ویران ساخت و ۲۱ کشته بر جای گذاشت. شهرهای قوچان و شیروان به ویژه آسیبی دوباره دید. پسلرزه تا ۹ ماه بعد (دی ۱۳۰۸) همچنان گزارش می‌شد.

صورت بودجه ۱۳۰۸ بلدییه‌ها - ۲-

اسامی ولایات	میزان اعتبار بلدییه هادریه ۱۳۰۷		میزان بودجه ۱۳۰۸		کسر یا اضافه ۳۰۸ نسبت به بودجه ۳۰۷
	رقم عایدات ۳۰۴	از مزاد عایدات ۱۳۰۶	جمع عایدات	از محل ارباب راه	
تربت حیدریه	۳۳۰۰۰	۱۲۵۰۰	۴۵۵۰۰	۴۵۰۰۰	۵۰۰
فردوس	۳۵۰۰	۶۵۰۰	۱۰۰۰۰	۱۰۸۰۰	۸۰۰
ترشیز	۱۰۳۰۰	۶۵۰۰	۱۶۸۰۰	۱۵۶۰۰	۱۲۰۰
طبس	۴۰۰۰	۸۰۰۰	۱۲۰۰۰	۱۲۴۰۰	۴۰۰
سیستان	۸۵۰۰	۲۰۵۳۰	۲۹۰۳۰	۲۹۵۰۰	۴۷۰
باجگیران	۱۰۰۲۲	—	۱۰۰۲۲	۱۲۰۰۰	۱۹۷۸
شیروان	۱۰۷۰۱	—	۱۰۷۰۱	۱۷۰۰۰	۶۲۹۹
کاریز	۲۰۳۲	—	۲۵۳۲	—	۲۵۳۲
زنجان	۷۸۰۰۰	۲۲۰۰۰	۱۰۰۰۰۰	۱۲۵۴۰۰	۲۵۴۰۰
خرمدره	۱۷۳۹۳	—	۱۷۳۹۳	۱۲۵۰۰	۴۸۹۳
سمنان	۱۵۷۲۰	۲۱۸۹۰	۳۷۶۱۰	۴۱۵۵۰	۳۸۹۰
دامغان	۱۹۱۶۰	۷۳۴۰	۲۶۵۰۰	۲۸۵۰۰	۲۰۰۰
شاهرود	۳۱۰۰۰	۸۰۰۰	۳۹۰۰۰	۳۸۰۰۰	۱۰۰۰
قم	۸۸۶۷۰	۸۳۶۰	۹۷۰۳۰	۱۲۱۴۰۰	۲۴۳۷۰
محللات	۲۳۹۴۲	—	۲۳۹۴۲	۱۸۲۰۰	۵۷۴۲
کاشان	۳۲۵۷۰	۱۴۴۳۰	۴۷۰۰۰	۶۴۴۰۰	۱۷۴۰۰
قزوین	۲۱۱۰۷۰	۱۵۰۰۰	۲۲۶۰۷۰	۲۵۷۲۰۰	۳۱۱۳۰
عراق	۹۲۳۳۰	۱۰۹۴۰	۱۰۳۲۷۰	۱۰۹۹۰۰	۶۶۳۰
ملایر	۱۴۴۰۰	۱۶۶۰۰	۳۱۰۰۰	۲۴۰۰۰	۷۰۰۰
نهاوند	۹۰۶۰	۱۱۴۲۰	۲۰۴۸۰	۱۷۶۰۰	۲۸۸۰
تویسرکان	۶۳۰۰	۸۷۰۰	۱۵۰۰۰	۱۶۷۰۰	۱۷۰۰
کرمانشاهان	۱۹۵۷۶۰	۱۶۷۴۰	۲۱۲۵۰۰	۲۹۶۱۰۰	۸۳۶۰۰
قصر شیرین	۱۰۶۹۴۷	—	۱۰۶۹۴۷	۱۰۰۰۰۰	۶۹۴۷
سکرد	۱۱۰۷۰۵	—	۱۱۰۷۰۵	۴۹۵۰۰	۶۱۲۰۵
سنقر	۹۶۰۰	۳۶۲۰	۱۳۲۲۰	۸۵۰۰	۴۷۲۰

این بار در میان اسناد بازمانده از روزگاری که دوره نوپایی شهرداری‌ها شمرده می‌شود، به یکی از رخدادهای طبیعی می‌پردازیم که بحران آن شهری ۵ هزار نفری را در شمال خراسان در خود می‌گیرد. شیروان شهری کوچک با خانه‌هایی از گل و خشت و گاه آجر و بلدیهای (شهرداری) تازه یا که هیچ تجربه‌ای ندارد و پیشینه‌ای از آن نیز بدست نیست، جز نامش که در سیاهه بودجه مصوبه مجلس شورای مالی برای بلدیهای کشور آمده و

روند گزارش‌ها از بحران

نخستین خبر این زمین لرزه ویرانگر، در روزنامه اطلاعات پنجشنبه (شامگاه) ۱۲ اردیبهشت (شماره ۷۵۵) که تنها روزنامه سراسری ایران بود، به صورت دو پاره خط و با عنوان «تلگراف ولایات» چاپ شده است؛ «ساعت هفت و نیم بعد از ظهر قریب یک دقیقه زلزله سختی شد» همین و بس! روزنامه اطلاعات، این تنها رسانه گروهی هم که روز جمعه تعطیل بوده و ادارات نیز، بنا بر این نخستین اطلاع‌رسانی همگانی روز ۱۴ اردیبهشت - عصر شنبه - به صورت تلگراف چاپ می‌شود؛ «نیم ساعت از شب زلزله به امتداد سه دقیقه وقوع یافت و در تمام شیروان جایی نماند که بی‌خرابی باشد. دکاکین بازار آنچه شکسته و آنچه خورد [= خرد] شده و ویران شده، هفت نفر تلف شده به سکه کلوخ به دستگاه رسید. به زحمت با تلفن (!) خبر می‌گیریم. اخبار موحش از اطراف زیاد می‌گویند دو نفر امنیه (ژاندارم) جهت تحقیق فرستاده شد. و بلافاصله درباره شیروان گفته شد که «هنوز شبانه روزی ده دوازده مرتبه زمین حرکت می‌کند. شیروان قابل اصلاح نیست باید جدیداً احداث شود به توسط مهندس اگر محل مناسبی باشد، قنات‌ها... خشک شده‌اند» شگفت آنکه کسی به فکر زیر آوارماندگان، بی‌سرنه‌هان، زخمی‌ها، گرسنگان و آوارگان آبادی‌های ویران شده نیست. از این رو به بعد تا چندین ماه همه روزه گزارشی از زمین لرزه، میزان خرابی، کمک‌های درون مرزی و برون مرزی که یکسره پولی و مالی است در این رسانه چاپ شده که البته پاره عکس‌هایی نیز به پیوست دارد. در میان آن همه گزارش دو تلگراف از سید حسن تقی زاده (۱۲۵۶-۱۳۴۸ ش.) والی (استاندار) خراسان و گزارش عباس مسعودی (۱۲۸۰-۱۳۵۳ ش.) سردبیر و صاحب امتیاز اطلاعات، اهمیت ویژه‌ای دارد.

بودند ما هم نزدیکی منزل کردیم در این جا هشتی از محترمین شهر رادعوت کرده و آنها را ما مور کردیم که آذوقه بین فقرا و اشخاص بی بضاعت تقسیم نمایند صد خروار کندم با اختیار آنها گذاشته شد ولی تمام مردم اطمینان داده می شد که از طرف دولت همه گونه اقدامات برای تاهین رفاهیت شما خواهد شد و گندم مزبور بهر يك نفر يك بوط رسید همان روز بعد از ظهر از شیروان بسمت گیفان حرکت کردیم خرابی‌های وارده به‌دات این طرف زیاد تر بود مخصوصاً الله آباد بکلی ویران گردیده بود بطوری که يك وجب بنا دیده نمی شد مردم از دور که ما را می دیدند با فریاد و گریه و زاری بطرف ما می دویدند همه گرسنه بودند این ها چیزی جز گندم نمی خواستند پول برای آنها نتیجه نداشت حاضر بودند تاده فرسخ دور تر از ده خود که انبار غله دولتی بود بروند و کندم خود را با دوش حمل نمایند در این جا هم مردم را تسلی داده و مقداری غله بین آنها برای آذوقه چند روزی تقسیم و آنها را نیز تسلی دادیم که بعد ها هم آذوقه و هم کمک‌های دیگر خواهیم رسانید در ده دیگر که باغان نام داشت خرابی فوق العاده زیاد بود و هر چه جلو تر میرفتیم خرابی زیاد تر بود اغلب رُزها و مرد ها برای از دست رفتن حیوانات و اطفال خود ناله و گریه می کردند این دهات خراب منتهی به رباط و گیفان می شود دهات این حدود از شیروان تا گیفان بالغ بر یکصد دهه می باشد که ویران شده و اهالی آن بریشان مانده اند اغلب این دهات را خورده مالک تشکیل میدهد و با این جهت فوق العاده آباد بود و بدبختی نصیب تمام خورده مالکین گردیده و دهات آباد آنها را ویران ساخته بود رباط در سرحد شوروی واقع است

ایرانی تا کبریت ساخت وطن دارد از استعمال کبریت خارجی احتراز میجوید

« هزاران پیر مردان و زنان از گرسنگی ضیعه »
 « و ناله میکنند در نقاط نزدیک بمركز زلزله »
 « اغلب از هر ده خانه دوه دوازده نفری بکفر »
 « یا دو نفر مانده آتم بعضی بی معین آنچه »
 « که ممکن بود طبیب برای مجروحین و آذوقه »
 « برای گرسنه ها رسانیدیم و بهین سبب تمام »
 « این نواحی از صمیم قلب با علیحضرت اقدس »
 « هدایوی بهمنی حقیقی کلمه دعا میکنند و »
 « باین که شاه و دولت بفر آنهاست و در »
 « رسانیدن امداد بانان اینطور عجله فرموده‌اند »
 « قدری تسلی یافته اند و نه واقعا خیلی »
 « بد نما بود که روسها بدهد آنها برستند و »
 « از ما خبری نشود چادر هم کمال ضرورت »
 « را دارد از بجنور جز يك چادر تیره »
 « نشده امید وارم در رسانیدن اطباء بقدیر »
 « کفایت و چادر باز هر چه زود تر مزید »
 « توجه را تمام بفرمایند »

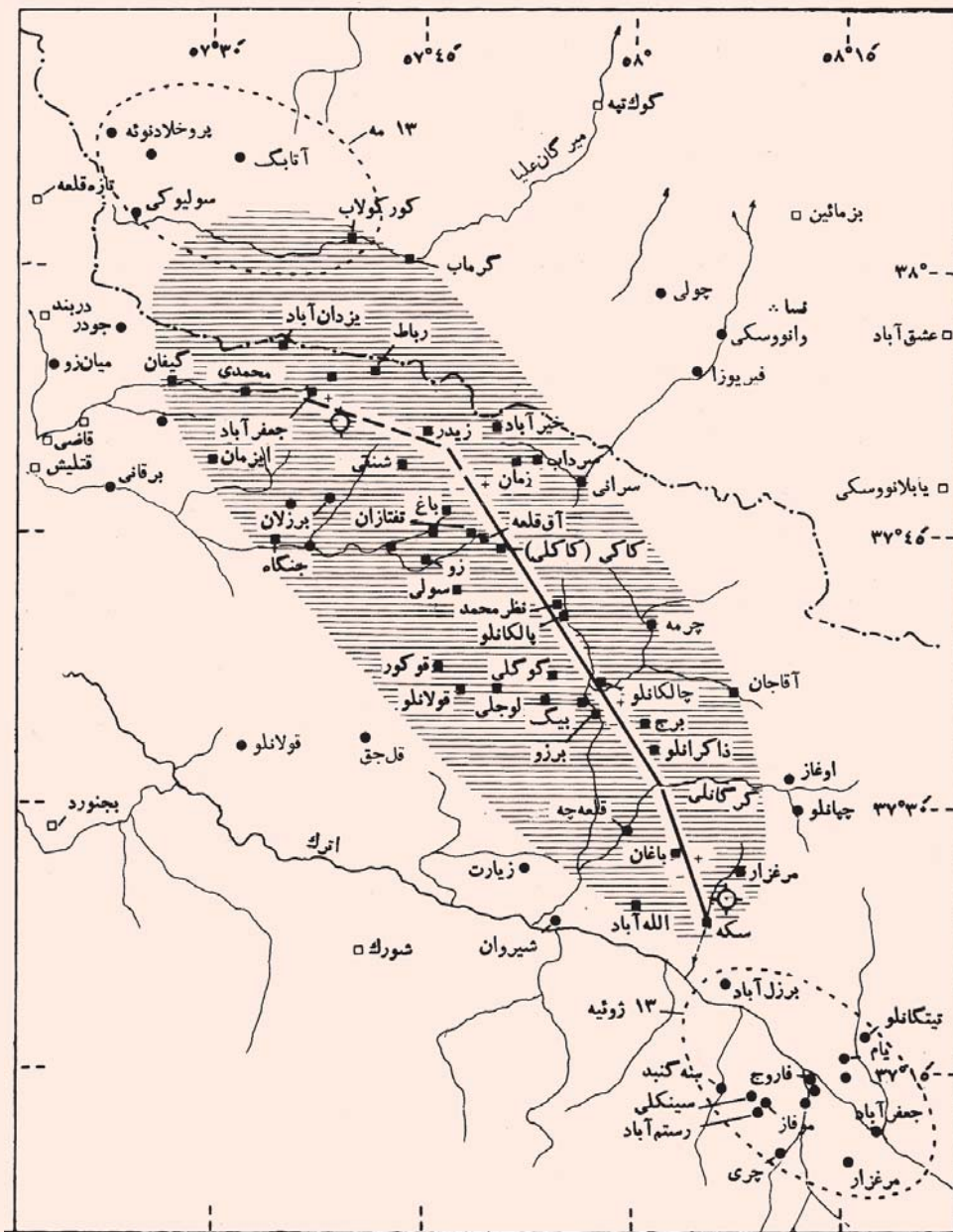
حسن تقی زاده

حال برای استعمار خاطر آقا بان صورت اعاناتی که تا کون جمع آوری شده است میخوانم :-
 اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ۲۰۰۰ تومان

« بجنورد و از طرف دیگر تا زیدرو »
 « جبرستان و سرایند تا نزدیک باجگیران »
 « امتداد داشته و در دو طرف این خط »
 « از هر جانب تا ۱۰ فرسخ خسارت »
 « زیاد وارد شده مرکز زلزله ظاهر اجوز »
 « رباط بود که شدید ترین نقاط حرکت »
 « است و از قریه رباط که آبادی بزرگی »
 « مشتمل بر هشت صد نفر قوس بود يك »
 « خشت هم نمانده و تحت لفظ تا خاک يك »
 « سان گر دیده و همچنین چهار فرسخ »
 « از رباط و گیفان و قریب پنج فرسخ »
 « رو به زیدرو و خط راه با جکیران قریب »
 « بهین حدت بوده تمام بسو ك قوش خانه و »
 « جبرستان و گیفان کاملاً خراب شده عدم متولین »
 « بتحقیق بیش از هزار و پانصد نفر و شاید تا »
 « ۲ هزار نفر بوده و مجروحین تقریباً دو هزار »
 « نفر است ضروری ترین و قوی ترین امداد »
 « که لازم است اول طبیب و دوه آذوقه است »
 « بدخفته اغلب مردان جوان تلف شده و »

تلگراف ایالت :

« وزارت جلیله دربار پهلوی - الان »
 « که ظهر دو شنبه ۲۳ است بی از شش »
 « روز گردش با اسب وارد بجنورد شده »
 « و فوراً برض خلاصه از راپرت مشاهدات »
 « خود مینساید. منطقه صدمات شدید زلزله »
 « از دو فرسخی قوچان و حوالی مازوج »
 « شروع شده و در خطی که از آنجا »
 « تا شیروان و از شیروان تا رباط که قریب »
 « ۱۴ فرسخ است و از رباط تا گیفان و »
 « سه چهار فرسخ بعد از آن در خط »



شکل ۳-۳۸ زمینلرزه ۱۹۲۹ م (۱ مه) کپه داغ

خبر آغاز به کار این هیئت منتشر می شود.

روز ۲۸ اردیبهشت (۱۷ روز پس از زمین لرزه) تازه نخستین مصاحبه مطبوعاتی با یک مسئول بلندپایه (تقی زاده) منتشر می شود. مصاحبه کننده کسی نیست جز عباس مسعودی.

گسترده ترین گزارش از این فاجعه طبیعی را مسعودی در شماره ۹۵۹ روزنامه خود (۱۱ خرداد ۱۳۰۸) چاپ کرده است که دستاورد سفر او به گستره های زلزله زده است. این گزارش صفحه نخست روزنامه و دو ستون از صفحه دوم را پر کرده است که بخش های زیر را در خود دارد؛ تلفات از زلزله، عزیمت اطباء، انتظار نقشه جدید شهر، مشاهده وضعیت آوارگان در صحرا، معالجه مجروحین، تسلی آوارگان، ادامه زلزله، شکاف های زمین، معاینه شهر شیروان، جمع آوری پست های امدادی. مرکز صحیه و شیروخورشید سرخ، میسیون شوری، خاتمه ساختمان بیمارستان، بازدید قراء جیرستان، آنچه در گزارش مسعودی بسیار شگفت می نماید، رویدادی است که وی در بخش «شکاف های زمین» آورده و جای دیگری هم گزارش نشده یا دست کم امروزه دستیابی به چنین گزارشی بسیار دشوار است؛ «... موقع غروب دهاقین و رعایا از کار روزانه مراجعت کرده اطراف فرزندان خود نشسته آماده

روز ۱۹ اردیبهشت تقی زاده با فرمانده امنیه (ژاندارمری) و رئیس نظمیه (شهربانی) راهی قوچان می شوند. یعنی درست یک هفته پس از زمین لرزه و از بجنورد تلگرافی به جمعیت مرکزی شیروخورشید می فرستد، «... عده مجروحین در حوزه رباط - زیدر و خیرآباد چندین صد نفر است و به واسطه فقدان طبیعت و دوا و چادر هر روز عده ای می میرند. اطباء غیر کافی - مردم گرسنه و امداد کلی و فوری لازم است».

نگاهی ژرف به متن تلگراف وخامت اوضاع را به خوبی نمایان می سازد، هر چند هنوز ستادی برای عملیات و نجات تشکیل نشده است. تقی زاده در نهایت ناباوری تلگراف کامل تری را در ۲۵ اردیبهشت به دربار مخابره می کند.

آنچه در این سند بسیار چشمگیر می نماید، اشاره تقی زاده مشروطه طلب به روس های سرخ است. زیرا شوروی ها در همان روزهای نخست گروه های کمکی خود را به مرز شمالی ایران فرستاد بودند و اجازه ورود می خواستند و چون اجازه نداشتند، غذا و دارو را به وسیله مرز نشینان به اهالی گینان می رساندند. تا روز ۲۱ اردیبهشت که تلگراف در روزنامه چاپ شده است. دو روز بعد

استراحت می باشند... در این موقع ستاره از قسمت شرقی آسمان در حال اشتعال جدا شده در قسمت غربی آسمان می افتد و اشعه قرمز رنگی تا چند ثانیه از غروب گذشته... خوانده نمی شود... پنج دقیقه از افول این ستاره نگذشته بود که صدای مهیبی مردم را از بالای بزرگی آگاه و تکان زمین با شدت شروع گردید... این همزمانی عجیب یعنی پیشامدی فضایی با یک رخداد زمین شناختی، اگر که چنین چیزی به دور از واقعیت نبوده باشد، بی گمان برای پژوهندگان رخدادهای طبیعی، پرسش های فراوانی را خواهد آفرید. شاید هم علت اندک شماری کشتگان زمین لرزه در شیروان (۷ نفر از ۵ هزار نفر) پیامد همین رخداد بوده باشد. ممکن است کسانی که از کار روزانه باز می گشته اند یا هنوز در فضای بیرون اتاق ها و ساختمان بوده اند، برای تماشای آن نمایش بهت آور بیرون مانده و دیگران را هم به بیرون از خانه فرا خوانده باشند.

بحران مدیریت در زمین لرزه شیروان (کپه داغ)

گاهی به گزارش ها نشان می دهد که ناتوانی رسانه ها، نبود وسایل ارتباط جمعی، راه های آن روزگار که بیشتر مالرو بودند، ناکارآمدی دولت و نیروهای نظامی برای رویارویی با حوادث، سرعت و کارایی مدیریت را به حداقل و تقریباً به صفر رسانده است. تنها وسیله ارتباط جمعی سریع «تلگراف حضوری» بوده که هر دو طرف گفت و گو باید در تلگرافخانه می نشستند تا با القای مورس، حرفها رد و بدل شود. بدتر آنکه این کار پس از چهار روز انجام شده باشد. برای این ارتباط سریع دکتر امیراعلم از سوی هیئت مرکزی شیر و خورشید سرخ ایران به تلگرافخانه می رود تا با مشهد ارتباط برقرار نماید.

در حالی که ۹۶ ساعت از زمین لرزه گذشته کشته شدگان را مردم با دست خالی بیرون می کشند، زخمی ها و آنانی که نیمه جانی داشته اند در این فاصله می میرند. یک شهر ۵ هزار نفری ویران شده و مردم برای خود رها شده اند. دکتر اعلم تنها کاری که می کند تلگرافی به شیر و خورشید سرخ شهرهای تبریز، بارفروش (بابل)، ساری، ناصری (اهواز)، بوشهر و کردستان مخابره می کند (۱۵ اردیبهشت). در واقع ستاد بحران چیزی جز شیر و خورشید سرخ نیست. در گزارش همین روز آمده که: «... بر طبق مقررات بین المللی مراتب به وسیله دو فقره تلگراف با ذکر عده تلفات و خسارات وارده به کمیته بین المللی صلیب احمر (سرخ) در ژنو و اتحادیه بین المللی صلیب احمرها در پاریس اطلاع داده شد و به وسیله دو مؤسسه مزبور از کلیه جمعیت های صلیب احمر تقاضای مساعدت شده است». مدیریت بحران پس از آن همه تأخیر تازه به راهبردهایی دست می یابد که در زیر می آوریم.

«تصمیمات متخذه»

۱- پس از وصول جواب تلگرافات مشهد و تعیین شدن نوع مساعدت، جلسه شیر و خورشید به طور فوق العاده تشکیل خواهد شد که برای ارسال دوا، اعزام طبیب و ملزومات طبی و غیره سریعاً اقدام نماید.

۲- از کلیه محترمین و خیرخواهان مرکز دعوت عمومی در قصر گلستان بعمل خواهد آمد و از مشارالیهم [= آنان] برای

منابع:

- اسدی، بیژن، نخچینگان خاورمیانه، مرکز پژوهش علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۷۹، ص ۲۱۵ و ۲۲۱.
- امیرسزین و ملویل، تاریخ زمین لرزه های ایران، ترجمه ابوالحسن ربه، مؤسسه انتشارات آگاه، ۱۳۷۰، ص ۲۴۲.
- عاقلی، باقر، روزشمار تاریخ ایران، نشر گفتار، چاپ پنجم، ۱۳۷۹، ص ۳۲۹، ۹۰.

کمک فوری به آوارگان استمداد خواهد شد.

پس از هشت روز مدیریت بحران تنها به تقاضای کمک آن هم بیشتر مالی بسنده کرده و روز ۱۹ اردیبهشت «کمیسیون اعانه» را در عمارت دربار سلطنتی تشکیل می دهد که تحت ریاست و نظر ولیعهد (محمد رضا پهلوی) و اعضای آن، وزیر دربار، رئیس الوزرا (نخست وزیر)، رئیس مجلس شورای ملی، وزیر جنگ و وزیر داخل (کشور) هستند که از ۷۰۰ نفر از رجال محترمین و توانگران زمین دار و بازرگانان دعوت به عمل می آید. استاندار نیز پس از ۸ روز همراه بلندپایگان نظامی رهسپار چوچان می شوند که دیگر کار از کار گذشته است. بازوی اجرایی حکومت پهلوی در تهران، یعنی نظمیه (شهربانی) که فرماندهی آن را یکی از قزاقان همدوش رضاخان، سرتیپ درگاهی بر عهده وارد دست به گرد آوردن کمک مالی از مردم می زند که روزنامه اطلاعات ۲۵ و ۲۶ اردیبهشت سیاهه بلند بالایی از این کسان و مبلغ کمکی آنها را چاپ کرده است. جالب آنکه بلدیۀ تهران در این میانه، ناهماهنگ با هر مدیریتی دست به ابتکار می زند و برای گردآوری اعانه از شهروندان، آخرین تیر ترکش را رها می کند. گاردن پارتی [= جشنواره سرگرمی و بازی همانند آنچه امروزه در شهرهای بازی می بینیم برگزار می کند.] این اعلان تاریخ ۳۱ اردیبهشت را دارد، ۲۰ روز پس از زمین لرزه.

آنچه از اسناد و گزارش ها بر می آید. تنها شاخه فعال مدیریت در این بحران بزرگ شیر و خورشید سرخ و همکاران پزشک آن در اداره صحیه (بهداشت) بوده است، دکتر امیر اعلم، دکتر معاضد - رئیس دارالشفای رضوی - پزشکانی که رفته رفته به روستاهای ویران فرستاده می شدند مانند گروه پزشکان که ۲۸ اردیبهشت از تهران به مشهد و از آنجا رهسپار باجگیران و؟؟؟ شدند، نوشارو پس از مرگ سهراب!

اعلان

از طرف بلدیۀ طهران

تحت ریاست کمیته محترمه اعانه

بنی آدم اعضاء یکدیگرند که در آفرینش یک سوهرند
چو عضوی بدرد آورد روزگار دگر عضوها را نمائند قرار

ساکنین محترم پایتخت از بلای نازله بخراسان و زلزله خاندان بر انداز آن جا که هزاران عده را برقی ابدی عزیران مبتلا و همگی را از هستی سناط و مجروح و گرسنه و عریان در صحراها سرگردان و حیران کرده است کابلا مستحضرند و بر احدی دستور نیست که بار این ممت پریشان چگونه بدل بخزان گردیده است

آقایان . خواتین . چشم این عده بینوا. توجه طهران پایتخت اعظم شاهنشاهی است که در این مصیبت بزرگ چه قسم مردم به جرحات آن ها گذارده و دل های داغ دیده اشان را نسای خواهید داد ؟

بلدیۀ در ظل بر ارحم پادگان اعالی حضرت قدر قدرت شاهنشاهی ارواحنا فدای و توجرات مخصوصه والا حضرت اقدس ولایت مهد نظمی دامت عظمت که ریاست عالیۀ کمیته محترم اعانه ستمدیدگان از زلزله خراسان را بوجود بیار که خود متفخر فرموده اند بنام شما ۳ روز توانی . (۵شنبه، ۱۳شنبه - ۲۳شنبه خردادماه) در ایامی کردن یارتی با حکومتی خواهد داد که تمام لوازم تفریح از قبیل ارگستر عالی ایران . موزیک . سینما در محل جدیدی که برای فصل تابستان بنا شده است (کافه و خت آزادی و نمایش امنه وطنی و غیره در آن جا موجود و از ساعت ۶ بعد از ظهر تا ساعت ۱۱ دایرو روز ۲ شبه اختصاص بخواتین محترمه خواهد داشت بیاط ورود فقط دو قران است) محل فروش درب باغ ملی (نمره ۱۶۲۵ - نمره اعلان ۳۱۹۳ - بلدیۀ طهران)

برازجان و بحران آب

گفت‌وگو با هوشنگ رستم پور
شهردار برازجان
محمد سالاری راد



هوشنگ رستم پور متولد سال ۱۳۴۸ در برازجان و فارغ التحصیل دکتری برنامه‌ریزی منطقه‌ای و شهری از دانشگاه تربیت مدرس است. وی ۵ ماه است که به سمت شهردار برازجان منصوب شده است. وی پیش از این مشاور شهردار بوشهر، مشاور سیاسی و اقتصادی، مشاور عمرانی و معاون سیاسی استانداری بوشهر بوده است. او اکنون علاوه بر مسئولیت شهرداری این شهر، در دانشگاه خلیج فارس نیز تدریس می‌کند.

سالار، دوران‌دیش و دارای قدرت راهبردی عملیاتی استراتژیک باشد. شهر برازجان مرکز شهرستان دشتستان از استان بوشهر، دارای زمینه‌های مختلف بحران‌زایی است. از این رو تجربه مدیریت بحران در این شهر برای برنامه‌ریزی کلیه شهرهای کشور مفید است. سیل، خشکسالی، آتش‌سوزی و زلزله، مواردی هستند که با شهردار این شهر «هوشنگ رستم پور» به بحث گذاشته شده است. این شهر در سال ۱۳۷۵ حدود ۸۰ هزار نفر جمعیت داشت؛ و از آنجا که طی سال‌های ۶۵ تا ۷۵ با متوسط رشد سالانه ۱/۸ درصد افزایش یافته، جمعیت کنونی این شهر احتمالاً به حدود ۹۰ هزار نفر رسیده است.

○ آقای شهردار، شهر برازجان به طور ادواری درگیر چه بحران‌هایی است؟

● براساس بررسی‌های تاریخی و گذشته شهر، عمده‌ترین بحران‌هایی که می‌توان برای برازجان برشمرد عبارت‌اند از سیل و خشکسالی. برازجان از جمله شهرهای جنوبی کشور است که در منطقه اقلیمی گرم و خشک جای دارد. باران‌هایی که در این منطقه می‌بارند، متأثر از جریان‌های موسمی اقیانوس هند، شدت بسیار زیادی دارند اما مداوم نیستند؛ در نتیجه در طول سال، زمین‌ها کاملاً خشک می‌شوند و هنگام بارندگی - که تعداد آنها بیشتر از انگشتان دست هم نیست - آب به درون زمین نفوذ نمی‌کند و به دلیل شدت بارندگی، سیل جاری می‌شود.

○ آیا این آب‌ها، در جایی ذخیره نمی‌شوند؛ همچون روشی که در استان هرمزگان و جنوب فارس وجود دارد و با احداث آب‌انبارهای سرپوشیده، جریان‌های سیلابی به درون آنها هدایت می‌گردند؟

● خیر. در اینجا آب انبار وجود ندارد و تمامی جریان‌های سیلابی با عبور از منطقه به خلیج فارس می‌ریزند.

○ منظور این است که دو بحران خشکسالی و سیل، دو روی یک سکه‌اند که چگونگی برخورد با آنها یک‌راه‌حل را به دست می‌دهد؛ یعنی جلوگیری از جریان‌های سیل و ذخیره سازی آب برای فصل‌های خشک.

● بله هر دو بحران، به مسئله آب برمی‌گردد و از آنجا که

عناصر تشکیل‌دهنده شهر همواره در شرایط ثبات به سر نمی‌برند؛ و نوسان‌ها و بروز حالت‌های کمینه و بیشینه امری کاملاً عادی در زندگی آن عناصر است. اما هنگام وقوع شرایط قطبی در رفتارهای آن عناصر، اگر سایر عناصر قدرت تحمل‌پذیری خود را از دست بدهند شرایط بحرانی شکل می‌گیرد. در این هنگام بحران‌ها بخشی از نظام شهری و یا تمامی آن را از کار می‌اندازند یا ویران می‌سازند. عناصر تشکیل‌دهنده شهر تنها به عناصر کالبدی محدود نمی‌شوند. می‌توان فهرستی از عناصر را، همچون بستر طبیعی، جامعه انسانی، نظام اجتماعی و اقتصادی و سازمان‌های مدیریتی برشمرد که هر کدام اهمیت ویژه‌ای در نظام شهری دارند. زلزله و سیل ویژگی‌های بستر طبیعی‌اند؛ و ناهماهنگی میان ساختار کالبدی و نظام‌های اجتماعی، اقتصادی و مدیریتی شهر با بستر طبیعی به ویرانگری گسترده منجر می‌شود.

همچنین است گشاده‌دستی‌های اقتصادی و بی‌توجهی به تنگدستی طبیعت، که در تواترهای پیش‌بینی‌پذیر، نهادها و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی شهر را به ویرانی می‌کشاند. آیا می‌توان انتظار داشت که ناهماهنگی بین نظام‌های اجتماعی و اقتصادی و نظام‌های سیاسی و مدیریتی به بحران منجر نشود؟

بحران‌ها و از جمله بحران‌های شهری را می‌توان از حیث قدرت، سرعت و نفوذ تأثیرگذاری‌شان به دو گروه عمده تقسیم کرد: برخی از بحران‌ها به سرعت اتفاق می‌افتند و تأثیر کوبنده‌ای دارند، اما برد آنها ممکن است درازمدت نباشد؛ و برخی دیگر به آرامی رخ می‌دهند که تأثیر آنها احتمالاً عمیق است و در درازمدت بنیادهای جامعه شهری را متزلزل می‌سازند.

مدیریت بحران‌های شهری موظف است که شرایط بی‌ثباتی در رفتار عناصر شهری را شناسایی کند و چنان نظام هماهنگی را طرح بریزد که قدرت تحمل‌پذیری آنها در شرایط کمینگی و پیشبینی‌افزایش‌یابد. بحران‌ها برحسب چگونگی تأثیرگذاری‌شان به دو نوع مدیریت، با دو ویژگی متفاوت نیازمندند. بحران‌های پرسرعت و کوبنده به مدیریت پرتحرک و فعال، با قدرت رهبری و تمرکز بسیار بالا در عملیات تاکتیکی نیاز دارند؛ در حالی که بحران‌های تدریجی نیازمند مدیریتی هستند که بسیار بردبار، مردم

مردم در طول یک سال به نریختن زباله عادت کنند. بنابراین بخش دیگری از اقدامات شهرداری به پاکسازی مسیرها و رفع گرفتگی پل‌ها مربوط است، که در این زمینه اقداماتی برای لایروبی مسیرها و آزادسازی جوی‌ها انجام شده است.

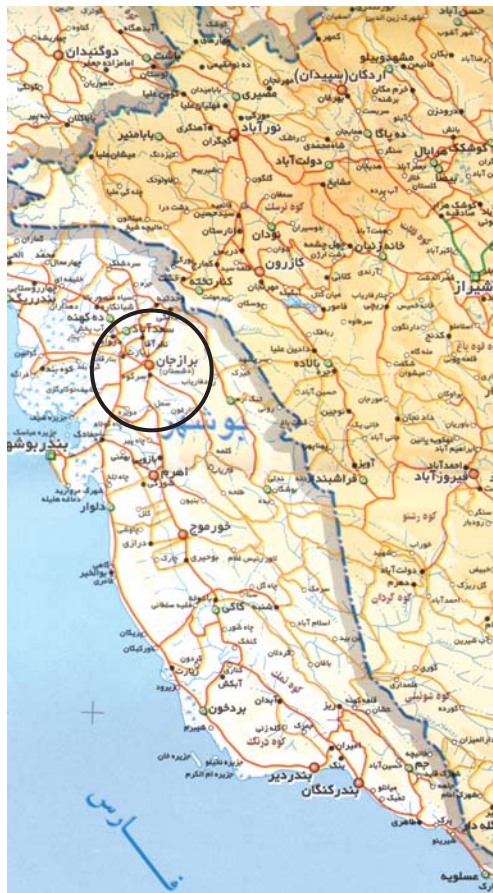
همان‌طور که گفتید مدیریت بحران سیل، مدیریتی تدریجی و درازمدت است که بخشی از آن به پیش از وقوع و بخش دیگر به پس از آن مربوط می‌شود. اما در طول ۵۵ ساعتی که شهر درگیر بحران سیل است، باید آمادگی لازم و تجهیزات کافی در اختیار داشت تا بتوان بر بحران غلبه کرد.

○ سیل‌های برازجان هر چند سال یک بار اتفاق می‌افتند و آخرین سیل مخرب کی رخ داده است؟

● دوره‌های بازگشت سیل‌های مخرب هر ۳-۵ سال یک بار است؛ اما سیل‌هایی همچون پارسال تقریباً همه ساله رخ می‌دهند و میزان خرابی آنها هم بسیار زیاد است. با مشاهده سطح شهر می‌توان هنوز هم تأثیرات این خرابی‌ها را مشاهده کرد.

○ شما سال گذشته شهردار نبودید. تجربه این سیل و سیل‌های سال‌های پیش از آن چگونه به شما منتقل شده است؟

● من سال گذشته در شهر هم نبودم، اما خرابی‌های آن را مشاهده کرده‌ام. متأسفانه این تجربه‌ها به صورت مکتوب در نیامده‌اند. انتقال تجربه به صورت شفاهی از طریق کارکنان شهرداری و مردم صورت می‌گیرد. بسیاری از شهروندان با مراجعه به من درخواست می‌کنند که شهرداری به فکرشان باشد تا در زمستان امسال دچار آب‌گرفتگی و سیل زدگی نشوند.



جریان‌های موسمی به وجود آورنده این شرایط است، پس ما با اتفاقات تکرار شونده و قانونمند - و نه تصادفی - رو به رو هستیم. در نتیجه می‌توان از این پدیده در جهت برپا کردن و پایدار ساختن زندگی استفاده کرد. اما این آمادگی کمتر در این منطقه وجود دارد. بخشی از آن مربوط است به پایداری آب و هوای گرم و خشک در طول سال، به طوری که همه مردم را به این باور می‌رساند که هیچ اتفاقی قرار نیست بیفتد. در نتیجه مردم با بی‌توجهی تمامی آشغال‌ها، زباله‌ها و نخاله‌های ساختمانی خود را در مسیر مسیرها می‌ریزند، پل‌ها را مسدود می‌کنند، در درون و یا حریم مسیرها ساختمان می‌سازند و نظایر آن. در نتیجه به هنگام بارندگی جریان سیل نمی‌تواند راه خود را به سادگی بیابد و آب با سرعت و شدت زیاد در زمان بسیار کوتاه خرابی گسترده‌ای به جای می‌گذارد.

مدیریت شهر، به ناچار باید با منافع مردم و مناسبات قدرت سروکار داشته باشد و از آنها در جهت بهبود زندگی در شهر استفاده کند. همچنین، مدیریت شهر باید علاوه بر جزئی‌نگری، نگاه کل‌نگر هم داشته باشد، که مستلزم دیدگاه نظری به مسائل شهری است

○ مقدار آبی که در محدوده شهر گرد می‌آید نباید به سیل منتهی شود؛ چون وسعت شهر هرچقدر هم باشد نمی‌تواند سیل ایجاد کند. منشأ سیل را باید در بیرون از شهر جست‌وجو کرد. بنابراین، اقدامات پیشگیرانه باید قبل از شهر صورت گیرد.

● بله، وسعت شهر حدود ۱۵۰۰۰ هکتار است و این وسعت نمی‌تواند سیل ایجاد کند. شهر برازجان در انتهای یک مخروط افکنه قرار دارد که تمامی مسیرها به این نقطه ختم می‌شود. سیل‌هایی که به این شهر آسیب می‌رسانند ناشی از تجمع آب در حوضه آبریز بسیار گسترده‌تری هستند و ضروری است که این جریان‌ها پیش از ورود به شهر کنترل و هدایت شوند. در سال‌های گذشته یک دیوار حفاظتی به طول حدود ۵ کیلومتر احداث کرده‌اند و امسال هم توسعه آن در دستور کار است. اما متأسفانه هزینه ساخت آن بسیار بالاست و برای هر متر حدود ۳۵۰ هزار تومان است.

○ به این ترتیب، بحران سیل گرچه بسیار کوتاه و گذرنده و کوبنده است، اما مدیریت آن باید درازمدت و تدریجی و پرحوصله باشد. شهرداری برازجان چه برنامه‌ای برای مدیریت این بحران در دست دارد؟

● آنچه که به شهرداری مربوط می‌شود، عبارت است از آزادسازی مسیر جریان‌های سیل آبی. بخشی از این کار به فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی باز می‌گردد که طی آن شهروندان از ریختن زباله در جوی‌ها و نخاله‌های ساختمانی در مسیرها خودداری کنند. فعالیت‌های فرهنگی حوصله‌زایی می‌خواهد و تغییرات آن تدریجی و درازمدت است و نمی‌توان انتظار داشت که

فکر تشکیل ستاد بحران افتاده‌اید؟

● در شرایط موجود، وضعیت بحرانی متولی واحد و متمرکزی ندارد. اگر چنین شرایطی ایجاد شود، همه سازمان‌ها را درگیر خواهد کرد و مدیریت آن فقط به عهده شهرداری نیست. در وضع موجود ستاد بحرانی وجود ندارد اما در صورت تشکیل نیازمند دو چیز است: اول هماهنگی و دوم استمرار. برای مثال در هفته بلایای طبیعی مانوری می‌دهند، بروشوری توزیع می‌کنند و می‌روند و همه چیز همان روز تمام می‌شود. آموزش به استمرار نیازمند است. باید در سطح شهر ایستگاه‌هایی را مشخص ساخت و به آموزش دائمی شهروندان پرداخت؛ به ویژه دانش آموزان و دانشجویان که می‌توانند آموزش خود را به درون خانواده‌های شان بکشانند.

○ گذشته از بحران سیل، شما با بحران خشکسالی و کمبود آب هم مواجه هستید. چه اقداماتی برای استفاده از باران‌های موسمی و ذخیره سازی آنها انجام شده است؛ برای مثال، اقداماتی همچون آبخیزداری، ایجاد آب انبار، سد و مانند آنها؟

● برای ذخیره سازی آب باران هنوز اقدامی انجام نشده است. در فکر هستم در محدوده حریم شهر با درختکاری و شیب بندی و ایجاد دیوارهای حفاظتی، به نوعی با سیل و خشکسالی مقابله کنیم.

○ آب آشامیدنی شهر از کجا تأمین می‌شود؟ کمیت و کیفیت آن چگونه است؟ آیا قطع آب و جیره بندی آب وجود دارد؟

● وظیفه آبرسانی به مردم بر عهده شهرداری نیست. اداره آب چند چاه در نزدیکی شهر حفر کرده است. علاوه بر آن سه خط آبرسانی به طول ۱۴۰ کیلومتر از چشمه ای در کازرون، آب آشامیدنی شهر را تأمین می‌کنند، که به دلیل شکستگی‌هایی که در مسیر آنها وجود دارد بخشی از آن هدر می‌رود. بخشی از مسیر لوله‌ها از دره‌ها می‌گذرد که ممکن است سیل قسمتی از آنها را تخریب کند. بنابراین طبیعی است که قطعی و جیره بندی آب هم وجود داشته باشد.

○ آب فضای سبز خود را چگونه تأمین می‌کنید؟

● چاه‌هایی با عمق ۱۲۰ متر زده‌ایم که آب فضای سبز از آنها تأمین می‌شود.

○ کیفیت این آب‌ها چگونه است؟

● شیرین نیستند؛ به تلخی می‌زنند.

○ به این ترتیب شما برای فضای سبز از آب‌های فسیلی استفاده می‌کنید. همان طور که اطلاع دارید این منابع به سادگی تجدید نشدن نیستند؟

● نه، ما مدت‌هاست که از این آب‌ها استفاده می‌کنیم و کم نشده‌اند.

○ آیا بهتر نیست که از پساب‌های مصرفی شهر برای

○ از آنجا که شما دارای تحصیلات عالی هستید و هنوز هم به تدریس در دانشگاه می‌پردازید، شخصیتی آکادمیک محسوب می‌شوید. آیا در فعالیت‌های شهرداری، که باید با زباله و آشغال و ساخت و ساز و کارگر و رفتگر سرو کار داشته باشید، دچار تناقض نمی‌شوید؟ آیا بهتر نیست که مدیریت شهر به مدیری اجرایی سپرده شود و شما به ارائه مشاوره شهرسازانه به شهرداری و شهردار بپردازید؟

● سؤال بسیار به جایی است و در این مدت ۵ ماه دوست داشتم کسی از من بپرسد. من معتقدم که اصول گرایی نظری را می‌توان با عمل گرایی همراه کرد و این دو مانع‌الجمع نیستند. ما در درس‌های دانشگاهی خیلی چیزها را یاد گرفته‌ایم، شیرینی کار در این پرسش است که آیا می‌شود این چیزها را در شهر پیاده کرد. از طرف دیگر، شهرداری و مدیریت شهر فقط فعالیت اجرایی نیست. اگر شهردار یک شهر سیاستمدار نباشد، کارهای نظری نکند و فعالیت‌های فرهنگی نداشته باشد، به نظر من به وظایفش عمل نکرده است. مدیریت شهر، به ناچار باید با منافع مردم و مناسبات قدرت سروکار داشته باشد و از آنها در جهت بهبود زندگی در شهر استفاده کند. همچنین، مدیریت شهر باید علاوه بر جزئی نگری، نگاه کل نگر هم داشته باشد، که مستلزم دیدگاه نظری به مسائل شهری است.

ارزش‌های نامشهودی در شهرها، شهروندان و حتی سازمان‌ها وجود دارند که می‌توان از آنها بهره‌گرفت و برای پس زدن فشار صاحبان ثروت و قدرت از همان‌ها استفاده کرد

○ شهرداری در سلسله مراتب اداری همیشه فرودست بوده است و در تقابل و تضاد میان منافع صاحبان ثروت و قدرت، کنار زده می‌شود. شما چگونه بین دیدگاه‌های نظری خود و این گونه تقابل‌ها آشتی برقرار می‌کنید.

● گرچه شهرداری در سلسله مراتب اداری فرودست است اما از آنجا که این اداره محل مراجعه بسیاری از مردم است، نقطه قوتی برای شهرداری محسوب می‌شود و می‌توان از همین نقطه قوت برای پیشبرد مسائل شهر استفاده کرد. شاید بسیاری از همکاران من، از بودن در میان مردم ناراحت باشند. اما من همیشه از این امر لذت می‌برم. بسیاری اوقات پیاده در سطح شهر می‌روم و با مردم ارتباط برقرار می‌کنم. ارزش‌های نامشهودی در شهرها، شهروندان و حتی سازمان‌ها وجود دارند که می‌توان از آنها بهره‌گرفت و برای پس زدن فشار صاحبان ثروت و قدرت از همان‌ها استفاده کرد.

○ از آنجا که شما در تجربه کاری تان بحرانی را پشت سرنگذاشته‌اید، آیا آمادگی برای اداره و کنترل چنین شرایطی را در خود احساس می‌کنید؟ برای مثال، تاکنون به

شدیم که از نیروی آتش نشانی شهرهای مجاور - یعنی شبانکاره، سعد آباد و حتی بوشهر - کمک بخواهیم. البته متقابلاً ما هم به آنها کمک می‌کنیم و برای مثال در فرونشاندن آتش در جنگل‌های بوشهر شرکت داشتیم.



فضای سبز استفاده کنید؟

● برای این کار لازم است که شبکه فاضلاب داشته باشیم. اقداماتی را شرکت آب و فاضلاب انجام می‌دهد که احتمالاً در سال ۱۳۸۴ تکمیل خواهد شد.

○ آیا ایستگاه آتش نشانی شما ایمن است؟ منظور پندآموزی از تجربه بم است که ساختمان آتش نشانی بر روی کارکنان و ماشین‌آلات آن فروریخت و آنها را از خدمات رسانی ساقط کرد. به عبارت دیگر، اتاق بحران نباید دچار بحران شود.

● حق با شماست. آتش نشانی، بیمارستان، شهرداری، فرمانداری و همه مراکز مدیریت بحران باید ایمنی کامل داشته باشند. من نمی‌دانم در عمل این‌گونه هستیم یا نه. باید به سمت استانداردهای ساختمانی برویم و همه چیز را از نو بازرسی کنیم که می‌تواند در زمان بحران، کسی بیاید به «بحران» مدیران بحران رسیدگی کند.

○ گذشته از بحران‌های طبیعی و حوادث غیرمترقبه، آیا شما با بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هم‌رو به‌رو هستید؟

● مهم‌ترین بحران اجتماعی ما، مسئله بیکاری است. خیل عظیمی از جوانان بیکار روز به روز شهر را از نظر اجتماعی و اقتصادی بحرانی‌تر می‌کنند.

مهم‌ترین بحران اجتماعی ما، مسئله بیکاری است. خیل عظیمی از جوانان بیکار روز به روز شهر را از نظر اجتماعی و اقتصادی بحرانی‌تر می‌کنند

○ اقتصاد شهر بر چه پایه‌ای است و چرا نمی‌توان بر بیکاری غلبه کرد؟

● شهر برازجان، شهری خدماتی - کشاورزی است و صنعت در این شهر محدود است و از این رو ظرفیت‌های اشتغال‌زایی بسیار کم است.

○ بسیار عجیب است که برازجان در استانی قرار دارد که یکی از بزرگ‌ترین طرح‌های اقتصادی کشور در عسلویه اجرا می‌شود، اما تأثیرات آن در شهری مثل برازجان تا این حد محدود است که شما را دچار بحران بیکاری می‌کند.

● بله، با وجود عسلویه و جم، برازجان نباید بیکار داشته باشد؛ اما متأسفانه تأثیر این سرمایه‌گذاری‌ها دوربرد است و برازجان نصیبی از این ثروت نمی‌برد. البته بخشی از نیروی کار این شهر در فعالیت‌های ساختمانی عسلویه درگیر شده‌اند که برازجان فقط خوابگاه آنان است و هیچ‌گونه نهاد و سرمایه‌ای ناشی از حضور پالایشگاه‌های گاز در برازجان شکل نگرفته است.

○ از اینکه در این مصاحبه شرکت کردید، متشکریم.

○ زلزله تا چه حد در شهر شما جدی است؟ در این زمینه چه اقداماتی را انجام داده و یا در دست دارید؟

● کل کشور در کمربند زلزله قرار دارد. بنابراین همه شهرها باید برای این شرایط خود را آماده کنند. اما شهر برازجان در پهنه لرزه خیزی متوسط بنا شده است. گسلی از شرق برازجان رد می‌شود که فاصله نسبتاً زیادی با شهر دارد. سوابق زلزله هم در این منطقه بسیار کم و با شدت پایین ثبت شده است. به هر حال ما موظف هستیم آیین‌نامه ۲۸۰۰ را به طور کامل اجرا کنیم. این امر هم از طریق ناظران شهرداری و هم نظام مهندسی انجام می‌شود. اما متأسفانه ما با مشکل دیگری در شهر برازجان رو به رو هستیم و آن وجود بافت قدیمی و فرسوده‌ای است که هیچ‌گونه مقاومتی در برابر زلزله از خود نشان نخواهد داد. این بافت‌ها، همان‌گونه که در تمامی شهرها هم وجود دارند، از ساکنان بومی‌اش تهی شده‌اند و به دلیل معیار کم عرض و شبکه تأسیساتی و دسترسی، مرغوبیتی برای سکونت ایجاد نمی‌کنند.

○ با مسئله آتش‌سوزی چگونه برخورد کرده‌اید؟ چند ایستگاه آتش‌نشانی در شهر وجود دارند و چه حوزه‌ای را زیر پوشش دارند؟ آیا در این زمینه با بحران مواجه هستید؟

● بجز احتمال آتش‌سوزی در سطح شهر و بخش‌های تجاری، در اطراف شهر نیز نخلستان‌هایی وجود دارند، که در طول فصل گرم احتمال بسیار زیادی برای آتش‌سوزی در آنها وجود دارد. در وضع موجود یک ایستگاه آتش‌نشانی در برازجان فعالیت می‌کند و شهرداری درصدد است که ایستگاه‌های دوم و سوم (دست‌کم ایستگاه دوم) را راه‌اندازی کند.

○ در طول سال چند مورد آتش‌سوزی داشتید؟ مهم‌ترین آنها چه بود و چگونه غلبه کردید؟

● در وسعت ۱۵۰۰۰ هکتار حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ مورد در سال گزارش شده، که بیشتر آنها به بخش‌های تجاری و نخلستان‌ها مربوط است. در آتش‌سوزی نخلستان‌ها ما ناچار

(قسمت چهارم)

فراز و نشیب قانون شوراهای

مریم بیژنی

کارشناس ارشد تاریخ ایران

کلیات قانون شوراهای

میان گروه‌ها و احزاب صورت گرفت، آنها را به سمت نظریه‌های محافظه کارانه سوق داد. با توجه به این امر، دیدگاه‌های موجود در زمینه طرح تدوین قانون شوراهای را می‌توان چنین تقسیم بندی کرد:

۱- **تشریفاتی بودن شوراهای**. مطابق این دیدگاه عده‌ای معتقد بودند که شوراهای به شکل گسترده و فعال در کشور حضور نداشته باشند و تنها جنبه ظاهری و تشریفاتی داشته باشند.

طرفداران این ایده خواهان تمرکزگرایی مطلق بودند و شوراهای را به عنوان ابزار کاری دولت می‌دیدند. این ایده به دلیل واهمه از نیروهای گریز از مرکز، و به نوعی همان تفکر دولت سالاری مطلق در وجود آنها بوده است.

۲- **فدرالی بودن شوراهای**. ارائه دهندگان این نظریه، اختیارات اجرایی قانون شوراهای اولیه بعد از پیروزی انقلاب را مد نظر داشتند و معتقد بودند که شوراهای می‌بایست در امور محلی صاحب نظر و مجری باشند و در مقابل حکومت مرکزی نیز صاحب رأی باشند.

۳- **محافظه کارانه**. این نظر براساس طرح‌های پیشنهاد شده در کمیسیون شوراهای و امور داخلی و میانگین دو نظر پیش گفته شکل گرفت؛ که با توجه به اصول قانون اساسی و شرایط روز جامعه ایران و ضرورت‌های کشور براساس رهنمودهای اسلامی اولین قانون شوراهای در مجلس شورای اسلامی تدوین گردید^(۱).

هواداران این نظریه طرفدار تمرکزگرایی، لیکن با واگذاری اختیارات اجرایی محدود بودند. طراحان این نظریه از یک طرف نمی‌خواستند نیروهای گریز از مرکز امکان رشد پیدا کنند، و از طرف دیگر با اعطای اختیارات محدود به شوراهای، آنها را به عنوان بازوی کمکی دولت مد نظر داشتند. در واقع طراحان این نظریه با دیدگاه حکومتی و از بالا به تدوین قانون شوراهای نگرستند. این موضوع ریشه در ضعف ساختارهای سیاسی و اجتماعی ایران دارد، زیرا در طی شکل‌گیری شوراهای شهر، شوراهای و قوانین آن در ایران نهادینه نشده بود و همواره با دیدگاه حکومتی و سیاسی - از بالا - به آن نگرسته می‌شد. به همین دلیل، کار شوراهای تحت تأثیر تغییر و تحولات سیاسی، با توجه به مقتضیات زمان دگرگون می‌شد.

در طرح اولیه قانون شوراهای به منظور تشکیل شوراهای شهر،

تشکیل شوراهای شهر از مباحث مورد توجه شخصیت‌ها و گروه‌های سیاسی پس از انقلاب بود. در چنین شرایطی اولین انتخاب شوراهای شهر بر اساس مصوبه هیئت دولت پیش از تشکیل مجلس اول در سال ۱۳۵۸ برگزار گردید؛ لیکن این انتخابات به دلیل اختلافات و چالش‌های احزاب و گروه‌ها و درگیری‌های قومی و منطقه‌ای، با شکست مواجه شد. این موضوع بیشتر از آنکه سیاستمداران را به راهکارهای جدید برای ایجاد بستر سازی مناسب به منظور تشکیل شوراهای و مشارکت مردم رهنمون گردد، آنها را به طرف نظریه‌های محافظه کارانه به منظور محدود شدن قدرت شوراهای سوق داد. بدین ترتیب این بار چگونگی تدوین قانون شوراهای در هیئت دولت و کمیسیون شوراهای و امور داخلی مجلس با احتیاط بیشتری مورد بررسی قرار گرفت. چنین چیزی با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران همزمان گردید و این مسئله در کنار عوامل مذکور موجب شد که ایده‌های تمرکز گرایانه نقش بیشتری در تدوین قانون شوراهای بیابند. در این زمینه طرحی از سوی وزارت کشور در زمان دولت شهید رجایی ارائه شد که در قیاس با مصوبه هیئت دولت در سال ۱۳۵۸، ایده تمرکزگرایانه و محدود شدن اختیارات شوراهای شهر در آن مشهود است.

در شرایطی که کشور درگیر جنگ بود و تشکیل شوراهای شهر نیز نهادینه نشده بود، بجز شخصیت‌های معدود و آن هم بیشتر در سطح نمایندگان مجلس، کسی در فکر تشکیل شوراهای نبود. در این میان مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۶۰/۲/۲۴ (دور اول مجلس)، طرح تشکیل شوراهای کشوری را به کمیسیون شوراهای ارجاع داد، که پس از چند جلسه بحث و بررسی در جلسه مورخ ۱۳۶۰/۳/۱۹ با اصلاحاتی به اتفاق آراء به تصویب رسید. گزارش شور اول آن در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۲۱ در جلسه ۲۷۹ به مجلس شورای اسلامی ارائه گردید و به تصویب رسید. در زمینه تشکیل و تدوین قانون شوراهای به وسیله مجلس شورای اسلامی، نظریات متفاوتی در سطوح مختلف سیاسی و اداری حاکم گشت. بیشتر دیدگاه‌ها گرایش به محدود شدن اختیارات شوراهای پیدا کرد، زیرا این دیدگاه‌ها گسترده‌گی اختیارات شوراهای را موجب از هم گسیختگی نظام سیاسی می‌دانست و همان گونه که ذکر شد شرایط روز جامعه ایران و رقابت‌ها و چالش‌هایی که پس از انقلاب

یک شورای منتخبان وجود داشت و یک شورای انتصابی که خود از میان منتخبان مردم برگزیده می‌شد. بدین ترتیب در جاهایی که ضرورت حکم می‌کرد، رأی و نظر مستقیم مردم اعمال می‌شد و در جاهایی که مصلحت ایجاب می‌کرد، برای تأمین نظر مردم و جامعه اسلامی، اعضای شوراها از سوی منتخبان مردم تعیین می‌شدند. در این میان شوراهای اسلامی شهر به دو قسمت تقسیم می‌شدند:

۱- شورای ده، مرکز بخش و محله که با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شد.

۲- شورای شهر، شهرستان، استان، عالی استان از طرف شوراهای انتخاب شده و با رأی آنها از میان کسانی که مردم برمی‌گزیدند تعیین می‌شدند و به شورای بالاتر می‌آمدند.^(۲) ارائه چنین طرحی از سوی تدوین کنندگان آن برای جلوگیری از تضییع حق محله‌های مختلف شهرها بود، تا صرفاً افراد مقتدر به شوراهای شهر راه پیدا نکنند و از کوچک‌ترین واحد نظام شورایی نیز در شورای شهر و شورای عالی استان نمایندگان حضور داشته باشند.^(۳) همچنین مطابق این طرح، قرار بود برنامه‌ریزی‌ها از سطح ده به استان باشد تا در شورای عالی استان‌ها اولویت‌های برنامه‌ریزی از پایین به بالا در نظر گرفته شود و نخستین اولویت می‌بایست به روستاها داده می‌شد.^(۴)

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این جلسه پس از ارائه طرح کلیات قانون شوراها، نظریات متفاوتی را در این زمینه ارائه کردند. تعدادی از نمایندگان معتقد بودند که در این طرح اختیارات شوراها محدود شده و به جای اینکه از تمرکزگرایی جلوگیری شود، به این سمت سوق یافته است. همچنین براساس این اظهارنظرها، می‌بایست با ارائه قانون شوراهای شهر از حجم کارهای دولت در امور اجرایی کاسته می‌شد و در هزینه‌ها صرفه‌جویی انجام می‌گرفت و تعدادی از این اختیارات برای اداره بهتر شهرها به شوراها واگذار می‌شد؛ نه اینکه با محدود شدن اختیارات شوراها به بزرگ شدن دولت و دولت سالاری کمک شود. حتی بعضی از نمایندگان به عنوان نمونه به عملکرد خوب شورای شهر اصفهان در اوایل انقلاب به عنوان شورایی کارساز اشاره کردند.^(۵) با این حال، نمایندگان موافق طرح، کمیسیون شوراها و امور داخلی و دولت با توجه به پیش‌زمینه حوادث و

درگیری‌ها و اختلافاتی که پس از تشکیل شوراهای شهر اوایل انقلاب بین گروه‌ها و احزاب پیش آمده بود، از این طرح دفاع کردند و آن را مطابق مصالح کشور دانستند. در دفاعیات موافقان نگرانی از نیروهای گریز از مرکز کاملاً مشاهده می‌شد، به گونه‌ای که یکی از نمایندگان موافق طرح چنین پیشنهاد کرد: «... من معتقدم که فعلاً در شرایط خاص کشور همین طرح شوراها را آزمایشی پیاده بکنیم و فعلاً اختیار زیاد به شوراها ندهیم؛ و همین اختیارات محدودی را که در این طرح شوراها پیش بینی شده به شوراها بدهیم. ما اگر موفق بشویم به همین مقدار هم شوراها را پیاده بکنیم، یعنی در سطح کل کشور مردم ما ناظر بر وضع عوارض باشند، در سطح کل کشور عوارض توسط خود مردم، منتخبین مردم وصول بشود و با توجه به اینکه امروز ما دولت مان قدرت اخذ عوارض را ندارد و شرایط خاصی که حاکم است گرفتن عوارض مشکل است... ما اگر بتوانیم فقط شهرداری را کنترل بکنیم، قیمت‌ها را کنترل کنیم، یعنی همان وظایفی که در این طرح شوراها پیش بینی شده، به نظر من خیلی ایده‌آل است؛ یعنی ما توانسته‌ایم قدرت را به مقدار خیلی زیاد به مردم واگذار کنیم».^(۶)

درواقع موافقان طرح کلیات شوراها به لحاظ اختیارات روی دو اصل انتخاب شهردار و وصول عوارض به وسیله شورای شهر تکیه کردند، و به شوراها به عنوان بازوی مالی دولت به منظور رفع مشکلات مالی در شهرها می‌نگریستند. همچنین از نظر موافقان، به مشارکت مردم در امور شهر با دیدگاه مشارکت مالی نگریسته می‌شد.

پس از مباحثات صورت گرفته، کلیات طرح قانون شوراها در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و زمینه را برای طرح، بحث و بررسی اولین قانون شوراها در مجلس شورای اسلامی آماده کرد.

پانویس:

- ۱- صورت‌مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی (دور اول - جلسات ۲۹۲ - ۲۶۵)، جلسه ۲۷۹، شماره ۱۰۷۹۱، ص ۱۹-۲۰.
- ۲- همان، ص ۲۰.
- ۳- همان جا.
- ۴- همان، ص ۲۱ - ۲۰.
- ۵- همان، ص ۲۲.
- ۶- همان، ص ۲۳ - ۲۲.

دولت اقتدارگرا و قانون شهرداری‌های سال ۱۳۳۴

(قسمت نوزدهم)

حسن شفیعی
دکتر در علوم سیاسی

همان‌طور که در شماره قبل ذکر شد، طی سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲، دربار و هیئت حاکمه مخالف جنبش‌های اجتماعی مدنی در صدد بازسازی اقتدار دولتی از دسته رفته برآمدند. چنین اقدامی در قالب‌های متفاوت از قبیل قلع و قمع مخالفان سیاسی، بسط و گسترش ارتباط با کشورهای انگلیس و امریکا و تریبالات نهادی - بوروکراتیک از جمله انبساط دیوان سالاری دولتی و استیلاي دولت بر نهادهای محلی از قبیل انجمن‌های شهر و شهرداری‌ها از طریق مجموعه قوانین و مقررات موضوعه مانند قانون شهرداری‌ها در سال ۱۳۳۴ بود که به تصویب مجلسین شورای ملی و سنا رسیده بود. حلقه مفقود و غایب در این قانون، مفهوم شهروندی، مشارکت محلی و محلی‌گرایی بود، که در ادامه به تحلیل آن پرداخته می‌شود.

همان‌طور که ذکر شد، با سقوط دولت رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰، دوران جدیدی از کشمکش و ستیز اجتماعی آغاز گردید. در این دوران پارلمان‌تاریسم یا تلاش بی نتیجه برای ادامه آرمان‌های انقلاب مشروطه در چارچوب «قانون خواهی» و «تحدید قدرت سلطنت» دچار بن بست بی امان ناشی از سیاست‌های طایفه‌ای شد. این بن بست در نهایت به سقوط دولت مصدق و روی کار آمدن دولت کودتا و شکل‌گیری مجدد اقتدارگرایی در عرصه حیات سیاسی ایرانیان منجر شد. به رغم این، طی دوران ۱۲ ساله پس از سقوط رضاشاه تا حد زیادی از التهاب استیلاي اشرافیت زمین‌دار و تجار بر عرصه قدرت کاسته شد. بازتاب این موضوع در قانون شهرداری‌ها (مصوب ۴ مرداد ۱۳۲۸) دیده می‌شود. براساس این قانون، شهرداری‌ها و انجمن شهر، به جای بلدییه و انجمن بلدی موضوع قانون ۱۳۰۹، با هدف «تأمین نیازمندی‌های عمومی اهالی شهرها و قصبات» تشکیل می‌شدند. اعضای انجمن شهر با رأی مستقیم مردم برای مدت چهار سال با اکثریت نسبی انتخاب می‌گردیدند. برخلاف قانون سال ۱۳۰۹، در قانون سال ۱۳۲۸ شرط تمکن و تمول از افراد داوطلب و منتخب انجمن شهر گرفته شد. در قانون سال ۱۳۰۹ فقط تجار، مالکان و اصناف حق شرکت در انتخابات را داشتند. شهردار نیز نه با نظر مستقیم دولت مرکزی و وزارت کشور به عنوان نماینده دولت، بلکه از طریق پیشنهاد انجمن شهر انتخاب می‌شد. انجمن شهر ۳ نفر را به وزارت کشور معرفی می‌کرد و یکی از آنها را وزارت کشور برمی‌گزید؛ اما انجمن شهر رأساً و به طور مستقیم می‌توانست شهردار منتخب را استیضاح و برکنار کند. بنابراین انتخاب شهردار دو درجه‌ای بود و عزل آن یک درجه‌ای؛ هر چند که در انتخاب نیز ایتکار عمل به انجمن شهر محول شده بود. در صورت اختلاف نظر میان شهردار و انجمن شهر، نظر انجمن شهر مرجح بود. میزان حقوق شهردار را نیز انجمن شهر تعیین می‌کرد.

بنابراین انجمن شهر به مثابه پارلمان قدرتمند محلی، نظارت و اشراف کامل بر حیطه و دامنه عملکرد شهردار داشت. البته قدرت انجمن از دو سوی مردم و دولت مرکزی تحدید می‌شد. نمایندگان دولت مرکزی از بخشداران تا استانداران در چارچوب سیاست‌های کلان دولت بر فعالیت‌های انجمن در عرصه‌های رفاهی، سیاسی، امنیتی و عمرانی نظارت داشتند. مردم نیز ضمن امکان حضور در جلسات انجمن، که براساس ماده ۲۷ باید علنی برگزار می‌شد، مگر در موارد استثنا و با تقاضای شهردار یا بخشدار یا $\frac{1}{3}$ اعضای انجمن، می‌توانستند تصمیمات انجمن را مورد اعتراض قرار دهند و اصلاح و جرح و تعدیل تصمیمات را تقاضا کنند.

در لایحه قانونی شهرداری سال ۱۳۳۱، که ۳ سال پس از اولین قانون شهرداری بعد از سقوط رضاشاه به تصویب رسید، انجمن‌های محلی و شورایی‌ها نیز پیش‌بینی گردیدند و دایره محلیت انجمن‌های شهر افزایش یافت. در لایحه قانونی جدید، شهردار نه به واسطه وزارت کشور، بلکه به طور مستقیم به وسیله انجمن شهر برگزیده یا برکنار می‌شد. به این ترتیب انتخاب دو درجه‌ای در قانون ۱۳۲۸ نیز به انتخاب یک درجه‌ای و مستقیم تغییر یافت. سقوط دولت دکتر مصدق مجاللی به جوانه زدن نهال نوپای انجمن شهر و شهرداری‌ها نداد و آرمان‌های بسط جامعه مدنی و جامعه مردم سالار مصدق در کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ به فراموشی سپرده شد و نیروهای مذهبی و ملی که خواهان تحدید قدرت سلطنت و دربار و قانونمند کردن آن بودند در بند کشیده شدند.

یکی از اقدامات دولت کودتا، تغییر در قوانین و مقرراتی بود که دولت‌های قبل از کودتا به ویژه دولت مصدق وضع کرده بودند. از جمله این قوانین، قانون شهرداری‌ها و انجمن شهر بود که در سال ۱۳۳۴ به تصویب مجلسین سنا و شورای ملی رسیده بود. مرتبه شهردار در این قانون از «شهردار یا Mayor» به «مدیر شهر یا Manager» تنزل یافت. به رغم اینکه دولت برای فائق شدن بر بحران کسری مشروعیت سیاسی ظاهر انتخابی بودن انجمن شهر و شهردار را حفظ کرده بود، بخش عمده تصمیم‌گیری‌ها در سطح مرکز اتخاذ می‌شد. خط‌مشی‌های کلان به وسیله دولت ترسیم می‌گردید و به واحدهای محلی مانند انجمن‌ها و شهرداری‌ها تحمیل می‌شد. بنابراین انجمن شهر و شهرداری‌ها به واحد تصدی‌گر و مجری سیاست‌های دولت مرکزی تبدیل شدند. تأسیس شهرداری نیز به دولت مرکزی واگذار گردید. ملاک شهر بودن، ملاک عددی واقع شدن، بدون اینکه به تأسیسات زیربنایی، خدمات شهری، پیوستگی و انسجام فرهنگ شهری توجهی شده باشد. کافی بود که ۵ هزار نفر جمعیت - حتی اگر مهاجر و موقتی باشند - در جایی سکونت داشته باشند و آن وقت وزارت کشور مجوز تأسیس شهرداری را صادر کند. در حالی که برخلاف این رویکرد، شهر در واقع واحدی فرهنگی، سیاسی و

تمدنی است و علاقه شهروندی یا حس تعلق خاطر به فضاها و سکونت‌های شهری موجب تشکیل شهرهاست، نه صرف داشتن سکونت. از سوی دیگر شهر قابل زندگی باید محل رفاه، آسایش و آرامش شهروندان باشد. چنین شاخص‌هایی با وجود خدمات زیربنایی و تأسیسات شهری متحقق می‌گردد، و شهر بدون خدمات شهری منشأ بروز مشکلات عدیده می‌شود؛ از جمع‌آوری و دفع زباله‌های شهری گرفته تا ترافیک و آسیب‌های شهری نظیر تکدی‌گری، اعتیاد، وندالیسم و نظایر آن.

به رغم تلاش‌های متظاهرانه دولت برای فعال ساختن انجمن‌های شهر به مثابه تبلور دموکراسی و آزادیخواهی، این انجمن‌ها طی سال‌های ۴۲-۱۳۳۲ رونق و اعتبار چندانی نداشتند. عدم رونق آنها ناشی از غیرانتخابی بودن، غیرمحلی بودن و امتداد آنها در راستای سیاست‌های بسیج‌توده‌ای شاه بود. گویا شاه از وزیر کشور وقت خواسته بود که علل این مسئله را بررسی و نتیجه را به او گزارش کند. وزیر کشور نیز از اتحادیه شهرداری‌های ایران درخواست کرد در این زمینه بررسی‌های لازم را انجام دهد. گزارش هیئت مدیره سازمان اتحادیه شهرداری‌های ایران به وزیر کشور نشان داد که دو عامل به عنوان عوامل اصلی شکست این انجمن‌ها معرفی شده است: نخست ضعف مردم و عدم رشد سیاسی و اجتماعی آنها، که سبب شکست انجمن‌های شهر شد. از آنجا که مردم شهرستان‌ها فاقد رشد کافی برای استفاده از حق قانونی خود هستند، تحت تأثیر اشخاص ناباب قرار می‌گیرند و کسانی را به عضویت انجمن انتخاب می‌کنند که صلاحیت و حسن نیت لازم را ندارند. انجمن‌های شهر نیز به همین دلیل مرکز بند و بست‌های کثیف بودند. در این گزارش دخالت و اعمال نفوذ مأموران دولت در کار انتخابات شهر به عنوان دومین و

بزرگ‌ترین علت شکست انجمن‌ها معرفی شده و تصریح گردیده است که انجمن‌سازی - که بر کنار از این گونه اعمال نفوذها بوده - تاکنون خوب کار کرده و منشأ خدمات زیادی شده است.^(۱)

به هر حال فقدان سرمایه اجتماعی و اعتماد اجتماعی از یک سو و انبساط قدرت دولت مرکزی از سوی دیگر منشأ ناکارآمدی انجمن شهر و شهرداری‌ها در این دوران به شمار می‌رود. به عبارتی اگر نظام اجتماعی هم دارای میزان مقبولی توسعه‌یافتگی باشد، به هر حال توسعه نیافتگی نظام سیاسی یا توسعه ناموزون میان نظام سیاسی و نظام اجتماعی مانع کارآمدی نهادهای مدنی از جمله انجمن‌های شهر و شهرداری‌ها می‌گردد و مرتبه این نهاد از نهادهای حکومت محلی به نهادهای محلی دولت مرکز کاهش داده می‌شود.

پانویس:

۱ - علوی تبار، علیرضا؛ الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، ۱۳۷۹، ص ۷۴.

مدیریت بحران

محمود برآبادی

کارشناس ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای

داشته باشد، لازم است برنامه‌ریزی‌هایی برای پیشگیری از ضررهای احتمالی، یا کاهش آنها، اندیشیده شود. با درک چنین ضرورتی است که مدیریت بحران سوانح طبیعی و نحوه دستیابی به سیستم کارآمد باید مدنظر مدیران و مسئولان کشور قرار گیرد.

■ تعریف مدیریت بحران

حادثه‌ای که به طور طبیعی یا به وسیله بشر به شکلی ناگهانی و فزاینده به وجود آید و سختی و مشقتی را به جامعه انسانی تحمیل کند که برای برطرف کردن آن نیاز به اقدامات اساسی و فوق العاده باشد، بحران نامیده می‌شود.

به این ترتیب و با توجه به تعریف مذکور، مدیریت بحران دربرگیرنده عملیات و اقدامات پیوسته و پویایی است که بر اصول کلاسیک مدیریت یعنی برنامه‌ریزی، سازماندهی، تشکیلات، رهبری و کنترل استوار است. به عبارتی مدیریت بحران به مجموعه اقدام‌هایی گفته می‌شود که قبل از وقوع، در هنگام وقوع و بعد از وقوع سانحه، به منظور کاهش هرچه بیشتر آثار و عوارض آن انجام می‌گیرد. این اقدام‌ها با توجه به انواع بلایای طبیعی یا غیرطبیعی و محیطی که این گونه بلایا در آن رخ می‌دهد، متفاوت است. گرچه مدیریت بحران منحصر به زلزله نیست، اما زلزله به دلیل شدت و دامنه خسارات، مهم‌ترین موضوع این مدیریت به شمار می‌آید. مدیریت بحران از زیربخش‌های مدیریت است که به برنامه‌ها و سازوکارهای دقیق و تخصصی نیاز دارد تا بتواند حوادث غیرمترقبه طبیعی و رویدادهای مهم اجتماعی را به درستی مورد شناسایی، رسیدگی و کنترل قرار دهد؛ و البته این فرایند باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن صورت گیرد. پیچیدگی مدیریت بحران با نیازهای روزافزون برای رسیدگی چند بعدی به حوادث و سوانح همراه است و وجود سیستم مدیریتی استاندارد در زمینه بحران ضروری است.

■ عناصر مدیریت بحران

به رغم پیش‌بینی‌هایی که در مورد زمان وقوع حوادث و بلایای طبیعی صورت می‌گیرد، برخی از این رویدادها - از جمله زلزله - به طور قطع و یقین پیش‌بینی‌شدنی نیستند. این بی‌اطلاعی از دامنه و زمان حادثه است که بسیاری از رخداد‌های طبیعت را به پدیده‌ای واقعاً بحرانی تبدیل می‌کند. هر چه توانایی برای پیش‌بینی ماهیت، دامنه و زمان فاجعه بیشتر باشد، احتمال کاهش ابعاد خسارت بار بحران نیز بیشتر خواهد بود.

اکثر مردم تمایل و توان شناخت بحران‌ها را در زندگی روزمره خود ندارند و این وظیفه بیشتر بر عهده مسئولان است که آمادگی‌های لازم را مهیا کنند.

مدیریت بحران دارای چهار مرحله است:



گرچه انسان به مدد آگاهی و دستیابی به فناوری‌های امروزی توانسته است از وقوع بسیاری از حوادث ناخواسته طبیعی و غیرطبیعی جلوگیری کند، اما همچنان در برابر بسیاری از بلایای طبیعی همچون زلزله، توفان، سیل، گردباد و نظایر اینها آسیب‌پذیر است.

وقوع بلایای طبیعی در بیشتر موارد تأثیرات مخربی بر سکونتگاه‌های انسانی بر جای گذاشته و تلفات سنگینی بر آنها وارد ساخته است؛ ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها را نابود کرده و خسارات اقتصادی و اجتماعی پر دامنه‌ای را بر جوامع انسانی تحمیل کرده است.

آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های انسانی نسبت به بلایای طبیعی، در نتیجه تمرکز جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی در نواحی وسیع و متمرکز به دلیل وضعیت نابسامان و بی‌قاعده سکونتگاه‌های افراد کم درآمد نواحی شهری و روستایی، به طور گسترده‌ای افزایش یافته است.

دامنه خسارتی که بلایای طبیعی به بار می‌آورند، تنها محدود به قدرت ویرانگری‌شان نیست. این میزان برای مثال به وضعیت سازه‌های زیرساختی که در معرض سانحه قرار می‌گیرند نیز وابسته است. در بسیاری از کشورهای در حال توسعه که با تمرکز شدید جمعیت در محله‌های فقیرنشین و حاشیه‌نشین رو به رو هستند، سانحه‌ای طبیعی می‌تواند حتی در شرایطی که ابعاد آن چندان گسترده هم نباشد، به فاجعه بینجامد.

همچنین تنها شدت بروز پدیده‌های طبیعی نیست که به عنوان فاجعه تلقی می‌شود، بلکه ضایعات عظیم مادی و تلفات جانی آنهاست که این وقایع را به فاجعه تبدیل می‌کند. البته شدت و فراوانی بلایای طبیعی هرچه بیشتر باشد، به طور حتم میزان تلفات انسانی و خسارت‌های جانی و مالی نیز بیشتر خواهد بود.

از سوی دیگر باید توجه داشت که جنبه‌هایی از خسارات و لطمات بلایای طبیعی ناشی از عملکرد انسان است. در بسیاری از موارد جاری شدن سیل به خودی خود سانحه طبیعی قلمداد نمی‌شود بلکه نتیجه دست‌اندازی و تعرض بشر به حریم رودخانه‌ها و مسیل‌ها و نیز نابودی جنگل‌ها و مراتع در اثر بهره‌برداری‌های بی‌رویه است. با این همه برای کاهش ضایعات ناشی از این حوادث - به ویژه در نقاط شهری - که به دلیل تمرکز جمعیت، چنین بلایایی می‌تواند تلفات انسانی بیشماری را در پی

الف. مرحله پیشگیری

پیشگیری از بحران، شامل اقداماتی است که هدف آنها جلوگیری از وقوع حادثه و یا کاهش تأثیرات زاینبار آن بر جامعه است. در مدیریت بحران به منظور پیشگیری، اقداماتی چون برنامه‌ریزی توسعه ملی، سیاستگذاری ملی، قانونگذاری و برنامه‌ریزی ضد بحران در نظر گرفته می‌شود. منظور از کاهش بحران، اقدامات لازم در جهت کاستن از تأثیرات مخرب حادثه طبیعی یا انسان ساخت بر جامعه است.

برخی اقدامات مهم در این مرحله عبارت‌اند از:

- تقویت ساختمان‌های موجود به منظور افزایش استقامت آنها در برابر خطرهای چون زلزله.

- وضع و اعمال مقررات جدید برای مقاوم سازی بناها و اماکنی که احداث می‌شوند.

- در نظر گرفتن برنامه‌ریزی‌های مربوط به کاربری زمین به منظور محدود کردن فعالیت در مناطق پرخطر.

- پیشگیری از تخریب بی‌رویه جنگل‌ها و مراتع و باغ‌های حاشیه شهرها.

- پیش‌اندیشی برای ساختمان‌های مرتفع از لحاظ اطفای حریق.

ب. مرحله آمادگی

آمادگی در مدیریت بحران به کلیه اقداماتی گفته می‌شود که دولت‌ها و سازمان‌ها و همچنین جوامع و افراد را قادر می‌سازد تا در مواقع بحرانی به طور سریع و کارآمد پاسخ لازم را برای روبه‌رو شدن با بحران از خود نشان دهند.

پاره‌ای از اقدامات مرحله آمادگی شامل موارد زیر است:

- دارا بودن برنامه ضد بحران بهنگام و جامع که در مواقع ضروری بتوان آن را بلافاصله به اجرا گذاشت.

- وضع مقررات و محدودیت‌های خاص برای انجام عملیات اضطراری در شرایط بحران.

- پیش‌بینی مخابرات اضطراری، چرا که ممکن است خطوط ارتباطی از کار بیفتند.

- آموزش عمومی و ارتقای سطح آگاهی مردم. آموزش مهم‌ترین عنصر آمادگی بحران است. نیاز به آموزش نیروی انسانی موجود در دستگاه‌های دولتی نیز برای ارائه خدمات پایه و زیربنایی از جمله آتش‌نشانی، اورژانس، امداد و نجات، تأمین امنیت و جز اینها در زمان بحران ضروری است. از منظر مدیریت بحران، آموزش توده مردم در داشتن آمادگی لازم مفید است.

بنابراین توصیه می‌شود مقامات محلی بر آموزش و افزایش آگاهی عمومی، از رسانه‌های گروهی و دیگر امکانات موجود استفاده کنند.

ج. مرحله امداد و نجات

مهم‌ترین وظیفه پس از وقوع بحران، شناسایی نقاط آسیب‌دیده و تلاش برای نجات مجروحان، تغذیه آنها و در نهایت چاره‌اندیشی برای سرپناه موقت آنهاست.

برای مراقبت از مجروحان در درجه اول باید از نیروهای کارآموده در امر نجات و کمک‌های اولیه استفاده کرد. البته می‌توان از نیروهای مردمی و آسیب‌دیدگانی که توان جسمی و روحی دارند نیز یاری گرفت. باید توجه داشت که آشفتگی و بی‌نظمی اغلب موجب از دست رفتن جان انسان‌ها می‌شود؛ از این رو تیم‌های شرکت‌کننده در مدیریت بحران باید

شروط زیر را دارا باشند:

- داشتن اعضای ماهر و کارآمد در مهارت‌های مختلف؛

- دارا بودن تیم‌های پشتیبانی؛

- توانایی انجام عملیات ۱۴ روزه؛

- همراهی تیم پزشکی مجهز؛ و

- تجهیز سیستم ارتباطی پیشرفته و پاسخگو.

د. مرحله بازسازی

این مرحله شامل اقداماتی است که منطقه بحران زده را به سمت شرایط عادی و طبیعی می‌برد. فرایند بازسازی می‌تواند بسیار طولانی باشد و ممکن است بین پنج تا ده سال طول بکشد. در مرحله بازسازی معمولاً فعالیت‌ها بر چهار اصل زیر استوار است:

۱- تنظیم برنامه واقع‌بینانه و مبتنی بر اطلاعات و آمار که به مدد آن نیازها و امکانات مشخص شود.

۲- تعریف راهبرد کلی برای عملیات جبران که منطبق با برنامه‌های پیشنهادی و احتمالی توسعه ملی باشد.

۳- تعیین و تنظیم کلیه برنامه‌های بازسازی در چارچوب راهبرد تعریف شده.

۴- اجرای هر یک از برنامه‌ها و پروژه‌ها به صورت مدبرانه و هماهنگ. از مهم‌ترین علل موفقیت برنامه‌های بازسازی درک کامل مدیران و

تصمیم‌گیران از هدف و ماهیت بازسازی است. مرحله بازسازی فرایندی پیچیده و گسترده است که اگر درست اجرا نشود می‌تواند مشکلات تازه‌ای را به وجود آورد. بنابراین تصمیم‌گیرندگان ارشد باید آمادگی برخوردی انعطاف‌پذیر را در اجرای برنامه‌ها داشته باشند. همچنین مرحله بازسازی می‌تواند حرکت‌های مناسب برای رشد و توسعه منطقه مصیبت زده را در اختیار مسئولان بگذارد که از این ویژگی گاه به عنوان «بحران به عنوان نوعی فایده» یاد می‌کنند.

■ شهرداری‌ها و مدیریت بحران

بر اساس طرح جامع امداد و نجات کشور (مصوب ۱۳۸۲/۱/۱۷)، وظایف متعددی بر عهده مجموعه شهرداری، شهرداران و اعضای شوراهای شهر گذاشته شده است و این نهادها در اغلب ستادها و کارگروه‌های پیش‌بینی شده این طرح در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و محلی حضور فعال دارند. از این رو لازم است شهرداری‌های کشور با آموختن تجربه‌هایی در مدیریت بحران، خود را برای ایفای نقش مؤثر و همه‌جانبه در مدیریت بحران شهری آماده کنند.

شهرداری‌ها می‌توانند با اجرای دقیق آیین‌نامه‌های ساختمانی، نظارت کامل بر ساخت و سازهای شهری، وضع ضوابطی خاص برای کاربری‌های عمومی، تلاش برای تحقق کاربری‌های خدماتی پیشنهاد شده در طرح‌های مصوب شهری، تأمین فضاهای عمومی، حمایت از سازمان‌های غیردولتی و امدادی، آموزش همگانی شهروندان، اجرای مانورهای آماده‌سازی و تدوین برنامه‌های علمی و عملی مدیریت بحران، نقش اساسی خود را به انجام برسانند.

منابع:

- ۱- حسن نژاد امجدی، مسعود؛ «مدیریت بحران، رفتارها و عملکردهای قبل و بعد از وقوع زلزله»، فصلنامه فرهنگ و ایمنی، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۲.
- ۲- عبداللهی، مجید؛ «مدیریت بحران در نواحی شهری»، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، چاپ اول، ۱۳۸۰.

مدیریت بلاایای طبیعی در بنگلادش

ترجمه و تنظیم: شهرزاد فرزین پاک
کارشناس ارشد شهرسازی



مقدمه

بنگلادش کشوری است فاجعه‌خیز در مساحتی حدود ۱۴۷ هزار و ۵۷۰ کیلومتر مربع، با جمعیتی معادل ۱۴۰ میلیون نفر. این کشور در ناحیه استوایی واقع شده و بزرگ‌ترین دلتای جهان را از طریق رودخانه گنگ تشکیل داده است. بنگلادش به لحاظ جغرافیایی چهره شاخصی دارد. این کشور در بردارنده رشته کوه هیمالیا و خلیج بنگال است. تأثیر نقش این شاخص‌های جغرافیایی، پیدایش سیستم آب و هوایی ویژه‌ای برای بنگلادش است. این سیستم لزوماً خوشایند نیست. به دلیل وجود این سیستم بنگلادش به کشوری با قربانی‌های فراوان در اثر سوانح طبیعی بدل گردیده است. اکثر مردمان این کشور فقیرند، کشاورزی فعالیت غالب آنهاست و اقتصاد به شدت بستگی به هوا دارد. تعداد زیادی از مردم فقیر در نواحی آسیب‌پذیر بخش جنوبی بنگلادش زندگی می‌کنند. آسیب‌پذیری بدان سبب است که بسیاری از مردم مجبورند در نواحی‌ای زندگی کنند که مورد هجوم طغیان رودخانه و تخریب توفان قرار می‌گیرند. برای دستیابی به توسعه پایدار در این کشور لازم است اثر خطرهای طبیعی مؤثر بر شرایط اجتماعی - اقتصادی کاهش یابد. دولت بنگلادش با درک این واقعیت برنامه‌های بسیاری را برای کاهش بلاایای طبیعی از طریق مدیریت این سوانح در نظر گرفته است.

بلاایای عمده در بنگلادش

عمده بلاایای طبیعی در بنگلادش عبارت‌اند از: توفان استوایی، جزر و مد، سیل، گردباد، فرسایش ساحل رودخانه، زمین‌لرزه و نظایر اینها.

۱- توفان. توفان‌ها بدترین نوع عوامل مرگ هستند. توفان شدید نوامبر ۱۹۷۰ جان بیش از ۳۰۰ هزار انسان را در بنگلادش گرفت و خسارات مالی بیش از یک میلیارد دلار در برداشت. توفان سال ۱۹۹۱ نیز ۱۴۰ هزار نفر کشته و ۲ میلیارد دلار خسارت بر جای گذاشت.

۲- سیل. سیل دیگر پدیده مخرب در بنگلادش است. از ویرانگرترین موارد این پدیده می‌توان به سیل سال ۱۹۸۸ که ۵۲ منطقه کشور را دربرگرفت و ۱۵۱۷ نفر کشته بر جای گذاشت و سیل سال ۱۹۹۸ که ۶۵ روز به طول انجامید و ۹۱۸ کشته در پی داشت اشاره کرد.

۳- خشکسالی. شدیدترین خشکسالی در بنگلادش مربوط به سال ۱۹۷۹ است. گرچه در سال‌های ۱۹۵۷ و ۱۹۷۲ نیز این کشور با خشکسالی مواجه گردید.

۴- گردباد. در دوره پیش موسمی در بنگلادش، گردباد ویرانی‌های بسیاری پدید می‌آورد. از آن جمله می‌توان به گردبادهای سال‌های ۱۹۶۹، ۱۹۷۴، ۱۹۷۷ و ۱۹۸۹ اشاره کرد که همگی در ماه آوریل اتفاق افتاده‌اند.

۵- زمین‌لرزه. اطلاعات تاریخی زمین‌شناسی نشان می‌دهد که بنگلادش سرزمینی زلزله‌خیز است، اگرچه این پدیده هنوز به حالت بالقوه است. کمربند لرزه‌خیزی و مناطق پرخطر در بنگلادش به سمت شرق، شمال شرقی و شمال کشیده شده‌اند. گزارش‌های ۱۵۰ سال گذشته نشان می‌دهد که بنگلادش و نواحی اطراف آن زمین‌لرزه‌های بسیاری با قدرت ۷ ریشتر را پشت سر گذاشته‌اند.

مضمون عمومی مدیریت بلاایای طبیعی

تعداد بسیاری از افراد فقیر مجبور به زندگی در نواحی آسیب‌پذیر در بخش جنوبی بنگلادش هستند. به منظور پیشگیری از پیامدهای این سوانح، دولت بنگلادش پروژه‌ای تحت عنوان «مدیریت جامع بلاایای طبیعی» را در سال ۱۹۹۳ تنظیم کرد که هدف کلی آن کاهش هزینه‌های انسانی، اقتصادی و زیست‌محیطی این سوانح در بنگلادش بود. یکی از عناصر اصلی برای ارتقای اهداف پروژه، افزایش توانایی خانوارها و جوامع محلی در معرض خطر، از طریق ایجاد طرح‌های عملکردی محلی برای سوانح بود. این پروژه که در ۳۰ ژوئن ۲۰۰۱ به اتمام رسید زمینه را برای تنظیم برنامه جامع مدیریت بلایا فراهم کرد.

تعدیل ساختاری و غیرساختاری

بر اساس مفهوم جدید مدیریت بلایا، اقدامات تعدیل ساختاری و غیرساختاری اهمیت یکسانی یافته‌اند تا بدین وسیله همکاری بهتری بین اعضای سیستم برقرار شود.

در بخش اقدامات ساختاری، دولت بنگلادش با بهره‌گیری از منابع داخلی و خارجی ۱۸۴۱ پناهگاه توفان و ۲۰۰ پناهگاه سیل برای مردم آسیب‌دیده ساخته است. علاوه بر این، در طول ۴ دهه اخیر ۴۸۲ پروژه کوچک، متوسط و بزرگ کنترل سیلاب و سیل اجرا شده است. در این میان بیش از ۴۰۰ پروژه بعد از جنگ آزادی در

سال ۱۹۷۱ اجرا شده است. خاکریزهای جلوگیری از سیل در بلندمدت و کانال‌های زهکشی حدود ۳۴۰۰ کیلومتر طول دارند.

تمهیدات نهادی

در طول چند سال گذشته دولت گام‌های مهمی برای ایجاد تمهیدات نهادی در سطوح مختلف برداشته است تا بتواند مدیریت بلایای طبیعی را به شیوه‌ای کارآمد و سیستماتیک برای قربانیان سوانح در بنگلادش به کار گیرد. برای حفظ هماهنگی میان وزارتخانه‌ها، دیپارتمان‌ها، مؤسسات، مسئولان دولتی و مردمان اجتماعات محلی مرتبط و همچنین به منظور تضمین عملکرد مناسب برای کاهش رنج مردم، دولت مکانیسم‌هایی را برای شورا و کمیته‌هایی که از سطوح ملی تا مردمی پیش‌بینی شده‌اند، تدارک دیده است.

شورای عالی مدیریت بلایای طبیعی در سطح ملی و کمیته همکاری مدیریت بلایا میان وزارتخانه‌ها، برای ارتقا، ایجاد هماهنگی، کاهش ریسک، آمادگی برای فعالیت و بهبود اقدامات ایجاد شده‌اند و به ترتیب دو و چهار بار در سال نشست دارند. شورای عالی مدیریت بلایای طبیعی، سیاست‌های مدیریت بلایا و موضوعات مرتبط را مورد بازبینی قرار می‌دهد و کمیته همکاری مدیریت بلایا برای حفظ هماهنگی میان وزارتخانه‌ها، سرپرستی خدمات نیروهای ارتش و فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی در حوزه مدیریت بلایای طبیعی در داخل کشور تلاش می‌کند. برای دستیابی به این اهداف، سازمانی با عنوان مدیریت بهسازی و بهبود در مرکز عملیات اضطراری استقرار یافته است. سازمان مدیریت بهسازی و بهبود در دوران پس از بروز فاجعه و برای انجام فعالیت‌های بهبود، زیر نظر کمیته همکاری مدیریت بلایا کار می‌کند.

مدیریت بلایای طبیعی در اجتماع محلی

با تغییر در نقش دولت و افزایش مشارکت عمومی در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی دولت، روند غیر معمول فزاینده بلایای طبیعی گوناگون سبب شد که نقش دولت و چگونگی مدیریت بلایای طبیعی به وسیله آن و همچنین شیوه مدیریت کارآمد عقلایی به طور جدی مورد پرسش واقع شود و مجموع سیاستگذاران، حرفه‌مندان و متخصصان را به این اتفاق نظر رساند که دولت به تنهایی نمی‌تواند تمام انواع بلایا را که نیازمند مشارکت مردم در هر منطقه از کشور است صرفاً با ماشین‌آلات خود مدیریت کند. همسو با این نگرش، دخیل کردن مردم در سطح محلی، رهبران و اجتماع محلی به منظور فراهم آوردن خدمات ضروری و منطقی برای قربانیان در طول وقوع فاجعه و پس از آن در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه تشویق شده است. در این نگرش، رویکرد جدیدی از مدیریت بلایا تحت عنوان رویکرد اجتماع محلی گرا معرفی گردید که بر مشارکت همه مردم در مواجهه با هر نوع خطر و فاجعه و حصول اطمینان از ارائه همه خدمات ممکن به اجتماع محلی تأکید دارد. این رویکرد در بنگلادش به تدریج رو به افزایش است.

عملکردهای مدیریت فجایع اجتماع گرا در بنگلادش

سیستم موجود مدیریت بلایا در بنگلادش دربرگیرنده

فعالیت‌هایی در زمان‌های عادی برای مدیریت ابعاد مهم بلایای طبیعی همانند کاهش یا پیشگیری، آمادگی، پاسخ و بازیابی است. مدیریت بلایای طبیعی بیشتر مبدل به رویداد شده است تا فرایندی از توسعه. پیوند این مدیریت با برنامه توسعه و مشارکت اجتماع محلی در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها به بالا رفتن ظرفیت و آمادگی محلی کمک می‌کند.

برنامه اجتماعی به وسیله دولت

دولت بنگلادش در پروژه «حمایت از مدیریت جامع بلایای طبیعی» ابتکارانی را برای مدیریت بلایای طبیعی در اجتماع محلی ایجاد کرده است. این برنامه شامل ایجاد طرح عملکردی بلایای طبیعی در سطح محلی، سازماندهی تعداد درخوری از آموزش‌ها و همچنین آگاهی‌رسانی در سطح محلی برای تجزیه و تحلیل و تحرک مردم اجتماع در کل سیستم مدیریت ریسک است. تاکنون ۹۰۰ طرح عملکردی بلایای طبیعی در سطح محلی شکل گرفته است. برنامه‌های آموزشی بسیاری برای کمیته‌های مختلف بلایای طبیعی در منطقه محلی ترتیب یافته‌اند و مکانیسم پایداری برای ادامه یافتن تأثیرات آموزش ایجاد شده است.

سیستم نسخه برداری اجتماع محلی

بسیاری از اجتماعات محلی، سیستم نسخه برداری خاص خود را برای مقابله با بلایای طبیعی دارند. دفتر مدیریت بلایای طبیعی تحقیقی را درخصوص این موضوع انجام داده است. در سال ۲۰۰۳ دفتر مدیریت بلایای طبیعی ۶ کارگاه برای رهبران اجتماع محلی درخصوص آمادگی بلایا و دانش بومی مکانیسم نسخه برداری برپا کرد.

برنامه‌ها و فعالیت‌های آمادگی برای بلایای طبیعی

دولت بنگلادش برنامه‌ها و فعالیت‌های بسیاری را در زمینه آمادگی در مقابل بلایای طبیعی ترتیب داده است. در پروژه «برنامه‌ریزی و نظارت: آمادگی برای بلایای طبیعی»، ۱۱۲ برنامه آموزشی در سال ۲۰۰۲ و ۱۱۹ برنامه آموزشی در سال ۲۰۰۳ تکمیل شده است. مؤلفه‌های اصلی پروژه عبارت‌اند از افزایش آگاهی، ظرفیت‌سازی، تحرک ارتباطی و نظایر اینها. این پروژه تا سال ۲۰۰۶ ادامه می‌یابد. دولت و مسئولان سازمان‌های غیردولتی، نمایندگان مردم، رهبران اجتماعی و افراد مرتبط از طریق کسب آگاهی درخصوص فرایند کاهش ریسک تحت آموزش قرار می‌گیرند.



بنگلادش - داکا

- تلاش برای هماهنگی بهینه و استفاده از منابع در کنار تضمین مشارکت مردم ادامه یافته است.
- طرح و اجرای مدیریت بلایای طبیعی از سوی دولت بنگلادش شامل آمادگی، پاسخ‌دهی، بازیابی و کاهش خسارت به عنوان عوامل اصلی اعتمادسازی مطرح شده‌اند.

آمادگی برای مواقع اضطراری

در طول چند سال اخیر دولت بنگلادش گام‌های مهمی در خصوص تمهیدات نهادی از سطح ملی تا سطوح پایین‌تر، برای آمادگی به طریقی کارآمد و نظام‌مند برداشته است. این موارد عبارت‌اند از:

- ۱- تأسیس سازمان مدیریت بلایا که دفتر مدیریت بلایای طبیعی خوانده می‌شود.
- ۲- تغییر نام وزارت تسکین و توانبخشی به وزارت مدیریت بلایای طبیعی و تسکین.
- ۳- تأسیس شورا و کمیته‌هایی در سطوح مختلف برای مدیریت بلایای طبیعی.

مکانیسم‌های مدیریت بلایا

● دولت بنگلادش مکانیسم‌هایی را برای حفظ هماهنگی لازم میان وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات ذی‌ربط و همچنین به منظور تضمین کارآمدی عملکرد آنها در زمان بحران تشکیل داده است.



- به منظور عملیاتی ساختن مکانیسم‌ها، کتاب راهنمایی به عنوان ابزار اولیه معرفی شده است.
- این کتاب فعالیت‌های هر وزارتخانه یا مؤسسه و دپارتمان مربوط به آن را به منظور کنترل شرایط در مواقع اضطراری مشخص کرده است.

نتیجه‌گیری

بنگلادش یکی از کشورهای در معرض خطر بلایای طبیعی است که منابع آن به شدت محدود است و توسعه واقعی آن بدون یکپارچگی برنامه‌های کاهش بلایای طبیعی امکان‌پذیر نیست. به همین منظور برنامه‌ها عمدتاً ماهیتی منطقه‌ای دارند. بنگلادش سیستم مدیریت بلایای طبیعی‌ای را ایجاد کرده است که در سطوح مختلف کارکرد دارد. در پی شناخت دولت از آسیب‌پذیری و محدودیت‌های کشور، تلاش مداوم دولت در این قرن، هرچه ایمن‌تر ساختن محیط زندگی است.



فعالیت‌های دفتر مدیریت بلایای طبیعی در زمینه زلزله

اخیراً طرز فکری متفاوت در میان سیاستگذاران و مدیران سوانح شکل گرفته است. به دنبال این اندیشه، پروژه مدیریت بلایای طبیعی در ژانویه ۲۰۰۱ تجهیزات نجات را در دسترس شهرداری‌های شهرها و شهرک‌های در معرض خطر قرارداد و برنامه‌های آگاهی از زلزله را در حیطه همگانی ارتقا بخشید. این آگاهی‌ها از طریق کارگاه‌ها، سمینارها و نشریات دفتر مدیریت بلایای طبیعی اشاعه یافت. در خصوص زلزله مشخصاً می‌توان به این اقدامات اشاره کرد:

- سازماندهی ۲ کارگاه در سطح ملی ویژه زلزله در دسامبر ۱۹۹۷ و مه ۲۰۰۰ که با حضور متخصصان ذی‌ربط و نمایندگان وزارتخانه‌ها، دپارتمان‌ها، مؤسسات و سازمان‌های غیردولتی برپا شد.

- برپایی نشست نمایندگان تعاونی‌های شهری شهرهای در معرض خطر در اوت ۲۰۰۰.
- فراهم آوردن تجهیزات و ماشین‌آلات برای سازمان‌ها و مؤسساتی که در عملیات نجات پس از زلزله دخیل هستند.
- آماده کردن چارچوب آموزشی جامع در خصوص زمین‌لرزه.
- آماده‌سازی و انتشار کتاب راهنمایی درباره زلزله برای آگاهی عمومی، با کمک یونیسف.
- انتشار و توزیع تقویم بنگالی به همراه یادداشت‌هایی به منظور یادآوری خطر زلزله.
- شناسایی داوطلبان در شهرها به منظور آماده‌سازی آنان برای مقابله با خطر زلزله.
- اکنون زمان آن است که مدیریت بلایای طبیعی و توسعه پایدار به عنوان موضوعی یکپارچه مورد نظر قرار گیرد. بنگلادش به دنبال آن است که در این خصوص گام‌هایی بردارد. لازمه این امر آن است که اندیشه مردم به جای دیدگاه بالا به پایین به سطح اجتماعی محلی برسد. برنامه جامع مدیریت بلایای طبیعی به همین منظور با کمک UNDP در حال تهیه است.

استراتژی مدیریت بلایای طبیعی

- پس از سیل‌های اواخر دهه ۸۰ و گردباد ویرانگر ۱۹۹۱، دیدگاه فعالیت پس از رخداد حادثه، جایگزین دیدگاه مدیریت بلایا شامل پیشگیری / کاهش، آمادگی، پاسخ‌دهی، بازیابی و توسعه شده است.
- دغدغه دولت کاهش خسارات جانی، اقتصادی و محیطی بلایا از طریق بهبود ظرفیت مدیریت بلایا شده است.

بناهای فرهنگی و بلایای طبیعی

ترجمه و تلخیص: پروانه مقدم



مقابل سیلاب و نظایر اینها)؛ فوریت‌ها (تجهیزات پزشکی، غذا، سرپناه و پوشاک)؛ تعمیر و امکانات رفاهی؛ نظافت و تعمیر زیرساخت (راه‌ها، پل‌ها، خطوط آهن، فرودگاه‌ها و بیمارستان‌ها). منابع فرهنگی به ندرت در طرح‌های اضطراری مطرح می‌شوند و حتی اگر مطرح گردند نیز در اولویت قرار نمی‌گیرند، زیرا زندگی و ایمنی در رتبه اول قرار دارند.

مدیریت بلایای طبیعی در برگیرنده هر چیزی است که پیش از وقوع، در زمان وقوع و پس از وقوع فاجعه انجام شدنی است. آمادگی در مقابل بلایا اولین مرحله در مدیریت بلایاست که اغلب مورد توجه قرار نمی‌گیرد. برای آمادگی لازم است که انواع بلایای تهدید کننده دارایی‌های فرهنگی، احتمال وقوع هر یک و آسیب پذیری منابع در مقابل این انواع، شناخته شود. زمانی که این عوامل معلوم شدند می‌توان گفت چه فعالیت‌هایی می‌بایست پیش از وقوع انجام گیرد، و چه چیز در زمان وقوع و پس از آن. طرح بلایای طبیعی یا فوریتی تمام این اطلاعات را به شکلی سودمند مستند می‌کند. این طرح معمولاً شامل پیشنهادهایی برای اقدامات آینده است و بایستی دائماً روزآمد شود تا اطلاعات آن دقیق و قابل اعتماد باشد. این طرح معمولاً در بردارنده اطلاعاتی از قبیل فهرست مکان‌هایی که می‌توان از آنها کمک گرفت، کارهایی که می‌توان انجام داد (کجا و چگونه گاز، آب و برق را در صورت لزوم قطع کرد)، اجناس مورد نیاز و مکان‌هایی است که

متخصصان حفاظت، گزارش‌های ساختار تاریخی و ارزیابی شرایطی را تدوین می‌کنند که نمایانگر تخریب مصالح در طول دهه‌هاست. پول زیادی برای این گونه طرح‌ها و مداخلات بعدی آن خرج می‌شود، اما تمام این هزینه‌ها در صورت بروز بلایای طبیعی در یک لحظه پوچ می‌شوند. بزرگی تخریب در حد چند اینچ نیست بلکه بخشی از ساختمان، کل ساختمان و در مواردی کل جامعه ویران می‌شود. در سال ۱۹۸۹ زلزله لومبارینا^(۱) به بیش از ۴۰۰ ساختمان تاریخی در خلیج سان فرانسیسکو صدمه زد و در طول یک ماه تقریباً ۱۰۰ مورد از این ساختمان‌های آسیب دیده، تخریب شدند. حمایت و حفاظت از ساختمان‌های تاریخی، هنگامی که در شرایط نسبتاً خوبی هستند بسیار مشکل است ولی پس از صدمه دیدن، این کار بسیار دشوارتر می‌شود. گرچه جلوگیری از بلایای طبیعی امری ناممکن است، اما اگر می‌خواهیم گذشته ما آینده‌ای داشته باشد، باید از پیامدهای آن بکاهیم.

با وجود اینکه اظهارات در خصوص آمادگی در مقابل بلایا پس از هر فاجعه‌ای نو می‌شود اما واقعیت این است که فعالیت‌چندانی در این زمینه، به ویژه برای منابع فرهنگی، صورت نگرفته است. عمده کار و هزینه پس از وقوع حادثه و به منظور بهبود شرایط انجام می‌شود. تقریباً همه این فعالیت‌ها و هزینه‌ها در مواردی از این دست صورت می‌گیرد: جست و جو و نجات؛ مقابله با بلایا (فرونشاندن آتش، چیدن کیسه‌شن در



ایتالیا - ونیز - میدان سن مارک

می توان اجناس را از آنها تهیه کرد. بایستی نسخه های متعددی از طرح فوریتی در دسترس باشد که در صورت از بین رفتن چند نسخه در اثر وقوع فاجعه، نسخه های دیگر در دسترس باشند. لازم است کارکنان، طرز استفاده از طرح را آموزش ببینند. نتیجه مثبت چنین آموزشی در کاهش فراوان خسارات ساختمان پس از آتش سوزی قلعه ویندسور^(۲) مشاهده شده است.

تعدیل و تسکین شامل هر آن چیزی است که می توان برای کاهش خسارت ساختمان در مقابل بلایای طبیعی انجام داد. بسته به نوع یا انواع بلایای ممکن، این فعالیت ها می توانند موارد زیر را شامل شوند، گرچه محدود به همین ها نیستند: احداث مسیرهای تخلیه، نصب علائم خروج، خاموش کننده آتش، روشنایی اضطراری، مسیرهای فرار از آتش، آژیر دود و سیستم های آب پاش؛ تقویت ساختمان در مقابل بادهای عظیم (محکم کردن سقف ها، محکم کردن اتصالات ساخت به پی ها، نصب پشت دری های مخصوص توفان و نظایر اینها)؛ مقاوم سازی در مقابل لرزه (با بهره گیری از تکنیک های مختلف). کاهش آسیب دارایی ها معمولاً با کاهش خسارات جانی نیز همراه است.

تقریباً همه این اقدامات بر هویت تاریخی و بافت آن تأثیر می گذارد. راه حل های جایگزین با استفاده از استانداردهای وزارت کشور برای پروژه های حفاظت از آثار تاریخی قابل ارزیابی است. در بسیاری از موارد زیان وارد بر بافت تاریخی را می توان به آن دسته از فضاهای تاریخی که اهمیت کمتری دارند محدود کرد. در برخی موارد از هم بازکردن با دقت و چیدن مجدد بخش هایی از ساختمان ها ممکن است ضروری باشد. در زمان وقوع بلایا، طبیعت هیچ مکانی را از آسیب رساندن مجزا نمی کند. بهتر است پیش از آنکه نیروهای طبیعی همه چیز را از بین ببرند تصمیم درست گرفته شود. کاهش خسارت در طول انجام بهسازی معمولاً عملی تر و ارزان تر است. از سوی دیگر در زمان در دسترس بودن نقدینگی بیشتر این فعالیت ها می تواند افزایش یابد. اما باید توجه داشت که این رویکردها در صورتی که برنامه ریزی نشده باشد ممکن است عامل بروز مشکلاتی شوند. برای مثال نصب لوله ها برای

سیستم های آب پاش ممکن است در تداخل با راه حل های مربوط به تقویت ساختمان به لحاظ لرزه ای باشد.

در دوران بازیابی و بهبود شرایط، دفاتر حفاظت از آثار تاریخی، خدمات پارک ملی و سایر سازمان های حفاظت کننده در امریکا، در فراهم آوردن کمک های فنی و غیرفنی دخیل اند. این تیم های حفاظتی اسناد با ارزشی را برای جوامع محلی فراهم می آورند و به مالکان ساختمان های تاریخی کمک می کنند؛ از جمله پس از توفان هیوگو^(۳)، زمین لرزه لوماپریتا، توفان اینی کی^(۴) و زمین لرزه نورث ریج^(۵) چنین شد. حفاظت کنندگان و مدیران شرایط اضطراری، مسئولیت ها و دغدغه های خود را در زمینه حمایت از میراث فرهنگی به اشتراک می گذارند. ایجاد طرح ما را مجبور می کند که آنچه را پیش از وقوع حادثه، در زمان وقوع و پس از آن لازم به نظر می رسد مد نظر قرار دهیم. فرایند برنامه ریزی همچنین انگیزه را برای انجام فعالیت در زمانی که هنوز فرصت باقی است افزایش می دهد. در این میان توجه به نقش داوطلبان ضروری است، به طوری که حمایت و توجه اجتماع محلی همراه با توصیه های حرفه ای خوب می تواند از خسارات ناشی از بلایا بکاهد.

برای هرچه ایمن تر ساختن میراث، به آموزش عمومی و ایجاد انگیزه عمومی نیاز است. قطعاً نمی توان همه ساختمان های تاریخی را در مدتی کوتاه در مقابل بلایا مستحکم ساخت، اما در صورت وجود برنامه های بلند مدت برای ایجاد انگیزه، در زمان انجام فعالیت های بهسازی این امر تحقق خواهد یافت.

پرتغال - لیسبون - ویرانه های کانونت دوکارمو پس از زلزله



پانویشت:

- 1-Loma Preita
- 2-Windsor Castle
- 3-Hugo
- 4-Iniki
- 5-Northridge

منبع:

<http://crm.cr.nps.gov>

۱۳ اکتبر

روز جهانی کاهش بلایای طبیعی

ترجمه: علی عربانی دانا
کارشناس ارشد زبان انگلیسی

جهانی کاهش بلایا» (WCDR)^(۱) و همچنین در «دهه آموزش ملل متحد برای توسعه پایدار» (سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴) انجام خواهد شد. چنین چیزی نشان می‌دهد که یادگیری روش‌های کاهش بلایا و افزایش آگاهی عمومی در زمینه تجارب گذشته، تبادل اطلاعات و انجام خدمات آموزشی بسیار اهمیت دارد.

در یکی از بررسی‌های اخیر نشان داده شد که آسیا و اقیانوسیه مناطقی هستند که شدیداً تحت تأثیر بلایای طبیعی قرار گرفته‌اند، به خصوص بلایای آبی همچون سیل که در دهه گذشته زندگی بیش از ۱۵۰۰ میلیون نفر را تغییر داد و بیش از ۱۱۰ میلیارد دلار خسارت وارد کرد. در اواخر همین سال، سیلی که در بنگلادش، چین و هند اتفاق افتاد بیش از ۱۰۰۰ نفر را قربانی کرد و بیش از ۱۰۰ میلیون نفر در این ۳ کشور تحت تأثیرات منفی آن قرار گرفتند و چندین میلیارد دلار خسارت اقتصادی بر جای ماند.



تایوان

«یاد بگیریم که با خطرهای زندگی کنیم»

مقدمه

«کمیسیون اجتماعی و اقتصادی ملل متحد در آسیا و اقیانوسیه» (UNESCAP)^(۱) قصد دارد که روز بین‌المللی کاهش بلایای طبیعی را در تاریخ ۱۳ اکتبر سال ۲۰۰۴ در مرکز همایش‌های ملل متحد واقع در بانکوک برگزار کند. فعالیت‌های این مرکز بدین شرح‌اند: ۱-گردهمایی UNESCAP در زمینه کاهش بلایا؛ و ۲-نمایشگاه UNESCAP در زمینه کاهش بلایا در منطقه UNESCAP.

امسال موضوع «روز بین‌المللی کاهش بلایای طبیعی» این است که «زندگی با خطرهای یاد بگیریم»، هدف از برگزاری این مراسم، ارائه نمونه‌هایی عملی است مبنی بر اینکه فعالیت‌های آموزشی و آگاهی عمومی چگونه می‌تواند جامع را در برابر خطرهای طبیعی همچون زمین‌لرزه، توفان، سیل، خشکسالی و رانش زمین یاری برساند. این موضوع منعکس‌کننده فعالیت‌هایی است که قرار است در سال ۲۰۰۵ در زمینه کاهش بلایای جهانی انجام شود. این اقدامات در «کنفرانس

خطر بلایای طبیعی و نحوه همزیستی با آنها

آموزش عمومی، آموزش تخصصی و تبادل اطلاعات از قوی‌ترین عواملی هستند که می‌توانند خطر بلایا را کاهش دهند. مدیریت دانش، آموزش و فرهنگ سازی برای جوامع ترمیم‌پذیر می‌تواند نحوه زندگی با این گونه خطر را یاد دهد.

مدیریت دانش می‌تواند شامل موضوعات زیر باشد:

- آموزش برای توسعه پایدار؛ کاهش خطرهای ناشی از بلایا در مدارس
- کاهش خطرهای ناشی از بلایا در دانشگاه و در سطح فوق لیسانس
- برنامه‌های تحقیقاتی
- آموزش رسمی و غیررسمی
- رسانه‌ها و کاهش خطر ناشی از بلایا؛ ابزارهایی برای افزایش آگاهی عمومی
- نظر جوامع در زمینه کاهش خطرهای ناشی از بلایا

کنفرانس جهانی در زمینه کاهش بلایا

مجمع عمومی ملل متحد در فوریه سال ۲۰۰۴، قطعنامه ۵۸/۲۱۴ را تصویب کرد. این مجمع به موجب قطعنامه مذکور جلسه‌ای را در زمینه «کنفرانس جهانی کاهش بلایا» تشکیل

داد. این مجمع خاطر نشان کرد که اهداف WCDR باید در این جهت‌ها باشد:

- بازنگری «استراتژی یوکوهاما» و «طرح عملکرد» با توجه به چارچوب‌های پیشنهادی قرن ۲۱ که در زمینه کاهش بلایاست.

- شناسایی فعالیت‌های خاصی که هدف‌شان اجرای بندهای «طرح اجرایی ژوهانسبورگ» (JPOI) (۳) است. این طرح که در اجلاس جهانی توسعه پایدار به تصویب رسیده، در زمینه آسیب‌پذیری، ارزیابی خطرها و مدیریت بلایاست.

- تبادل تجارب و رویه‌های مثبت به منظور کاهش بلایا و ایجاد توسعه پایدار؛ شناسایی شکاف‌ها و چالش‌ها.

- افزایش آگاهی در زمینه اهمیت خط‌مشی‌های مربوط به کاهش بلایا و اجرای این خط‌مشی‌ها.

- افزایش صحت و اعتبار اطلاعات مربوط به بلایا و انتقال این اطلاعات به نمایندگی‌ها و ادارات دولتی مناطق. این اقدام باید متناسب با بندهای JPOI باشد.

این کنفرانس در روزهای ۱۸ الی ۲۲ ژانویه سال ۲۰۰۵ در «کوبه-هیوگو» (ژاپن) برگزار خواهد شد.



شکل ۱- کوبه

قطعه‌نامه ملل متحد در زمینه IDNDR (چهل و دومین مجمع عمومی سال ۱۹۸۷) به طور اخص تصریح کرده که بلایای طبیعی ممکن است زیرساخت‌های اقتصادی را در کشورهای رو به توسعه - به خصوص کشورهای جزیره‌ای و کشورهای توسعه نیافته‌ای که در خشکی محصور شده‌اند - شدیداً تحت تأثیر قرار دهد و مانع توسعه آنها شود. گزارش کمیسیون جهانی توسعه و محیط زیست (گزارش براندلند) در سال ۱۹۸۷ مبنی بر این است که توسعه پایدار باید به نیازهای فعلی توجه کند نه به نیازهای نسل آینده.

کاهش بلایای طبیعی در آسیا و اقیانوسیه

بر طبق یکی از بررسی‌های ESCAP که در سال ۱۹۹۹ و بعد از دهه بین‌المللی کاهش بلایای طبیعی انجام شد، بلایایی که کشورهای مختلف را تحت تأثیر خود قرار داده‌اند عبارت‌اند از: سیل، گردباد، زمین لرزه، خشکسالی، توفان، رانش زمین، آوار، جریان گل، توفان‌های تگرگ، امواج، آب لرزه‌ها و غبارهای محلی. شایع‌ترین بلایی که تقریباً همه کشورهای این منطقه را تحت تأثیر قرار داد سیل بوده است.

گرچه شدت این بلایای طبیعی در کشورهای مختلف با یکدیگر فرق دارد ولی بحرانی‌ترین سال در دو دهه گذشته سال ۱۹۹۸ بوده است. در همین سال، خسارت اقتصادی وارد شده بر این کشورها بیش از ۲۳ میلیارد دلار آمریکا بود (۲۰ میلیارد دلار در چین، ۱ میلیارد دلار در بنگلادش، ۱ میلیارد دلار در جمهوری کره و چند صد میلیون دلار در هند و ویتنام). سیل سال ۱۹۹۸ در چین در واقع دومین فاجعه در ۱۳۰ سال گذشته بوده است، به طوری که سیل سال ۱۹۵۴ را که در آن ۳۰۰ هزار نفر غرق شدند تحت شعاع قرار داد. سیل، رانش زمین و جریان گل که در بخش‌های دیگر این کشور اتفاق افتاد، زندگی ۲۴۰ هزار نفر را دگرگون ساخت. این رانش‌ها و جریان‌های گل سبب شد که بیش از ۳۰۰ هزار نفر جان خود را از دست بدهند و در حدود ۱۵ میلیون نفر بی‌خانمان شوند. به علاوه ۵ میلیون خانه تخریب شدند و ۲۲ میلیون هکتار زمین به زیر آب رفت و ۱/۸ میلیون هکتار محصولات کشاورزی کلاً نابود گردید. میزان کل خسارت بیش از ۲۰ میلیارد دلار آمریکا بود. سیل سال ۱۹۹۸ در بنگلادش سبب شد که ۶۸ درصد از زمین‌های این کشور به مدت ۷۰ روز در زیر آب بماند. موج‌های توفانی‌ای که ارتفاع‌شان به ۷/۶ متر می‌رسد می‌توانند باعث ایجاد توفان شوند. به عنوان مثال توفان سال ۱۹۹۱ سبب شد که بیش از ۲ میلیارد دلار خسارت اقتصادی به بار آید.

بر طبق بررسی دیگر ESCAP که در سال ۲۰۰۱ انجام شد، سیل شایع‌ترین فاجعه‌ای بود که در همه کشورهای عضو اتفاق افتاده بود و از نظر درجه هم شدیدترین آسیب بود. خسارت‌های اقتصادی ناشی از توفان از ۵/۵ میلیون دلار (در هنگ کنگ) تا ۱۹۶۰ میلیون دلار (در ژاپن) نوسان داشت. در بسیاری از کشورها، تأثیر طغیان رودخانه‌ها بیشتر از فجایای دیگر بود اما در بعضی از کشورها همچون ژاپن و مالزی، تأثیر طغیان‌های شهری بیشتر بود. سیل‌های ناگهانی

بلایای طبیعی و توسعه پایدار

مواجهه با بلایا و تلفیق طرح‌های کاهش بلایا در برنامه‌ریزی توسعه پایدار باید از جمله موضوعات اصلی باشد. بلایای طبیعی ممکن است منجر به مرگ انسان‌ها و خسارت‌های شدید اقتصادی شود و تأثیر نامطلوبی بر شرایط اجتماعی بگذارد. اما در خط‌مشی‌های توسعه، به خصوص خط‌مشی‌هایی که هدف‌شان کاهش فقر است - توجه چندانی به بلایای طبیعی نشده است.

در چند کشور خیلی شایع بوده اما آماری در زمینه توفان‌های ساحلی - به خصوص امواج توفانی - به دست نیامده است.

فعالیت‌های جدید UNESCAP در زمینه کاهش بلایا

۱- مشارکت در زمینه کاهش بلایا - فاز دوم آسیای جنوب شرقی (PDR-SEA-2)^(۵)

طرح فاز دوم آسیای جنوب شرقی با همکاری مشترک UNESCAP و ADPC و با حمایت مالی اداره بشر دوستانه اجتماع اروپا (ECHO) و در چارچوب طرح عملیاتی آماده سازی در برابر بلایا که برای آسیای جنوب شرقی در نظر گرفته شده است، انجام می‌شود.

فاز اول این طرح براساس دستاوردهای ادارات بلایای طبیعی و شرکای سازمان‌های غیردولتی انجام شد. فاز اول PDR-SEA در واقع پروژه‌ای محلی بود که به وسیله ADPC و با حمایت مالی اداره بشر دوستانه اجتماع اروپا (ECHO) و در چارچوب طرح عملیاتی آماده سازی در برابر بلایا (که برای آسیای جنوب شرقی در نظر گرفته شده است) و در فاصله زمانی فوریه ۲۰۰۱ تا آوریل ۲۰۰۲ انجام شد. هدف پروژه مذکور، افزایش ظرفیت جوامع و کاهش تأثیرات بلایاست. این کار از طریق آموزش و تبادل اطلاعات در بین شرکای کشورهای مورد نظر منطقه همچون کامبوج، اندونزی، فیلیپین و ویتنام انجام می‌شود. این پروژه دارای چهار بخش مختلف اما به هم پیوسته است که عبارت‌اند از:

۱- ایجاد سازوکاری برای شبکه سازی و تبادل اطلاعات منطقه‌ای؛

۲- تقویت شبکه و تبادل اطلاعات در بین اداراتی که وظیفه‌شان پرداختن به بلایای طبیعی است؛

۳- بازنگری و تجدید مواد آموزشی مربوط به مدیریت بلایا؛

و

۴- ظرفیت سازی از طریق آموزش مدیرانی که به مبارزه با بلایا می‌پردازند.

فاز اول این طرح (PDR-SEA-1) با استفاده از روش‌ها و ابزارهایی همچون خبرنامه محلی، وب سایت، بحث‌های گروهی الکترونیکی و ترویج اطلاعات از طریق نشریات و CD-ROM ها توانست درآمدهایی را برای تبادل دانش و تجارب در بین سازمان‌های غیردولتی فراهم کند. شرکا باید از این ابزارها استفاده کنند تا آمادگی در برابر بلایا را افزایش دهند.

برای تحقق منافع کامل شرکای پروژه و همچنین به منظور کاهش خطرهای سطح اجتماع باید مساعدت‌های فنی و مالی را تداوم بخشید. از این رو «ECHO» موافقت کرد که بر روی فاز دوم سرمایه‌گذاری کند. این کار با مشارکت ESCAP-ADPC و با سرمایه فاز اول PDR-SEA صورت گرفت تا شبکه نقاط کانونی به شبکه‌های آمادگی در برابر بلایا متصل گردد. این شبکه‌ها عبارت‌اند از: کمیته ESCAP/WMO در زمینه مقابله با توفان، مجمع WMO/ESCAP در زمینه مقابله با گردبادهای حاره‌ای، و انجمن کارشناسان آسیای جنوب شرقی که به مدیریت بلایا و توسعه برنامه‌های منطقه‌ای مدیریت

بلایا می‌پردازند و پایگاه آنها را محکم می‌کنند.

اهداف پروژه

افزایش ظرفیت جوامع در معرض خطر و آماده ساختن آنها در جهت مقابله با بلایای طبیعی از طریق آموزش و تبادل اطلاعات در کشورهای مورد نظر آسیای جنوب شرقی.

هدف اول: افزایش شبکه سازی و تبادل اطلاعات مربوط به روش‌ها، تجارب و رویه‌های مثبت در بین کارشناسان مدیریت بلایا.

هدف دوم: افزایش ظرفیت کارشناسان مدیریت بلایا به منظور استفاده از ابزارهای عملی و در جهت اجرای پروژه‌های مدیریت بلایا در جوامع.

این پروژه در ماه ژوئن سال ۲۰۰۳ آغاز گردید و در ماه ژوئن سال ۲۰۰۴ (یعنی در طول ۱۲ ماه) تکمیل گردید. طرح پروژه‌های جدیدی که برای فعالیت‌های بعدی در نظر گرفته شده است، PDR-SEA3 نام دارد. این طرح به وسیله UNESCAP و ADPC به اتحادیه اروپا ارسال شده است تا در ماه ژوئن سال ۲۰۰۴ مورد بررسی قرار گیرد.

۲- فعالیت‌های اصلی UNESCAP

الف- همکاری با مرکز کاهش بلایا در ژاپن (ADRC)^(۶)

ARDC در بسیاری از جلساتی که در چندین سال گذشته به وسیله UNESCAP سازماندهی شده شرکت کرده است؛ به خصوص جلساتی که با توجه به چارچوب‌های زیر برگزار گردیده‌اند: کمیته مقابله با توفان، مجمع مقابله با گردبادهای حاره‌ای و پروژه‌های XB که در زمینه آمادگی در برابر سیل و کاهش آن است. از این رو، ARDC همکاری خود را با دبیرخانه کاهش بلایا در ملل متحد و همچنین ADPC آغاز کرده است. علاوه بر اینها، از UNESCAP و ADPC خواسته شد که برای آماده سازی مقدمات «کنفرانس جهانی ملل متحد در زمینه کاهش بلایا» که قرار است در ژانویه سال ۲۰۰۵ در کوبه^(۷) (ژاپن) برگزار شود فعالیت کنند. بدین منظور UNESCAP در یک کارگاه آزمایشی محلی که ADRC آن را در ماه فوریه سال ۲۰۰۴ در سیم ریپ^(۸) (کامبوج) برگزار کرده بود شرکت کرد. ADRC همچنین موافقت کرده است که مدیریت کارگاهی را که در زمینه چگونگی زندگی با خطرهای عهده بگیرد. این کارگاه که کارگاه «پرداختن به بلایای مرتبط با توفان به عنوان بخشی از مدیریت منابع یکپارچه آبی» نام دارد، قرار است در سپتامبر سال ۲۰۰۴ در شهر سئول به همیت کمیته مقابله با توفان برگزار شود. ADRC برای پیشبرد این کارگاه جلسه‌ای را در زمینه «معرفی خطرهای مربوط به کاهش مؤثر بلایا - ابزارهایی برای بسیج فعالیت سهامداران اصلی» در WCDR برگزار کرده و از UNESCAP خواسته است که سازمان خود را وارد این حوزه کند. تلاش‌هایی نیز برای هماهنگی فعالیت‌های مربوط به UNESCAP صورت گرفته است.

ب- فعالیت‌هایی که کمیته مقابله با توفان با همکاری ژاپن انجام داده است

۱- سازمان دهی کارگاه مشاوره منطقه‌ای در باندونگ^(۹) (واقع در اندونزی) از ۲۶ الی ۲۸ ماه مه سال ۲۰۰۳. این کارگاه درباره کارایی سیستم‌های اولیه هشدار دهنده در آسیا و اقیانوسیه بود، که به وسیله UNESCAP و UN/ISDR و با همکاری اداره محیط زیست مناطق معدنی و زمین شناسی سازمان دهی شد. بودجه کارگاه مذکور را موسسه فدرال علوم زمین شناسی و منابع طبیعی آلمان (BGR) تأمین کرد. هدف کارگاه این بود که مقدمات کنفرانس بین المللی سیستم‌های اولیه هشدار دهنده را که در اکتبر سال ۲۰۰۳ در آلمان برگزار شد فراهم کند. گزارش اصلی این کارگاه را یکی از اعضای JDI با نظارت مستقیم UNESCAP آماده کرد. به علاوه، «اداره مقابله با بلایای ژاپن» نیز در این کارگاه شرکت کرد.

۲- ارائه گزارش محلی در دومین کنفرانس بین المللی سیستم‌های اولیه هشداردهنده که در اکتبر سال ۲۰۰۳ در «بن» برگزار شد.

۳- شرکت در کارگاه نخبگان که در ژانویه سال ۲۰۰۴ در بن برپا شد تا مقدمات اجرایی دومین کنفرانس بین المللی سیستم‌های اولیه هشدار دهنده را فراهم کند. از این رو، برای سرمایه‌گذاری در زمینه عملکردهای بعدی باید چندین پروژه آزمایشی تدوین شود. UNESCAP تلاش خواهد کرد فعالیت‌های خود را که در چارچوب «کمیته مقابله با توفان» و «مجمع مقابله با گردبادهای حاره‌ای» است، با اقدامات بین المللی مرتبط سازد.

همکاری با UNDP- ECLAC

UNDP بر روی پروژه‌ای سرمایه‌گذاری کرده است که به وسیله UNESCAP و با همکاری UNDP و ECLAC در حال اجراست تا ضمن ارائه یکی از رویکردهای اقتصاد کلان، تأثیرات اجتماعی- اقتصادی بلایای جوی و آبی را در منطقه ارزیابی کند. این پروژه در برگیرنده ۳ مرحله است:

مرحله اول - بازنگری روشی که ECLAC پیشنهاد کرده است. این بازنگری باید براساس تجارب منطقه آسیای جنوب شرقی باشد. تجارب مذکور از یک کارگاه محلی که در ماه مه سال ۲۰۰۴ در بانکوک برپا شد، به دست آمده‌اند.

مرحله دوم - انجام مطالعات آزمایشی بر روی کشورهای منتخب، با تأکید بر کاهش فقر و مدیریت بلایا در حداقل ۴ کشور در سال ۲۰۰۴.

مرحله سوم- اجرای پروژه در اواخر سال ۲۰۰۴ (یا در اوایل سال ۲۰۰۵).

تجارب محلی مطالعات آزمایشی باید تثبیت شوند و این کار می‌بایست با طراحی یک برنامه محلی عملکرد که در زمینه مدیریت بلایا و کاهش فقر است انجام گیرد.

UNESCAP قصد دارد که فعالیت‌های این پروژه را با اقداماتی از این دست مرتبط سازد:

۱- فعالیت‌هایی که برای PDR-SEA-2 برنامه‌ریزی شده‌اند؛ و

۲- فعالیت‌هایی که در چارچوب «کمیته مقابله با توفان» و «مجمع مقابله با گردبادهای حاره‌ای» انجام گرفته‌اند.



وزارت حمل و نقل، زیرساخت‌ها و املاک ژاپن از سال ۲۰۰۱ سعی کرده است که UNESCAP را از بُعد حمایت‌هایی که در اختیار «کمیته مقابله با توفان» قرار می‌دهد یاری برساند و منابع مالی لازم را در اختیار آن قرار دهد تا اینکه UNESCAP بتواند ضمن حمایت از کارشناسان خود آنها را تشویق کند که در کارگاه‌های محلی شرکت جویند؛ به خصوص کارگاه‌های سالانه کمیته مقابله با توفان که در زمینه آمادگی و مقابله با این بلای طبیعی است. از این دست‌اند کارگاهی که در سال ۲۰۰۱ در مانیل برگزار گردید، کارگاهی که در سال ۲۰۰۲ در بانکوک برگزار شد، کارگاهی که در سال ۲۰۰۳ در پکن تشکیل گردید و کارگاهی که در سپتامبر سال ۲۰۰۴ در سئول شکل گرفت. لازم به ذکر است که وزارت مسکن و حمل و نقل جمهوری کره در کارگاه سئول موافقت کرد افرادی را که در زمینه اصلاح و بهبود مدل‌های علمی پیش‌بینی سیل در منطقه فعالیت می‌کنند مورد حمایت قرار دهد.

MLIT علاوه بر حمایت‌های مذکور، سلسله حمایت‌های مالی نیز برای شرکت کنندگان مجمع مقابله با گردبادهای حاره‌ای در نظر گرفته است تا بدین طریق به آنها کمک کند که در کارگاه‌های محلی شرکت جویند. «فعالیت‌های همکاری» با مساعدت مؤسسه توسعه زیرساخت‌های ژاپن (JDI) انجام شد. این مؤسسه در اجرای «طرح عملکرد مربوط به گردهمایی آب در جهان سوم» - مثلاً ایجاد شبکه بین المللی مقابله با سیل (IFNet) - بسیار فعال بوده است. UNESCAP فعالانه در فعالیت‌های IFNet شرکت کرده است، از جمله با ارائه IFNet در استکهلم در ماه اوت سال ۲۰۰۳ و معرفی فعالیت‌های IFNet در طول دوره CSD- 12 که در آوریل سال ۲۰۰۴ در نیویورک برگزار شد.

ج- همکاری با UN/ISDR

همکاری با UN/ISDR مشتمل بر چندین فعالیت است، که عبارت‌اند از:

پانوشت:

- 1-United Nations Economic and Social Commission for Asia and Pacific
- 2-World Conference on Disaster Reduction
- 3-Johannesburg Plan of Implementation
- 4-Kobe - Hyogo
- 5-Partnership for Disaster Reduction - South East Asia Phase 2
- ۶- Asian Disaster Reduction Center
- 7-Kobe
- 8-Siem Reap
- 9-Bandung

منبع: www.un.org

همکاری ترکیه و ژاپن در مهندسی زلزله

کمک دولت ژاپن برنامه آموزشی‌ای را برای سایر کشورهای در حال توسعه همسایه برگزار کند.

یکی از حوزه‌های مهم فعالیت این مؤسسه در ترکیه، بازسازی مناطق آسیب دیده از زلزله و تقویت روش‌های پیشگیری از خسارات آن است.

علاوه بر این موارد، برگزاری دوره‌های آموزش مدیریت زلزله برای مقامات رسمی وزارت کشور و راه‌اندازی مرکز تحقیقات پیشگیری از خسارات زلزله از دیگر اقدامات مؤسسه مذکور به شمار می‌رود. لازم به ذکر است مؤسسه همکاری بین‌المللی ژاپن، ۸ سال پیش مرکز تحقیقات پیشگیری از خسارات زلزله را با مدیریت دانشگاه فنی استانبول راه‌اندازی کرد. تجارب این پروژه در زمان حاضر به نقطه‌ای رسیده است که می‌تواند در سطح بین‌المللی مطرح شود و مورد استفاده قرار گیرد.

گفتنی است براساس درخواست دولت ترکیه از ژاپن، مرکز آموزش زلزله نیز در دانشگاه فنی استانبول برپا شده است. همچنین به منظور تبادل تجربه و اطلاعات، نشست‌هایی با مهندسان کشورهای آذربایجان، بوسنی و هرزگوین، بلغارستان، گرجستان، قزاقستان، قرقیزستان، مقدونیه، مولداوی، رومانی، تاجیکستان و ازبکستان نیز برگزار گردیده است. در این دوره‌ها روش‌ها و اقدامات کاربردی مفیدی میان کارشناسان کشور میزبان و همکاران خارجی‌شان تبادل شده است.

ترجمه: تاراس گالستان
منبع: www.turks.us

مؤسسه همکاری بین‌المللی ژاپن با حمایت دانشکده فنی استانبول، برنامه آموزشی بین‌المللی خود را در زمینه مهندسی زلزله در ترکیه آغاز کرد.

ژاپن و ترکیه، هر دو از کشورهایی هستند که زمین لرزه‌های بسیاری را پشت سر گذاشته‌اند، از این رو در زمینه مهندسی زلزله تخصص و تجارب ویژه‌ای کسب کرده‌اند.

دولت ژاپن از سال ۱۹۷۴ تاکنون، از طریق مؤسسه همکاری بین‌المللی، برنامه‌های آموزشی مختلفی را تحت عنوان «برنامه آموزش کشورهای جهان سوم»، در کشورهای مختلف جهان به اجرا درآورده است.

در این برنامه، سازمانی دولتی از کشور میزبان می‌تواند با



به منظور آموزش و بحث و تبادل نظر در زمینه فجایع و بلایا و افزایش کارایی مدیریت سوانح طبیعی و غیرطبیعی و بهبود ساختار اجرایی این مدیریت، همایشی با موضوع استراتژی مدیریت فجایع در تایلند برگزار گردید.

در این همایش که به کوشش «اداره جلوگیری و کاهش فجایع» تایلند و با همکاری «مرکز جلوگیری از فاجعه در آسیا» برگزار شد، در حدود ۲۰۰ نماینده از ادارات دولتی مختلف، متولیان مدیریت فجایع، رسانه‌های گروهی، انجمن‌های غیردولتی و نهادهای نیمه دولتی شرکت کردند.

از جمله میهمانان مهم این همایش می‌توان به معاون وزیر کشور تایلند، مدیر کل «اداره جلوگیری و کاهش فجایع» و رئیس هیئت امنا و مدیر اجرایی مرکز جلوگیری از فاجعه در آسیا اشاره کرد.

در این همایش راجع به بلایا و فجایع اصلی شناخته شده در دنیای امروز نظیر، زلزله، سیل، رانش زمین، آتش‌سوزی و سوانح رانندگی به تفصیل صحبت شد و راهبردهای مناسبی برای پیشگیری و رویارویی با این بلایا در کارگروه‌های مختلف مطرح گردید.

همچنین براساس این راهبردها، طرح عملی مقابله با بلایا در تایلند شکل گرفت. از دیگر دستاوردهای این همایش امضای

راهبردهای مدیریت بحران در تایلند

توافقنامه‌ای میان دولت تایلند و مرکز جلوگیری از فاجعه در آسیا بود. بر مبنای این توافقنامه، اجرای برنامه کاهش فاجعه شهری در شهر هاتیه^(۱) تایلند آغاز شد و جمعی از استادان و اعضای هیئت علمی دانشگاه سونگ کلا^(۲) نیز در این پروژه همکاری کردند.

مهم‌ترین هدف برنامه مذکور، کاهش آسیب‌ها و صدمات فاجعه از طریق آموزش و ایجاد پناهگاه و امکانات ضروری و



تایلند

بحث و گفت و گو پرداختند.
ترجمه: مانده چاهدی
پانوشت:

1-Hatyai
2-Songkla

منبع: www.adpc.net

زیربنایی برای جمعیت شهری، در مواجهه با رویدادهای طبیعی است.

افزون بر آنچه گفته شد، در این همایش شرکت کنندگان در مورد موضوعاتی چون شیوه‌های به کارگیری مهارت‌ها و فنون مقابله با بلایا و چگونگی توسعه و تقویت سازمان‌های متولی به

شهر تمیز جنگل زیبا آب پاک

شعار شهرداری ارلانگن

مسئولان شهری ارلانگن - در آلمان - به منظور ترویج اهداف زیست محیطی، طرح جدیدی را با نام «شهر تمیز، جنگل زیبا، آب پاک» در سال ۲۰۰۴ به اجرا درآوردند.

در مرحله اول این پروژه، دوره‌های آموزشی ویژه‌ای در مدارس برگزار شد و دانش آموزان با موضوعاتی چون مسائل شهری و زندگی شهرنشینی، محیط زیست، فرهنگ تفکیک زباله از مبدأ، بازیافت و تفکیک زباله‌های خشک و تر آشنا شدند.

در کنار این دوره‌های آموزشی، از ابتدای سال تحصیلی، دروس حفاظت از محیط زیست نیز در برنامه درسی دانش آموزان گنجانده شد.

در این کتاب‌های درسی، تصاویر مربوط به محیط زیست و نگهداری و مراقبت از فضای سبز، دانش آموزان را به حفاظت از محیط زیست فرا می‌خواند.

در مرحله دوم پروژه ۳۳۰۰ دانش آموز دبستانی از ۳۱ مدرسه شهر ارلانگن شرکت کردند. این دانش آموزان با همکاری معلمان شان حدود ۵۰۰۰ کیلوگرم زباله را از سطح شهر جمع‌آوری کردند.

شهرداری ارلانگن در فرایند اجرای این طرح، برای تمامی مدارس شرکت کننده، کیسه‌های ویژه جمع‌آوری زباله‌های تر و خشک و وسایلی مانند انبر را اختصاص داده بود. به این ترتیب نیازی نبود که دانش آموزان مستقیماً به زباله‌ها دست بزنند.

با پایان گرفتن این طرح، شهردار ارلانگن به همراه یک کارشناس محیط زیست برای نظارت بیشتر، به برخی از مناطق سرکشی کرد و از نزدیک در جریان نتایج آن قرار گرفت.

گفتنی است این طرح - برای نخستین بار و به صورت آزمایشی

آلمان - ارلانگن



- به مدت ۲ روز در برخی از مناطق شهر اجرا شد و در نظر سنجی به عمل آمده، ۹۰ درصد شهروندان نظر مثبت خود را نسبت به اجرای این طرح ابراز داشتند.

ترجمه: فرحناز قربانه
منبع: www.erlangen.de

این برنامه می‌تواند به این موارد اشاره کرد:

- تجهیز شهرداری به وسایل نقشه‌کشی و طراحی به منظور تعیین مساحت زمین‌ها و برنامه‌ریزی کاربری اراضی.
- تجدیدنظر در برنامه‌های توسعه شهری به کمک کارشناسان خارجی.

- عکسبرداری هوایی در مقیاس‌های ۱:۲۵۰۰، ۱:۵۰۰۰ و ۱:۱۰۰۰۰ به منظور برنامه‌ریزی برای اجرای پروژه‌های مختلف در مقیاس‌های واقعی.

- اختصاص مسکن دائمی در محله‌های نوساز به پناهندگان.
با اجرای برنامه مذکور، سازمان آب و فاضلاب سومالی نیز از حمایت‌های داوطلبانه سازمان ملل بهره‌مند شده است. اعزام کارشناس به منطقه، تهیه و گردآوری نقشه کانال‌های آب و فاضلاب، همکاری در حفر چاه‌ها، اتخاذ اقدامات ایمنی در هنگام بروز سیل، بازسازی تأسیسات آبرسانی و ضدغفونی کردن آب شرب شهری از جمله اقدامات داوطلبانه سازمان ملل متحد به

سازمان ملل متحد به منظور تقویت و تحکیم حکومت‌های محلی در سومالی دو برنامه «استقرارهای شهری و مدیریت شهری» و «مدیریت و آماده‌سازی مؤسسات شهری» را در شهر هر جیسه^(۱) سومالی به اجرا درآورد.

هدف از برنامه استقرارهای شهری، مشارکت در مرمت و بازسازی مناطق شهری است. این برنامه در چند منطقه شهری سومالی از جمله در شمال شرقی هر جیسه، به منظور کمک به حکومت‌های محلی و افزایش قابلیت‌های مدیریت شهری به اجرا درآمده است. علاوه بر این، این پروژه با ایجاد همکاری‌های فنی و مالی در دیگر مناطق شهری سومالی امکان بازسازی نواحی مختلف، کمک به اجتماعات محلی، افزایش اقتدار شهرداری‌ها و بهبود اثربخشی مدیریت شهرها را فراهم کرده است.

ارائه خدمات مشاوره‌ای فنی، کمک‌های داوطلبانه سازمان ملل متحد و همکاری چندین مشاور برای پیشبرد برنامه‌های توسعه از جمله مزیت‌های این برنامه به شمار می‌رود. از دیگر نتایج

تقویت حکومت‌های محلی در سومالی با کمک سازمان ملل



اجرای برنامه مذکور در سومالی، علاوه بر افزایش قابلیت‌های نهادی، توانایی‌های مشارکتی افراد را نیز در جوامع محلی بالا برده است.

ترجمه: گلناز کریم‌نوری
پانوشت:

1-Hargeisa
2-Berbera
3-Bossaso
منبع: www.unchcs.org

شمار می‌رود.

گفتنی است در صورت بروز اتفاقات غیرمنتظره، هیئت مدیره پروژه در کمتر از ۴۸ ساعت با اعزام نماینده به منطقه موردنظر، هزینه خسارات وارده را برآورد می‌کند.

«مدیریت و آماده‌سازی مؤسسات شهری» عنوان برنامه دیگری است که با حمایت سازمان ملل متحد در سومالی اجرا شده است. این برنامه اهداف زیر را دنبال می‌کند:

- اصلاح مدیریت شهری از طریق تقویت ظرفیت‌های نهادی شهرداری‌ها.

- تحکیم اختیارات حکومت‌های محلی و برنامه‌ریزی مجدد برای اسکان و ارجاع پناهندگان.

- تقویت شهرداری‌ها برای بازسازی و مرمت زیرساخت‌ها، خدمات و امکانات عمومی.

در این برنامه مواردی چون جمع‌آوری زباله‌ها، شبکه‌های دسترسی و توزیع نیروی برق در شهرهای هرچیزه، بربرا^(۱) و بوساسو^(۲) مورد توجه قرار گرفت و سطح توانایی این شهرداری‌ها در برنامه‌ریزی و مدیریت شهر و محافظت از زیرساخت‌ها و خدمات عمومی به نحو محسوسی افزایش یافت.

لازم به ذکر است در این پروژه برای بازسازی محله‌ها، تخصیص املاک و زمین و ارائه خدمات در مناطق مسکونی؛ مشارکت شهروندان نیز نقش مهمی ایفا کرد. به همین دلیل

شهروندان در مسیرهای از پیش تعیین شده، امکانات رفاهی و پارکینگ‌های امن و مناسب ایجاد کرده است.

این طرح ابتدا از طریق آگهی و اعلان عمومی به اطلاع مردم رسید و طی فراخوانی، از مردم برای ثبت‌نام در تورهای ویژه دوچرخه‌سواری دعوت شد.

در اولین سفر، شهردار نورنبرگ و برخی از اعضای شورای شهر نیز شهروندان را همراهی کردند. این سفر کوتاه که در روز یازدهم اوت سال جاری میلادی صورت گرفت، از خیابان «شونن بورونن» آغاز شد و شهروندان مسیر ۴ خیابان مهم دیگر شهر را نیز رکاب زدند. این شهروندان در طی مسیر از مدارس، مهدکودک‌ها، مغازه‌ها، دانشکده موسیقی، راه‌آهن شمال شرقی و باغ‌گوته بازدید کردند.

سفر دوم در روز ۱۳ اوت از خیابان ورتسل دورف آغاز شد. در این روز نیز شهروندان از ورزشگاه، مهدکودک، بازارهای جدید و مدارس واقع در ۴ خیابان مهم شهر و همچنین شهرداری بازدید به عمل آوردند. این سفر با رسیدن به کلیسای واقع در خیابان کاستن‌وگ به پایان رسید.

لازم به ذکر است در روزهای ویژه تور دوچرخه‌سواری استفاده از ماشین در مناطق و خیابان‌های طول مسیر ممنوع بود.

همچنین شهرداری مناطق نورنبرگ به شهروندانی که دوچرخه ندارند - از خردسال تا بزرگسال - به صورت رایگان دوچرخه می‌دهد. شهرداری نورنبرگ پس از دریافت بازخورد مثبت مردم نسبت به اجرای این طرح، سفرهای جذاب و دیدنی دیگری را برای باقی تعطیلات ماه اوت در نظر گرفته است.

ترجمه: فرحناز قریبانه
منبع: www.nornberg.de

شهرداری نورنبرگ در آلمان، با آغاز تعطیلات ماه اوت اقدام جالبی را به منظور کاهش آلودگی‌های صوتی و زیست‌محیطی و ترویج فرهنگ استفاده از دوچرخه به عمل آورد.

در این طرح سفرهای کوتاه درون شهری با استفاده از دوچرخه صورت می‌گیرد. شهرداری نورنبرگ برای آسایش بیشتر



اوت ماه دوچرخه‌سواری در نورنبرگ

تفکیک پسماند از مبدأ و لزوم آموزش شهروندی تجربه مشهد

محمد حسین بوجانی - اسماعیل جعفری
کارشناسان ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری



بازیافت، لزوم آموزش شهروندی

مقدمه

۴۰۰۰۰ تن زباله تولید می‌شود. هم‌اینک یک درصد این حجم بالای زباله تولیدی روزانه سراسر کشور به صورت مکانیزه، ۳۵ درصد به صورت نیمه مکانیزه و بقیه به صورت سنتی جمع‌آوری می‌شود. از این حجم پسماند روزانه ۷۰۰۰ تن سهم کلان‌شهر تهران است و حدود ۱۵۰۰ تن به کلان‌شهر مشهد اختصاص دارد. به عبارتی حجم زباله سالانه تهران و مشهد به ۳/۲ میلیون تن می‌رسد. نکته اصلی آن است که با مدیریت جدید پسماند و آموزش‌های مداوم و مؤثر به شهرنشینان و فرهنگ‌سازی در زمینه تفکیک از مبدأ می‌توان سهم عمده‌ای از پسماندهای شهری را در چرخه بازیافت و بازتولید قرار داد. آموزش شهروندی به این دلیل به عنوان نقطه اتکای بازیافت پسماندهای شهری مطرح می‌شود که حدود ۸۰ تا ۸۵ درصد کل زباله‌های شهری از منازل مسکونی جمع‌آوری می‌گردد. بنابراین تفکیک پسماند در مبدأ عملی‌ترین و اقتصادی‌ترین روش بازیافت پسماند به شمار می‌آید که موفقیت آن بسته به آموزش و تشویق مردم و سپس همکاری آنهاست. شهر مشهد دومین کلان‌شهر و همچنین دومین تولیدکننده پسماند شهری ایران است. از مجموع زباله تولیدی شهر مشهد حدود ۸۵ درصد پسماند خانگی است و همچنین ۶۷/۷ درصد از زباله تولیدی مواد پوسیدنی است که امکان تبدیل به کود را دارد، و ۳۲/۲ درصد از زباله تولیدی در این کلان‌شهر بازیافت‌شدنی است. ترکیب زباله‌ها شامل ۸/۵ درصد کاغذ، ۶/۶ درصد پلاستیک،

تحقیقات نشان می‌دهد در اغلب کشورهای جهان بزرگ‌ترین مشکل زیست‌محیطی بعد از مسئله تغییرات اقلیمی مانند گرم‌شدن زمین، پسماند و معضلات ناشی از آن است. با وجود اینکه از زباله به عنوان نوعی معضل یاد می‌شود، اما در کشورهای توسعه‌یافته پس از سال‌ها فرهنگ‌سازی و تلاش پژوهشی و مدیریتی در زمینه بازیافت به راه‌های استفاده پهنه از زباله دست یافته‌اند و از آن به عنوان «طلای کثیف» نام می‌برند. بررسی برنامه‌ریزی توسعه سازمان ملل (UNDP) از اصلی‌ترین مشکلات شهرها از دیدگاه شهرداران ۱۵۱ شهر مختلف جهان نشان می‌دهد، که بیکاری و دفع زباله اصلی‌ترین چالش‌های فراروی شهرداران است. ۴۲ درصد از شهرداران دفع ناکافی زباله در اولویت دوم مشکلات آنها قرار دارد و حدود ۳۱ درصد جمع‌آوری ناکافی زباله پنجمین مشکل‌شان است. امروزه به‌رغم آنکه استفاده از پسماند و سود حاصل از بازیافت آن در جهان بالا گرفته است و مدیران شهری اکثر کلان‌شهرها - به خصوص شهرهای کشورهای توسعه‌یافته - از طریق فرهنگ‌سازی و آموزش‌های شهروندی (به‌ویژه به زنان خانه‌دار) به راهکارهای پایداری در مدیریت پسماندها رسیده‌اند ولی در ایران چندان اهمیتی به طلای کثیف داده نمی‌شود. مدیران شهری نیز در چاره‌جویی برای حل این مشکل شهری در آموزش شهرنشینان و فرهنگ‌سازی برای تفکیک زباله از مبدأ به نتایج مطلوبی نرسیده‌اند. در ایران روزانه

۲/۸ درصد فلزات، ۳/۱ درصد شیشه، ۲/۱ درصد پارچه و ۱/۱ درصد چوب است. شهرداری مشهد از سال ۱۳۷۷ اقدام به برنامه‌ریزی برای بازیافت زباله‌های شهری کرده است. بعد از گذشته حدود ۶ سال برنامه‌ریزی، آموزش، فرهنگ‌سازی و در پی این اقدامات احداث کارخانه‌های بازیافت کاغذ و پلاستیک و گسترش کارخانه کمپوست تجربه اقدامات آن دارای آموزه‌های زیادی است که به صورت جدی می‌تواند مورد توجه مدیران شهری دیگر شهرها قرار گیرد.

این نوشتار در پی معرفی، بررسی، تجزیه و تحلیل و تبیین راهکارها و راهبردهایی است که مدیران شهری مشهد، به خصوص مدیران سازمان یافته، در مورد تفکیک زباله، احداث کارخانه بازیافت، آموزش شهروندی و... انجام داده‌اند.

تفکیک زباله از مبدأ اقدامی آموزشی - فرهنگی است که با فعالیت‌های مختلف برگزاری کلاس‌های آموزشی، دادن بروشورها، اهدای جوایز و دادن امکانات و خدمات همچون سطل و کیسه زباله شروع شده است

اقدامات بازیافت «طلای کثیف» در شهرداری مشهد

شهر مشهد با جمعیتی حدود ۲۲۰۰۰۰۰ نفر به طور متوسط روزانه حدود ۱۵۰۰۰۰۰ کیلو زباله تولید می‌کند. جداسازی فیزیکی پسماند نشانگر این است که حدود ۳۲ درصد مواد، بازیافتی هستند و امکان ورود مجدد به چرخه مصرف را دارند. این مواد شامل نان خشک، کاغذ، شیشه، فلز، پلاستیک است. مقادیر هنگفت این گونه زائدات نمایانگر از دست رفتن منابع طبیعی و میزان انرژی‌ای است که صرف تهیه آنها شده است، و در صورت عدم بازیافت از جهت اقتصادی مبلغی حدود ۷۰۰ میلیارد تومان هدر می‌رود. با وجود این سرمایه عظیم بالقوه، با تفکیک مواد زائد در مبدأ هزینه بازیافت حدود یک سوم کاهش خواهد یافت. بر این اساس با توجه به اهمیت موضوع «طلای کثیف» در شهر مشهد، سازمان بازیافت و شهرداری اقدامات متعددی را برای جلوگیری از هدر رفتن این منبع با ارزش انجام داده‌اند.

به طور کلی به گفته مدیران سازمان بازیافت، فعالیت شهرداری مشهد در زمینه زباله‌های شهری در بخش‌های مختلفی صورت گرفته است که در ادامه درج می‌گردد.

الف- فعالیت‌های جاری، شامل:

- اجرای طرح تفکیک در مبدأ تولید زباله
- تولید کود کمپوست در کارخانه کمپوست مشهد
- اجرای طرح ساماندهی ضایعات ساختمانی
- آموزش پرسنل خدمات شهری و نظارت عالی بر فعالیت پیمانکاران خدمات شهری
- آموزش، اطلاع رسانی و تبلیغات برای فرهنگ سازی شهروندان
- دفع بهداشتی پسماند جامد شهری

ب- فعالیت‌های عمرانی، شامل:

- آماده سازی خاکچال تازه برای پسماندهای شهری مشهد
- ساخت اولین ایستگاه سوخت خدمات شهری مشهد
- ساخت کارخانه بازیافت کاغذهای باطله
- ساخت کارخانه تبدیل پلاستیک‌های ضایعاتی به کیسه زباله
- تکمیل و توسعه کارخانه کمپوست به دو شیفت با پذیرش ۵۰۰ تن زباله در روز
- احداث جایگاه مکانیزه زباله پارک کوهسنگی
- اقدام برای ساخت کارخانه بازیافت PET
- استحصال گاز متان از خاکچال پسماندهای شهری
- تولید آزمایشی ورمی کمپوست
- برنامه‌ریزی و مطالعه مکان یابی شهرک بازیافت

ج- فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی، شامل:

- نصب سطل‌های زباله با رنگ‌های مختلف در ادارات، خیابان‌ها و محله‌های شهر
- آموزش در مدارس شهر و فرهنگ سازی برای کودکان
- مبادله کاغذهای باطله با بن کتاب و نوشت افزار از طریق فعال کردن ۳۹ ایستگاه در سطح شهر و ایستگاه‌های زیادی در سطح مدارس

- جمع آوری مجزای مواد زائد آلی از سبزی فروشی‌ها و میوه‌فروشی‌های سطح شهر
- آموزش عمومی چهره به چهره به زنان خانه دار در مکان‌های عمومی و در منازل
- برگزاری جشن‌ها و مسابقات مختلف و تقدیر از شهروندان شهر به واسطه همکاری با شهرداری
- نمایش دادن فیلم‌های کوتاه و تبلیغاتی آموزشی در تلویزیون.

طرح جداسازی زباله از مبدأ

۸۵ درصد زباله تولیدی کلان شهر مشهد زباله خانگی است. بر این اساس ستاد طرح تفکیک از مبدأ با هدف ساماندهی و جمع آوری زباله‌های خشک از سطح شهر، حفظ منابع ملی و جلوگیری از تخریب محیط زیست در سال ۱۳۷۸ حدود ۹۰۴۱۳ خانوار؛ در سال ۱۳۷۹ حدود ۱۶۰۱۲۶ خانوار؛ در سال ۱۳۸۰ به تعداد ۲۳۹۳۷۵ خانوار؛ و در سال‌های ۸۲-۱۳۸۱ حدود ۳۰۰۰۰۰ خانوار تحت پوشش طرح تفکیک زباله از مبدأ همکاری داشته‌اند. طرح تفکیک زباله از مبدأ اقدامی آموزشی - فرهنگی است که با فعالیت‌های



تفکیک زباله در محلات شهری

مختلف برگزاری کلاس‌های آموزشی، دادن بروشورها، اهدای جوایز و دادن امکانات و خدمات همچون سطل و کیسه زباله شروع شده است. این طرح به دلیل آنکه سهم عمده زباله تولیدی در مشهد از منازل مسکونی است، از خانوارها شروع شده است و از آنجا که زنان خانه دار بیشترین گروه مخاطب این طرح هستند، همکاری و پذیرفته شدن این طرح از طرف زنان خانه دار کلید اصلی شروع بازیافت زباله‌های شهری است.

فرایند بازیافت از لحظه جمع‌آوری زباله‌های خشک تا زمان تبدیل به محصولات جدید، با آثار زیست محیطی و تبعات آن همراه است. زنجیره این فرایند از زمان جمع‌آوری تا زمان تولید محصولات جدید دارای مراحل مختلف زیر است. همان طور که از نمودار برمی‌آید، جایگاه آموزش و همکاری شهروندان در طرح تفکیک و صرفه جویی‌های ناشی از آن مشخص است. تفکیک در مبدأ سبب

دستور کار مدیران شهری مشهد قرار گیرد، سالانه می‌توان حدود ۵۸ هزار تن کاغذ، ۱۷ هزار تن پلاستیک، ۱۶ هزار تن فلزات و ۱۱ هزار تن شیشه به چرخه تولید بازگرداند. به عبارت دیگر، امکان بازیافت روزانه حدود ۱۷۰ تن کاغذ، ۵۰ تن پلاستیک، ۴۷ تن فلزات و ۳۴ تن شیشه وجود دارد - که اکنون دفن می‌شود. بدین ترتیب در واقع مبلغی حدود ۷۰ میلیون ریال منابع مالی در روز دفن می‌شود. وضعیت دفع زباله بیانگر تأثیرات سوء اقتصادی (هزینه دفن، ارزش مواد دفن شده)، زیست محیطی (آلودگی آب، خاک، هوا) و بهداشتی (رشد میکروب‌ها، قارچ، حشرات موزی و جز آن) نیز هست. از آنجا که زنان مهم‌ترین نقش را در فرایند تولید، جمع‌آوری، تفکیک و انتقال زباله از منزل دارند، آموزش این گروه در اولین اولویت سازمان بازیافت شهرداری مشهد قرار گرفته است. در این فرایند برخی از محله‌های شهر به صورت آزمایشی انتخاب شدند و

جدول شماره ۱: عملکرد کارخانه کود آلی طی سال‌های ۱۳۸۱-۱۳۷۸

سال شرح	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	درصد رشد نسبت به سال ۱۳۷۸
میزان تولید (Kg)	۶۱۵۱۸۶۸	۵۶۱۵۰۹۰	۵۶۰۲۲۰۵	۹۵۲۳۸۰۹	۵۴
درآمد حاصل از فروش (ریال)	۴۵۸۵۳۲۰۰۰	۴۸۶۶۲۱۰۰۰	۴۸۶۸۳۷۰۰۰	۱۰۰۰۰۰۰۰۰	۱۱۸

به آموزش عمومی و تبلیغات به آنها پرداخته شد؛ ولی با توجه به مشاهدات و مطالعات صورت گرفته، کماتن تنگناها و مشکلات فراوانی فرا روی طرح تفکیک از مبدأ به وسیله شهروندان وجود دارد.

به هر صورت اهداف کلی طرح تفکیک را می‌توان چنین برشمرد:
- ارتقای سطح فرهنگ و آموزش عمومی در حیطه تولید و دفع پسماند

- کاهش آلودگی‌های ناشی از زباله و حفظ محیط زیست و بهبود شرایط محیطی

- بازگشت مواد قابل استفاده به چرخه تولید در گردش درست بهداشتی و صرفه جویی در مصرف و حفظ منابع محیطی

- سهولت در فرایند کمپوست (مواد قابل تبدیل به کود آلی)

- کمک به اقتصاد کلان کشور

- اشتغال زایی

- پیشگیری از بازیافت‌های غیربهداشتی در درون مناطق شهری

- آموزش فرهنگ مصرف بهینه در بین خانوارهای شهری

- بهینه‌سازی شیوه جداسازی، جمع‌آوری و حمل و نقل مواد زائد

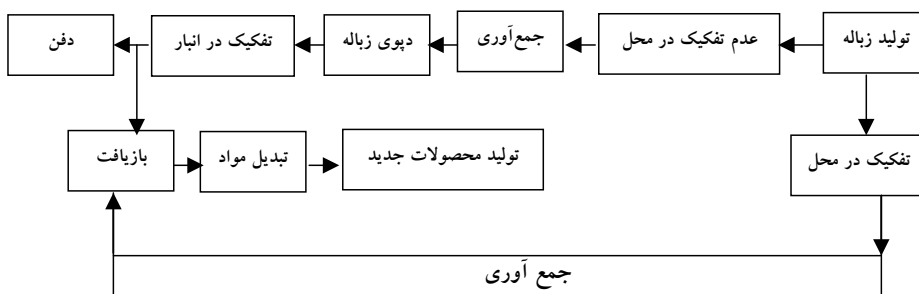
جامد و بهبود نظافت شهر.



تشویق برای تفکیک زباله‌های شهری

صرفه جویی در زمان، هزینه، و بهتر شدن کیفیت مواد تولیدی می‌شود.

براساس مطالعات انجام گرفته، اگر تفکیک زباله و بازیافت در



احداث کارخانه‌های بازیافت

قبل از اقدامات شهرداری در زمینه بازیافت، جمع‌آوری و جداسازی پسماند خشک به صورت غیررسمی به دست افرادی که به اصطلاح نمکی و نان خشکی خوانده می‌شوند، اتفاق می‌افتاد. مسئله اصلی در این میان آن بود که مواد بازیافتی کارگاه‌های بازیافت در داخل شهر، غیربهداشتی و کارگاه‌ها نیز غیرقانونی بودند. مواد تولیدی این کارگاه‌ها مثل مقوا و کاغذ صرف جعبه‌های شیرینی و مواد غذایی می‌شد که از نظر بهداشتی مورد تأیید سازمان‌های ناظر نبود. بر این اساس در پی اقدامات فرهنگی در شهر مشهد سازمان بازیافت اقدام به احداث کارخانه‌های بازیافت کرد. این کارخانه‌ها شامل کارخانه بازیافت کاغذ، بازیافت پلاستیک و بازیافت PET و کمپوست است. مطالعه کارخانه بازیافت شیشه نیز در دست انجام است. این کارخانه‌ها در ۵ کیلومتری شهر مشهد واقع شده‌اند.

مشخصات فنی کارخانه‌هایی که در طرح تفکیک از مبدأ شروع به کار کرده‌اند، به شرح زیر است:

کارخانه بازیافت کاغذ

در جنوب مشهد و در مجاورت کارخانه کمپوست و پلاستیک احداث شده است. از آنجا که جهت بادهای غالب از شمال شرقی است و همچنین با توجه به عمق آب‌های زیرزمینی و دوری از مراکز سکونتگاه‌های مکان‌یابی آن تا احداث شهرک بازیافت مناسب بوده است. احداث این کارخانه همسو با اهداف طرح تفکیک از مبدأ و صنایع تبدیلی بازیافت است. این کارخانه با مشارکت بخش خصوصی و سازمان بازیافت احداث شده است. ۷۲ درصد کارخانه با مشارکت بخش خصوصی و ۲۸ درصد با مشارکت سازمان بازیافت احداث شده و میزان سرمایه‌گذاری اولیه ۴ میلیارد ریال بوده است. محصول این کارخانه مقوای دوپلکس است و ظرفیت تولیدی سالیانه آن به ۲۰۰۰ تن می‌رسد. از تأثیرات این کارخانه اشتغال زایی و سامان دادن به کارگران جمع‌آوری کننده کاغذ در سطح شهر بوده است. اکنون ۳۰ نفر به طور رسمی و چند صد نفر به طور غیررسمی با این کارخانه فعالیت و همکاری می‌کنند.

مشخصات کارخانه بازیافت پلاستیک

این کارخانه در ۵ کیلومتری محور مشهد به نیشابور و در کنار کاغذ و کمپوست احداث شده است. این کارخانه نیز با مشارکت بخش خصوصی (۵۱ درصد) و سازمان بازیافت (۴۹ درصد) با سرمایه‌گذاری اولیه یک میلیارد ریال احداث شده است. ظرفیت تولید آن ۳۵۰ تن پلاستیک در سال که فرآوری آن کیسه زباله و سطل‌های پلاستیک برای زباله است. دوره بازگشت سرمایه اولیه در این کارخانه حدود (۵ تا ۲) سال است.

مشخصات کارخانه کمپوست مشهد

بهترین شیوه در زمینه کاهش تأثیرات مخرب زیست محیطی ناشی از تولید و دفن بیش از ۱۵۰۰ تن زباله در مشهد بازیافت مواد آلی موجود در پسماندهای شهری و تولید کود کمپوست است. (جدول شماره ۱)

توجیه اجتماعی، زیست محیطی کارخانه‌های بازیافت

با توجه به اینکه بخشی از مواد بازیافتی در طبیعت سالیان زیادی طول می‌کشد تا تجزیه شوند (پلاستیک ۲۵ سال و شیشه حدوداً ۵۰۰ سال) لذا به منظور جلوگیری از تخریب منابع و محیط زیست می‌توان با بازیافت این منابع آنها را دوباره به چرخه مصرف وارد کرد. به علاوه، با سیاست بازیافت می‌توان از نیروهایی که به صورت غیررسمی در این امر فعال‌اند برای اشتغال زایی استفاده کرد و از تولید غیربهداشتی مواد بازیافتی نیز جلوگیری به عمل آورد. به هر صورت اشتغال زایی، صرفه جویی در منابع و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی، جلوگیری از آلودگی آب، خاک و هوا، و جلوگیری از تخریب محیط زیست عواملی‌اند که دیدگاه مدیران شهری مشهد به زباله شهری را از مدیریت پسماندها به مدیریت منابع تغییر داده است. سهم عمده موفقیت این اقدامات در گرو مشارکت شهروندان به خصوص زنان خانه‌دار است و ریشه این اقدام فرهنگی است. با توجه به خصوصیات زندگی شهرنشینی در جامعه ما که بدون مرحله گذار یکباره با پدیده افزایش جمعیت شهرنشینی بدون داشتن پایه‌های شهرگرایی مواجه بوده است، اقدامات صورت گرفته هزینه

جدول عملکرد ستاد طرح تفکیک از مبدأ شهرداری مشهد

سال	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	درصد رشد نسبت به سال اول شروع کار
تعداد خانوار تحت پوشش	۹۰۴۱۳	۱۶۰۱۲۶	۲۳۹۳۷۵	۲۹۵۲۷۴	۲۲۷
تعداد مدارس تحت پوشش	۵۴۰	۷۳۰	۸۶۰	۱۰۰۰	۱۸۴
تعداد ادارات تحت پوشش	۱۹۵	۲۹۵	۳۴۱	۴۰۰	۲۰۵
کل تناژ جمع‌آوری شده (کیلوگرم)	۸۹۲/۶۳۲	۱۵۳۴۸۸۲	۴۰۰۴۶۹۳	۸۸۴۱۶۳۵	۸۹۱
درآمد به دست آمده (ریال)	۲۲۹۹۷۴۰۰۰	۷۶۲۸۱۲۰۰۰	۱۳۰۹۱۵۳۰۰۰	۱۴۱۳۶۵۵۰۰۰	۵۱۴
تعداد پیمانکاران فعال در طرح	.	۵	۱۰	۱۸	۲۶۰
میزان اشتغال	۲۵	۷۵	۹۰	۱۷۲	۵۵۸

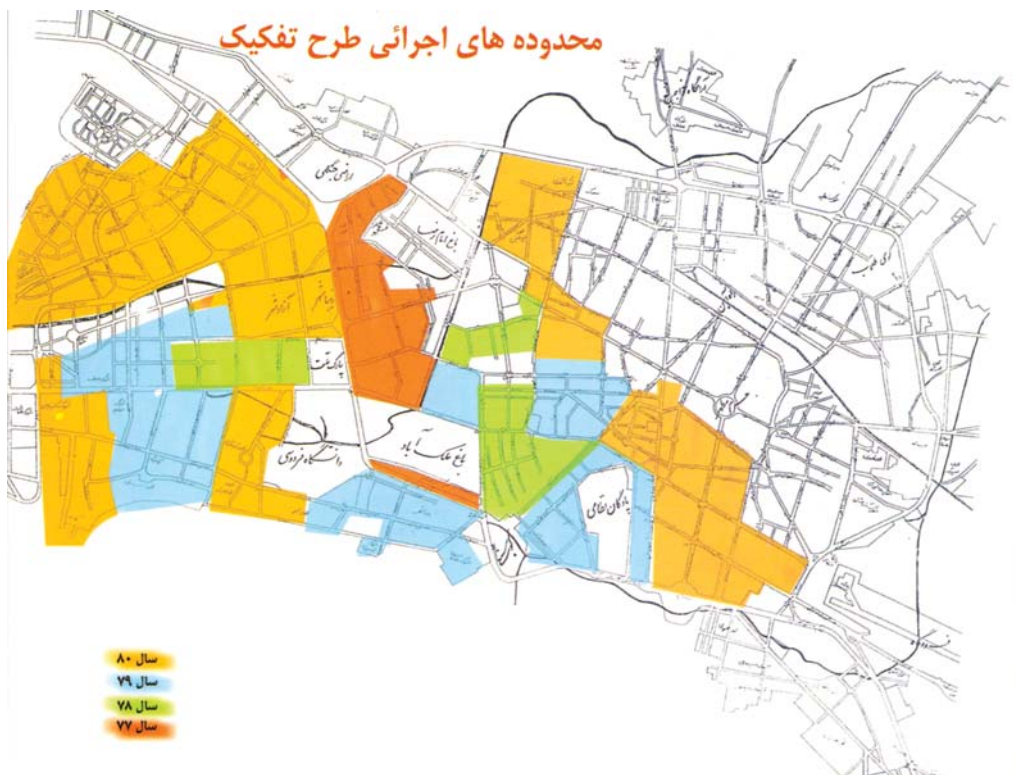
برو دیر پاسخ است؛ ولی به هر حال مدیران شهری کلان شهرهای ما از سرمایه گذاری فرهنگی در زمینه بازیافت ناگزیرند. برای موفقیت طرح های بازیافت زباله آموزش شهروندی، تبلیغات، اطلاع رسانی و فرهنگ سازی به وسیله مدیریت شهری ضرورتی اجتناب ناپذیر است. در این میان اگر مدیران شهری ویژگی های شهرنشینی را نادیده بگیرند، احتمال ناامید شدن از همکاری شهروندان با مدیران شهری وجود خواهد داشت. لیکن به هر صورت با فهم پایه های فرهنگی زندگی شهرنشینی، هزینه های فرهنگی آن برای خود مدیران شهری نیز توجیه شدنی است.

براساس مطالعات انجام گرفته، اگر تفکیک زباله و بازیافت در دستور کار مدیران شهری مشهود قرار گیرد، سالانه می توان حدود ۵۸ هزار تن کاغذ، ۱۷ هزار تن پلاستیک، ۱۶ هزار تن فلزات و ۱۱ هزار تن شیشه به چرخه تولید بازگرداند

تکنیک های جداسازی پسماند از مبدا

مبدأ جداسازی زباله شهری مکان تولید آن است، سهم عمده زباله تولیدی شهرها پسماند خانگی است. لذا منازل مسکونی بهترین مکان برای جداسازی زباله به شمار می آیند و چنانچه شرایط تفکیک فراهم باشد، این طرح با موفقیت همراه خواهد بود. مطالعات صورت گرفته برای اجرای طرح جداسازی پسماند در مشهد نشان می دهد که نداشتن حوصله کافی، ناآگاهی از ضرورت و اهمیت

تفکیک زباله، نداشتن وقت کافی، عدم اعتقاد به منابع مادی و کیفیت زباله های تولیدی مهم ترین عواملی هستند که خانوارها را از همکاری در طرح تفکیک زباله بازمی دارند. بنابراین ایجاد زمینه مناسب، آگاهی بخشی و ایجاد انگیزه برای جداسازی به وسیله خانوارها از بهترین عواملی هستند که می توانند در موفقیت طرح مؤثر واقع شوند. با توجه به ویژگی های فرهنگی - اجتماعی شهرهای ما که عمده ساکنان شهری مهاجران روستایی اند و فرهنگ و روابط اجتماعی - فضایی آنها متفاوت از زندگی شهری شکل گرفته است، گسترش و ارتقای فرهنگ شهر گرای محوری ترین عامل برای موفقیت طرح تفکیک زباله است. شهر مشهد نیز با وجود نواحی حاشیه نشین و اجتماعات اسکان غیررسمی در آن، که از یک طرف کالبدی با مشکل دسترسی برای حمل زباله (مثل باریک بودن کوچه ها و خیابان ها) و از طرف دیگر گروهی از ساکنان این نواحی شهری در جمع آوری غیررسمی زباله شاغل اند (نمکی ها) لذا به مشارکت طلبیدن و برنامه ریزی برای جلب این ساکنان با در نظر گرفتن ویژگی های کالبدی - اجتماعی خودشان ضروری است. به هر صورت واقعیت آن است که عدم آگاهی شهروندان ساکن شهرها به دلیل ریشه های فرهنگی روستایی (که چندان اطلاعی از ارزش تفکیک ندارند) و عدم حوصله و دقت و فرصت کافی از طرف زنان شاغل در شهرها، مهم ترین تنگناهای فراروی مدیران شهری در طرح تفکیک زباله هستند. سطح دوم مشکلات فرا روی طرح تفکیک به عواملی چون عدم دسترسی به امکانات مناسب همچون ظروف مخصوص زباله در منازل مسکونی، کوچک بودن خانه ها، بی نظمی کارگران شهرداری در زمان مراجعه به منازل، تولید کالاهایی که زباله های زیاد ایجاد می کنند و عدم توجیه اقتصادی برای همکاری برمی گردد. براساس مطالعات طرح



محدوده های اجرایی طرح تفکیک زباله های شهری

تفکیک در شهرداری مشهد مشروط به دادن کیسه پلاستیک زباله، سطل‌های پلاستیکی و وسایل مورد نیاز، ۹۴/۵ درصد خانوارها حاضر به همکاری با طرح تفکیک زباله هستند. بنابراین زباله‌های شهری که قابلیت اشتغال زایی گروه کثیری از بیکاران شهری را دارد و منبع درآمد مطمئن و پایداری برای شهرداری‌هاست، اکنون با تنگناهای مدیریتی - فرهنگی در شهرها رو به رو است. لذا تغییر از مدیریت پسماندها به مدیریت منابع در بین خانوارها و مدیران شهری، همان طور که در بسیاری از کشورهای جهان اتفاق افتاده است، بایستی در دستور کار برنامه‌ریزان جمع‌آوری زباله قرار گیرد. در شرایط کنونی بایستی مدیران شهری به دنبال راهبردی باشند که از یک طرف در فرهنگ مصرف خانوارهای شهری به صورت دو سویه در کم کردن مصرف و درست مصرف کردن گام بردارند و از طرف دیگر در شیوه‌های تولید کالاها اندیشه شود که از به کارگیری موادی که یکبار مصرف‌اند و همچنین از به کارگیری مواد مختلف (مثلاً شیشه، کاغذ، فلز، پلاستیک) با هم برای نگهداری مواد مصرفی جلوگیری شود. به حتم این شرایط نیاز به تحول بنیادی در الگوی مصرف و تولید دارد. برانگیختن حس تعلق به محیط زیست و ارزش‌گذاری به محیط زیست به اندازه کسب سرمایه برای مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان کالا ضروری است.

تفکیک زباله، مستلزم آگاهی شهروندی

برای تولید یک تن کاغذ که تنها کفاف چاپ حدود ۷ هزار نسخه روزنامه را می‌دهد، باید ۱۷ اصله درخت قطع شود؛ ضمن اینکه برای تولید همین یک تن کاغذ به ۴۴۰ هزار لیتر آب، ۱۴۵۰ لیتر نفت و ۷۰۰۰ کیلووات برق نیاز است. حال آنکه برای تولید این مقدار کاغذ از کاغذهای باطله (زباله) میزان آب مصرفی به کمتر از پنج هزارم درصد و انرژی نیز به یک چهارم کاهش می‌یابد و فقط ۱۸۰۰ لیتر آب و ۲۵۰۰ کیلووات برق مصرف می‌شود. هزینه‌های این در روش نیز قابل مقایسه با هم نیست. اقدامات انجام گرفته در شهرداری مشهد به عنوان شروع طرحی جدی در بردارنده تأثیرات عمده‌ای بر اجتماع و کالبد شهر مشهد بوده است. به نظر می‌رسد مهم‌ترین تأثیر طرح تفکیک زباله آموزش شهروندان و اطلاع‌رسانی به خانواده‌ها به خصوص زنان خانه دار بوده است. هرچند تا همکاری همیشگی ساکنان به طرح‌های آموزشی و فرهنگ سازی زیاد دیگری نیاز است، ولی از آنجا که حتی در کشورهای پیشرفته با پیشینه شهرنشینی طولانی و شهرگرایی دیرینه (همچون آلمان) موفقیت کامل طرح تفکیک ۱۵ سال طول کشیده است، لذا این شروع جدی برای حفظ منابع اقتصادی و زیست محیطی شهر نیاز به برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری بیشتر دارد.

اکنون حدود ۶۰ درصد از خانوارهای شهر مشهد از طرح تفکیک زباله آگاهی دارند و ۳۸/۷ درصد از اجرای طرح بی‌اطلاع‌اند. بنابراین انجام فعالیت‌های تبلیغی برای افزایش آگاهی شهروندان در خصوص طرح تفکیک زباله ضروری است.

بازیافت، زباله‌گردها و نمکی‌های شهر

فعالیت زباله‌گردها در مراحل مختلف مدیریت مواد زائد شهری به طور مستمر وجود دارد. مواد بازیافتی با کیفیت بالا همچون بطری‌های شیشه‌ای، پلاستیک، نان خشک، فلزات و جز

اینها اغلب از جلوی در منازل به وسیله نمکی‌ها جمع‌آوری می‌شوند، بیشترین خطرهای سوء بهداشتی در مواردی که زباله‌گردها در زمین‌های دفن و تلبار زباله به دنبال مواد قابل بازیافت هستند، در انتظار آنهاست. باید در جهت رفع این معضل اقدامی ضروری اندیشیده شود. در مشهد ۴۷/۲ درصد زباله‌های خانگی را نمکی‌ها یا دوره‌گردان زباله، ۲۴/۲ درصد را مأموران طرح تفکیک و ۱۶/۵ درصد را رفتگرها تحویل می‌گیرند. بنابراین سه گروه در فرایند جمع‌آوری زباله خشک با یکدیگر رقابت می‌کنند. نقش این گروه‌ها می‌بایست در هر برنامه‌ریزی در جهت ساماندهی امور بازیافت زباله مدنظر قرار گیرد. بنابراین از آنجا که قبل از شروع اقدامات سازمان بازیافت دوره‌گردان زباله به صورت غیررسمی در تفکیک زباله گام برداشته‌اند و اکنون سهمی بیشتر از خود سازمان در بازیافت دارند به مشارکت طلبیدن این گروه می‌تواند در ارتقای کیفیت اقدامات شهرداری مؤثر باشد.

آموزه‌های تکرارپذیر طرح بازیافت زباله در شهر مشهد برای دیگر شهرهای ایران

از آنجا که همه کارشناسان محیط‌زیست و بهداشت محیط بر سر حل معضل زباله چنین اتفاق نظر دارند، که تفکیک زباله بهترین راهبرد برای سامان دادن به این معضل بسیار جدی جوامع بشری است، لذا فرهنگ سازی و اطلاع‌رسانی جداسازی پسماند از مبدأ در دستور کار مدیریت شهرداری مشهد قرار گرفته، که سر فصل‌های آن را می‌توان چنین برشمرد:

- استفاده از بخش خصوصی در احداث کارخانه‌های بازیافت کاغذ، کمپوست، پلاستیک.
- برنامه‌ریزی برای احداث شهرک بازیافت.
- آموزش زنان در منازل از طریق آموزش چهره به چهره و تبلیغات به وسیله جشن‌های مختلف.
- آموزش در مدارس و مبادله کاغذهای باطله با بن کتاب و نوشت افزار.
- به مشارکت طلبیدن نمکی‌ها و نان خشکی‌های سطح شهر و توجه جدی به آنان که به صورت غیرمستقیم مشغول این فعالیت بوده‌اند.
- نصب سطل‌های زباله با رنگ‌های مختلف در مراکز محله‌های شهری، در اماکن عمومی، مدارس و ادارات.
- تغییر نگرش از مدیریت پسماندها به مدیریت منابع در بین مردم و مدیران شهری.
- حساس کردن شهروندان به ارزش اقتصادی زباله‌های خانگی.
- آموزش کارکنان و کارگران شهرداری در مورد شیوه جمع‌آوری زباله و ارزش زیست محیطی و اقتصادی آن.
- ارائه امکانات و خدمات، از جمله دادن مجانی پلاستیک و سطل زباله و جز آن.

عواملی که می‌توانند در پیشبرد طرح تفکیک از مبدأ مؤثر باشند و بایستی در دستور کار مدیران شهرداری مشهد قرار گیرند، اینها هستند:

- اطلاع‌رسانی و تبلیغات بیشتر در مورد ارزش تفکیک زباله، از

طریق رسانه‌های جمعی به خصوص تلویزیون و روزنامه‌ها.

- توجه به صنایع بازیافت به عنوان صنعت سبز و برنامه‌ریزی برای دادن وام‌های کم بهره برای جلب مشارکت بخش خصوصی.
- از آنجا که طرح‌هایی شبیه طرح بازیافت مستلزم کارهای فرهنگی چند ساله‌اند و از طرف دیگر کارهای فرهنگی هزینه بر و دیرپاسخ هستند، لذا الگوسازی بازیافت در خانوارها و نهادینه کردن آن مستلزم صرف زمان و هزینه بیشتر است و مدیریت شهری از پذیرفتن این هزینه‌ها ناگزیر است.
- از آنجا که قسمت عمده‌ای از شهر مشهد را سکونتگاه‌های غیررسمی تشکیل می‌دهند و با توجه به کالبد این اجتماعات امکان ورود ماشین به جلوی تک تک منازل نیست. لذا باید راهکاری از بطن خود ساکنان برای مشارکت در طرح بازیافت اندیشیده شود.

مطالعات صورت گرفته برای اجرای جداسازی پسماند در مشهد نشان می‌دهد که نداشتن حوصله کافی، ناآگاهی از ضرورت و اهمیت تفکیک زباله، نداشتن وقت کافی، عدم اعتقاد به منابع مادی و کیفیت زباله‌های تولیدی مهم‌ترین عواملی هستند که خانوارها را از همکاری در طرح تفکیک زباله بازمی‌دارند

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای

در کنار مسائل گوناگون شهرهای ایران خطرهای زیست محیطی و عدم استفاده اقتصادی ناشی از زباله‌های شهری به دلیل سوء مدیریت نیز از دیگر مشکلات اساسی شهرهاست. این موضوع به ویژه در کلان شهرهای ایران به صورت جدی مطرح است. این در حالی است که اکثر مدیران شهری کشورهای توسعه یافته و حتی در بیشتر کشورهای در حال توسعه چندین سال است که به راهبردهای مشخص و همخوان با پایداری زیست محیطی و اقتصادی رسیده‌اند. طبق دستور کار ۲۱ کنفرانس ۱۹۹۲ ریودوژانیرو باید حجم زائدات را به حداقل رساند و بازیافت مواد و نیرو را ترغیب کرد. امروزه در اکثر کشورها پسماند را به عنوان یک ماده با ارزش و منبع نیرو می‌نگرند. در ایران تا چند سال گذشته در بیشتر شهرهای ما بازیافت فقط به وسیله دوره‌گردهای زباله، نمکی‌ها و کسانی که در اطراف محل دفن زباله زندگی می‌کردند انجام می‌گرفت؛ ولی اکنون برای همه مدیران شهری پذیرفته شده است که بازیافت باعث کاهش مخارج مدیریت زباله‌ها و هزینه‌های خدمات شهری (مثل جمع‌آوری زباله، حمل و نقل و جز آن) می‌شود. به علاوه سبب اشتغال زایی و موجب صرفه جویی در مصرف نیرو و مواد می‌گردد. شهر مشهد به عنوان دومین کلان شهر ایران به طور مستمر روزانه حدود ۱۵۰۰ تن زباله تولید می‌کند که سالانه حدود ۵۰ میلیارد ریال صرف رفت و روب، جمع‌آوری، حمل و دفع آن می‌شود. بر این اساس شهرداری و سازمان بازیافت با تحول در نگاه به زباله‌های شهر از مدیریت پسماندها به مدیریت منابع اقدام به برنامه‌ریزی برای تفکیک زباله در مبدأ کرده است. از آنجا که حدود ۸۵ درصد زباله‌های مشهد با توجه به نقش خدماتی - سیاحتی بودن این شهر

زباله‌خانگی است، فرهنگ سازی و آموزش خانواده‌ها به خصوص زنان و کودکان در اولویت اول طرح قرار گرفته است. با آنکه تاکنون در پی این اقدامات کارخانه‌های کاغذ سازی و پلاستیک سازی احداث شده است، ولی با توجه به مشاهدات و مطالعات صورت گرفته تا رسیدن به وضعیت مطلوب، به برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری زیادی نیاز است.

از آنجا که زنان خانه دار و کودکان نقش محوری در تفکیک زباله‌های شهری دارند، آموزش چهره به چهره و اجرای کلاس‌های آموزشی و هنری به منظور نهادینه کردن و فرهنگ سازی در خصوص طرح تفکیک زباله انجام گرفته است. با تمام فعالیت‌های انجام گرفته هنوز طرح تفکیک زباله در مبدأ با مسائل و مشکلات متعددی مواجه است. بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی مشارکت‌گرا بر پایه فرهنگ سازی و ارتقای فرهنگ شهرگرایی در بین شهروندان مشهد ضروری است. تجربه بازیافت در شهر مشهد نشان می‌دهد که موفقیت طرح تفکیک زباله مستلزم داشتن برنامه‌ای منظم از سوی شهرداری، ارائه خدمات و امکانات به شهروندان، ایجاد انگیزه و حس مسئولیت، آموزش، اطلاع‌رسانی و فرهنگ سازی است. برای موفقیت بیشتر طرح تفکیک زباله باید تحولات اساسی و ساختاری در نظام مدیریت و اطلاع‌رسانی صورت گیرد. علاوه بر اینها اقدامات زیر می‌توانند در موفقیت طرح تفکیک از مبدأ مؤثر باشند و می‌توانند در کانون توجه مدیریت شهری مشهد قرار گیرند:

■ آموزش شهروندی، آموزش و اطلاع‌رسانی بیشتر به زنان و کودکان در زمینه ارزش‌های زیست محیطی و اقتصادی تفکیک زباله.

■ ساماندهی و به مشارکت طلبیدن بخش غیررسمی (نمکی‌ها و نان خشکی‌ها) در سیستم جمع‌آوری، تفکیک و بازیافت زباله‌های شهری.

■ تقویت ستاد طرح تفکیک زباله از مبدأ، که هرچه قدر در این زمینه سرمایه‌گذاری و اطلاع‌رسانی بیشتر شود موفقیت طرح نیز بیشتر می‌شود.

■ ارائه خدمات و امکانات به منازل مسکونی و ادارات، از جمله دادن سطل‌های زباله با رنگ‌های مختلف به ادارات و خانه‌ها (در طراحی این وسایل بایستی زیربنای خانه‌ها و آپارتمان‌ها در نظر گرفته شود).

■ تغییر نگرش از مدیریت پسماندها به مدیریت منابع در بین مدیران و شهروندان.

■ آموزش مصرف‌بهنه کالاها در بین خانوارها و نهادینه کردن اجتناب از مصرف کالاهای یکبار مصرف.

■ به مشارکت طلبیدن بخش خصوصی و واگذاری طرح تفکیک زباله به این بخش.

فشرده آنکه شروع اقدامات فرهنگ سازی برای تفکیک زباله در شهر مشهد نشان از آغاز تحولی جدی در مدیریت پسماندها به عنوان مدیریت منابع دارد؛ ولی تا رسیدن به حد مطلوب به آموزش، اطلاع‌رسانی، و فرهنگ سازی نیاز است.

تفکیک زباله هرچند به نظر اقدامی فیزیکی و کالبدی است ولی ریشه این اقدام بیشتر فرهنگی - اجتماعی است و برای نهادینه شدن مستلزم هزینه و زمان زیاد است و مدیران شهری از پرداختن این هزینه‌ها و صرف زمان طولانی ناگزیرند.

منابع:

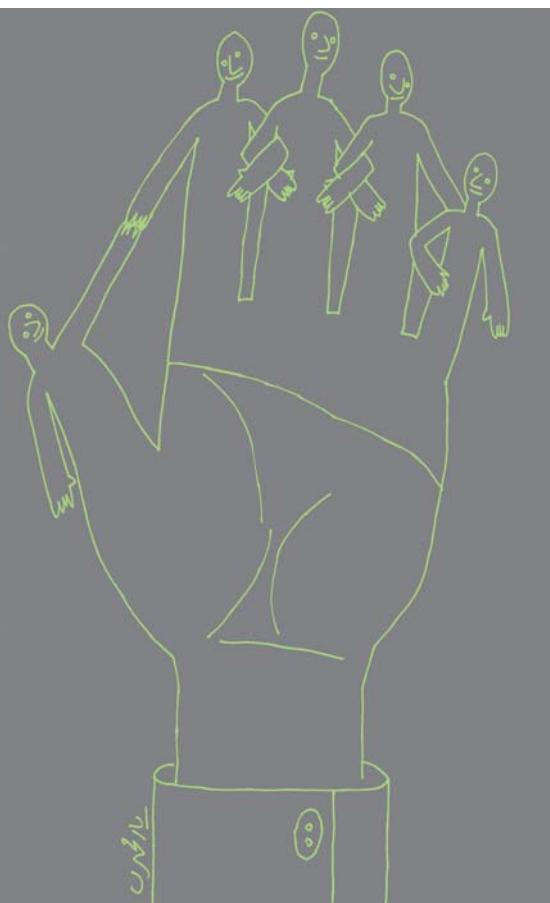
- خسروی، سامان؛ «زباله‌های اشتغال زا، واقعیتی فراموش شده»، شهروند مداری، شهرداری تهران، ۱۳۸۱، شماره ۱۴ و ۱۳.
- رهنما، محمد رحیم؛ گزارش نهایی مرحله دوم طرح بررسی تنگنای تفکیک زباله در مبدأ و ارائه راهکارهای مناسب، ۱۳۷۹.
- شهرداری تهران؛ «طایه کثیف یا بلای جان»، شهروند مداری، شماره ۲، ۱۳۸۱.
- عبدلی، علی؛ بازیافت و دفع مواد زائد جامد شهری، جلد اول و سوم، انتشارات سازمان شهرداری‌ها، ۱۳۷۹.
- عملکرد چهارساله حوزه معاونت خدمات شهری شهرداری مشهد، ۸۱-۱۳۷۸.
- گروه مطالعاتی طرح مواد زائد جامد شهری مشهد؛ گزارش توجیهی فنی، اقتصادی احداث کارخانه پلاستیک و کاغذ، شهرداری مشهد، ۱۳۸۱.
- گفت‌وگو با مدیر عامل سازمان بازیافت و تبدیل مواد شهر مشهد؛ مدیریت پسماندها، شماره دوم و سوم، انتشارات سازمان شهرداری‌ها، ۸۳-۱۳۸۲.
- مترجمی، زهره؛ «بازیافت یک مسئولیت اجتماعی» مدیریت پسماندها، شماره اول، سازمان شهرداری‌ها، ۱۳۸۲.
- مجلسی، منیره؛ «زنان و کاهش زباله خانگی» مدیریت پسماندها، شماره دوم و سوم، انتشارات سازمان شهرداری‌ها، ۸۳-۱۳۸۲.
- وایت، پیترو ماریتا فرانکو؛ «مدیریت نظام یافته مواد در کشورهای در حال توسعه»، ترجمه بهزاد ولی زاده، مدیریت پسماندها، شماره اول، ۱۳۸۲.
- مصاحبه با خلیل الله کانظمی (مدیر عامل سازمان بازیافت شهرداری مشهد)، مسعود علیزاده (مدیر مجتمع صنعتی بازیافت)، فرامرزی میلانی (معاون طرح تفکیک)، فرخنده مداح حسینی (مسئول روابط عمومی سازمان بازیافت).

گروه‌سازی در سازمان‌ها

اولویتی پنهان

محمد آزاد فلاح

کارشناس ارشد مدیریت صنعتی



امروزه سازمان‌ها به سوی گروه‌های کاری روی آورده‌اند تا بتوانند از ذوق و قریحه کارکنان بهره‌مند شوند. روزانه شرکت‌های بسیاری روابط سنتی سازمانی و سلسله مراتب از بالا به پایین را کنار گذاشته‌اند و کار گروهی را جانشین آن کرده‌اند. این گونه گروه‌ها نسبت به سازمان‌های سنتی قدرت انعطاف بیشتری دارند و در برابر محیط در حال تغییر بهتر پاسخگو هستند. پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهند که درصد موفقیت سازمان‌های دارای گروه‌های کارآمد به مراتب بیشتر از سایر سازمان‌هاست. لذا امروزه بیش از هر زمان دیگری نیاز به آگاهی از دانش و مهارت‌های کار گروهی و به کارگیری آنها برای حضور در عرصه رقابت جهانی، پاسخگویی به نیازهای روزافزون جامعه، مردم و به خصوص نسل جوان کشور، ارتقای بهره‌وری و بهره‌مند شدن از آثار سازنده تلاش‌های گروهی احساس می‌شود. در این نوشتار ضمن تشریح اهمیت موضوع به تعریف گروه، هدف از گروه‌سازی، انواع گروه، فرایند گروه‌سازی، علل کارایی و موفقیت گروه و ویژگی‌های گروه‌های مؤثر اشاره گردیده است.

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و اعمال و رفتارهای او متأثر از آداب و رسوم و قوانین اجتماعی است. انسان بدون تعلق به گروه، احساس امنیت نمی‌کند و به تنهایی برای استفاده از طبیعت به منظور ارضای نیازهایش، توان کافی ندارد. به گفته مورینو^(۱)، انسان در گروه متولد می‌شود، در گروه زندگی و کار می‌کند، و در گروه بیمار و درمان می‌شود. آدلر^(۲)، نیز علاقه اجتماعی را در انسان امری ذاتی می‌داند و معتقد است انسان از بدو تولد در درون شبکه‌ای از روابط اجتماعی و پیچیده و متقابل قرار می‌گیرد و شکل‌گیری شخصیت او بر اثر همین ارتباطات متقابل است. از این رو، با گروه بودن و در گروه زیستن برای انسان، امر اجتناب ناپذیری است.

تعریف گروه

- تعاریف متفاوت بسیاری از گروه ارائه شده است، که در اینجا به دلیل رعایت اختصار به ذکر برخی از آنها بسنده می‌گردد:
- ۱- دو یا چند نفر که با یکدیگر روابط متقابل (تعامل) داشته باشند و بتوانند در جهت هدفی مشترک بر یکدیگر اعمال نفوذ کنند.
 - ۲- مجموع دو یا چند فرد است که به طریقی با یکدیگر

مراوده دارند و هر یک بر دیگری اثر می‌گذارد و یا تحت تأثیر دیگری قرار می‌گیرد (ماروین شاو).

۳- دو یا چند نفر وابسته با کنشی متقابل که برای حصول اهدافی خاص گرد هم می‌آیند (استیون رابینز).

از تعریف‌های مذکور نتیجه می‌گیریم که گروه، تجمع دو نفر یا بیشتر است که هدف مشترک و کنش و واکنش دارند، به نیازهای یکدیگر و ارضای آنها علاقه‌مندند، از قوانین و مقررات معینی تبعیت می‌کنند، تفاهم و صمیمیت بین آنها حاکم است، و برای رسیدن به اهداف مشترک وحدت عمل دارند.

متأسفانه در ایران فرهنگ کار گروهی ضعیف است. و یکی از عوامل توسعه نیافتگی ایران فقدان این فرهنگ است. یکی از ضعف‌های اصلی سازمان‌های ما نیز فقدان فرهنگ کار گروهی است. اما از مهم‌ترین عوامل توسعه ژاپنی پذیرش گروه و کار گروهی بوده است. در ژاپن به وفاداری و توافق نظر گروه (اصل موسوم به Wa) اهمیت زیادی داده می‌شود. در ژاپن تقریباً در تمام فعالیت‌های سازمانی، مدیران و کارکنان به اصل Wa اهمیت زیادی می‌دهند. رعایت اصل مذکور ایجاب می‌کند که همه اعضای گروه با یکدیگر همکاری کنند و با هم توافق نظر داشته باشند. امروزه بسیاری از شرکت‌های امریکا و اروپا با توجه به تجربه ژاپن به سمت بسترسازی و نهادینه کردن فرهنگ

گروهی روی آورده‌اند. براساس نتایج کاری تحقیقاتی در سال ۱۹۹۶، ۷۸ درصد از بزرگ‌ترین شرکت‌ها کارهای‌شان را براساس گروهی انجام می‌دادند. مزیت‌های عمده‌ای که روش برخورد گروهی در مقایسه با روش سنتی دارد، در قالب یک جدول (جدول شماره ۱)، در ادامه آورده شده است.

از جمله دلایل پیوستن افراد به گروه‌ها نیز می‌توان به امنیت، مقام، احترام به خود، وابستگی اجتماعی، قدرت و حصول به هدف اشاره کرد.

اهداف گروه‌ها

سه نوع هدف کلی برای گروه‌ها می‌توان برشمرد که ساختار هر کدام نیز با توجه به ویژگی نوع گروه و خصوصیات افراد گروه متفاوت خواهد بود.

۱- گروه‌های حل مشکل

اولین هدف ایجاد گروه‌ها، حل مشکلات در شرایط فعلی، و مهم‌ترین ویژگی گروه نیز اعتماد است. افراد این گونه گروه‌ها باید افرادی باهوش و دارای قوه تحلیل‌گری قوی باشند و بتوانند نقاط بحرانی مسائل را تشخیص دهند. همچنین می‌بایست به نیازهای روانی اعضای گروه حساس باشند و

جدول شماره ۱- مزیت‌های روش برخورد گروهی در مقایسه با روش سنتی

روش سنتی	روش گروهی (تیمی)
● بر اساس بخش یا تجربه افراد	● بر اساس وابستگی کاری
● جهت می‌گیرند. ● منابع بیشتر می‌خواهند. ● به شرایط اضطراری عکس‌العمل نشان می‌دهند.	● شروع کننده هستند. ● با آنچه دارند کار می‌کنند. ● برای جلوگیری از شرایط اضطراری اقدامات پیشگیرانه دارند.
● روحیه رقابتی ● هزینه زیادی برای بهبود کیفیت صرف می‌کنند.	● روحیه همکاری ● در ضمن بهبود کیفیت در هزینه‌ها نیز صرفه جویی می‌کنند.
● متوسط ● قانع بودن به وضع موجود	● سریع ● به طور مستمر بهبود می‌دهند.
● بر سرزنش/ عذرخواهی تکیه دارند.	● بر نتایج/ جواب‌ها تمرکز دارند.
● به مسائل سازمانی توجه می‌کنند.	● به مسائل پیچیده درون سازمانی می‌پردازند.
● بالا به پایین	● متوسط
● انگیزه برای پاداش فردی است.	● انگیزه برای کارگروهی است.

مأخذ: منبع شماره ۱، ص ۱۱۴.

توانایی ایجاد اعتماد بین اعضا را داشته باشند.

۲- گروه‌های خلاق

ویژگی ضروری در ساختار این گونه گروه‌ها خلاقیت و خودمختاری در عمل است. ویژگی اعضای این گروه‌ها باهوش بودن و تفکرگرایی است. این گونه اعضا دارای اعتماد به نفس هستند و ترسی از انتقاد کردن ندارند.

۳- گروه‌های عملیاتی (تاکتیکی)

در این گروه‌ها باید مراحل عملیاتی سازمان خوب تعریف شود. هر کاری باید به شدت تمرکز یابد و کاملاً تخصصی باشد. ویژگی اعضای آن مسئولیت‌پذیری و داشتن احساس تعهد نسبت به موفقیت گروه است. این افراد عمل‌گرا و چالشی‌اند.

یکی از ضعف‌های اصلی سازمان‌های ما فقدان فرهنگ کار گروهی است

انواع گروه‌ها

برحسب سنت در سازمان‌ها دو نوع گروه وجود داشته است:

۱- گروه‌های رسمی و ۲- گروه‌های غیررسمی. ولی، امروزه گروه‌هایی وجود دارند که هر دو ویژگی را دارند (ابر گروه‌ها).

۱- گروه‌های رسمی

گروه‌های رسمی به وسیله مدیران به وجود می‌آیند و مسئول اجرای کارهای خاصی، در جهت تأمین هدف‌های سازمان هستند و به طور معمول در نمودار سازمان نشان داده می‌شوند.

۲- گروه‌های غیررسمی

همان‌طور که گروه‌های رسمی به وسیله سازمان‌ها ایجاد می‌شوند، گروه‌های غیررسمی اغلب به وسیله اعضای این سازمان‌ها تشکیل می‌گردند. عضویت در چنین گروه‌هایی داوطلبانه است و بر جذابیت فردی، بسیار متکی است.

امروزه برخی از گروه‌ها دارای هر دو ویژگی متعلق به گروه‌های رسمی و غیررسمی هستند. ابرگروه‌ها یا گروه‌هایی با عملکرد عالی^(۱)، از سه تا ۳۰ کارگر یا کارمند، متعلق به بخش‌های مختلف سازمان تشکیل می‌شوند. نخست آنها را «گروه‌های کاری خودمدار»، «گروه‌های متشکل از واحدهای مختلف» یا «گروه‌هایی با عملکرد عالی» می‌نامیدند. ولی در ماه مه ۱۹۹۰، در مجله معروف فورچون از عبارت «ابرگروه» استفاده شد:

این ابرگروه‌ها زمانی مفید واقع می‌شوند که مسئله پیچیده‌ای در سازمان وجود دارد، یا عبور از سلسله مراتب اداری و تأخیرهای جانکاه برای شرکت موجب دردسر خواهد شد، که وجود چنین گروهی که اعضای آن از واحدهای مختلف سازمان گرد هم می‌آیند می‌تواند مسیرها را بسیار کوتاه کند.

معمولاً گروه‌های خودمدار مسئولیت همه کارها را بر عهده می‌گیرند و اعضای آنها را کسانی تشکیل می‌دهند که در زمینه‌های مختلف دارای مهارت‌های گوناگون هستند، قدرت لازم را دارند و می‌توانند اموری مانند روش انجام دادن کارها، تهیه جدول زمان‌بندی شده و تعیین وظایف اعضا و گماردن آنها به کارهای مختلف را تعیین کنند. نتیجه کارها با توجه به

عملکرد کل گروه به آنان داده می‌شود و در نتیجه پاداش آنها نیز بر همین اساس تعیین می‌گردد.

فرایند گروه‌سازی

این فرایند شامل هشت مرحله است:

- ۱- تعیین اهداف سازمان- سازمان برای رسیدن به چه چیزی تلاش می‌کند و فلسفه وجودی سازمان چیست؟ نقش گروه‌ها در دستیابی به اهداف سازمان چقدر است؟
- ۲- ارزیابی امکان‌پذیری- آیا ماهیت فعالیت‌های سازمان با روح کار گروهی همسانی دارد؟ آیا سازمان برای رسیدن به هدف، نیاز به ایجاد گروه و طراحی سیستم دارد؟
- ۳- شناسایی اولویت‌ها - نیازهای حیاتی سازمان‌ها کدام‌اند؟ در کجا گروه‌ها بیشتر اثربخشی دارند؟
- ۴- کشف موانع گروه‌سازی و رفع آنها- فقدان چه مهارت‌ها، ویژگی‌های فرهنگی و فرایندی ممکن است گروه‌ها را محدود کند؟

۵- شروع کار با گروه کوچک - در کدام بخش سازمان بهتر است در ابتدا روش گروهی به کار رود؟ کدام اولویت‌ها بیشترین بهره را از گروه‌های کاری می‌برند؟

۶- نیازسنجی آموزشی- برای مؤثر بودن گروه‌ها در سازمان چه برنامه‌های آموزشی مورد نیاز است؟ آیا برنامه‌های آموزشی فعلی برای گروه کافی است؟

۷- تفویض اختیار - آیا مدیران به دیگران اختیار لازم را می‌دهند؟ آیا افراد آمادگی‌های علمی و تجربی برای تفویض اختیار دارند؟

۸- بازخور و اصلاح- به چه نوع و چه مقدار بازخور نیاز است؟ آیا مدیریت در دریافت پیشنهادهای گروه‌ها مشتاق بوده است؟ تا چه حد از بازخورها در جهت اصلاح استفاده شده است؟

مراحل تشکیل گروه

بیش از دو دهه قبل، بی.دبلیو.تاکمن^(۴)، این دیدگاه را ابراز داشت که گروه‌های کوچک، در مسیر تکامل خود از پنج مرحله می‌گذرند: ۱- شکل دهی، ۲- ایجاد توفان، ۳- بهنجار شدن، ۴- عمل و ۵- پایان دادن به فعالیت‌ها.

براساس نتایج کاری تحقیقاتی در سال ۱۹۹۶، ۷۸ درصد از بزرگ‌ترین شرکت‌ها کارهای نشان را براساس گروهی انجام می‌دادند

شکل دهی^(۵)

گروه در نخستین مرحله به نوع رفتار مناسب شکل می‌دهد و آن را فرا می‌گیرد. گروه با بررسی کارهایی که انجام می‌دهد و انجام نمی‌دهد، قواعد اصلی آشکار و پنهان فرایند تکمیل شدن کارهای خاص را متناسب با پویایی‌های گروه مشخص می‌سازد. این مرحله تا حد زیادی در واقع دوره‌ای از توجیه، آشنا شدن و خو گرفتن با شرایط جدید است.

- 1-Moreno
- 2-Adler
- 3-Supertteams or high - performance teams
- 4-Tuckman
- 5-Forming
- 6-Storming
- 7-Norming
- 8-Performing
- 9-Adjourning
- 10-Elliot Richardson

منابع:

- ۱- آیر، اس. اس. روش به‌کارگیری مهندسی ارزش، ترجمه محمدسعید جبل عاملی و سیدعلیرضا میرمحمد صادقی، فرات، تهران، ۱۳۸۰.
- ۲- استوتور، جیمز ای. اف و دیگران: مدیریت ج ۲، ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، ۱۳۷۹.
- ۳- پهرام، حسینعلی، و ماهر مختاران: «گروه‌های کاری و نقش آنها در کارایی و اثربخشی سازمان‌ها»، مجله مدیریت، شماره ۲، ۱۳۸۲، ۸۱-۸۲.
- ۴- دیوید، فرد آر: مدیریت استراتژیک، ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران، ۱۳۷۹.
- ۵- شفیق‌آبادی، عبدالله؛ پویایی گروه و مشاوره گروهی، رشد، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۸۲.
- ۶- گریفین، مورهد؛ رفتار سازمانی، ترجمه سیدمه‌دی الوانی و غلامرضا معمارزاده، مروارید، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۷.
- ۷- وتن، دیوید اس و کیماس کمرون: گروه‌سازی، ترجمه بدرالدین اورعی یزدانی، مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت، کرج، ۱۳۸۲.
- ۸- ونوس، داور: ژبان تخصصی مدیریت ۶ (مقدمه‌ای بر رفتار سازمانی)، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۶.

ایجاد توفان^(۶)

در حالی که اعضای گروه با هم انس می‌گیرند، امکان دارد با ابراز نظر شخصی و نشان دادن شخصیت‌های فردی با شکل‌گیری ساختار گروه مخالفت کنند. اغلب اعضای گروه نسبت به قواعد اصولی به مخالفت بر می‌خیزند و گاهی در مرحله شکل‌گیری با آن به مبارزه می‌پردازند.

ابرگروه‌ها زمانی مفید واقع می‌شوند که مسئله پیچیده‌ای در سازمان وجود دارد، یا عبور از سلسله مراتب اداری و تأخیری جانکاه موجب دردسر خواهد شد

بهنجار شدن^(۷)

در این زمان تعارض‌های ایجاد شده در مرحله نخست مورد بررسی قرار می‌گیرند، بدان امید که اختلاف نظرها از بین برود. پس از اینکه اعضای گروه هدف‌ها، هنجارها و قواعد اصولی را پذیرفتند، وحدت گروه به وجود می‌آید.

عمل^(۸)

پس از حل مسئله‌های ساختاری، گروه به عنوان کلیتی واحد دست به عمل می‌زند و به جای آنکه انرژی گروه صرف آشنا شدن و شناختن همدیگر شود به اجرای تکلیف معطوف می‌گردد. این مرحله حد‌اعلای تکامل کار گروهی است. در این مرحله گروه، سیستمی را وضع می‌کند که اجازه می‌دهد نظرها و دیدگاه‌ها، آزادانه مبادله شود و بدین ترتیب درجه بالایی از حمایت‌های درون گروهی برای تصمیم‌گیری شکل می‌گیرد. خطری که در این مرحله گروه را تهدید می‌کند گروه‌اندیشی است.

پایان دادن به فعالیت‌ها^(۹)

سرانجام برای گروه‌های موقت مانند گروه‌های ضربتی، زمان آن فرا می‌رسد که به فعالیت‌های خود پایان دهند.

تاکمن بر این باور نیست که همه گروه‌ها به صورتی دقیق این چارچوب را رعایت می‌کنند؛ ولی اعتقاد دارد که در بسیاری از موارد چارچوب مذکور می‌تواند این واقعیت را توضیح دهد که چرا گروه‌ها در روزگار سختی به سر می‌برند. برای مثال، گروه‌هایی که بکوشند بدون گذر از مراحل ایجاد توفان و بهنجار شدن وارد مرحله عمل شوند، در خواهند یافت که موفقیتی زودگذر خواهند داشت (البته اگر چنین موفقیتی به دست آید).

علل کارایی و موفقیت گروه‌ها

«ریچاردسون»^(۱۰)، که در پنج کابینه ریاست جمهوری آمریکا عضویت داشته است، علل کارایی و موفقیت گروه‌ها را در عوامل زیر می‌داند:

- ۱- شفافیت اهداف گروه و نحوه انتقال آن به سایر افراد
- ۲- قدردانی از اعضای گروه
- ۳- هم‌سوسازی عملیات با موارد ۱ و ۲

۴- تشویق تلاش‌های جمعی

۵- وجود صداقت و اعتماد بین اعضای گروه

۶- گروه باید ساختاری مناسب برای نیل به اهداف عملکردی داشته باشد.

ویژگی‌های گروه‌های مؤثر

«ادگار شاین» ویژگی‌های گروه‌های مؤثر را چنین اظهار می‌دارد:

۱- اعضای گروه برای رسیدن به هدف مشترک و روشن تلاش می‌کنند.

۲- تمامی اعضای گروه در مورد دیدگاه‌های‌شان احساس آزادی می‌کنند و در تصمیم‌گیری‌ها و مباحث گروهی مشارکت دارند.

۳- اعضا به یکدیگر اعتماد دارند.

۴- رهبری در موقعیت‌های مختلف تغییر می‌کند.

۵- تصمیمات از طریق اجماع اتخاذ می‌شود.

۶- وقتی مشکلاتی به وجود می‌آید اعضای گروه بر روی حل مسئله متمرکز می‌شوند، نه علائم و عوارض آن.

۷- اعضای گروه در مواقع حل مسئله و انجام فرایندهای کاری منعطف هستند.

۸- اعضای گروه رشد می‌کنند و از اقداماتی که به رشد افراد منجر می‌شود، حمایت می‌کنند.

الگوی ساختار سازمانی قدیم، بر پایه مفروضات سلسله مراتب اختیارات سازمانی گذاشته شده بود (یعنی رهبر همه پاسخ‌ها را می‌داند و مسئولیت تعیین هدف‌ها و فرایندهای کار برای سازمان را برعهده دارد)

نتیجه‌گیری

الگوی ساختار سازمانی قدیم، بر پایه مفروضات سلسله مراتب اختیارات سازمانی گذاشته شده بود (یعنی رهبر همه پاسخ‌ها را می‌داند و مسئولیت تعیین هدف‌ها و فرایندهای کار برای سازمان را برعهده دارد). از سوی دیگر، الگوی گروه، براساس مفروضات جدید قرار دارد (یعنی دانش و از این رو بینش و پاسخ در سراسر سازمان در دست توانایی‌ها و آگاهی‌های اعضای سازمان است و این توانایی‌ها زمانی جلوه خواهد کرد که اعضا به صورت گروه گرد هم آیند). در این الگو هدف‌ها در سایه روابط متقابل، و فرایندها حول محور وجود گروه‌های متخصص تعیین می‌شوند. از این رو گروه‌ها در محیط‌های متغیر انعطاف بیشتری دارند و با توجه به تغییرات پرشتاب محیطی، سازمان‌ها برای بقا نیازمند یادگیری مستمر هستند و افراد دانش و بینش خود را در گروه‌ها افزایش می‌دهند و با همکاری دیگران خلاقیت و نوآوری افراد بهبود می‌یابد و این امر خود موجب بهبود کارایی و اثربخش می‌شود و در نهایت منجر به بهبود بهره‌وری در سازمان می‌گردد.

بم فروافتاد



فاجعه‌ای دیگر را پیش گیریم

مجید محنائی

کارشناس ارشد و مدیر کل دفتر امور شهری و روستایی استانداری کهگیلویه و بویراحمد

سالانه ۲۲ هزار نفر در تصادفات جاده‌ای و تخریب هزاران واحد مسکونی و غیرمسکونی ناشی از سیلاب در کشور، شاید نمونه‌هایی از این بلایا در ایران باشد که اگر خسارات جانی و مالی ناشی از زلزله و خشکسالی و نظایر آن را نیز به آنها اضافه کنیم، عمق فاجعه بیشتر نمایان خواهد شد. براساس مطالعات صورت گرفته بیش از سه چهارم مساحت ایران روی گسل‌ها واقع شده است و از ۳۴۸ شهر مطالعه شده در کشور، خطر زلزله در ۶ شهر کم، در ۲۸۶ شهر زیاد و در ۵۶ شهر خیلی زیاد است.

*** در اینجا این پرسش پیش می‌آید که علت چیست. آیا قانون و مقررات وجود ندارد یا نظارت و کنترل اجرا نمی‌شود؟**

دو سال قبل از زلزله ۷/۳ ریشتری رودبار محققان و متخصصان ساخت و ساز کشور آیین‌نامه‌ای را طراحی کردند و به تصویب دولت رساندند که براساس آن مقرر شد ساخت و سازهای تازه براساس استانداردهای این آیین‌نامه که عنوان آن «استاندارد ۲۸۰۰» است انجام شود. بنا بر تصویب هیئت دولت این آیین‌نامه هر ۵ سال یک بار می‌بایست مورد تجدید

در تاریخ ۸۲/۱۰/۵ زمین لرزه‌ای به قدرت ۶/۵ ریشتر شهر تاریخی بم در جنوب ایران را لرزاند. این زمین لرزه را فاجعه‌آمیزترین بلیه طبیعی دهه اخیر خوانده‌اند. درست سه روز قبل از آن، زمین لرزه‌ای به قدرت ۶/۵ ریشتر (معادل زلزله بم) بخش بزرگی از کالیفرنیا جنوبی را لرزاند. شدت این زمین لرزه به حدی بود که از لس‌آنجلس تا سانفرانسیسکو (نزدیک به ۵۵۰ کیلومتر) احساس شد. خسارت این زلزله فقط در حد تخریب تعدادی خانه‌های قدیمی و سه کشته بود. این در حالی است که اخبار غیر رسمی حکایت از بیش از سی و پنج هزار کشته و تخریب کامل ۷۰ درصد ساختمان‌های شهر بم را دارد. مقایسه این دو رخداد طبیعی و خسارت ناشی از آنها، این پرسش را به ذهن می‌رساند که «جان انسان‌ها در کشور ما چقدر ارزش دارد؟»

براساس اعلام سازمان‌های بین‌المللی، ایران دهمین کشور بلاخیز جهان است؛ اما در میزان تلفات و خسارات ناشی از این بلایا همیشه در صدر کشورهای دنیا قرار دارد. برای اثبات این ادعا فقط کافی است به آمارهایی که در مورد بلایای طبیعی و غیرطبیعی ارائه می‌شود توجه کنیم. کشته شدن



- آیین نامه طرح ساختمان در برابر زلزله، مصوب ۱۳۶۷/۷/۲۴ هیئت وزیران.
- آیین نامه طراحی ساختمان‌ها در برابر زلزله، مصوب ۱۳۷۸/۹/۱۷ هیئت وزیران.
- تصویب نامه راجع به مقررات پی و پی‌سازی، مصوب ۱۳۶۹/۳/۲۱.
- تصویب نامه راجع به مقررات پی و پی‌سازی مصوب ۱۳۷۲/۷/۳.

● به استناد ماده ۱۰۰ مصوب ۱۳۴۵/۱۱/۲۷ قانون شهرداری مالکان اراضی و املاک واقع در محدوده شهر یا حریم آن باید قبل از هر اقدام عمرانی یا تفکیک اراضی و شروع ساختمان از شهرداری پروانه ساخت بگیرند. شهرداری می‌تواند از عملیات ساختمانی بناهای بدون پروانه یا مخالف مفاد پروانه به وسیله مأموران خود - اعم از آنکه ساختمان در زمین محصور واقع باشد یا غیرمحصور - جلوگیری کند.^(۱)

● در ماده ۶ آیین نامه مربوط به استفاده از اراضی، احداث بنا و تأسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها مقرر شده است صدور پروانه ساختمان و اعمال نظارت‌های لازم برای اینکه ساختمان طبق مشخصات و شرایط و ضوابط مندرج در پروانه بنا گردد و ضوابط مقرر در ماده ۴ این آیین نامه (در صورت نیاز، ماده ۴ آیین نامه) در مورد آنها رعایت شود، در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها به عهده مرجعی خواهد بود که در هر ناحیه به وسیله استناداری تعیین می‌گردد.

● به استناد اساسنامه، تشکیلات و سازمان دهیاری‌ها مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۱ هیئت وزیران صدور پروانه برای ساختمان‌هایی که در محدوده قانونی روستا ساخته می‌شوند، با رعایت مقررات مندرج در آیین نامه مربوط به استفاده از اراضی و احداث بنا و تأسیسات در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها مصوب ۱۳۵۵/۲/۲۲ از وظایف دهیار و دهیاری است.

● با توجه به مواد پیش گفته، روشن است که ما از نظر قانون، مقررات و آیین نامه‌ها و استانداردها چیزی کم نداریم و در قوانین و مقررات به وضوح قید شده است که در شهرها شهرداری‌ها، در روستاها دهیاری‌ها و در خارج از محدوده قانونی و حریم شهرها و خارج از محدوده قانونی روستاها مرجعی که استناداری معین می‌کند، پروانه ساخت و ساز صادر کنند و نظارت‌های لازم نیز اعمال شود. بدین ترتیب چیزی که

اصول اولیه ایمنی برای حفظ جان مردم در ایران را نه تنها باید درس داد بلکه باید به گونه‌ای مردم را بر آن داشت تا به حفظ جان خود بیندیشند

کم است، قدرت کنترل و نظارت و اجرای ضعیف و غیر استاندارد است، به طوری که:
۱- در شهر بوم دو بانک دولتی در کنار هم قرار داشتند: یکی بانک سپه و دیگری بانک ملت. بانک سپه قبل از انقلاب

نظر قرار گیرد.

● ۵ سال پس از زلزله رودبار قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان کشور تحت فشار کارشناسان و محققان دانشگاه‌ها اصلاح گردید. براساس ماده ۴ این قانون اشتغال اشخاص حقیقی و حقوقی به تمامی فعالیت‌های مرتبط با ساختمان‌سازی، مستلزم داشتن صلاحیت حرفه‌ای شد و مقرر

بیش از سه چهارم ایران روی گسل واقع شده است و از ۳۴۸ شهر مطالعه شده در کشور، خطر زلزله در ۶ شهر کم، در ۵۶ شهر خیلی زیاد و در ۲۸۶ شهر زیاد است

گردید این صلاحیت در مورد مهندسان از طریق پروانه اشتغال به کار مهندسی و در مورد کاردان‌های فنی و معماران تجربی از طریق پروانه اشتغال به کار کاردانی یا تجربی و در مورد کارگران ماهر از طریق پروانه مهارت فنی احراز شود. مرجع صدور پروانه اشتغال وزارت مسکن و شهرسازی و مرجع صدور پروانه مهارت فنی و حرفه‌ای وزارت کار و امور اجتماعی تعیین شد.

ماده ۳۳ این قانون وزارت مسکن و شهرسازی را موظف کرده است که با همکاری وزارت کشور آیین نامه طراحی ساختمان‌ها در برابر زلزله (استاندارد ۲۸۰۰) را با هدف تعیین حداقل ضوابط و مقررات این طرح و اجرای ساختمان‌ها در برابر تأثیرات زلزله اصلاح کند. این ماده به اجرا درآمد، آیین‌نامه اصلاح گردید و در ۱۷ دیماه ۱۳۷۸ برای اجرا به وزارت مسکن و شهرسازی ابلاغ شد.

● از دیگر قوانین و مقررات مصوب در زمینه کنترل ساخت و سازها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- سیاست‌ها و خط مشی‌های سازماندهی، حمایت و نظارت بر بازار تولید و عرضه مسکن، مصوب ۱۳۷۵/۱۰/۲۶ هیئت وزیران.

- آیین نامه اجرایی ماده ۲۷ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان، مصوب ۷۹/۳/۸ هیئت وزیران.

- اساسنامه مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، مصوب ۱۳۵۶/۴/۱.

ساخته شده بود اما ساختمان بانک ملت دو سال پیش (سال ۱۳۸۰) مورد بهره‌برداری قرار گرفت. زلزله ۵ دی ماه سال جاری بانک ملت را کاملاً با خاک یکسان کرد اما تنها خسارت وارد شده بر بانک سپه ریختن سنگ‌های نمای آن بود!

۲- در شهر بم بسیاری از ساختمان‌های دولتی که طی یک دهه اخیر ساخته شده بودند به طور کامل ویران شدند. شاید به همین خاطر بود که رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی تأکید

براساس آخرین آمار ایران جزو ۱۰۰ کشوری است که مرگبارترین و پرهزینه‌ترین بلایای طبیعی را در قرن گذشته پشت سر گذاشته است. مجموع خسارت‌هایی که فقط از بروز زلزله منجیل و یک سیلاب طی دو دهه گذشته به ایران وارد شد، بیش از ۸ میلیارد دلار است

کرد «پیمانکاران تحت پیگیری قضایی قرار می‌گیرند».

۳- در کنفرانس مطبوعاتی در شهر بم یا کرمان وزیر مسکن و شهرسازی اعلام کرد که قبلاً جمعی از ائثارگران به فرمانداری بم مراجعه و اعلام کردند که توان تأمین هزینه‌های اجرای شناژ افقی و عمودی در ساختمان‌های خود را ندارند. فرماندار درخواست آنان را به شهرداری ارجاع داد و شهرداری بم اظهار کرد که «استثنائاً نیازی به اجرای شناژ نیست!» متأسفانه این ساختمان‌ها نیز تماماً تخریب شدند. در همان جلسه رئیس جمهور دستور داد که شهردار مذکور مورد پیگرد قرار گیرد؛ ولی نوشدارو بعد از مرگ سهراب ثمری ندارد. (پخش سراسری صدا و سیما، اواخر دی ماه ۸۲)

* چه باید کرد؟

وضعیت ساخت‌وسازها و زلزله‌ها نشان می‌دهد که استانداردهای ایمنی در اکثر ساخت‌وسازها رعایت نمی‌شود و نظارت و بازرسی در هنگام ساخت صورت نمی‌گیرد. مردم در ساخت‌وسازهای واحدهای ساختمانی، آن هم درست زمانی که خطر زلزله به طور مرتب گوشزد می‌شود، نه تنها از مصالح نامرغوب و غیر استاندارد استفاده می‌کنند بلکه حداقل استانداردهای ایمنی را در سازه‌ها به کار نمی‌برند. چطور ممکن است که مثلاً یک موتورسوار نه تنها خود از کلاه ایمنی استفاده نکند بلکه چند نفر دیگر را هم بدون در نظر گرفتن ارزش جان‌شان بر ترک خود سوار کند؟ چطور ممکن است راننده خودرو کمربند ایمنی را نبندد و علاوه بر مسافرانی که در صندلی عقب و جلو دارد یک نفر دیگر هم کنار خود بنشیند و با در نیمه باز شروع به حرکت کند؟ به طور قطع تقصیر همه اینها بر گردن مردم نیست. سازمان‌هایی که می‌بایست به عنوان قانونگذار و مجری و ناظر حافظ جان و مال مردم باشند، از تخریب محیط زیست حداقل برای جلوگیری از بروز سیلاب‌های سنگین جلوگیری کنند، با اجرای قانون و نظارت دقیق مانع ساخت ساختمان‌های با مصالح نامرغوب و اسکلت‌های غیر استاندارد شوند، ناظر و مجری قانون باشند

پانوش:

۱- حجتی‌اشرفی، مجموعه کامل قوانین و مقررات شهرداری و شوراهای اسلامی، گنج دانش، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۱، ص ۲۵.

تا رانندگان و مسافران اصول ایمنی را در جاده‌ها رعایت کنند، آیا به وظایف خود در سطح حداقل‌ها عمل کرده‌اند؟ برای کاهش تلفات و خسارات ناشی از وقوع زلزله، پیشنهاد می‌شود:

الف: در ساختار مدیریت بحران تجدیدنظر گردد و در این اصلاحیه وحدت فرماندهی و وظایف هر دستگاه تبیین شود (تعدد فرماندهی در زلزله بم در چند روز اول مشهود بود).
ب: در سطح کشور سازمانی تحت عنوان سازمان نظارت بر ساخت‌وسازها - یا عناوین مشابه - زیر نظر ریاست جمهوری تشکیل شود.

ج: اصول اولیه ایمنی برای حفظ جان مردم در ایران را نه تنها باید درس داد بلکه باید به گونه‌ای مردم را بر آن داشت تا به حفظ جان خود بیندیشند (آموزش و توجیه مردم).
د: طرح‌ها و نقشه‌های ساختمانی از نظر فنی، معماری و شهرسازی براساس موازین علمی تهیه شوند.

ه: با افراد مسئول ساخت‌وسازهای غیر اصولی و غیراستاندارد حداقل در سطح شهرستان بم برخورد قانونی گردد تا سایرین در سطح کشور به خود آیند.

و: کسانی که در امور ساختمانی فعالیت دارند در سطوح مختلف همچون مهندسان، تکنسین‌ها و کارگران، صلاحیت‌های لازم را بیابند (آموزش ببینند).

ز: در ساخت‌وسازهای جدید محل قرارگیری گسل‌ها و نقاط با خطر زلزله زیاد و خیلی زیاد برای اهالی مشخص شود و به طور اجبار از اجرای ساخت‌وساز در این نقاط ممانعت گردد.
ح: بر چگونگی اجرای نقشه‌ها و احداث بنا به طور مداوم و مستمر نظارت شود و پس از اتمام کار میزان مطابقت بنای احداث شده با نقشه‌های اولیه کنترل گردد.

ط: ساختمان‌ها و تأسیسات موجود براساس نظر کارشناسی ایمن‌سازی گردد و مقاوم‌سازی در آنها رعایت شود؛ وگرنه تخریب گردند.

ی: نظارت و کنترل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، سازمان مسکن و شهرسازی، سازمان نظام مهندسی، شهرداری‌ها، دهیاری‌ها و استانداری‌ها بیشتر و شفاف‌تر و قاطع باشد.

ذ: استفاده از قطعات و مصالح استاندارد در ساخت‌وسازها اجباری شود.

* در پایان باید گفت که براساس آخرین آمار ایران جزو ۱۰۰ کشوری است که مرگبارترین و پرهزینه‌ترین بلایای طبیعی را در قرن گذشته پشت سر گذاشته است. مجموع خسارت‌هایی که فقط از بروز زلزله منجیل و یک سیلاب طی دو دهه گذشته به ایران وارد شد، بیش از ۸ میلیارد دلار است؛ اما حقیقتاً ایران مستحق این همه خسارت نیست و نباید ناچار به تحمل این ضربات شود. اگر ایران روی گسل [های متعدد] واقع شده است و هر چند سال یک بار با زلزله‌های شدیدی مواجه است، زاین هم سرزمین زلزله خیزی است که تعداد و قدرت زلزله‌هایش بیشتر از ایران است. مجموعه کشته‌های زلزله کوبه زاین که در سال ۱۳۷۳ روی داد و قدرت آن هم بیش از ۷/۵ ریشتر بود، به ۱۰ هزار نفر هم نرسید، در حالی که جمعیت آن بیش از نیم میلیون نفر بود.

موضوع: موانع رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی در ایران

پایان‌نامه دوره دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس ۱۳۸۱

استاد راهنما: منوچهر محسنی

استادان مشاور: عباس منوچهری و حمید انصاری

دانشجو: محمدرضا سعیدی

«سازمان‌های غیردولتی اکنون به صورت نهادها و مؤسساتی کارآمد مطرح شده‌اند. آنها به عنوان مکمل بخش دولتی در ارائه کالا و خدمات مشارکت می‌کنند. این سازمان‌ها به خاطر مردمی بودنشان دارای نفوذ اجتماعی فراوانی هستند؛ و این امتیازی است که دستگاه‌های دولتی به راحتی نمی‌توانند بدان دست یابند. سازمان‌های غیردولتی در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی فعالیت می‌کنند». زمینه فعالیت آنها متفاوت است. «کارایی نسبی این سازمان‌ها در مقایسه با سازمان‌های دولتی سبب شده است که حکومت‌ها پاره‌ای از وظایف بخش دولتی را به سازمان‌های غیردولتی واگذار کنند. عملکرد کارآمد، انعطاف‌پذیری و شفافیت این سازمان‌ها، علاقه‌مندی دولت‌ها را به رشد و گسترش آنها افزایش داده است. افزون بر این، سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های خودجوش ابزارهای مردم‌سالاری‌اند و از سازوکارهای اساسی رونق «جامعه مدنی» تلقی می‌شوند. آنها از طریق ایجاد بسترهای ارتباط و مشارکت، همچون وزنه تعادل برای قدرت دولت عمل می‌کنند؛ آنها زمینه گسترش تکثرگرایی را فراهم می‌سازند و از حقوق بشری حمایت می‌کنند». «سازمان‌های غیردولتی از سویی با حکومت‌ها مرتبط‌اند و ساختار اداری، سیاسی و قانونی کشورها از عوامل محدود کننده یا تشویق کننده فعالیت آنها به شمار می‌آید. در نظام‌های اداری، سیاسی و برنامه‌ریزی تمرکزگرا عرصه برای فعالیت سازمان‌های غیردولتی تنگ می‌شود. هر قدر ساختار اداری، سیاسی و برنامه‌ریزی به سوی تمرکززدایی گرایش داشته باشد و از مشارکت مردم و نهادهای غیردولتی بیشتر بهره‌گیری کند، فضا برای رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی مساعدتر خواهد شد. از سوی دیگر، به نظر می‌رسد ویژگی‌ها و برداشت‌های شخصی اعضا و افراد جامعه، در رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی تأثیر داشته باشد».

به طور کلی مسئله اصلی این پژوهش مطالعه تبیین رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی در ایران است.

«سازمان‌های غیردولتی در سال‌های اخیر اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده‌اند. آنها مشارکت افراد جامعه را در فرایند توسعه تقویت می‌کنند، با فقر مبارزه می‌کنند و در حفظ محیط‌زیست می‌کوشند. در سیاست کوچک‌سازی دولت نیز بیشترین اولویت به سازمان‌های غیردولتی داده شده است». در شرایط کنونی با توجه به موانع و مشکلاتی که تمرکزگرایی به وجود آورده است، گسترش نهادها و سازمان‌های غیردولتی به عنوان راهبردی چاره‌ساز برای تمرکززدایی و جلب مشارکت عملی شناخته شده است. «این سازمان‌ها به رغم نقش‌ها و کارکردهای مثبت با موانع و مشکلاتی نیز مواجه هستند. گسترش مشارکت‌های مردمی و سازمان‌های غیردولتی نیازمند ساختارهای سیاسی، دیوان‌سالاری و قانونی مناسب است». پایان‌نامه مقطع دکتری رشته جامعه‌شناسی، با عنوان «موانع رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی در ایران»، تألیف محمدرضا سعیدی تلاشی جدی است برای تحلیل، تبیین و بررسی این موضوع.

«واحد تحلیل پژوهش سازمان‌هایی هستند که اکنون در حال فعالیت‌اند. مطالعه ساختارهای دیوان‌سالاری، سیاسی و قانونی مربوط به سازمان‌های غیردولتی از اهداف مهم پژوهش است. چگونگی مشارکت اعضا و نیز تأثیر حضور و عضویت افراد با نفوذ در رشد و گسترش این سازمان‌ها از اهداف دیگر این تحقیق بوده است. هرچند ساختارهای سیاسی و قانونی و دیوان‌سالاری دولتی مربوط به سازمان‌های غیردولتی به تجدیدنظر نیاز دارد، با این حال در شرایط ساختاری ایران حضور و عضویت افراد با نفوذ دانشگاهی و اجرایی در سازمان‌های غیردولتی، بیشترین تأثیر را بر روند رشد و گسترش آنها می‌گذارد».

این رساله در پنج بخش تدوین شده است. پس از مقدمه، بخش اول به مبانی پژوهش اختصاص یافته است. در این فصل تعریف مسئله، هدف‌های تحقیق، سابقه و ضرورت تحقیق آورده شده است.

«سؤالات اختصاصی این تحقیق عبارت‌اند از:

الف: ساختار اداری، سیاسی و قانونی کشور چه تأثیری بر روند رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی داشته است؟
ب: آیا ویژگی‌ها و نگرش‌های اعضا (بالقوه و بالفعل) نسبت به برنامه‌ها و فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی با همدیگر متفاوت است؟

ج: رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی تا چه حدودی از سطح مشارکت اعضا تأثیر می‌پذیرد؟

د: حضور و عضویت افراد با نفوذ چه تأثیری بر رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی گذاشته است؟

ه: آیا تنوع کارکردی بر رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی تأثیر گذاشته است؟»

اهداف تحقیق در دو سطح اهداف کلی و اهداف اختصاصی است. هدف کلی این پژوهش «شناخت موانعی است که بر رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی تأثیر گذاشته‌اند».

برخی از اهداف اختصاصی این پژوهش عبارت‌اند از:

۱- مطالعه تأثیر ساختار اداری، سیاسی و قانونی بر رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی.

۲- بررسی ویژگی‌ها و نگرش‌های اعضا (بالقوه و بالفعل) نسبت به فعالیت‌ها و مسائل سازمان‌های غیردولتی.

۳- شناسایی موانع و گسترش سازمان‌های غیردولتی در ایران.

۴- ارائه راهکارهای رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی در ایران.

بخش دوم پژوهش به چارچوب نظری اختصاص یافته است. پژوهشگر در این فصل به موضوعاتی از این دست پرداخته است: مشارکت‌های مردمی، مفهوم و تبیین مشارکت؛ جایگاه‌های سازمان‌های غیردولتی در ساماندهی مشارکت‌های مردمی؛ سازمان‌های غیردولتی، تعاریف و ویژگی‌ها؛ طبقه‌بندی سازمان‌های غیردولتی، نقش و عملکرد آنها؛ بررسی سازمان‌های غیردولتی در کشورهای فیلیپین، تایلند، استرالیا، اندونزی و مالزی؛ موانع رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی (موانع ساختی شامل ساختار سیاسی، قانونی و دیوان سالاری) و موانع فردی؛ و جز اینها. «با توجه به رابطه متقابلی که میان سازمان‌های غیردولتی و جامعه مدنی برقرار است، بدین معنی که آنها از سویی محصول جامعه مدنی هستند و از سوی دیگر روند مردم سالاری را تسهیل می‌کنند، در قسمت پایانی چارچوب نظری به تحلیل رابطه این دو مفهوم پرداخته شده است.»

پژوهشگر از این فصل چنین نتیجه می‌گیرد: «سازمان‌های غیردولتی مراکز و کانون‌هایی هستند که مشارکت مردمی را نهادینه می‌کنند. به رغم وجود اختلاف نظر در تعریف سازمان‌های غیردولتی از خصوصی، خودگردانی و غیرانتفاعی و نداشتن وابستگی سازمانی به دولت به عنوان مهم‌ترین ویژگی‌های آنها مطرح شده است. تعداد و سطح گسترش سازمان‌های غیردولتی، شاخص سنجش مشارکت‌های مردمی در جوامع مختلف است. گستردگی دامنه جغرافیایی فعالیت تعداد شعبه‌های اصلی و فرعی، تعداد اعضا، عملکرد و دارا

بودن امکانات مادی و فنی شاخص‌هایی‌اند که برای سنجش رشد و گسترش آنها به کار می‌روند. برای رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی، وجود زمینه‌های ساختی در حوزه‌های سیاسی، قانونی و دیوان سالاری لازم است. از نظر سیاسی حکومت‌ها بایستی حضور و فعالیت بخش غیردولتی را در عرصه‌های اجتماعی بپذیرند و آنها را در جناح مقابل و همچون خطری برای بقای خود تلقی نکنند. در ساختارهای سیاسی نامساعد، (؟) حکومت‌ها تعهدات جدی از سازمان‌های غیردولتی می‌گیرند که وارد فعالیت سیاسی نشوند و یا در اکثر کارها و اقدامات خود از حکومت اجازه بگیرند؛ و این فرایند، استقلال عمل را از آنها می‌گیرد. دومین متغیر ساختی که بر روند رشد گسترش سازمان‌های غیردولتی تأثیر می‌گذارد، وضعیت نظام دیوان سالاری دولتی است. ساختار قانونی سومین متغیر ساختی است که سازمان‌های غیردولتی با آن مواجه‌اند. از نظر سازمان‌های غیردولتی، مناسب‌ترین شرایط زمانی است که محدودیت‌های قانونی به حداقل کاهش یابد و آنها در جریان ثبت، تأمین نیازها و برقراری ارتباط با مراجع مختلف مشکلی نداشته باشند. بنابراین پذیرش مشارکت‌های مردمی و سازمان‌های غیردولتی نیازمند قانونمند کردن آن است و بدین منظور چگونگی ثبت فعالیت، تأمین نیازهای مالی از داخل و خارج، نظارت و کنترل، امتیازات مالیاتی و نظایر اینها باید در چارچوب قوانین مشخص و شفاف انجام پذیرد. گذار از تشکل‌های مردمی غیررسمی و سنتی به سوی سازمان‌های غیردولتی رسمی، نیازمند اصلاح ساختار قانونی کشورهاست، به گونه‌ای که ساختار قانونی مانعی بر سر راه رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی ایجاد نکند. بدین منظور لازم است که همگام با تغییر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، ساختار قانونی نیز اصلاحاتی را در خود بپذیرد؛ و در غیر این صورت همچون مانعی جدی در برابر رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی عمل خواهد کرد.»

بخش سوم رساله به روش پژوهش اختصاص دارد. در این فصل به بیان متغیرهای تحقیق، فرضیات تحقیق، جامعه آماری، تعداد نمونه و روش نمونه‌گیری، روش انجام تحقیق، روش و ابزارهای گردآوری اطلاعات، روش تجزیه و تحلیل اطلاعات، تعریف مفاهیم و موانع و محدودیت‌های تحقیق پرداخته شده است.

پژوهشگر در بخش چهارم پژوهش به تجزیه و تحلیل یافته‌ها پرداخته است. این بخش در سه فصل، با این عنوان‌ها تدوین شده است:

فصل اول - ویژگی‌های عمومی سازمان‌های غیردولتی.

فصل دوم - وضعیت رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی در ایران.

فصل سوم - موانع رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی. بخش پنجم به نتایج و پیشنهادهای می‌پردازد. «پژوهش با این سؤال آغاز می‌شود که در ایران سازمان‌های غیردولتی برای رشد و گسترش‌شان با چه موانعی مواجه‌اند. هدف کلی این رساله شناسایی موانع و مشکلات موجود است.» این بررسی در استان تهران انجام گرفته است و جامعه آماری آن سازمان‌های

غیردولتی و اعضای بالقوه و بالفعل بوده‌اند. «در سازمان‌های غیردولتی، واحد مورد مراجعه مدیران آنها بوده است. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شده‌اند. تحلیل در دو سطح ساختی و سازمانی انجام گرفته است. در مدل تحلیل، شرایط ساختی و سازمانی متغیرهای مستقل و میزان رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی به عنوان متغیر وابسته مورد توجه قرار گرفته است. در سطح ساختی وضعیت نظام‌های سیاسی و دیوان‌سالاری و قانونی، مرتبط با سازمان‌های غیردولتی بررسی شده‌اند. در سطح سازمانی نیز وضعیت مشارکت اعضا، حضور و عضویت افراد با نفوذ در سازمان‌های غیردولتی و تنوع کارکردی آنها مطالعه شده است. همه متغیرهای مستقل و وابسته از طریق شاخص‌سازی، کمی شده‌اند. به علاوه ویژگی‌ها و صفات شخصی اعضای بالقوه و بالفعل از نظر تفاوت‌های احتمالی با همدیگر مقایسه شده‌اند. هدف این سطح از بررسی، ارائه تحلیل‌های خرد از رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی است.»

پژوهشگر از این مطالعه چنین نتیجه می‌گیرد: «در حالی که تأسیس سازمان‌های غیردولتی طی دهه اخیر همواره روند صعودی داشته تأسیس آنها در طول سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۹ با رشد فزاینده‌ای مواجه بوده است، به طوری که ۵۰/۴ درصد سازمان‌های مورد بررسی در این مقطع زمانی تأسیس شده‌اند. اکثر تشکلهای این دوره را جوانان و زنان تأسیس کرده‌اند. وضعیت رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی با استفاده از شاخص‌های شش‌گانه اندازه‌گیری شده است. نتیجه حاصل از جمع‌بندی شاخص‌ها نشان می‌دهد که سطح رشد و گسترش ۵۲/۸ درصد از سازمان‌های مورد بررسی ضعیف بوده، ۴۰/۳ درصد متوسط و ۶/۹ درصد نیز خوب بوده است.»

«موانع ساختی به متغیرهای سیاسی، دیوان‌سالاری و قانونی تفکیک شده‌اند. براساس فرضیه پژوهش چنین انتظار می‌رود که ساختارهای مذکور شرایط مساعدی را برای رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی به وجود نیاورده‌اند و احتمال می‌رود که میان وضعیت این ساختارها با رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی رابطه معکوس وجود داشته باشد. در ارزیابی این فرضیه، یافته‌های پژوهش حکایت از وضعیت نسبتاً نامناسب ساختارهای سیاسی و دیوان‌سالاری دولتی و قانونی برای رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی دارند. ساختار سیاسی در ۲۸/۴ درصد سازمان‌ها نامناسب؛ در ۶۱/۲ درصد بی‌تفاوت و در ۱۰/۲ درصد مناسب عمل کرده است. با این وصف رویه‌هایی که ساختار سیاسی در برابر سازمان‌های غیردولتی به کار گرفته است چندان برای آنها مقبول نیست». براساس یافته‌های این پژوهش در ایران «ساختار دیوان‌سالاری با مشکلات جدی در حیطه سازمان‌های غیردولتی مواجه است. این ساختار صرفاً در ۶/۹ درصد عملکرد مناسب داشته و ۹۳/۱ درصد ضعیف و بی‌تفاوت عمل کرده است. ساختار دیوان‌سالاری دولتی در تفکیک وظایف بخش‌های دولتی و غیردولتی، فراهم کردن زمینه برای همکاری دو بخش مذکور و پذیرش بخش غیردولتی از سوی دستگاه‌های اجرایی دولتی توفیق چندانی نداشته است. آخرین متغیر ساختی، متغیر قانونی

است که تأثیر آن بر رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی بررسی شده است. ابهام در قوانین مربوط به ثبت، فعالیت، نقد فعالیت‌های بخش دولتی در حوزه‌های تخصصی، روابط داخلی و بین‌المللی، موانعی هستند که بر رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی تأثیر می‌گذارند. به رغم شرایط نسبتاً نامناسبی که متغیرهای ساختی در حیطه سازمان‌های غیردولتی داشته‌اند، به لحاظ تبیینی هیچ‌کدام از سه متغیر مذکور رابطه معنی‌داری با رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی نداشته‌اند.»

«در سطح موانع سازمانی رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی از نظر حضور و عضویت افراد با نفوذ، وضعیت مشارکت اعضا و تنوع کارکردی مطالعه شده‌اند. در این پژوهش ثابت شده است که «میان حضور و عضویت افراد با نفوذ با رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی رابطه معنی‌داری برقرار بوده است. به رغم تأثیر بسیار قوی که افراد با نفوذ بر رشد و گسترش سازمان‌ها دارند، این افراد گرایش کمتری برای عضویت در سازمان‌های غیردولتی نشان داده‌اند. بی‌رغبتی افراد با نفوذ برای عضویت در سازمان‌های غیردولتی از مسائل مهم سازمانی آنها محسوب می‌شود.»

در این پژوهش برای شناسایی موانع فردی رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی از روش تطبیقی استفاده شده است. «متغیرهای سن، شغل، تحصیلات، میزان علاقه‌مندی اعضا به کارهای جمعی و نگرشی آنها درباره میزان موفقیت سازمان در نیل به اهداف آن، مطالعه شده است. در متغیرهای سن، شغل و علاقه‌مندی برای کارهای جمعی و مشارکتی، تفاوت معناداری میان دو گروه «اعضای بالقوه» و «اعضای بالفعل»، یا کسانی که عضو نشده‌اند وجود داشته است. از نظر تحصیلات، گفتنی است که افراد با تحصیلات بالاتر بیش از کم سوادان، گرایش به عضویت در سازمان‌های غیردولتی داشته‌اند. از لحاظ شغلی نیز شاغلان بخش خدمات، بازنشستگان و زنان خانه دار بیش از مشاغل آزاد، دانشجویان و محصلان به عضویت در سازمان‌های غیردولتی گرایش داشته‌اند.»

مؤلف دو گروه پیشنهاد در دو قسمت ارائه کرده است: الف - پیشنهادهای پژوهشی؛ و ب - پیشنهادهای اجرایی.

برخی از پیشنهادهای پژوهشی عبارت‌اند از:

۱- آمارگیری و مشخص کردن مرجعی برای حفظ و انتشار منابع آماری این بخش.

۲- برای رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی در ایران، ضروری است که در سطح کلان پژوهش‌هایی با هدف هماهنگ کردن ساختارهای اداری، سیاسی و قانونی، و در سطح خرد مطالعاتی با هدف برنامه‌ریزی و حمایت از این بخش انجام پذیرد.

برخی از پیشنهادهای اجرایی اینها هستند:

۱- معرفی بخش غیردولتی به مردم و کارکردهای مثبت آن به جامعه از طریق انتشار روزنامه و یا نشریات.

۲- جذب استادان دانشگاه، مجریان دستگاه‌های دولتی و روحانیان در بخش غیردولتی برای گسترش و رشد این بخش. این رساله در ۲۵۲ صفحه تدوین گردیده، و نویسنده در آن از ۵۰ منبع فارسی و نزدیک به ۲۰ منبع لاتین بهره جسته است.

مدیریت بحران در باقرشهر

محمدحسین بوچانی

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

گذاشته است. همچنین باقرشهر بر روی سه کمر بند زلزله واقع شده که از شمال و جنوب شهر عبور می کنند. مهم ترین گسل که از کهریزک و جنوب باقرشهر عبور می کند، به نام گسل کهریزک مشهور است. این گسل با راستای شرقی و غربی و درازای بیش از ۴۰ کیلومتر در ۱۰ کیلومتری شهر ری قرار دارد. گسل مذکور جزء گسل های اصلی و لرزه زای جنوب شهر تهران است، سن جوان و درازای زیاد این گسل موجب طبقه بندی آن در گسل های خطرناک منطقه تهران شده است. براساس مطالعات متخصصان، این گسل توان زلزله ای به قدرت ۷ ریشتر را دارد. همچنین پهنه بندی خطر زلزله در محدوده باقرشهر - کهریزک نشان دهنده آن است که:

- ۱- روستای کهریزک و شهرک شهدا بر روی خط گسل و در حریم گسل با تخریب کامل واقع اند. این حریم تا ۱۰۰۰ متر عرض دارد. در این پهنه انتشار زمین لرزه و پیمادهای آن قطعی است.
 - ۲- قسمت جنوبی باقرشهر در پهنه تکان های بسیار شدید ساختارهای زمین قرار دارد.
 - ۳- قسمت بالایی (شمالی) باقرشهر و شهرک جعفرآباد در پهنه تکان های شدید و ویرانی گسترده قرار دارد.
- این ویژگی ها ایجاب می کند که بر ساخت و سازهای جدید نظارت فنی صورت پذیرد.

از جمله مباحث دیگر نایمینی باقرشهر گذر خطوط لوله نفت، گاز و بنزین برای شهرهای اراک، قم و ساوه است، هر چند در گذشته اطراف این خطوط منزل مسکونی نبوده است ولی اکنون این خطوط از درون سکونتگاه های مسکونی باقرشهر می گذرد. وجود پالایشگاه به عنوان یک مرکز حیاتی ملی در زمان بحران و حادثه می تواند برای باقرشهر منشأ خطرهای زیادی باشد. از نظر سیل خیز بودن، دوره های ۲۵ ساله و ۵۰ ساله نشان می دهد که باقرشهر مسیل نیست، ولی با توجه به سستی خاک در جنوب شهر باقرشهر و شیب کم احتمال آب گرفتگی وجود دارد.

- با توجه به ویژگی های ذکر شده از نایمینی طبیعی و غیرطبیعی باقرشهر، برای ایمنی شهر چه برنامه هایی دارید؟
- در مقام برنامه ریزی کارهای جدی زیادی انجام گرفته ولی در اجرا چندان موفق نبوده است. در برنامه ریزی در این زمینه حتی جزئیات در نظر گرفته می شود، ولی در اجرا عوامل متعددی نقش بازدارنده دارند. یکی از برنامه های مورد توجه شهرداری باقرشهر اجرای درست سازه ها در زمان ساختمان سازی است، ولی به دلیل فقر حاکم بر ساکنان شهرهای حاشیه ای، باور به رعایت اصول ایمنی در ساخت و سازها در بین مردم نهادینه نشده است، و در ساخت و سازها هزینه ای برای مقاوم سازی در نظر گرفته نمی شود، این در

با اینکه اعتقاد عمیقی بر سر خطر خیز بودن تقریباً اکثر نواحی سکونتگاهی ایران میان متخصصان شکل گرفته است، ولی برنامه ریزی برای ایجاد جامعه ای آشنا، آگاه و آماده در مقابل نایمینی های طبیعی و انسانی تاکنون کمتر در دستور کار مدیران محلی و ملی قرار گرفته است. تجربیات سوانح طبیعی و غیرطبیعی و بحران های ناشی از این عوامل هر ساله خاطرات تلخ و ناگواری را برای مدت کوتاهی در ذهن مدیران ذی ربط و مردم خلق می کند؛ ولی تاکنون حافظه تاریخی مدیریت بحران و مردم از این تجربیات به طور جدی عبرت نگرفته است. مسئله اصلی علاوه بر سوانح طبیعی در سکونتگاه های انسانی در ایران، نایمینی بودن فضای کالبدی - اجتماعی شهرها به خصوص نواحی حاشیه نشین و سکونتگاه های غیررسمی است. باقرشهر یکی از مراکز سکونتگاهی پیرامون کلان شهر تهران است که در طی سه دهه اخیر به یکباره شکل گرفته است. این شهر با توجه به ویژگی های زمین شناختی، جغرافیایی و کالبدی و اجتماعی اش نایمینی بسیار زیادی دارد.

از همین رو، و با توجه به اقدامات شهرداری باقرشهر در مدیریت بحران مصاحبه ای با شهردار آن، سعید استاد فرج انجام گرفته است تا از اقدامات و وضعیت برنامه های فعلی و آینده مدیران این شهر برای مقابله با حوادث طبیعی و غیرطبیعی در زمینه ایمنی شهر اطلاع یابیم.

● آقای شهردار، لطفاً معرفی کلی از باقرشهر و نایمینی های مختلف (زمین شناختی، اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و جز آن) به دست دهید.

■ باقرشهر در منتهی الیه جنوب شهر تهران در آستانه منطقه کویری واقع شده و محصول مهاجرت سه دهه اخیر گروه هایی است که به دلیل ضعف اقتصادی و جذب نشدن در بازار رسمی مسکن و زمین تهران به ناچار به مناطق حاشیه ای همچون باقرشهر پناه آورده اند. بنابراین شهروندان باقرشهر روستاییانی هستند که به حاشیه تهران آمده اند و همین امر نیز نایمینی های خاص خود دارد. باقرشهر سال ۱۳۷۶ به شهر تبدیل شده و اکنون جمعیتی حدود ۸۰ هزار نفر دارد. بنابراین، این شهر نیز به مانند همه مراکز حاشیه نشین و سکونتگاه های غیررسمی مهاجرپذیر، از این نظر دارای مسائل نایمینی کالبدی - اجتماعی خاص خود است. به علاوه آنکه وجود جاده قدیم تهران - قم که بسیار هم پر ترافیک است، اکنون از داخل باقرشهر می گذرد و موجب نایمینی هایی همچون تصادفات سنگین است. از حیث اقلیمی باقرشهر نیمه کویری است و فضای سبز چندانی ندارد و همین عامل بر روحیات مردم تأثیر



سعید استاد فرج
شهردار باقر شهر

فارغ التحصیل شهر، مهندسان دفاتر فنی، کسانی که در طول سال از ما پرونده ساختمانی گرفته بودند و نظایر اینها دعوت به عمل آوردیم. هدف، دادن این آگاهی بود که با توجه به ویژگی‌های زمین شناختی و زلزله خیزی، به هر صورت زلزله خواهد آمد و زلزله به خودی خود خسارت بار نیست. زلزله وقتی با ساخت و سازهای غیراصولی و غیراستاندارد درگیر شود فاجعه می‌آفریند.

● نتیجه همایش چه بود و بعد از همایش آیا نتایج به دست آمده پیگیری شدند و در این زمینه چه اقداماتی صورت گرفت؟

■ به نظر من بعد از همایش، اعتماد سازی نسبت به شهرداری در بین مردم بهبود یافت. برای تحقق اهداف این همایش و نتایج آن شهرداری باقرشهر با تشکیل ستاد مقاوم سازی بناهای شهری برای کاستن از میزان آسیب‌ها و خطرهای ناشی از زلزله و آماده سازی شهروندان برای رویارویی با این واقعه، موضوع تأمین استحکام بنا، تخریب و نوسازی اماکن آسیب پذیر و آموزش شهروندان را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داد و تسهیلاتی را نیز در این زمینه برای مراجعه کنندگان در نظر گرفت. از جمله:

۱- اطلاع رسانی عمومی در مورد نحوه عملکرد شهروندان در قالب:

الف- تهیه و تنظیم بروشور و توزیع آن بین مدارس، صنوف و شهروندان در دو مرحله.

ب- تهیه تعدادی پلاکارد و پانل با مضمون زلزله و نصب آن در نقاط مهم شهر.

ج- الحاق برگه‌های اطلاع رسانی با مضامین هشدار دهنده و تصاویری از اماکن شهر بم بعد از وقوع زلزله به پروانه‌های ساخت صادر شده شهرداری.

۲- بازدید گروه فنی کارشناسان از اماکن امدادی، آموزشی و ادارات.

۳- تشکیل کلاس‌های توجیهی برای درخواست کنندگان مجوز ساخت از شهرداری.

۴- شناسایی ۸ نقطه شهر به عنوان مکان‌های امن به منظور اسکان موقت در هنگام حوادث احتمالی با در نظر گرفتن شبکه آب، راه‌ها و تأسیسات شهری.

۵- برگزاری جلسه‌ای با حضور کلیه مهندسان ناظر دفاتر فنی باقرشهر به منظور تأیید اهمیت نقش مهندسان ناظر و نحوه نظارت بر اجرای سازه.

۶- فعال کردن بخش بازرسی فنی برای نظارت مضاعف بر عملکرد مهندسان ناظر و اجرای اصول و استانداردها.

۷- تشکیل کلاس‌های آموزشی امداد و نجات با مشارکت سازمان هلال احمر با ظرفیت ۵۰ نفر برای پرسنل امداد رسانی شهرداری.

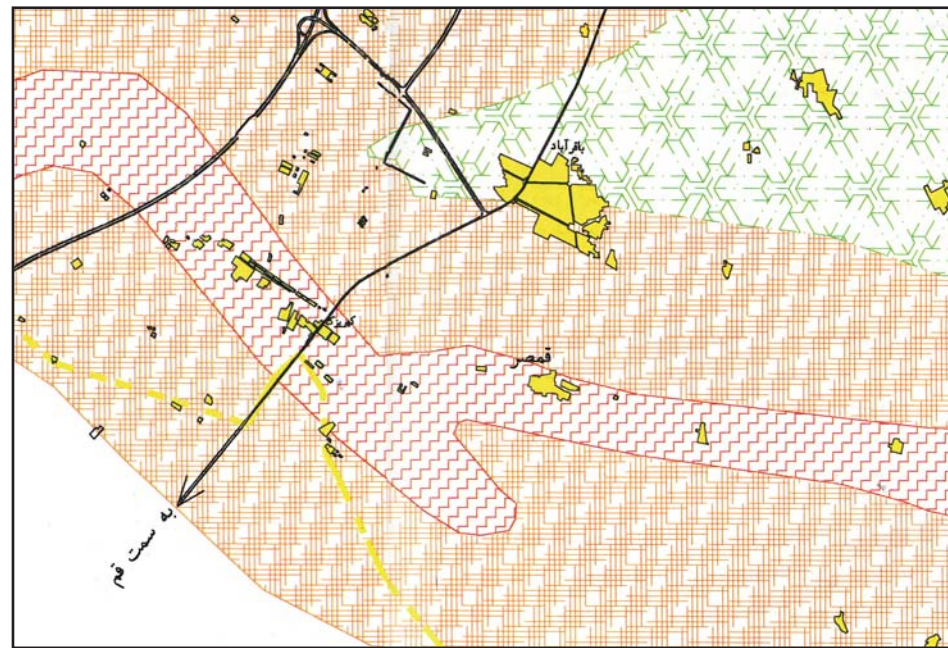
۸- ثبت نام برای حضور شهروندان در دوره‌های امداد و نجات، کمک‌های اولیه، آواربرداری و نظایر اینها با مشارکت هلال احمر شهرستان ری، و تشکیل پایگاه‌های امداد رسانی محله‌ای.

● امنیت شهری مفهومی فراتر از سوانح طبیعی همچون زلزله، سیل، زمین لغزش و مانند اینها دارد. واقعیت این است که امنیت شهری به مفهوم اجتماعی-فرهنگی و زیست محیطی

حالی است که بدون تردید زلزله خواهد آمد. هدف عمده ما آگاه سازی مردم از طریق تبلیغات، اطلاع رسانی و آموزش است. به علاوه، جلوگیری از سوانح طبیعی همچون زلزله فقط به وزارت مسکن و شهرسازی، شهرداری‌ها و ستاد حوادث مربوط نمی‌شود بلکه تمام ساکنان شهر، از سازندگان مصالح تا شهروندان و کارگران و جز آنها باید در این زمینه حساسیت داشته باشند. حساس کردن تمام گروه‌های دخیل در شهرسازی و ساخت و ساز، اصلی بنیادی در باقرشهر است. با این حال ما در زمان صدور پروانه‌های ساختمانی سازندگان را در واحد شهرسازی دعوت می‌کنیم و با نمایش دادن تصاویر و فیلم‌هایی از زلزله بم، رودبار و آنهای دیگر در آلبوم‌های مختلف به آنها حساسیت‌های مسئله ایمنی را انتقال می‌دهیم. حتی تصویری از تخریب‌های ساختمانی روی پروانه‌های ساختمانی مردم می‌گذاریم. هدف این است که در طول ساخت و ساز، سازندگان بنا مدام در زمان نظارت پلیس ساختمان چشم‌شان (و حتی چشم خود پلیس ساختمان) به این تصاویر بیفتد و آنها را به اندیشه وادارد تا منزل ساخته شده را قتلگاه خود و دیگران نکنند. بنابراین ایمنی در شهر نوعی سیستم است که باید همه ساختار و اجزای آن را فعال کرد، و این نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدتی است، که درگیر کردن تمام شهروندان در ایمن سازی شهر شروع این برنامه‌ریزی است؛ ولی اینکه تا چه اندازه وضعیت اقتصادی-اجتماعی مردم اجازه اجرای توصیه‌ها را می‌دهد، بحث دیگری است.

● در باقرشهر اولین همایش زلزله (زلزله، آگاهی، ایمنی) در تیرماه ۱۳۸۳ برگزار شد. هدف از این همایش چه بود و چه چیزهایی در آن مطرح شد؟

■ اعتقاد من بر سر حل معضلات نایمنی شهری بر خورد منطقی با این معضل و آگاه سازی کل مردم ساکن در شهر است. بر پایه این تفکر همایشی یکروزه برگزار کردیم که در آن از وجود متخصصان زلزله همچون دکتر محمد کاظم استاد دانشگاه و متخصص در بحث زلزله، گروه‌های تحصیل کرده شهر باقرشهر، مجموعه مهندسان



بعد فراموش شده‌ای از امنیت ملی است پژوهش‌های دو سه دهه اخیر نشان می‌دهد که نیروهای ساکن حاشیه شهر همچون حاشیه تهران در تحولات سیاسی-اجتماعی در ابتدا موضعی آرام و همراه با پیشروی مبتنی بر حفظ مصلحت ملی داشته‌اند ولی امروز به دلیل تحولات ایجاد شده در مفهوم شهر و حاشیه، ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی به دلایل رشد نشتابان و زیاده از حد همراه با فشارهای اقتصادی-اجتماعی و همچنین رشد آگاهی، موضعی تدافعی گرفته‌اند و از حیث اقتصادی و اجتماعی آستان نایمنی‌های جدی برای پایداری ملی‌اند. به نظر می‌رسد ساکنان این سکونتگاه‌ها دیگر به خاطر فشارهای اقتصادی-اجتماعی و چالش‌های فراروی‌شان به ناچار نمی‌توانند توجه چندانی به حفظ امنیت خود و شهر داشته باشند. بنابراین امنیت شهری از این منظر بعد فراموش شده امنیت ملی به شمار می‌آید. شما قبلاً نیز شهردار دیگر سکونتگاه‌های مشابه همچون اسلام‌شهر و اکبرآباد بوده‌اید. از دیدگاه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایمنی شهر باقرشهر چه وضعیتی دارد و تحلیل شما در این باره چیست؟

■ حاشیه نشینی در باقرشهر مقوله‌ای است که به دلیل عدم آشنایی شهروندان به فرهنگ شهرنشینی و اصول شهرسازی و نیز به دلایل چالش‌های اقتصادی فراروی‌شان اینک باقرشهر از حیث اجتماعی آستان نایمنی‌های زیادی است. به جرئت می‌توان اذعان کرد که امروزه حتی کارشناسان ارشد و مشاوران عالی‌رتبه وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت کشور و دیگر نهادهای شهری، در مواجهه با برخی از مسائل فراروی شهرهای حاشیه‌ای همچون باقرشهر ناتوان‌اند و مسائل این سکونتگاه‌ها به خصوص از حیث نایمنی‌های اقتصادی-اجتماعی برای آنها حل‌ناشدنی و گیج‌کننده است.

به عنوان مثال از حیث فرهنگی-اجتماعی در زمینه همکاری با مدیران شهری (به دلیل وضعیت اقتصادی) چالش‌های عمیقی وجود دارد که این عدم همکاری منجر به ناتمام ماندن برنامه‌های

ایمنی در دست مدیران شهرداری شده است. اصولاً ساکنان این شهرها روحیه مقاومت در مقابل دستگاه‌های نظارتی همچون شهرداری را دارند و در مقابل اقدامات مدیریت شهری عکس‌العمل نشان می‌دهند. در این سکونتگاه‌ها مخفی سازی و شب‌سازی به عنوان روشی در ساخت و ساز همیشه وجود داشته است. ویژگی این سکونتگاه‌ها تراکم بالای جمعیت و سرانه کم است که این خود از حیث اجتماعی-فرهنگی آسیب‌های جدی به همراه می‌آورد. اکثر ساکنان این سکونتگاه‌ها با تنگناهای معیشتی نیز روبه‌رو هستند و این در زمره مسائل امنیتی کلان اجتماعی است، که خارج از توان و اقدامات شهرداری است ولی تأثیرات آن در کالبد و اجتماع شهر دیده می‌شود. پدیده‌های فقر، بیکاری و مهاجرت جزو مسائل شهری‌اند ولی شهرداری نمی‌تواند اقدامی مؤثر در این زمینه انجام دهد.

تجربه چندین سال شهردار بودن در شهرهای حاشیه‌ای تهران این را به من القا کرده است که در حاشیه شهر تهران در آینده نزدیک از حیث امنیت اجتماعی-فرهنگی و اقتصادی چالش‌های عمیقی وجود خواهد داشت. در زمان حاضر نایمنی و نایمنی اجتماعی-اقتصادی در شهرهای حاشیه تهران به شهر مستولی شده‌اند و اگر امروزه به فکر چاره نباشیم در آینده نزدیک باید هزینه چند صد برابر و شاید هم جبران‌ناپذیر پرداخت کنیم. امنیت اجتماعی-اقتصادی با توجه به ویژگی‌های شهرهای حاشیه‌ای تهران همچون اسلام‌شهر، اکبرآباد، سلطان‌آباد و باقرشهر واقعاً هشدار جدی است و جرایم شهری همان‌طور که در روزنامه‌ها مشاهده می‌شود، شروع جدی این هشدار است.

حقیقت امر این است که اقدامات مدیران شهری شهرهای حاشیه‌ای تهران همچون باقرشهر تا رسیدن به هدف کلی امنیت شهری فاصله‌ای طولانی دارد. هرچند تاکنون اقدامات ما بیشتر کالبدی بوده است ولی امنیت و ایمنی اجتماعی شهری در سرلوحه اقدامات شهرداری باقرشهر است.

● برنامه‌های مدیریت شهری باقرشهر برای رویارویی با این نایمنی‌ها چیست؟

■ قانون‌مند شدن و فرهنگ سازی اصلی‌ترین اهداف و محور برنامه‌های ما در این زمینه است.

● اگر نکته یا پیشنهاد خاصی در مورد ایمنی در شهر و امنیت شهری به ذهن‌تان می‌رسد بفرمایید.

■ شهرداری با شیوه‌های مختلف سعی در ایمن سازی شهری کرده است. به عنوان مثال در مورد جاده‌ها با نصب علائم، راهنماها و سرعت گیر، در ساختمان سازی با شروع جدی آموزش و پلیس ساختمان، در مورد زلزله آموزش‌های امداد رسانی به کمک هلال احمر، و نظایر اینها شروع شده است. هرچند به‌طور کلی نتوانسته‌ایم ایمنی شهری را به‌طور کامل تأمین کنیم ولی تا حدودی میزان حوادث شهری از حیث اجتماعی-کالبدی را پایین آورده‌ایم. همچنین با توجه به فرهنگ ساکنان این اجتماعات سعی داریم با گسترش فضاهای عمومی و سبز روحیه مردم را شاداب کنیم و در جهت ایجاد آرامش عمومی گام برداریم. این اقدامات غیرمستقیم بر ایمنی شهری تأثیر می‌گذارند.



سمینار مدیریت خطر زلزله در مناطق شهری

نازیلا مرادی

در پی حادثه زمین لرزه بم در دی ماه سال ۱۳۸۲، کارگزاری‌های سازمان ملل متحد در ایران همکاری نزدیکی را با دولت جمهوری اسلامی ایران، به منظور پاسخ به نیازهای فوری جمعیت حادثه دیده آغاز کردند. این سازمان با همکاری دولت استراتژی کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدتی را برای کاهش خطر بحران در ایران تدوین کرد. در ادامه این اقدامات سمیناری بین‌المللی با موضوع سیاست‌ها و راهکارهای مدیریت خطر زلزله در مناطق شهری با همکاری دفتر ملل متحد برای هماهنگی امور انسان دوستانه (اوپا)^(۱)، برنامه عمران سازمان ملل متحد، وزارت کشور، ستاد حوادث غیرمترقبه و وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در آبان سال جاری در تهران برگزار شد. نتایج و دستاوردهای این سمینار طی بیانیه‌ای به کنفرانس جهانی کاهش بلایا که در ژانویه ۲۰۰۵ در کوبه ژاپن برگزار خواهد شد، ارائه می‌گردد. گزارش پیش رو خلاصه‌ای است از مسائل و موضوعاتی که در این سمینار سه روزه مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

محمد حسین مقیمی، ریاست سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، با تأکید بر این نکته که در مدیریت حوادث غیرمترقبه باید واقعیت‌ها را در نظر گرفت، به سابقه برنامه‌ریزی در مدیریت خطر در کشور اشاره کرد و افزود: «کمیت‌های کاهش بلایای طبیعی از سال ۱۳۷۴ در کشور فعال شدند و در طی این زمان مطالعات بسیاری صورت گرفت. اکثر این مطالعات روی دو نکته آموزش همگانی و شناساندن خطر به مردم متمرکز شده بود.»

وی در ادامه سخنان خود با اشاره به اینکه بسیاری از ساختمان‌های فرسوده و غیرمقاوم در کشور ما، پیش از تصویب آیین‌نامه ۲۸۰۰ حوادث شده‌اند، گفت: «پس از آنکه نتایج مطالعات بافت‌های فرسوده در اختیار دولت قرار گرفت، قانون بودجه سال ۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی، دولت را موظف کرد طی ۱۰ سال بازسازی و احیای خانه‌های مسکونی و بافت‌های فرسوده را در برنامه کار خود قرار دهد. همچنین در ماده ۳۰ برنامه چهارم توسعه نیز بر استحکام ساخت و سازهای آینده تأکید شد.»

مقیمی با ذکر این نکته که در سال گذشته و جاری مبلغ ۶۰۰ میلیون دلار برای احیای بافت‌های فرسوده در ۷ شهر بزرگ کشور سرمایه‌گذاری شده است، ادامه داد: «این امر با استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی انجام گرفت و در آینده‌ای نزدیک احیای بافت‌های فرسوده در این شهرها به طور جدی آغاز می‌شود.»

گزارش جهانی برنامه عمران سازمان ملل متحد:

کاهش خطر بلایا؛ چالشی برای توسعه

در این سمینار گزارشی از سوی برنامه عمران سازمان ملل متحد (UNDP) ارائه شد که در آن بیش از هر چیز بر نقش فرایندهای توسعه در رویارویی با بلایای طبیعی تأکید شده بود.

خلاصه مهم‌ترین نکاتی که در گزارش (UNDP) ارائه شد، به شرح زیر است:

- (۱) حکومتداری مناسب، اصلی بنیادین در کاهش موفقیت آمیز خطرها به شمار می‌رود. در این صورت می‌توان امیدوار بود که در نظرگیری خطرها در برنامه‌ریزی توسعه گنجانده شود.
- (۲) برای بهبود اوضاع بعد از وقوع بلایا و حوادث و در هنگام بازسازی باید کلیه ارکان مدیریت خطر در هم ادغام شوند و به صورت مدیریتی یکپارچه و هماهنگ عمل کنند.
- (۳) مدیریت خطر ماهیتی چند گونه دارد. خطرها و حوادث طبیعی عموماً آسیب پذیرترین قشر جوامع را نشانه می‌روند. به همین دلیل راهکارهای کاهش خطر بلایا، باید در پی ایجاد ظرفیت‌های «عام و خاص»، به طور توأم باشد.
- (۴) مدیریت جبرانی خطرها می‌تواند علاوه بر اصلاح و بازنگری روابط توسعه و حوادث و بلایا، آمادگی مواجهه با آنها را نیز افزایش دهد.
- (۵) به منظور حرکتی جهانی و هماهنگ در خصوص کاهش خطر بلایا، موارد زیر توصیه می‌شود:
 - الف) ارتقای کیفی شاخص جهانی خطر به منظور ارزیابی صحیح در مناطق و کشورهای مختلف.
 - ب) تهیه شاخص خطرهای ملی و زیر منطقه‌ای به عنوان اطلاعات لازم برای سیاست‌گذاری ملی.
 - ج) تهیه سیستم چند جانبه گزارش بلایا.
 - د) ارزیابی خطرها با توجه به شرایط و اوضاع خاص هر حادثه.

مدیریت بحران زلزله

بهزاد پورمحمد، مسئول ستاد حوادث و سوانح غیر مترقبه استان مازندران، سخنرانی خود را در این سمینار با تشریح مدیریت بحران در ایران آغاز کرد.

وی با تأکید مراحل چهارگانه مدیریت بحران (پیشگیری، آمادگی، مقابله، اسکان و بازسازی)، مهم‌ترین اقدامات مرحله پیشگیری را چنین برشمرد:

- تهیه بانک اطلاعات زمین ساختمانی منطقه و تفکیک مناطق به لحاظ میزان خطرپذیری.
- تهیه بانک اطلاعات وضعیت بناهای مسکونی و امدادی، تأسیسات زیربنایی، معابر، فضاهای باز و مواردی از این دست.
- مقاوم‌سازی ابنیه موجود، افزایش ایمنی تأسیسات زیربنایی و اصلاح بافت‌های شهری نامناسب.
- آموزش‌های فردی، خانوادگی و همگانی.
- پور محمد در بخش دیگری از سخنان خود مهم‌ترین اقداماتی را که می‌توان در مرحله مقابله به کار بست، در موارد زیر خلاصه کرد:
 - دریافت سریع اطلاعات از مناطق بحران زده و اعلام نیاز اولیه براساس نوع و ابعاد حادثه.
 - فراخوانی نیروهای اضطراری و واکنش سریع از دستگاه‌های اجرایی - امدادی از طریق سازمان متبوع.
 - فراخوان مسئولان و فرماندهان درجه اول دستگاه‌های عضو ستاد حوادث غیرمترقبه به اتاق بحران مرکزی و اتاق بحران مناطق.
 - جلوگیری از ورود نیروها و امکانات غیرضروری به منطقه و هدایت نیروهای دستگاه‌های اجرایی به وسیله اتاق بحران مرکزی.
 - تشکیل ستادهای محلی برای ساماندهی نیروها و امکانات.
 - انتقال مجروحان و آسیب دیدگان از راه‌های زمینی، هوایی و دریایی.
 - بازگشایی معابر اصلی و فرعی و فعالیت ماشین آلات آواربرداری و انجام عملیات امداد و نجات.

برای شناسایی خطرهای زمین‌شناختی باید دو نوع نقشه تهیه شود که عبارت‌اند از نقشه‌هایی در مقیاس‌های ملی و در مقیاس محلی (شهرداری‌ها). این نقشه‌ها تأثیرات و اطلاعات زلزله‌نگاری را آشکار می‌کنند، رانش‌ها و شیب زمین را نشان می‌دهند و مناطق در معرض خطر سیل و زلزله را شناسایی می‌کنند؛ و به همین دلیل می‌بایست در برنامه‌ریزی‌های شهری مد نظر قرار گیرند.

مقوله دیگر همانا ایجاد چارچوبی قانونی برای اجرای نقشه‌های خطر است. کاهش خطرهای زلزله جز با تدوین و اجرای قوانین مرتبط امکان پذیر نیست. در واقع قانون پاسخی است برای خطرهای طبیعی. البته فقط قانون کافی نیست. برای ارائه خدمات ایمنی، ابتدا می‌بایست ارزیابی درستی از صدمه‌پذیری ساختمان‌ها در دست داشت. سپس قوانین ساخت و ساز می‌بایست به اجرا درآید. در مرحله بعد باید در رویکردی یکپارچه اقدام به مقاوم‌سازی ساختمان‌های خطرناک و مدارس و بیمارستان‌ها کرد. در زمان حاضر این اجماع نظر وجود دارد که ابزار و دانش برای کاهش ریسک بلایا موجود است اما باید از آنها به خوبی استفاده کرد. از دیگر الزامات کاهش خطرها، تعهد دولت‌ها برای تحقق این امر، و البته سرمایه‌گذاری در این زمینه است.

فردریک لاینز - هماهنگ‌کننده مقیم سازمان ملل متحد در ایران

در طول برگزاری سمینار، فرصتی کوتاه برای گفت و گو با عباس اسماعیلی، رئیس شورای شهر بم پیش آمد، که خلاصه‌ای از آن در ادامه درج می‌گردد.

○ روند فعلی بازسازی بم را چگونه می‌بینید؟

● من فکر می‌کنم بودجه‌ها بموقع اختصاص داده نمی‌شود. البته اگر قانون واقعاً رعایت گردد، بسیاری از مشکلات ما حل خواهد شد. در زمان حاضر ستاد راهبردی بحران که تشکیلاتی بومی است، بهترین مرجع برای سازماندهی اطلاعات و اقدامات است؛ ولی وزارت کشور تمایل دارد همه اقدامات را به تنهایی انجام دهد. به نظر من اعتبارات لازم باید به حساب شهرداری واریز شود تا با کمک مردم، شورای شهر و نهادهای محلی کار بازسازی انجام گیرد. از سوی دیگر مردم هم به لحاظ روحی و روانی بهتر است در روند بازسازی مشارکت کنند.

○ در این سمینار بیش از هر چیز بر ضرورت مشارکت مردم در مراحل مختلف مدیریت بحران تأکید شد. ارزیابی شما از مشارکت مردم در بازسازی چیست؟

● مردم ۹۰ درصد زخمی‌ها را به تنهایی از زیر آوار بیرون کشیدند. تاکنون کارهایی که به مردم واگذار شده به نحو بسیار زیبایی به سرانجام رسیده است. از آن جمله است احیای قنوت و فضای سبز. اما کارهایی که دولت انجام داد مثل اردوگاه‌های اسکان موقت، چندان با موفقیت همراه نبود. این اردوگاه‌ها نیازها و احتیاجات مردم را تأمین نمی‌کردند در زمان حاضر بسیاری از آنها خالی مانده‌اند.

○ آیا تاکنون توانسته‌اید شریان‌های اصلی و جاده‌ها را بازسازی کنید؟ به طور کلی تا چه حد چهره شهر از زلزله پاک شده است؟

● با وقوع زلزله، بیش از ۹۰ درصد شهر با خاک یکسان شد و شاید سال‌ها طول بکشد تا شهر دوباره آباد شود. از طرفی شهرداری بودجه‌ای در اختیار ندارد تا به بازسازی بپردازد. بدون پول و بودجه لازم نمی‌توان کاری را پیش برد. خداوند باید به مردم شهر بکمک کند!

○ مردمی که در این اردوگاه‌ها ساکن نشدند، اکنون در کجا سکونت دارند؟

● بیشتر مردم در محل سابق خانه‌هایشان، هنوز زیر چادر زندگی می‌کنند و بسیاری از امکانات اردوگاه‌ها به سرقت رفته است. هنوز تعداد زیادی خانواده‌ها آواره هستند و حدود ۱۳ هزار خانواده از امکانات حمام و سرویس بهداشتی محروم‌اند و این بسیار غم‌انگیز است که هزینه‌هایی که باید صرف مردم شود این گونه به هدر می‌رود.

○ شما به اهمیت مسئله فضاهای شهری در زمینه ایمنی شهرها اشاره کردید. آیا دفتر تأسیسات و زیرساخت‌ها اقدام خاصی در این حیطه صورت داده است؟

● در مقوله فضاهای عمومی شهری، تأسیسات نقش مهمی را ایفا می‌کند. یکی از مسائل اساسی به هنگام بحران، وجود آب و برق و گاز است. برای این منظور از سال گذشته این دفتر، ایجاد وحدت رویه در بانک‌های اطلاعاتی و مدیریت تأسیسات زیرزمینی را آغاز کرد و در زمان حاضر نیز نشست‌های ماهانه مشترکی با نمایندگان وزارتخانه‌های ذی‌ربط، برای تهیه این بانک اطلاعاتی برگزار می‌شود. یکی از تأثیرات مثبت این اقدام، ایجاد هماهنگی میان سازمان‌های متولی آب و فاضلاب، گاز، مخابرات و برق است. در این بانک اطلاعاتی، اطلاعات مربوط به هر یک از این سازمان‌ها پردازش می‌گردد و ارائه می‌شود. از جمله ظرایف این اقدام آن است که اطلاعات جمع‌آوری شده باید به یک زبان پردازش و ارائه شود. به همین منظور شاخص‌های اطلاعاتی تأسیسات زیرزمینی نیز تدوین شده است که به زودی برای تصویب به شورای ملی GIS ارائه می‌شود. از دیگر مواردی که در هنگام بحران مشکل‌زاست، تأسیسات و حفاری‌های شهری است. به منظور مواجهه با این مشکل با همکاری دفتر تأسیسات و زیرساخت‌ها در سال گذشته پروژه تونل مشترک در استان اصفهان اجرا شد. از دیگر نکات مهم در ایمنی، مقاوم‌سازی پل‌ها به عنوان بخشی از شریان‌های اصلی شهرهاست. این دفتر در این زمینه نیز اقداماتی را انجام داده است که اجرای پروژه مدیریت پل‌های شهری و تهیه شناسنامه پل‌های شهری، برای نخستین بار، مصداق آن به شمار می‌رود. تدوین الگوی استاندارد ایمنی در ساخت و ساز از دیگر فعالیت‌هایی است که در دفتر تأسیسات و زیرساخت‌ها مورد مطالعه قرار گرفت و تدوین شد.

در خلال برگزاری سمینار، گفت و گویی با رضا منتظری، مدیر کل دفتر تأسیسات و زیرساخت‌های سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور صورت گرفت که بخش کوتاهی از آن در ادامه درج می‌گردد.

○ برنامه‌های دفتر تأسیسات و زیرساخت‌ها در زمینه مقاوم‌سازی تأسیسات زیربنایی شهری چیست؟

● موضوع ایمنی در شهرها از دو جنبه ایمنی در ساختمان‌ها و فضاهای عمومی شهری مد نظر قرار می‌گیرد. در زمینه ایمنی سازی ساختمان‌ها، نشست‌های مشترکی با وزارت مسکن و شهرسازی برگزار می‌شود که آخرین دستاورد این نشست‌ها، تدوین آیین‌نامه ماده ۳۳ قانون نظام مهندسی بود که دفتر زیرساخت‌ها این آیین‌نامه را به شهرداری ابلاغ کرده است.

برای اجرای این آیین‌نامه مجموعه‌ای از سازمان‌های مختلف سهیم هستند که محوریت آن با وزارت مسکن و شهرسازی و بازوی اجرایی آن نظام مهندسی است. از سوی دیگر شهرداری‌ها نیز با کمک نظام مهندسی، مقاوم‌سازی در ساخت و سازها را پیگیری می‌کنند. اما یکی از اقداماتی که دفتر تأسیسات و زیرساخت‌ها به طور مستقل پی می‌گیرد، تقویت پایه‌های اطلاعاتی برای حوزه‌های فنی و شهرسازی است. در زمان حاضر یکی از پایه‌های اطلاعاتی و بهترین سند در نظام ساخت و ساز، مقررات ملی ساختمان است. به همین منظور برای بیش از ۲۰۰ کارشناس و مدیران شهرداری‌ها، اولین دوره آموزشی مقررات ملی ساختمان با همکاری وزارت مسکن و شهرسازی در روزهای پایانی آذرماه امسال تدارک دیده شده است. اقدام دیگر این دفتر تهیه لوح فشرده‌ای است که حاوی اطلاعاتی درباره استفاده از مصالح مرغوب، شناسایی مصالح استاندارد و معرفی تولیدات استاندارد است. این لوح فشرده اکنون در میان شهرداری‌های کشور توزیع شده است.



نتایج جلسات گروه‌های کاری

– برنامه‌ریزی مفهومی چند بعدی است که آمادگی فیزیکی و غیرفیزیکی و سازمانی و فردی را در برمی‌گیرد.
– همکاری‌ها و تعاملات بین سازمانی در سطح ملی از عوامل موفقیت برنامه آمادگی به شمار می‌رود.
– ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی، قبل از وقوع بلاها و حوادث.
– دخالت جنبه‌های مختلف دانش بشری در برنامه‌های آمادگی (علوم مهندسی، پزشکی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی).
– آمادگی در برابر فاجعه، فرایندی پایدار و همیشگی است.

● **کار گروه جوامع محلی و برنامه‌های آماده‌سازی و پاسخ:**
– آموزش به مردم باید پیش از وقوع بلاها و به کمک سازمان‌های غیردولتی، اماان جماعت، و دیگر عناصر فعال جامعه مدنی صورت پذیرد.
– آموزش در تمامی سطوح، اجباری و الزامی است.
– هماهنگ کردن فعالیت مؤسسات خدماتی به وسیله جوامع محلی به منظور واکنش سریع در هنگام وقوع حادثه.

در سمینار سه روزه «مدیریت خطر زلزله در مناطق شهری» سه گروه کاری برگزار شد که خلاصه‌ای از نتایج جلسات این گروه‌ها در پی می‌آید:

● کار گروه سیاستگذاری‌ها و ترتیبات نهادینه:

– مدیریت فاجعه باید کلیه جنبه‌ها و سطوح مربوط به کاهش و آماده‌سازی را در برگیرد و ضمن تمرکز زدایی، گروه‌های مؤثر جامعه مدنی را نیز همچون سازمان‌های غیردولتی، بخش خصوصی و زنان مد نظر قرار دهد.
– تدوین و بازنگری قوانین و مقررات به منظور ایمنی در ساخت و سازهای شهری و آشکار کردن حوزه‌وظایف و امکانات مؤسسات دولتی ذی ربط.

● کار گروه آمادگی برای پاسخ در سطوح مختلف ملی:

– آمادگی برای پاسخ به فاجعه از سطح بومی و خانواده‌ها آغاز می‌شود و به تدریج به سطوح ملی می‌رسد.

NGO ها را در کلیه مراحل پیشگیری، آمادگی، مقابله و بازسازی جلب کند.

– شفاف سازی مسئولیت‌ها موجب تمرکز زدایی، جلب مشارکت عمومی، ایجاد حس مسئولیت‌پذیری و استفاده صحیح از منابع می‌شود.
– فرهنگ ایمنی باید به عنوان بخشی از برنامه‌های توسعه‌ای مدنظر قرار گیرد و از طریق انواع رسانه‌های جمعی به کودکان و خانواده‌ها آموزش داده شود.
– زنان باید نقش مؤثرتری در اشکال و برنامه‌های مختلف کاهش ریسک ایفا کنند.
– ظرفیت‌های لازم به وسیله دانش، تجربه و فناوری در سطوح بومی، ملی و بین‌المللی ایجاد می‌شود.
در پایان بیانیه شرکت کنندگان در این سمینار، از سازمان‌های بین‌المللی، دولتی و غیردولتی خواستند، اولویت‌های مطرح شده در بیانیه را به عنوان چارچوبی محکم برای کاهش ریسک حوادث و بلاها به دولت‌ها ارائه دهند. آنها همچنین ابراز امیدواری کردند که این امر به اتخاذ استراتژی بین‌المللی برای کاهش ریسک و در نهایت دستیابی به توسعه پایدار منجر شود.

بیانیه پایانی نشست

ماحصل همه گفت و گو و تعاملاتی که در این سمینار صورت گرفت، در بیانیه پایانی نشست تجلی یافت. به اعتقاد کلیه شرکت کنندگان، این بیانیه در واقع پیام سمینار برای کنفرانس «کاهش ریسک فجایع و حوادث» ژاپن به شمار می‌رود که در ژانویه سال ۲۰۰۵ میلادی در این کشور برگزار خواهد شد. در بخش آغازین این بیانیه چنین آمده است:
«زلزله بم در ۲۶ دسامبر ۲۰۰۳ بیش از ۳۰ هزار نفر کشته و زخمی بر جای گذاشت و این حکایت از آن دارد که سطح آسیب‌پذیری شهرها و ساکنان آنها بسیار بالاست». از دیگر نکات مورد تأکید بیانیه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
– مؤلفه‌های کاهش ریسک اغلب در دسترس‌اند اما به صورت کافی و مناسب مورد استفاده قرار نمی‌گیرند.
– مسئله «کاهش ریسک» باید در برنامه‌های توسعه و در کلیه سطوح در نظر گرفته شود. همچنین باید توازن مناسبی میان پاسخ بعد از فاجعه و آمادگی قبل از آن به وجود آید.
– مدیریت خطر باید از طریق تعاملات بین بخشی، همکاری سطوح بین‌المللی و محلی، دستگاه‌های اجرایی و

پانوشت:

I-Office of the United for the Conduction of The Humanitarian affairs

حال و آینده حمل و نقل همگانی شهری در ایران

آزاده افشار

کارشناس علوم ارتباطات اجتماعی



○ در زمان حاضر جایگاه سیستم اتوبوسرانی در حمل و نقل شهری، چه وضعیتی در سطح کشور دارد؟
● در کل کشور ۱۸۰۰۰ دستگاه اتوبوس در اختیار شرکت‌های واحد شهرداری‌های ۸۱ شهر است که به جابه جایی مسافران می‌پردازند و هر اتوبوس به طور متوسط روزانه ۸۰۰ مسافر را جابه‌جا می‌کند، که این رقم در طول یک سال به ۴ میلیارد و ۶۰۰ میلیون مسافر می‌رسد. در واقع ۲۲ درصد از حمل و نقل درون شهری بر عهده سیستم اتوبوسرانی است و متوسط طول سفر هر اتوبوس ۴ کیلومتر است.

○ در برنامه چهارم توسعه سهم حمل و نقل همگانی ۷۵ درصد پیش‌بینی شده است. در این بین سهم حمل و نقل اتوبوسرانی چه میزان افزایش خواهد یافت؟
● قرار است ظرفیت اتوبوسرانی به ۲ برابر یا صد درصد افزایش یابد و سهم اتوبوسرانی از حمل و نقل همگانی از حدود ۲۲ درصد در طول برنامه چهارم توسعه به دست کم ۴۰ درصد برسد. برای این منظور به خرید ۲۵ هزار دستگاه اتوبوس نیاز است که این تعداد به منظور افزایش و نوسازی ناوگان اتوبوسرانی در نظر گرفته شده است. البته در کنار این امر می‌بایست به مسائلی همچون افزودن مسیرهای دسترسی، کنترل دقیق ترافیک به نفع سیستم حمل و نقل همگانی نیز توجه کرد.

حمل و نقل و جابه جایی از کارکردهای اصلی حیات شهری است و از نیازهای اولیه شهر سالم به شمار می‌رود. معابر شهرهای بزرگ کشور ما به دلیل ناتوانی سیستم حمل و نقل همگانی از خودروهای شخصی فراوان انباشته شده‌اند و هفت شهر بزرگ کشور - یعنی تهران، اهواز، شیراز، اصفهان، کرج، مشهد و تبریز - به دلیل پدید آمدن مشکلاتی چون ترافیک سنگین، آلودگی زیست محیطی و نظایر اینها در سال‌های اخیر، شهرهای آلوده کشور لقب گرفته‌اند. بروز این مشکلات موجب اتخاذ سیاست‌های کلانی در زمینه توسعه ناوگان حمل و نقل همگانی شهری شده است. یکی از این سیاست‌ها که در برنامه چهارم توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی گنجانده شده، افزایش ۳۰ درصدی ناوگان حمل و نقل همگانی (از ۴۵ به ۷۵ درصد) در طول پنج سال اجرای برنامه چهارم توسعه بوده است.

دفتر حمل و نقل و ترافیک سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور از متولیان اصلی حمل و نقل شهری در کشور به شمار می‌رود. بر همین اساس ماهنامه گفت و گویی را با عبادالله فتح‌اللهی، مدیر کل این دفتر در مورد چگونگی افزایش ظرفیت ناوگان حمل و نقل همگانی ترتیب داده است، که در ادامه درج می‌گردد.

و یا تکمیل شود.

○ پروژه احداث ۲۰۰ کیلومتر خطوط ریلی در کدام یک از شهرهای کشور است؟

● این پروژه شهرهای تهران (۷۰ کیلومتر)، مشهد (۱۹ کیلومتر)، شیراز (۲۲ کیلومتر)، اصفهان (۲۰ کیلومتر)، تبریز (۱۸ کیلومتر)، کرج (۲۵ کیلومتر) و اهواز (۲۴ کیلومتر) را در برمی گیرد.

○ دولت برای ساخت مترو چه مبلغی را در نظر گرفته است؟

● دفتر حمل و نقل و ترافیک سازمان شهرداری‌ها برای تکمیل و ساخت متروی تهران و قطار شهری سایر شهرهای آلوده ۴ هزار میلیارد تومان اعتبار پیشنهاد کرده است.

○ ساخت هر کیلومتر مترو چه هزینه‌ای در بردارد؟

● ساخت هر کیلومتر مترو در تهران براساس آخرین مناقصه برگزار شده تقریباً ۳۰ میلیون دلار هزینه دربردارد و این قیمت خود بستگی به نوع تونل - یعنی عمیق، نیمه عمیق و سطحی - و تجهیزات و نظایر اینها خواهد داشت.

○ لایحه حمایت از سامانه‌های حمل و نقل ریلی درون شهری به چه منظوری تهیه شده و هدف از آن چه بوده است؟

● این لایحه که هیئت دولت آن را تصویب کرد، گامی مهم برای توسعه سیستم حمل و نقل همگانی به شمار می‌آید؛ زیرا شهرهای کشور در احداث خطوط مترو با خلأ قانونی مواجه بودند. این لایحه که در ۱۷ ماده تنظیم شده مجموعه‌ای کامل از نکات و مسائل حقوقی برای احداث خطوط مترو است که برای تسریع در ساخت مترو مورد نیاز بود.

برای نمونه، یکی از این مشکلات حفر تونل مترو بود، زیرا تونل می‌بایست از زیر ملک مردم عبور می‌کرد و قانونی هم در این خصوص وجود نداشت. شرکت راه آهن شهری تهران برای احداث مترو ناگزیر بود زیر املاک شهروندان تونل حفر کند و در عین حال نسبت به تملک آنها هم اقدام نکرده بود. تنها کافی بود که نکات فنی رعایت شود تا خسارتی به ملک شهروندان وارد نیاید. اما هم اکنون ماده ۱۱ لایحه مذکور به این امر اختصاص یافته است، و با وجود آن بسیاری از مشکلات قانونی که در این زمینه وجود داشت از بین می‌رود.

○ در لایحه حمایت از سامانه‌های حمل و نقل ریلی درون شهری میزان سرمایه‌گذاری دولت برای سامانه‌های حمل و نقل ریلی درون شهری ۵۰ درصد ذکر شده است، در حالی که این رقم در گذشته ۷۰ درصد بوده است. نظر شما در این خصوص چیست؟

● حمایت ریالی و نقدی اهمیت عمده‌ای در پیشبرد پروژه‌ها دارد. در گذشته براساس توافقاتی که با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به عمل آمده بود، ۷۰ درصد هزینه ساخت قطارهای شهری به عهده دولت بود و ۳۰ درصد به عهده شهرداری‌ها.

○ از آنجا که استفاده از اتوبوس‌های گازسوز یکی از

مهم‌ترین شیوه‌ها برای پیشگیری از آلودگی زیست‌محیطی شهری است، تاکنون در این زمینه چه فعالیت‌هایی را به انجام رسانده‌اید؟

● تغییر سوخت از جمله اقداماتی بود که به طور جدی به آن پرداخته شد، به گونه‌ای که امسال قراردادی با شرکت ایران خودرو برای تولید ۱۷۵۰ دستگاه اتوبوس گازسوز منعقد شد، تا این اتوبوس‌ها بین هفت شهر آلوده کشور - یعنی تهران، مشهد، اصفهان، شیراز، تبریز، کرج و اهواز - توزیع شوند. تاکنون ۷۵۰ دستگاه اتوبوس گاز سوز تحویل شرکت واحد تهران شده است و بیش از ۲۰۰ اتوبوس را نیز شرکت واحد تهران گازسوز کرده است. به علاوه هم اکنون مقدمات تبدیل مصرف سوخت گازوئیل به گاز در اتوبوس‌های شهرهای آلوده کشور فراهم شده است. ناوگان اتوبوسرانی از جمله سیستم‌های حمل و نقلی است که نقش عمده‌ای را در سفرهای درون شهری ایفا می‌کند. به همین جهت می‌بایست جایگاه‌های سوخت گاز به تعداد کافی در شهرها آماده باشد تا اتوبوس‌ها در صورت گازسوز شدن مشکلی به لحاظ سوخت نداشته باشند.

○ چه امکانات مالی برای گازسوز کردن اتوبوس‌ها فراهم

شده است؟

● ۶۵ درصد هزینه اتوبوس‌های گازسوز را دولت تأمین می‌کند. در ضمن طی موافقت‌نامه سالانه بین سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، امسال ۹۰ میلیارد تومان به این امر اختصاص داده شده است. از سویی هیئت وزیران برای سرعت بخشیدن به این امر موافقت خود را برای معافیت گمرکی قطعات وارداتی به منظور گازسوز کردن اتوبوس‌ها اعلام کرده‌اند. همچنین با تصویب شورای اقتصاد، به ازای هر دستگاه اتوبوس گازسوز (به ارزش ۱۲ هزار دلار)، بارانه پرداخت می‌شود.

○ وضعیت حمل و نقل ریلی درون شهری در کشور چگونه

است؟

● تنها مترو کشور که به بهره‌برداری رسیده مترو تهران به طول ۷۹ کیلومتر است. در هفت کلان شهر نیز پروژه احداث قطار شهری به طول ۲۰۰ کیلومتر آغاز شده است.

○ هم اکنون چند درصد از سفرهای درون شهری به وسیله

سیستم حمل و نقل ریلی (مترو) انجام می‌گیرد؟

● ۴ درصد، که متوسط طول سفر با مترو برای هر مسافر ۱۶ کیلومتر است.

○ سیاست‌های برنامه چهارم توسعه برای افزایش سهم

مترو در حمل و نقل همگانی شهری چیست؟

● پیش‌بینی شده است که در طول اجرای برنامه چهارم توسعه، سهم مترو و حمل و نقل ریلی از ۴ درصد به ۱۵ درصد افزایش یابد؛ که برای دستیابی به آن می‌بایست ۲۰۰ کیلومتر خطوط ریلی ساخته



که اساسنامه آن تأیید گردیده و تاکنون ۸۰ شهر اقدام به تشکیل سازمان حمل و نقل همگانی کرده‌اند. برای شهرهای ۳۰ تا ۵۰ هزار نفر نیز به کارگیری سیستم حمل و نقل مینی بوس و میدل باس در نظر گرفته شده که متناسب با نیاز شهروندان است.

○ **بر اساس مطالعات انجام شده معاینه فنی خودروها به طور متوسط ۱۰ درصد در کاهش مصرف سوخت و ۲۵ درصد در کاهش انتشار دود آلاینده منوکسید کربن و هیدروکربن‌های نسوخته مؤثر است. در این خصوص چه کرده‌اید؟**

● کنترل کیفیت خودروهای موجود در سطح شهر از دیگر فعالیت‌هایی بود که به آن پرداخته شد. تردد خودروها در سطح معابر شهری می‌بایست به گونه‌ای باشد که محیط شهری را آلوده نکند. بر همین اساس، با تأمین بودجه از سوی سازمان محیط زیست، ۵۰ سری خط معاینه فنی (دستگاه تست آلودگی اگزوز، دستگاه تست بالانس چرخ‌ها، دستگاه تست ترمز ماشین و نظایر اینها) به وسیله سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور خریداری گردید. به علاوه این سازمان ۲۴ سری خط معاینه فنی نیز خریداری کرد. این ۲۴ سری خط معاینه فنی اکنون میان هفت شهر آلوده کشور در حال توزیع است که بلافاصله پس از احداث جایگاه ویژه از سوی شهرداری‌ها مراکز معاینه فنی در شهرها راه‌اندازی خواهند شد.

○ **پرداختن به آموزش رفتارهای ترافیکی از مهم‌ترین اصول در نهادینه کردن قوانین عبور و مرور است. آیا در این زمینه فعالیت خاصی داشته‌اید؟**

● در آغاز سال تحصیلی جدید پیرو مصوبه شورای عالی ترافیک و ابلاغ دستورالعمل پلیس (گذربان) مدرسه، بخشنامه‌های معاونت راهنمایی و رانندگی ناجا و وزارت آموزش و پرورش، سازمان شهرداری‌ها در همکاری صمیمانه برای اجرای طرح پلیس مدرسه در مدارس شهرها اقدام به خرید و توزیع ۵۰ هزار واحد تجهیزات پلیس مدرسه از قبیل جلیقه، علائم و پرچم کرد. این سازمان در نظر دارد تا در آینده نیز ۵۰ هزار واحد تجهیزات مورد نیاز پلیس مدرسه را خریداری و میان مدارس دیگر شهرها توزیع کند.

○ **از وقتی که در اختیار گذاشتید سپاسگزاریم.**

لایحه مصوب دولت رقم مذکور تغییر یافته است و دولت و شهرداری‌ها هر یک ۵۰ درصد را عهده‌دار شده‌اند.

البته اکنون از سوی دفتر حمل و نقل سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها رایزنی‌هایی صورت می‌پذیرد تا این رقم به همان رقم قبلی (۷۰ درصد دولت ۳۰ درصد شهرداری) تغییر یابد؛ زیرا هرچه سهم شهرداری‌ها افزایش یابد، چون شهرداری‌ها سازمانی‌هایی غیردولتی‌اند، این فشار به شهروندان تحمیل خواهد شد.

○ **در زمان حاضر سیستم حمل و نقل تاکسی رانی چه وضعیتی در کشور دارد و چه میزان از حمل و نقل همگانی شهری را عهده‌دار است؟**

● در زمان حاضر ۱۵۰ هزار تاکسی پلاک قرمز در سیستم تاکسی‌رانی کشور مشغول فعالیت‌اند و ۲۴ درصد از سهم حمل و نقل همگانی را عهده‌دار هستند.

○ **چه سیاست‌هایی برای این ناوگان در نظر گرفته شده است؟**

● از جمله سیاست‌های پیش‌بینی شده برای این ناوگان، بهسازی آن است تا با ارتقای کیفیت خودروهای تاکسی‌رانی، شهروندان نیز از خدمات با کیفیت‌تری بهره‌مند شوند. در برنامه چهارم توسعه نیز افزایش این ناوگان پیش‌بینی نشده است.

○ **آیا برای گازسوز کردن تاکسی‌ها برنامه‌ای در دست دارید؟**

● سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها در سال ۱۳۸۲ با شرکت ایران خودرو برای دریافت ۱۵ هزار دستگاه خودرو سمند گازسوز قرارداد منعقد ساخته و تاکنون نیز حدود ۴ هزار دستگاه سمند دریافت و میان شهرهای آلوده کشور توزیع کرده است تا جایگزین تاکسی‌های فرسوده شوند. همچنین در حال پیگیری امور دریافت و توزیع ۱۱ هزار خودرو دیگر هستیم.

○ **برای نوسازی ناوگان تاکسی‌رانی چه تسهیلاتی برای تاکسی‌داران فراهم شده است؟**

● به ازای هر تاکسی فرسوده، ۲ میلیون تومان کمک بلاعوض از سوی دولت به مالک پرداخت می‌شود و با تسهیلاتی که از طریق بانک رفاه تا سقف ۷ میلیون تومان در اختیار تاکسی‌داران قرار می‌گیرد، مالکان تاکسی می‌توانند یک تاکسی سمند خریداری کنند و ماهیانه مبلغ ۱۳۰ هزار تومان قسط بپردازند.

○ **از جمله اقدامات اساسی در حمل و نقل، انجام مطالعات و برنامه‌ریزی است. در این زمینه چه اقداماتی را تاکنون به انجام رسانده‌اید؟**

● دفتر حمل و نقل با مشارکت شهرداری‌های شهرهای با جمعیت ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر مطالعات ساماندهی حمل و نقل را در دست اجرا دارد که نتایج این مطالعات سیاست‌گذاری‌ها و خط‌مشی‌های حمل و نقل شهری را تعیین می‌کند. برای شهرهایی با جمعیت ۳۰ تا ۱۰۰ هزار نفر نیز علاوه بر انجام مطالعات سامانه حمل و نقل تأسیس سازمان حمل و نقل همگانی در نظر گرفته شده

تهران میزبان شهرداران هلند

حمیده مؤمنی

کارشناس علوم ارتباطات اجتماعی

در ابتدای این همایش محمدحسن خوشنویس به تشریح نقش و جایگاه مشارکت‌های مردمی در اداره امور شهرها و تأکید برنامه چهارم پرداخت و با توجه به قرابت شهرهای دو کشور ایران و هلند به جهت حضور فرهنگ‌ها، قومیت‌ها و مذاهب گوناگون، استفاده از اصول گفت‌وگو به معنی تبادل آرا میان شهرداران دو کشور به منظور افزایش فرهنگ مشارکت مردمی میان دو کشور را مفید و مؤثر خواند.

حسین ایمانی جاجرمی مدیر کل دفتر آموزش و توسعه نیروی انسانی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها با اشاره به این نکته که ایران، کشوری روستایی بود که در آغاز قرن بیست و یکم از طریق تعامل گسترده با دنیا و ورود به عرصه مناسبات اقتصادی به جامعه شهری تبدیل شد، گفت: «با تشکیل شوراهای ۷ سال پیش شاهد حضور نمایندگان مردم در کنار شهرداری‌ها در حل مسائل شهری بوده‌ایم، می‌توان به صراحت گفت که ایران در زمینه دموکراسی محلی دارای تجربیات با ارزشی است که می‌تواند برای دیگر کشورها مورد توجه باشد. به لحاظ تاریخی نیز همواره ایرانیان مشتاق برقراری ارتباط و کسب تجربه از کشورهای دیگر بوده‌اند».

«سکوف» شهردار «آلفن آن در ریین» دبیر کانون شهرداران

دفتر آموزش و توسعه منابع انسانی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور به منظور تبادل تجربیات و اطلاعات در زمینه مدیریت شهری و نقش مشارکت‌های مردمی، کارگاهی با حضور شهردارانی از کشور هلند و تنی چند از شهرداران ایرانی و مدیران دفاتر شهری و روستایی و استانداران برگزار کرد. این نشست به همت دفتر پژوهش‌های فرهنگی شهرداری تهران و رایزنی‌های صورت گرفته این دفتر با شهرداران هلند، در محل هتل سیمیرغ تهران و با این اهداف برگزار گردید: انجام تبادل نظر در خصوص راه‌های افزایش مشارکت‌های مهاجران مسلمان در امور شهری کشورهای غیرمسلمان و آشنایی و بهره‌گیری از تجربیات مدیران شهری در ایران به عنوان تنها کشوری که مهاجران آن کمترین مشکل را برای مدیریت شهری در هلند ایجاد کرده‌اند، و همچنین تبادل تجربه‌های مدیریت شهری دو کشور برای جلب مشارکت‌های مردمی.

شرکت کنندگان در این همایش عبارت بودند از: شهرداران ۸ شهر پیرامون کلان‌شهر نوتردام- پایتخت هلند- و مدیران کل دفاتر شهری و روستایی استانداری قزوین و اصفهان، شهرداران ارومیه، مرودشت، ساوه و یزد و چند تن از مدیران شهرداری تهران.



هلند و عضو هیئت نمایندگی هلند در کمیته امور مناطق اتحادیه اروپا، به عنوان دیگر سخنران این همایش، با اشاره به وجود فرهنگها و اقوام مختلف از جمله مسلمانان در شهرهای هلند، هدف از سفر هیئت هلندی را تبادل تجربه و دانش و اطلاعات و بحث بر سر موضوع دولت‌های محلی و مشارکت‌های مردمی در اداره امور شهرها دانست و افزود: «ما آمده‌ایم تا بدانیم مدیریت شهرها در کشوری اسلامی چگونه است، زیرا جمعیت مسلمان در کشور ما رو به افزایش است و پس از واقعه ۱۱ سپتامبر احتمال التهاب و تنش میان جوامع مسلمان و غیرمسلمان وجود دارد».

سکوف ضمن تأکید بر گسترده بودن اختیارات دولت‌های محلی در هلند گفت: «در هلند شهرداری‌ها علاوه بر انجام وظایف مختلف، در امور محلی سیاست‌گذاری می‌کنند و به وضع قوانین محلی می‌پردازند و برای این کار حتی نیاز به کسب مجوز از دولت مرکزی ندارند. آنها در پاره‌ای موارد ملزم به رعایت قوانین ملی - که از جانب دولت مرکزی به تصویب رسیده است - هستند».

وی در ادامه، بخشی از وظایف شهرداری‌ها را چنین برشمرد: ثبت احوال شهروندان، صدور مجوز ساخت و ساز، آموزش، خدمات عمومی، صدور پاسپورت، تأمین حمل و نقل عمومی، تأمین اجتماعی، مدیریت ترافیک، امور فرهنگی و ورزش و نظایر اینها. دبیرکانون شهرداران هلند، از جمله فعالیت‌های صورت گرفته به وسیله شهرداری را برای جلب مشارکت‌های مردمی، اعطای سوبسید به نهادهای خصوصی ارائه دهنده خدمات عام المنفعه و اجتماعی برای انجام پروژه‌های تحت نظارت شهرداری برشمرد.

در ادامه همایش هر کدام از شهرداران شرکت کننده در این نشست پس از معرفی شهرهای خود به لحاظ جغرافیایی، به تشریح وظایف مدیریت شهری در هر شهر پرداختند. عبدالهی شهردار ارومیه نقش مردم را در انتخابات شوراها در ایران تعیین کننده دانست و افزود: «شوراهای منتخب مردم به عنوان سیاستگذار در مدیریت شهری عمل می‌کنند و مجوزهای لازم از سوی دولت پس از تصمیمات شورا گرفته می‌شود و شهردار به عنوان مجری و حلقه اتصال میان دولت و شورا عمل می‌کند و در این روند شورا به عنوان ناظر بر عملکرد شهرداری حضور دارد». وی از جمله برنامه‌های آینده دولت را برای تقویت حکومت‌های محلی، واگذاری بخشی از

مسئولیت‌های تعریف شده در قانون به شهرداری‌ها خواند که به مرور به کوچک شدن دولت و تقویت حکومت‌های محلی منجر خواهد شد.

کورش عابدینی مدیر کل دفتر شهری و روستایی استانداری قزوین نیز با تأکید بر افزایش تشکلهای غیردولتی پس از تشکیل شوراها و حضور مردم در اجرای طرح‌های عمرانی گفت: «در زمان حاضر در تهیه طرح‌های توسعه شهری مردم نمی‌توانند اعلام نظر کنند. لیکن با اصلاح قانون شوراها در دو سال گذشته مبنی بر اینکه طرح‌های توسعه شهری پس از اعلام و بررسی به وسیله شهرداری‌ها باید به تأیید شوراها برسد، زمینه حضور مردم در فرایند تهیه طرح‌های شهری پررنگ‌تر شده است».

در ادامه کورنلیس شهردار شهر گودا از هلند با اشاره به مشکلاتی که برخی مسلمانان در شهرهای هلند از لحاظ عدم مشارکت در امور شهری دارند، آشنایی فرهنگی و مذهبی را زیربنای شناخت اقوام مختلف در شهرها خواند. وی افزود: «با توجه به آموزش‌های دینی که در ادیان مختلف بیان شده است، به منظور بهره‌گیری از مشارکت اقوام مسلمان در هلند لازم است برنامه‌ریزان و سیاستگذاران شناخت لازم را از دین اسلام داشته باشند که این امر مستلزم برگزاری نشست‌های مختلف و بحث و تبادل نظر است».

در ادامه این نشست احمد توهان، معاون برنامه‌ریزی و توسعه سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها به تشریح سیاست‌های دولت در امر اداره امور شهرها و تقویت نهادهای عمومی پرداخت. وی از جمله فعالیت‌های صورت گرفته برای تحکیم نهادهای محلی از جمله شهرداری‌ها - در ایران - تشکیل سازمان شهرداری‌ها دانست که با سه وظیفه مشخص ایجاد شد: آموزش، راهبری و توانمندسازی شهرداری‌ها. وی گفت: «این سازمان در زمان حاضر با راهبردهایی چون، توانمندسازی شهرهای تازه تأسیس و کوچک، کمک به شهرهای متوسط و کمک به برخی پروژه‌ها و برنامه‌های عمرانی در شهرهای با جمعیت بالا به کار خود ادامه می‌دهد».

در پایان این نشست، شرکت کنندگان به تبادل آراء در زمینه مسائل دیگر شهری همچون چگونگی تعامل میان شهرداران و شهرسازان، منابع درآمدی شهرداری‌ها، مدیریت زمین، اجرای طرح‌های توسعه شهری، تأمین مسکن و رابطه شهرداری با دولت مرکزی پرداختند.

سرویس خبر و گزارش ماهنامه،
آماده دریافت و انعکاس
آخرین اخبار شهرداریهاست

سرویس خبر و گزارش ماهنامه،
آماده دریافت و انعکاس
آخرین اخبار شهرداریهاست

هیئت دولت تصویب کرد: لایحه حمایت از سامانه‌های حمل و نقل ریلی درون شهری

لایحه حمایت از سامانه‌های حمل و نقل ریلی درون شهری پس از تصویب در هیئت دولت، برای طی مراحل قانونی تقدیم مجلس شد.

تدوین کنندگان لایحه مذکور، مهم‌ترین هدف آن را جا به جایی ده درصدی مسافران درون شهری از طریق حمل و نقل ریلی تا پایان برنامه چهارم توسعه عنوان می‌کنند. از سوی دیگر براساس این لایحه دولت موظف است میزان ۵۰ درصد هزینه‌های سیستم حمل و نقل ریلی را بپردازد. این در حالی است که تا پیش از تصویب این لایحه، هیچ سند قانونی که دولت را ملزم به سرمایه‌گذاری در سیستم حمل و نقل ریلی درون شهری کند وجود نداشت. از دیگر ویژگی‌های این لایحه دخالت دادن مدیریت شهری در انجام مطالعات اولیه، تدوین ضوابط و دستورالعمل‌ها و اجرای سامانه حمل و نقل ریلی است.

در ماده «۲» این لایحه شهرداری‌های شهرهای بالای ۵۰۰ هزار نفر جمعیت موظف به تهیه طرح جامع حمل و نقل و ترافیک هستند و در شهرهای بالای ۱ میلیون نفر جمعیت نیز، باید مطالعات امکان‌سنجی این سیستم حمل و نقل درون شهری، براساس طرح جامع حمل و نقل و ترافیک مصوب، صورت پذیرد.

در ماده «۳» این لایحه، شهرداری‌ها به عنوان دستگاه اجرایی احداث سامانه حمل و نقل ریلی درون شهری و بهره‌بردار آن معرفی شده‌اند.

بر اساس ماده «۴» لایحه، شهرهای بالای ۵۰۰ هزار نفر جمعیت باید به منظور مدیریت یکپارچه حمل و نقل عمومی شهری، اصلاحاتی را در ساختار تشکیلاتی خود ایجاد کنند. مطابق تبصره «۱» این ماده، کلیه

دستورالعمل‌ها، ضوابط و راهکارها برای اصلاح ساختار مدیریت حمل و نقل عمومی در شهرها، با توجه به ویژگی‌های هر شهر، به پیشنهاد مشترک سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و با تصویب شورای عالی اداری کشور به شهرداری‌های ذی‌ربط ابلاغ گشته و لازم‌الاجراست.

فاینانس، شهرداری ذی‌ربط باید با گرفتن مصوبه شورای شهر اقدام کند.

سازمان شهرداری‌ها و وزارت امور اقتصاد و دارایی باید ضوابط اجرایی استفاده از روش ساخت، بهره‌برداری و واگذاری (BOT) را با استناد به قوانین موجود تدوین و به شهرداری‌های مشمول ابلاغ کنند.



لازم به ذکر است تدوین اصول حاکم بر تأمین و ساخت تأسیسات و ماشین‌آلات و طراحی و بهره‌برداری این سیستم حمل و نقل وظیفه دیگری است که بر اساس ماده «۸» لایحه به عهده سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌هاست.

بر اساس ماده «۹» این لایحه شورای اسلامی شهرهای بالای ۵۰۰ هزار نفر که طرح مصوب دارند، به منظور حمایت از سیستم حمل و نقل ریلی می‌توانند نسبت به وضع عوارض استفاده از خدمات حمل و نقل اقدام کنند.

طبق ماده دیگر این لایحه، کمیسیون‌های ماده «۵» قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مکلف‌اند خارج از نوبت نسبت به بررسی موضوع تغییر کاربری در محدوده مسیر و اطراف ایستگاه‌ها برحسب درخواست شهرداری ذی‌ربط اقدام کنند.

یادآور می‌شود که مسئولیت حسن اجرای این قانون بر اساس ماده «۱۷» لایحه به عهده سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور گذاشته شده است.

ماده «۵» این لایحه که در ابتدای خبر نیز به آن اشاره شد، حکایت از سهم ۵۰ درصدی دولت در تأمین هزینه مطالعات و سرمایه‌گذاری این سیستم حمل و نقل دارد. گفتنی است مابقی اعتبار مورد نیاز طرح، به وسیله شهرداری ذی‌ربط از محل منابع داخلی و یا مشارکت با بخش خصوصی تأمین می‌شود. تبصره الحاقی این ماده به نقش سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور در تدوین ضوابط اجرایی همکاری با بخش خصوصی و تعیین اولویت سرمایه‌گذاری در ایستگاه‌ها اشاره می‌کند. ضوابط مذکور پس از تصویب هیئت وزیران لازم‌الاجراست.

مواد «۶» و «۷» لایحه مذکور به شهرداری‌ها اجازه می‌دهد از سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی برای احداث قطار شهری و سیستم حمل و نقل ریلی استفاده کنند. از جمله نکاتی که مورد تأکید این دو ماده قرار گرفتند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

– در صورت استفاده از بازارهای سرمایه خارجی، وزارت امور اقتصاد و دارایی موظف به بازپرداخت فاینانس تا سقف مشخص شده در ماده «۴» لایحه است. همچنین درباره بازپرداخت مابقی تسهیلات

اولین شهردار بافت قدیم گرگان

با توجه به آیین نامه اجرایی بند ج ماده ۱۶۶ هیئت وزیران و مصوبات شورای اسلامی شهر گرگان و کار گروه کمیته گردشگری و میراث فرهنگی، شهرداری بافت قدیم در این شهر تأسیس گردید و اولین شهردار بافت قدیم گرگان نیز منصوب شد.

بافت قدیم گرگان در هسته مرکزی شهر گرگان با وسعتی به مساحت تقریبی ۱۳۰ هکتار واقع است که رشد و توسعه شهر در مراحل مختلف توسعه به دور این هسته مرکزی شکل گرفته است. شهردار گرگان بنا بر آیین نامه اجرایی بند ۶ ماده ۱۶۶ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مینو نظری کارشناس ارشد رشته معماری و شهرسازی را به عنوان شهردار بافت قدیم گرگان منصوب کرده و وی مشغول به کار شده است.

مینو نظری شهردار بافت قدیم گرگان در گفت و گو با ماهنامه شهرداریها به مهم ترین ارزش های بافت قدیم اشاره می کند و می گوید: «از مهم ترین ارزش های بافت قدیم شهرهایی چون گرگان، نظم ارگانیک است که برگرفته از ویژگی های اعتقادی، سنن، آداب، اقلیم و شیوه معیشت است، و این بافت ها

نمادی از سوابق فرهنگی و مدنی شهرها به شمار می آیند».

وی در تشریح مشکلات موجود در بافت قدیم گفت: «عمده مشکلات سازمان فضایی بافت قدیم در درجه اول ناشی از ضعیف شدن سازمان و نظمی است که روزگاری تمامی عناصر با ارزش بافت تاریخی شهر براساس آن به تدریج شکل گرفته بودند. همچنین عدم تطابق قوانین شهرسازی جدید در قالب طرح های جامع و تفصیلی را می توان عاملی دانست که نهایتاً منجر به بروز نابسامانی ها و آشفتگی ها در عملکردها و کاربری های شهری گردیده اند».

شهردار بافت قدیم گرگان از بین رفتن هویت شهری در اثر بی توجهی حکام و مسئولان شهری دوره پهلوی و نابود کردن هرگونه آثار و علائم تاریخی شهر - مانند دروازه ها، برج ها، بازارها، باروها و بناهای با ارزش - را عامل تهی شدن از این گونه نشانه ها دانست.

مینو نظری در پاسخ به اینکه «ایجاد مدیریت ویژه برای بافت های قدیم چه ضرورتی دارد؟»، چنین گفت: «وجود متولیان و سازمان های مختلف در امر حفظ و نگهداری بافت های با ارزش و عدم درک صحیح جامعه و سازمان های اجرایی از ارزش های واقعی هویت های تاریخی - فرهنگی و معماری و فقدان نظام مدیریت واحد شهری، این ارزش ها را به

سوی اضمحلال سوق داده است. لذا در برنامه سوم توسعه با نگرشی صحیح، با تصویب ماده ۱۶۶ سه نهاد شهرداری، وزارت کشور و وزارت مسکن ملزم شدند در تعاملی مثبت با سازمان میراث فرهنگی و گردشگری سرمایه گذاری ویژه ای را برای اصلاح امور بافت های تاریخی و بناهای ارزشمند موجود در آنها انجام دهند».

شهردار بافت قدیم گرگان اصولی ترین و زیربنایی ترین برنامه خود را تهیه سند راهبردی و تفصیلی برای بهسازی، نوسازی و بازسازی بافت قدیم دانست که هم اکنون شهرداری برای تهیه و تنظیم چنین سندی در حال عقد قرار داد با مشاوران ذی صلاح است.

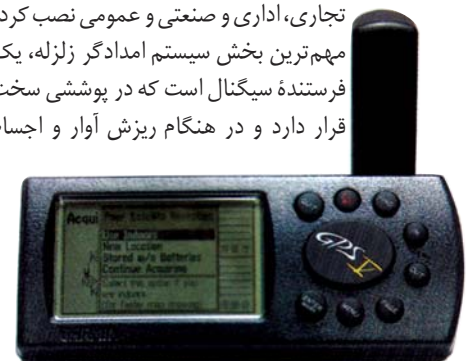
مینو نظری در ادامه از جمله مهم ترین اهداف توسعه بافت را بالا بردن ضریب ماندگاری جمعیت و رشد اقتصادی بافت تاریخی برشمرد. به گفته وی این هدف می تواند از طریق سازوکارهای ذیل انجام پذیرد:

۱- بالا بردن سطح امنیت کالبدی بناها؛ ۲- بالا بردن سطح کیفیت فضاهای شهری بافت؛ ۳- بالا بردن سطح خدماتی شهر در حیطه اماکن فرهنگی، آموزشی، مراکز ادارات دولتی و غیردولتی (NGOها) و جز اینها؛ ۴- تشویق و مشارکت بخش های خصوصی به ساخت و ساز و ایجاد انگیزه هایی برای رشد اقتصادی زمین در محله های بافت قدیم.

نوآوری صنعتگران اصفهانی در امداد رسانی

گروهی از صنعتگران اصفهانی موفق به طراحی و ابداع سیستم اطلاع رسانی و راهنمای امدادگران زلزله شدند.

این دستگاه که به تازگی در اداره ثبت شرکت ها و مالکیت صنعتی کشور به ثبت رسیده است، در هنگام زلزله یا حمله های هوایی مورد استفاده قرار می گیرد و می توان آن را در منازل مسکونی و سایر اماکن تجاری، اداری و صنعتی و عمومی نصب کرد. مهم ترین بخش سیستم امدادگر زلزله، یک فرستنده سیگنال است که در پوششی سخت قرار دارد و در هنگام ریزش آوار و اجسام



این دستگاه موجب می شود عملیات آواربرداری، خروج آسیب دیدگان از زیرخاک و انتقال آنها به بیمارستان ها و مراکز و اطلاع رسانی درباره وضعیت افراد حادثه دیده نیز دقیق تر و با سرعت بیشتری صورت گیرد».

هادوی فرد در ادامه می افزاید: «پس از کشف دستگاه در محل، تمامی اطلاعات مربوط به هویت اشخاص از دستگاه امدادگر به دستبندی دیجیتالی انتقال می یابد و به همراه مصدوم به محل درمان منتقل می شود تا پس از انجام امور درمانی، هویت شخص موردنظر از طریق اتصال دستبند به رایانه مشخص شود».

یادآور می شود زلزله بم که تنها ۱۲ ثانیه به طول انجامید، نزدیک به ۵۰ هزار نفر کشته و مجروح به جا گذاشت. بسیاری از حادثه دیدگان در ساعات اولیه حادثه در زیر آوار جان خود را از دست دادند. بسیاری بی آنکه هویت شان مشخص شود، به خاک سپرده شدند و مصدومان اندکی نیز در اثر شوک ناشی از حادثه یا جراحت از ناحیه سر دچار فراموشی شدند.

بسیار مقاوم است. از آنجا که دستگاه فرستنده باید به وسیله کاربر روشن گردد، نصب آن در مکان و موقعیت مناسب همچون محوطه خروجی ساختمان، تراس یا حیاط ضروری است. در صورت وقوع زلزله دستگاه فرستنده با ارسال سیگنال یا پالس صدا دار، کد موقعیت و محل نصب خود را به گیرنده اعلام می کند. لازم به ذکر است که همزمان با نصب دستگاه در محل موردنظر، موقعیت محل نصب، اطلاعاتی از ساکنان شامل نام و شماره شناسنامه و کد ملی و نشانی اقوام، به صورت کد وارد دستگاه می شود. پس از وقوع زلزله و ارسال سیگنال ها، سیستم ردیاب یا گیرنده که در اختیار هلال احمر، آتش نشانی، بسیج و دیگر سازمان های امداد رسانی قرار خواهد گرفت، با دریافت کد موقعیت و با استفاده از پیشرفته ترین فناوری تعیین موقعیت ماهواره ای، محل دقیق نصب دستگاه را می یابد و عملیات امداد رسانی آغاز می گردد. در این حالت با دریافت مشخصات ساکنان و تعیین هویت آسیب دیدگان هر گونه اقدام بعدی به سرعت انجام می پذیرد.

مهرداد هادوی فرد، مسئول گروه طراحی این دستگاه، با اشاره به مطالب مذکور می افزاید: «ابداع

برازجان، شهری با ایده‌های مردمی

شهروندان شهر برازجان در بوشهر، شهر ایده‌آل خود را در قالب آثار هنری از شهردار خواستار شدند.

این خواسته زمانی صورت گرفت که شهرداری و شورای اسلامی شهر برازجان به منظور رفع معضلات و مشکلات شهر و توسعه پایدار شهری اقدام به نظرخواهی عمومی از شهروندان کردند. این نظرخواهی با فراخوان «شما چگونه شهری می‌خواهید؟» در تیرماه

سال ۱۳۸۳ با پخش پوستر و اعلام از نماز جمعه صورت پذیرفت و به دنبال آن آثاری در هفت محور مقاله، شعر، نقاشی، فیلم، عکس، طراحی و کاریکاتور به ستاد مشارکت‌های مردمی شهرداری واصل شد.

هوشنگ رستم‌پور، شهردار برازجان، هدف از این فراخوان را دستیابی به ایجاد همگرایی در دو بعد شهر و شهرداری، ارتباط با مردم و جلب مشارکت‌های مردمی عنوان کرد.

حاصل این فراخوان که با استقبال گروه‌های سنی مختلفی مواجه شد، ۳۰ اثر ارسال بود، مشتمل بر طرح‌ها و آثاری که حکایت از ایده‌هایی نو برای شهرداری داشتند و تأکید عمده آنها بر معضلات شهری



را در مکانیزه کردن جمع‌آوری پسماندها برداشته است. امیر رحیمی، شهردار منطقه ۱ کرمانشاه، شروع این پروژه را از نوزدهم آبان‌ماه سال جاری عنوان کرد و توضیح داد که برای اجرای این طرح در سطح شهر ۳ مخزن سبزرنگ ویژه مواد آلی پسماندهای غذایی، باغچه‌ای، مخزن خاکستری رنگ ویژه پسماندهای غیرباز یافتی و گونی زردرنگ مخصوص مواد خشک بازیافتی در نظر گرفته شده است.

وی گفت در زمان حاضر نزدیک به ۱۰۰۰ مخزن زباله با نیروی ۳۰ کارگر، ۴ هزار و ۵۰۰ خانوار را تحت پوشش قرار داده است. وی در ادامه در خصوص تقسیم

مکانیزه کردن جمع‌آوری پسماندها در کرمانشاه

شهرداری منطقه ۱ کرمانشاه، برای جلوگیری از آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از محل دفن، گازه‌های گلخانه‌ای و شیرابه زباله و جداسازی آن در مبدأ برای تبدیل به کمپوست، طرح مکانیزه کردن جمع‌آوری پسماندها را برای نخستین بار در ایران تجربه می‌کند.

در شهرداری منطقه ۱ کرمانشاه ۱۴ هزار خانوار زندگی می‌کنند و هر خانوار با تولید ۵۰۰ الی ۸۰۰ گرم پسماند روزانه ۵۰۰ الی ۶۰۰ تن زباله معادل ۱۵۰۰ مترمکعب تولید می‌کند، که از این محل سالانه حدود ۶۰۰ میلیون لیتر شیرابه و ۱/۵ میلیون تن گاز گلخانه‌ای متصاعد می‌شود. شهرداری این منطقه پیش از این، زباله‌ها را به روش سنتی با خودروهای فرسوده جمع‌آوری و در محله‌ای به نام سراب دفن می‌کرد.

اما اینک براساس قانون پسماندها، که می‌بایست تمامی پسماندهای آلی جداگانه جمع‌آوری و تبدیل به کمپوست شوند، شهرداری منطقه ۱ کرمانشاه اولین گام

بود.

طبق اظهارات شهردار برازجان یکی از آثار ارسالی که بازار برازجان را به تصویر کشیده بود، به خوبی تلاش شهرداری را در ساماندهی بازار قدیمی بازگو می‌کرد. به علاوه، برخی از معضلات و مشکلات شهری که از چشم شهرداری پنهان بود، به واسطه این آثار شناسایی شدند و مورد رسیدگی قرار گرفتند.

اما به سبب وعده شهرداری مبنی بر تعلق جوایزی نفیس به شرکت‌کنندگان، مراسمی از سوی شهرداری با همکاری اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی دشتستان و با حضور جمع کثیری از شهروندان برازجانی در آملی تئاتر اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد و جوایزی به دآوری هنرمندان اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی به ۳۰ شرکت‌کننده داده شد. نمایشگاه یک روزه‌ای نیز برای بازدید از آثار شهروندان ایده‌پرور، همزمان با مراسم اعطای جوایز دایر بود.

اضافه می‌شود که شهر ۵۰۰ هزار هکتاری برازجان ۱۵۰ هزار نفر را در خود جای داده و شهرداری درجه ۸ آن در سال ۱۳۲۹ تأسیس شده است.

گفتنی است، جلب مشارکت‌های مردمی به عنوان شخصیت‌های اصلی صحنه شهر، این امکان را به هسته اصلی مدیریت شهری (شهرداری) خواهد داد تا با شناسایی نیازهای مردمی، شهری ایده‌آل را در چارچوب قانون شهر و شهرداری‌ها مهیا سازد.

مخازن در سطح شهر افزود: «برای توزیع عادلانه مخزن‌ها در سطح منطقه، شهرداری روال را بر این قرار داده است که در یک مجتمع ۱۰ واحدی مخزن به طور اشتراکی و در مجتمع‌های تک واحدی مخزن با توجه به مترژ و موقعیت محله‌ها قرار گیرند؛ ولی معمولاً برای هر ۱۰ تا ۱۴ خانوار، مخزن به طور اشتراکی در نظر گرفته شده‌اند.»

به طور میانگین هر ۱۰ خانوار در این طرح صاحب یک مخزن سبز و طوسی و هر خانوار صاحب یک گونی زردرنگ ویژه پسماندهای خشک بازیافتی می‌شوند، که مخزن سبز و خاکستری هر سه روز یک بار از طریق ۴



دستگاه ماشین مکانیزه حمل زباله در سطح منطقه جمع‌آوری می‌گردند و به تنها کارخانه بازیافت کرمانشاه منتقل می‌شوند.

گونی‌زرد ویژه پسماندهای خشک بازیافتی نیز با برنامه‌زمان‌بندی هفته‌ای یک بار به وسیله مأموران جمع‌آوری که به «گروه‌های آموزشی» موسوم‌اند جمع‌آوری می‌شوند. این مأموران که دارای کارت معرفی‌اند، با مراجعه به منازل و ارائه توضیحات درباره نحوه استفاده از گونی زردرنگ و تحویل پرورشور با

محتوای آشنایی با مزایای تفکیک زباله از مبدأ، پسماندهای خشک را دریافت می‌کنند و در مقابل به شهروندان کارت قرعه‌کشی می‌دهند.

شهردار منطقه ۱ کرمانشاه در این زمینه نیز گفت: «به خانوارهایی که توصیه‌های مأموران آموزشی را رعایت کنند، جوایزی بر طبق قرعه‌کشی داده می‌شود». گفتنی است، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور برای تحقق پروژه مکانیزه کردن جمع‌آوری پسماندها ۴/۸ میلیون تومان به صورت بلاعوض و

۸۰۰ میلیون تومان به صورت وام پرداخت کرده‌است، به طوری که تا بهمن‌ماه سال جاری دفن پسماند در سراب شهر کرمانشاه دیگر صورت نخواهد گرفت. بدین ترتیب شهرداری منطقه ۱ کرمانشاه اصولی‌ترین روش جلوگیری از آلودگی‌های زیست‌محیطی را که همان جداسازی و تفکیک پسماندهای آلی درمبدأ و تبدیل آن به کمپوست است، این‌گونه جامه عمل می‌پوشاند.

شهرداری صالح‌آباد و تحول در چهره شهر

شهرداری صالح‌آباد از ۲۲ پروژه تصویب شده در سال جاری، در شش ماه اول سال ۱۵ پروژه را به بهره‌برداری رسانده است که همین امر بیش از پیش موجب شهری شدن چهره صالح‌آباد شده است.

شهر صالح‌آباد یکی از شهرهای بیست و چهارگانه استان همدان است. این شهر ۹ هزار نفر جمعیت دارد و

شهرداری صالح‌آباد از اواخر سال ۱۳۷۴ فعالیت خود را آغاز کرده است.

از جمله مهم‌ترین پروژه‌هایی که این شهرداری به اجرا درآورده، زیرسازی بولوار و میدان ورودی شهر صالح‌آباد در محور همدان-سنندج بوده است. مرتضی حضرت‌زاده، شهردار صالح‌آباد، در توضیح بیشتر این طرح گفت: «زیرسازی این بولوار که ۲ کیلومتر طول و ۱۷/۵ متر عرض دارد، ۴ ماه به طول انجامید و ۶۰ میلیون تومان برای شهرداری هزینه دربرداشت. این بولوار هم‌اکنون در انتظار آسفالت‌ریزی

است که اداره راه و ترابری عهده‌دار آن است». حضرت‌زاده افزود: «احداث منطقه مشاغل صنعتی نیز از جمله طرح‌هایی است که هم‌اکنون زمین آن تهیه شده و نقشه‌برداری و مطالعات آن در دست اجراست». گفتنی است شهرداری صالح‌آباد از ۲۲ پروژه تصویب شده ۱۵ پروژه را به اجرا و بهره‌برداری رسانده و هفت پروژه دیگر را نیز قرار است تا پایان سال جاری به اتمام برساند.

از فعالیت‌های مهم این شهرداری در شش ماهه اول سال می‌توان به احداث ساختمان غسلخانه در مساحت ۲۸۰ مترمربع، ایجاد فضای سبز در پارک‌ها و میدان‌ها، توزیع ۷ هزار اصله انواع نهال از سوی واحد فضای سبز در بین شهروندان، رنگ‌آمیزی ۳ هزار مترمربع از جداول سطح شهر، بازگشایی معابر سطح شهر، جدول‌گذاری خیابان‌ها، تکمیل و تجهیز دستگاه‌های آتش‌نشانی و نظایر اینها اشاره کرد.

شایان ذکر است که درآمد وصولی شهرداری صالح‌آباد در شش ماهه اول سال ۱۳۸۳، ۱ میلیارد و ۱۴۵ میلیون و ۸۶۶ هزار و ۱۶۱ ریال بوده که در مقایسه با سال گذشته ۷۵ درصد افزایش داشته است. به گفته شهردار صالح‌آباد افزایش درآمد حاصل از کمک‌های دولتی، صدور پروانه، حق تفکیک و درآمدهای موجود در سرفصل درآمدی شهرداری بوده است.



زیرسازی کوچه خاندملو

۱۰۰ میلیارد تومان سود زمین خواران در مشهد

بنگاه‌های املاک غیرمجاز در مشهد هر سال از پدیده موسوم به زمین‌خواری یک هزار میلیارد ریال درآمد کسب می‌کنند. این درآمد از محل خرید و فروش اراضی حاشیه شهر، قطعه‌بندی و تفکیک اراضی حاصل می‌شود. بر همین اساس ۷۰۰ بنگاه املاک غیرمجاز در چهار ماه اخیر در مشهد شناسایی و تعطیل شدند. گفتنی است کمیته راهبردی مبارزه با زمین‌خواری

۷۰۰ بنگاه املاک غیرمجاز را در شهر مشهد شناسایی کرده است. اعضای این کمیته، که در اوایل سال ۱۳۸۳ به پیشنهاد شهردار مشهد شکل گرفت، مرکب از شهردار مشهد، یک عضو شورای اسلامی شهر، رئیس کل دادگستری استان خراسان رضوی، یک قاضی ویژه، دو نفر از استانداری (استاندار به عنوان ریاست کمیته و معاون عمرانی استانداری)، نماینده اداره اطلاعات و نماینده اداره بازرگانی و اصناف هستند.

غلامرضا بصیری‌پور، نایب رئیس شورای اسلامی شهر مشهد، با بیان اینکه ۴۰ درصد بنگاه‌های املاک فعال مشهد غیرمجاز هستند، گفت: «از آنجا که مشاوران املاک به عنوان واحد صنفی تلقی می‌شوند،

کمیسیون نظارت بر امور صنفی مجموعه شهری مشهد به ریاست رئیس سازمان بازرگانی با عضویت یک عضو شورای اسلامی شهر برای تعطیلی ۷۰۰ بنگاه املاک غیرمجاز وارد عمل شدند. این حرکت نزدیک به یک سال است در مشهد آغاز شده است و تاکنون با همکاری اماکن نیروی انتظامی و در چارچوب قانون، بسیاری از بنگاه‌های املاک غیرمجاز تعطیل شده‌اند».

هم‌اکنون پرونده ۷۰۰ بنگاه املاک غیرمجاز در دادگستری مفتوح است، اما نکته نگران‌کننده این است که به رغم تعطیلی بنگاه‌ها، آنها در نقاط دیگری از شهر همچنان فعال‌اند.

نایب رئیس شورای اسلامی شهر مشهد خاطر نشان

کرد: «بر اساس بررسی‌های کارشناسی، متصدیان این واحدها به گونه دیگری در زمینه معاملات املاک تفکیک‌اراضی کشاورزی در مناطق دیگر مشهود فعالیت می‌کنند و حدود ۲۰ درصد از واحدهای املاک تعطیل شده دوباره فعال شده‌اند».

بررسی پدیده زمین خواری در کلان‌شهر مشهد عواملی را نیز مشهود ساخته است که بصیری پور این عوامل را علاوه بر فعالیت بنگاه‌های غیرمجاز، دامن زدن برخی از تعاونی‌های زمین و مسکن به این پدیده و

نیز فروش اطلاعات و نقشه از طریق برخی سیستم‌های اداری به زمین‌خواران دانست.

وی همچنین حفاظت و حراست از اراضی دولتی، زمین‌های اوقاف و منابع طبیعی را لازم‌دانست و تشکیل پلیس ساختمانی در شهرداری را برای نظارت بر ساختوساز، ضروری برشمرد.

عضو کمیته راهبردی مبارزه با زمین خواری در شهر مشهد، یکی از شیوه‌هایی را که به جلوگیری از زمین خواری به ویژه در حاشیه شهر و ممانعت از

گسترش حاشیه نشینی کمک خواهد کرد، صدور بخشنامه‌ای از سوی استاندار مبنی بر عدم معامله زمین‌های بدون سند و ممنوعیت خرید و فروش زمین‌های حاشیه‌ای طبق طرح جامع شهرداری بیان کرد.

وی درآمد حاصل از پدیده موسوم به زمین خواری را ۱۰۰ میلیارد تومان برآورد کرد، که رقمی بیش از خرید و فروش مواد مخدر است!

شهرداری نالوس جنگل میرآباد را به روی گردشگران گشود

شهرداری نالوس - در جنوب استان آذربایجان غربی - در شش ماهه اول سال ۱۳۸۳ با تخصیص

۲۳ میلیون تومان از اعتبارات استانی، اقدام به ساماندهی جنگل میرآباد کرده است.

جنگل ۱۵۰ هکتاری میرآباد با طبیعتی بکر در حریم شهر نالوس قرار دارد. این جنگل دارای گونه‌های گیاهی متنوع و دارای میوه‌هایی چون گلابی، سیب و زالزالک وحشی است. جنگل میرآباد که در ۷ کیلومتری شهر و در ضلع غربی آن قرار دارد، به عنوان تفرجگاهی طبیعی مورد استقبال اهالی استان آذربایجان غربی،



میدان خلفا راشدین نالوس

شرقی و کردستان قرار گرفته است.

شهرداری شهر نالوس در سال ۱۳۷۹ رسماً فعالیت خود را آغاز کرد، و اکنون به دنبال ارتقای درجه شهرداری از ۲ به بالاست. شهرداری نالوس در اقدامی که ارضای نیازهای مستمر اوقات فراغت ۳ هزار و ۵۰۰ شهروندان نالوسی را در محیطی طبیعی دنبال می‌کرد، جنگل میرآباد را ساماندهی کرده است.

گفتنی است در بهسازی تفرجگاه‌های پیرامون شهرها باید بهبود وضعیت موجود در کوتاه مدت و زمینه‌سازی برای رسیدن به وضع مطلوب در بلند مدت مورد توجه قرار گیرد. از جمله فرایندهایی که می‌بایست در برنامه‌ریزی برای ساماندهی تفرجگاه‌های بیرون شهرها مورد تبعیت قرار گیرد، گروه بندی تسهیلات و تجهیزات گردشگاهی، شبکه‌های دسترسی، تسهیلات اقامتی و مانند اینهاست.

از همین رو شهرداری نالوس طی چهار ماه تلاش در ساماندهی جنگل میرآباد، اقدام به جاده‌سازی به مسافت ۱/۵ کیلومتر با عرض ۶ متر، احداث ۵ دهنه ابنیه (لوله گذاری در جاده) برای هدایت آب‌های سطحی و همچنین نصب تابلوهای راهنمایی برای گردشگران با مضمون حفظ طبیعت و جنگل کرده است.

فرهنگسرای بزرگ همدان در خانه‌ای کهن

شهرداری همدان به منظور توسعه فعالیت‌های فرهنگی و ایجاد فرهنگسرا، با خرید و تملک یک بنای قدیمی و ارزشمند، اولین فرهنگسرای بزرگ این شهر را ایجاد می‌کند.

بر اساس قانون شهرداری‌ها، این نهاد متولی تأسیس مؤسسات فرهنگی در سطح شهر است. این وظیفه از جمله با تأسیس فرهنگسراها و خانه‌های فرهنگ تحقق می‌یابد. در شهر تاریخی همدان نیز تعدادی خانه فرهنگ همراه با چهار فرهنگسرای عمومی وجود دارد که نام آشناترین آن «فرهنگسرای اخترشناسی» است.

تردید نیست که فرهنگسراها می‌توانند کانون

جذب جوانان و علاقه‌مندان به استفاده از امکانات و برنامه‌های متنوع و گسترده موجود از سوی شهرداری‌ها باشند. ایجاد اولین و بزرگ‌ترین فرهنگسرا در شهر همدان نیز با همین هدف صورت

گرفته است.

شهرداری همدان با پرداخت ۱۵۰ میلیون تومان به میراث فرهنگی بنای موسوم به «خانه پوستی زاده» را واقع در جوار مسجد آیت‌ا... آخوند (حاشیه میدان عین



القضات)، به فرهنگسرا تبدیل می‌کند.

طبق اظهارات معاون فرهنگی-اجتماعی شهرداری همدان، این اقدام به دنبال سیاست‌های جدید سازمان میراث فرهنگی مبنی بر مرمت و احیای بناهای قدیمی صورت گرفته است.

حسن محمدی، معاون فرهنگی - اجتماعی شهرداری همدان، موقعیت بنای تملک شده را به لحاظ مکانی و معماری ممتاز برشمرد و گفت: «بنای خانه پوستی زاده متعلق به اواخر دوران قاجاریه است و در جنوب شرقی همدان واقع در حوزه استحفاظی شهرداری

منطقه ۴ قرار دارد. این بنا تمامی ویژگی‌های فرهنگسرا را داراست. وسعت عرصه بنا ۱۳۰۰ متر مربع است که در آن ۱۷۰۰ متر مربع اعیانی در دو طبقه احداث شده و در کل بنا آثاری از ذوق هنری و معماری هنرمندان قدیم مشهود است».

وی ادامه داد که با انجام پاره‌ای تعمیرات و تغییرات می‌توان در داخل بنا کلاس‌های فرهنگی و هنری، تئاتر، خوشنویسی، نقاشی، نگارگری، گالری‌های نقاشی و کارگاه‌های ادبی دایر کرد.

معاون فرهنگی - اجتماعی شهرداری همدان

پیش‌بینی می‌کند که با صرف هزینه ۲۵۰ میلیون تومان، مرمت و بازسازی بنای خانه پوستی زاده در اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۴ به اتمام رسد و همدانی‌ها شاهد افتتاح بزرگ‌ترین فرهنگسرای شهر باشند. این اقدام شهرداری همدان نشان می‌دهد که این شهرداری افزون بر گسترش مراکز آموزش و تفریحی برای شهروندان به ویژه جوانان، با تغییر کاربری به جای احداث بناهای جدید که می‌توانست هزینه مضاعفی به شهرداری تحمیل کند، اقدام به حفظ ابنیه و آثار باستانی شهر نیز کرده است.

مشارکت زنان اسفراینی در مدیریت شهر

شهرداری اسفراین برای آگاهی از دیدگاه‌های بانوان شهر راجع به پروژه‌های عمرانی، از آنان دعوت به عمل آورد تا از فعالیت‌های عمرانی شهرداری بازدید کنند.

شهر اسفراین، یا همان سیرآین روزگار ساسانیان، در استان خراسان شمالی قرار دارد. شهرداری این شهر در سال ۱۳۳۹ تأسیس گردید، که در زمان حاضر با

درجه ۷ مدیریت شهر را بر عهده دارد. اخیراً واحد روابط عمومی شهرداری اسفراین از تنی چند از بانوان که عضو کمیسیون بانوان شهر هستند، برای بازدید از سطح شهر دعوت کرد.

اعضای کمیسیون بانوان که ریاست آن را یک عضو شورای اسلامی شهر بر عهده دارد، طی ۲ مرحله ۳ ساعته از تعدادی پروژه‌های شهرداری، از جمله پل زیرگذر ورودی شهر جنب ترمینال، آتش‌نشانی شماره یک، ورودی بولوار از سمت بجنورد، پارک ملت، و احداث پل در کانال شهید کربلایی دیدن کردند. آنان پس از اتمام بازدید، طی نشستی با شهردار

اسفراین، به طرح پرسش‌هایی درخصوص وظایف شهرداری، اهداف و دیدگاه‌های شهردار پرداختند.

حسین زاده شهردار اسفراین، با اعلام اینکه بازدیدکنندگان از بهسازی پارک ملت و احداث پل زیرگذر ورودی شهر که تسهیل‌کننده گره ترافیکی بوده رضایت داشتند، اظهار کرد که سؤالات آنان عمدتاً در مورد زیباسازی شهر و گسترش فضای سبز بوده است.

وی افزود: «اعضای کمیسیون بانوان به عنوان نمایندگان بانوان شهر پیشنهاد دادند که ورودی شهر زیباسازی شود، زیرا این منطقه به علت وجود سد معبرها چهره‌های دور از ایده‌آل یافته و شهرداری مصمم است با خروج مشاغل مزاحم و ساماندهی ورودی شهر به این پیشنهاد عمل کند. در این نشست قول مساعد برای احداث مجتمع فرهنگی تفریحی در داخل پارک ملت نیز داده شد». به علاوه شهرداری اسفراین اخیراً اقدام به گسترش فضای سبز در معابر، بولوارها و نصب چراغ در داخل میدان‌ها و انتقال مشاغل مزاحم به محدوده شهر (طبق طرح تفصیلی، در ضلع جنوبی) کرده است.

هر چند برنامه‌ریزی درخصوص مشارکت مردم در انجام خدمات اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی جزو وظایف شوراهای اسلامی است، اما شهرداری‌ها با تأکید بر این موضوع و برنامه‌ریزی برای مشارکت و جلب نظرها و پیشنهادهای اقشار مختلف به ویژه بانوان به عنوان بهره‌گیران خدمات شهری، می‌توانند در ارائه خدمات مطلوب‌تر گام‌های بیشتری بردارند.



شهرداری‌ها اقدام به ساماندهی و بهسازی آنها کرده است.

«آذربادی» حق شهردار منطقه ۷ تبریز فعالیت‌هایی را که به منظور ساماندهی روستاهای تابع این شهرداری صورت گرفته است چنین توضیح می‌دهد: «شهرداری منطقه ۷ تبریز هر ساله به منظور ساماندهی و بهسازی این روستاها فعالیت‌های مختلفی را انجام می‌دهد. به عنوان مثال کلیه معابر اصلی و فرعی این روستاها آسفالت ریزی و محورهای ارتباطی با شهرها بهسازی می‌شوند. این شهرداری سایر خدمات از جمله رسیدگی

درآمدهایی را که از حریم استحفاظی شهرها کسب می‌کنند، با نظارت فرمانداری و بخشداری ذی‌ربط در جهت عمران و آبادی روستاها و شهرک‌های واقع در حریم، خصوصاً در جهت راه‌سازی، آموزش و پرورش، بهداشت، تأمین آب آشامیدنی و کشاورزی هزینه کنند. بر اساس نقشه حریم استحفاظی مصوب سال ۱۳۷۱ شهرداری منطقه ۷ تبریز، هفت روستا به نام‌های باغ معروف، خلجان، کجاباد، شیخ حسن، نیکی کند، قلعه چی و کرجان در این منطقه قرار گرفته‌اند که شهرداری منطقه طبق بند ۳ تبصره ۳ ماده ۹۹ قانون

ابتکار شهرداری منطقه ۷ تبریز: آبادانی روستاهای همجوار

هفت روستا در حوزه استحفاظی شهرداری منطقه ۷ تبریز به فراخور کمبودها و مشکلاتشان و به منظور ارائه خدمات مطلوب به همشهریان، ساماندهی و بهسازی می‌شوند.

تبصره ۳ بند ۳ ماده ۹۹ قانون شهرداری‌ها تأکید دارد که شهرداری‌های سراسر کشور مکلف‌اند علاوه بر اعتبارات دولتی حداقل ۸۰ درصد از عوارض و

املاک در مرحله تشکیل پرونده و تعیین غرامت ملکی از طریق هیئت ارزیابی به منظور توافق و مصالحه با مالکان است.

هم اکنون زیرسازی، پخش آسفالت، جدول کشی و اجرای دیوار سنگی روستاهای ورنق، اسفهلان، خلجان، باغ معروف، کجباد، جاده مرتبط به امامزاده سید محمد کججایی و شهرک گلزار روستای شیخ حسن با هزینه‌ای ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریالی در دست اجرا و اقدام است.

به گفته شهردار منطقه ۷ تبریز منابع مالی ساماندهی روستاهای حریم استحقاقی این منطقه در بودجه شهرداری منظور نشده است و این اعتبارات از محل منابع درآمدهای مختلف منطقه تأمین و پرداخت می‌گردد.

وی همچنین عنوان کرد که قبلاً طی دستورالعملی از وزارت کشور، ۸۰ درصد وصولی یک درصد کارخانجات صرف هزینه‌های حریم استحقاقی می‌شد، ولی از سال ۱۳۷۹ وصولی یک درصد کارخانجات به وسیله شهرداری تبریز صورت می‌گیرد.



در قالب این طرح و با نظارت شهرداری منطقه به اجرا درمی‌آید. همچنین به منظور بازگشایی مسیر اصلی روستای خلجان، قرار است ۳۵ فقره ملک واقع در این مسیر آزادسازی شوند.»

شهردار منطقه ۷ تبریز اشاره کرد که آزادسازی این

به نحوه ساخت و سازها و نظایر اینها را نیز در کنترل و نظارت خود دارد.»

وی افزود: «هم‌اینک روستاهای کجباد و خلجان که از جمله روستاهای این منطقه‌اند، دارای طرح هادی هستند و کلیه پروژه‌های عمرانی و خدماتی این روستاها

تلاش سبز

از مردم صورت می‌گیرد.

به گفته نادری کارشناس روابط عمومی شهرداری فارسان، آن گونه که نظرسنجی از ماهنامه شماره اول نشان داده است، مخاطبان و خوانندگان نشریه از مطلب «احداث مهمان‌سرای پارک ساحلی لاله» و «نگاهی بر مسائل حقوقی» استقبال کرده‌اند و پیشنهادهایی هم در خصوص تغییر اندازه قلم فعلی ماهنامه و سبک طراحی و گرافیک آن داشته‌اند.

از عملکرد خود و به ویژه آموزش قوانین شهرداری، نشریه تلاش سبز را علاوه بر ارسال به نهادهای استان، به همراه سایر مطبوعات از طریق کیوسک‌های روزنامه فروشی به رایگان در اختیار شهروندان قرار می‌دهد.

علاوه بر آن شهرداری فارسان با در اختیار گرفتن نیروهای ویژه، نشریه را به وسیله آنها در سطح شهر، مراکز تجاری و مسکونی و نماز جمعه توزیع می‌کند و تعدادی را نیز از طریق پست برای مسئولان مدارس می‌فرستد.

مد نظر قرار دادن مطالب و عناوینی چون اخبار شهرداری، اطلاع رسانی از فعالیت‌های عمرانی و خدماتی شهرداری و اختیارات و وظایف شهرداری، سبب فرهنگ‌سازی و یاری رساندن به شهرنشینی در بین شهروندان خواهد شد. از سویی شهرداری فارسان سعی دارد از طریق ماهنامه تلاش سبز به خواسته‌ها و مطالبات شهروندان دست یابد که این امر با تشکیل هیئت تحریریه و ارائه پیشنهادهای آن و نیز نظرسنجی

خانه شهروندان میزبان «تلاش سبز» شهرداری فارسان

به دنبال پیگیری‌های شهرداری فارسان مبنی بر انتشار نشریه داخلی و انجام مکاتبات لازم با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، این شهرداری در سال جاری موفق به دریافت مجوز نشر ماهنامه خبری، آموزشی با نام «تلاش سبز» شد.

شهرداری فارسان در استان چهارمحال و بختیاری، بنا بر ضرورت امر خبررسانی و آموزش، از آبان ماه امسال این نشریه را در ۴ صفحه چاپ کرده است. مخاطبان این نشریه که تیراژ آن ۳ هزار نسخه است، کلیه شهروندان و کارکنان شهرداری‌اند.

همچنین شهرداری فارسان به منظور اطلاع رسانی

از آن گذشته، آسفالت ریزی و لکه‌گیری خیابان‌های هزار شهید، پارک شهر و ۱۷۰۰۰ متر مربع خیابان، تهیه سیستم پمپ قیر از استخر به تانکرهای موجود و راه‌اندازی آن در کارخانه آسفالت و صدور پروانه ساختمانی به تعداد ۳۶ فقره را می‌توان به عملکرد واحد عمران شهرداری محمد یار افزود.

واحد روابط عمومی شهرداری محمد یار به عنوان بلندگوی آن، در حوزه وظایف محول شده در ۲۱ بند از جمله به انتشار عملکرد سال ۸۲ شهرداری با

همان گونه که از نام آن برمی‌آید، مأمور عمران و انجام تأسیسات و زیرساخت شهرهاست. واحد عمران شهرداری محمد یار در شش ماه اول سال اقدام به تهیه جدول بتنی به تعداد ۱۰ هزار قالب، نصب برج نور در پارک فرهنگیان، پارک بزرگ شهر و میدان امام، تهیه ۳۳ صندلی و تولید آنها برای استفاده در مبلمان شهری، جدول گذاری کوچه‌ها و نیز افتتاح پارک بزرگ شهر (ائتلاف باغی) به مساحت تقریبی ۳ هکتار کرده است.

محمد یار در شش ماه تلاش

واحد‌های عمران، روابط عمومی، فضای سبز و خدمات شهری شهرداری محمد یار در استان آذربایجان غربی، اقداماتی را در شش ماهه اول ۱۳۸۳ به انجام رسانده‌اند.

واحد عمران در چارت سازمانی شهرداری‌ها،

پارک‌های سطح شهر در چند نوبت، آبیاری درختان مزار شهدا و گل‌های زینتی و درختان بولوارهای سطح شهر را انجام داده است.

افزون بر اینها، شهرداری محمدیار به تنظیف، نگاهداری، تسطیح معابر و انهار عمومی نیز بر اساس بند ۲ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها پرداخته است. از دیگر اقدامات این شهرداری، اینها هستند: تنظیف و پاکسازی خیابان‌های داخل شهر به طور مستمر در طول روز، جمع‌آوری و حمل زباله از سطح شهر در حدود ۱۳ تن، بازسازی پل‌های فلزی و بتنی در سطح شهر، نصب سطل آشغال در معابر و خیابان‌های سطح شهر، و نظایر اینها.

در گزارش عملکرد شش ماهه اول سال ۸۳ شهرداری محمد یار، واحدهای مالی، درآمد و کارپردازی، رایانه، اصناف و اموال، کارگزینی، دبیرخانه، آتش‌نشانی و ماشین‌آلات نیز فعالیت‌هایی را در حوزه کاری خود سامان‌دهی کرده‌اند. گفتنی است براساس بند ۱۰ ماده ۷۱ قانون «تشکیلات، وظایف و انتخاب شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران»، شوراهای اسلامی شهر موظفند صورت جامع درآمد و هزینه شهرداری‌ها که هر شش ماه یک بار تهیه می‌شود را پس از تأیید برای اطلاع عموم منتشر سازند.



طبق ضوابط اجرایی مصوب ۱۳۵۹/۳/۱۱ شورای انقلاب اسلامی مربوط به چگونگی اجرای ماده ۱ لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها، شهرداری‌ها به حفظ و نگهداری فضای سبز ملزم شده‌اند. شهرداری محمدیار نیز در عمل به این مصوبه، ۱۵۰۰ اصله درخت در سطح شهر و ۵ تن گل اختر در بولوارهای سطح شهر کاشته و با چمن زنی

همکاری امور رایانه و پخش در بین ادارات شهر و استان، تهیه و نصب عملکرد ۳ ماهه اول ۸۳ به روایت تصویر در پانل اداری، و نیز تبلیغ درخصوص برداشت زباله از سطح شهر اقدام کرده است. به علاوه برای افزایش روحیه کار در کارکنان شهرداری، برای آنها یک اردوی تفریحی یک روزه نیز در شهرستان مهاباد برگزار شده است.

می‌شوند.

در این صورت دستفروشان طبق جدول و برنامه زمان‌بندی شده می‌توانند در طول هر هفته سیزده روزبازار در محله‌های اهواز برپا کنند و ساکنان مناطق مختلف شهر نیز بدون مراجعه به هسته مرکزی شهر، محصولات مورد نیاز خود را از این روزبازارها تهیه کنند.

همزمان با اجرای طرح ضربتی ساماندهی مرکزی شهر، کلیه کسبه هسته مرکزی موظف شدند از قرار دادن اجناس در خارج از مغازه‌های‌شان خودداری کنند و در صورت تخطی با متخلفان برخورد قاطع و قانونی به عمل می‌آید.

علاوه بر ساماندهی دستفروشان، نظارت بر عرضه مواد بهداشتی نیز در این طرح مد نظر بوده است. بر همین اساس طرح ویژه بازنگری اماکن با هدف نظارت مجدد بر فعالیت‌های تهیه و توزیع مواد غذایی انجام می‌شود.

در این طرح که با نظارت اداره بهداشت و همکاری تیم‌های مخصوص به طور مستمر در هسته مرکزی شهر به اجرا در می‌آید، برای حفظ سلامت شهروندان، رفع مشکلات بهداشتی اصناف و اماکن و جلوگیری از تخلفات بهداشتی تلاش می‌شود. بر

ساماندهی

دستفروشان در اهواز

طرح جمع‌آوری دستفروشان هسته مرکزی شهر اهواز با هدف ساماندهی هسته مرکزی شهر، سهولت در تردد شهروندان، کاهش ترافیک و مراجعات روزانه مردم برای خرید به هسته مرکزی شهر، به وسیله ستاد ساماندهی امور شهری اهواز به اجرا درآمد.

با اجرای طرح جمع‌آوری دستفروشان هسته مرکزی شهر اهواز که محدوده خیابان‌های امام خمینی، سلمان فارسی، باغ شیخ، طالقانی و کلیه خیابان‌های اصلی و فرعی منشعب به آنها را پوشش می‌دهد، بخش عمده‌ای از ناهنجاری‌های هسته مرکزی شهر که ناشی از ازدحام دستفروشان است، جبران خواهد شد.

در این طرح که سازمان بازرگانی، مجامع امور صنفی، اتحادیه‌ها و ادارات دامپزشکی و بهداشت، شهرداری را همراهی می‌کنند، کلیه دستفروشان جمع‌آوری می‌شوند و برای ادامه فعالیت به روزبازارهایی که در سیزده منطقه برپاست منتقل

طبق طرح مذکور پس از کنترل نکات بهداشتی، مواد غذایی که به لحاظ بهداشتی امکان مصرف نداشته باشند جمع‌آوری و معدوم می‌گردند و مغازه‌هایی که دارای مشکلات بهداشتی باشند، پلمپ می‌شوند.

حسینی زاده، رئیس اداره بهداشت شرق اهواز، انجام فعالیت‌های آموزشی از طریق نصب پلاکارد، صدور اطلاعیه و پخش برنامه‌های آموزش از صدا و سیما را از برنامه‌های افزایش آگاهی بهداشتی شهروندان عنوان کرد.

مهم‌ترین مصوبات ستاد فرماندهی امور شهری اهواز در طرح ضربتی ساماندهی هسته مرکزی این شهر (انتقال دستفروشان به روزبازارها، جلوگیری از قرار دادن اجناس در خارج از مغازه‌ها و رفع مشکلات بهداشتی اصناف و اماکن) عبارت‌اند از: حضور بموقع نیروهای اجرایی قبل از استقرار دستفروشان، همکاری مجامع امور صنفی برای برخورد با کسبه متخلف، حضور مستمر نمایندگان ادارات در ستاد، نصب اتیکت، صدور فاکتور، کنترل نکات بهداشتی، مسدود کردن خیابان امام خمینی و فرعی‌های آن به منظور پیشگیری از تردد خودرو و پلمپ مغازه‌های متخلف به وسیله اداره اجاریات شهرداری اهواز و مأموران نیروی انتظامی.

یک شهر، یک نگاه

شاهین شهر

شهرداری شاهین شهر با بررسی آمار جمعیتی شهر و افزایش کودکان شاهین شهری، پارک ویژه کودک احداث می‌کند. در این پارک با ویژگی‌هایی همچون وجود فضای مطلوب ایمن و آرام نیازی به حضور والدین نخواهد بود و در طراحی آن به نیازهای جسمی کودکان و ارتقای فعالیت‌های جسمی و ذهنی، با الهام از آموزه‌های دینی توجه ویژه شده است.

کرمانشاه

شهرداری کرمانشاه برای رفع گره ترافیکی پل بولوار جانبازان که شاهراه ارتباطی با جنوب کشور، عتبات عالیات و یکی از مراکز سفرهای درون و برون شهری است، عملیات اجرایی یک پل غیر همسطح به عرض ۱۶ متر را به نام پل دوم قره سو، آغاز کرد.

لاهیجان

به منظور برقراری نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و همچنین سهولت در شناسایی اتومبیل‌های آژانس‌های تاکسی تلفنی، این گونه اتومبیل‌ها در لاهیجان موظف به نصب آرم واحد نظارت بر تاکسیرانی شهرداری شدند.

مشهد

معاونت فرهنگی اجتماعی شهرداری مشهد در آذرماه سال جاری توزیع رایگان خانه به خانه هفته نامه شهرآرا را با تیراژ سیصد هزار نسخه در مشهد آغاز کرد. علاوه بر آن، هفته نامه شهرآرا در ناوگان اتوبوسرانی برون شهری، پایانه‌های مسافربری، هواپیماها و قطارهای مسافربری توزیع می‌شود. اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی به همراه تنوع مطالب در حوزه فرهنگی، و توسعه همگون شهرنشینی از اهداف طرح توزیع رایگان این هفته نامه است.

هشتگرد

یک خیابان در شهر هشتگرد مرکز شهرستان ساوجبلاغ به نام خبرنگار نامگذاری شد. این خیابان با صرف هزینه ۱۶۰ میلیون تومان به بهره‌برداری رسید.

همدان

سازمان میادین میوه و تره‌بار شهرداری همدان اولین میدان محله‌ای میوه و تره‌بار و فراورده‌های سبز و پروتئینی را با هدف ایجاد تعادل در قیمت‌ها، حذف واسطه‌ها و عرضه مستقیم، حذف رفت و آمدهای درون شهری راه‌اندازی کرد. این سازمان قصد دارد در آینده شش میدان دیگر را نیز در نقاط حاشیه‌ای شهر تأسیس و راه‌اندازی کند.

اهواز

سازمان میادین میوه و تره‌بار شهرداری اهواز به منظور ساماندهی خرید شهروندان در محله‌ها و جلوگیری از تردد شهروندان به هسته مرکزی شهر، بازار روز «کوی پیروزی» را در مساحت هزار و پانصد مترمربع در دو طبقه احداث می‌کند. این بازار با اعتبار ۱۰ میلیارد و ۷۰۰ میلیون ریال راه‌اندازی می‌شود.

بrazجان

سایت اینترنتی شهرداری برازجان در استان بوشهر به نشانی: www.ShahrdaryBorazjan.org افتتاح شد.

تبریز

شهرداری منطقه ۴ تبریز از سه پروژه بزرگ ساختمان اداری شهرداری، ساختمان ترمینال شمال غرب و بوستان سجاد، با صرف هزینه ۱۱ میلیارد ریال بهره‌برداری کرد.

سراب

به لحاظ فقدان کنارگذر در شهر سراب - واقع در استان آذربایجان غربی - و وجود ترافیک سنگین در حاشیه شمالی شهر، شهرداری و شورای اسلامی سراب به دنبال احداث کنارگذر علامه امینی شهر به طول ۶ کیلومتر و به عرض ۴۰ متر در حاشیه شمالی شهر، آن را مورد بهره‌برداری قرار دادند.

سنندج

شهرداری سنندج به منظور جلوگیری از آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از تولید ۳۱۰ تن زباله در شهر و استفاده بهینه از منابع، با همکاری سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها، استانداری و شورای اسلامی شهر، ۱۲ میلیارد ریال بودجه برای راه‌اندازی کارخانه تولید کود آلی از زباله اختصاص داده‌اند. پیش‌بینی می‌شود این کارخانه تا پایان سال جاری راه‌اندازی گردد.



www.shahrdarighazvin.com

سازمان بلدیة در قزوین در سال ۱۳۹۶ شمسی تأسیس گردید و یکی از معتمدان مردم به نام حاج میرزا حسین صالحی شهیدی ملقب به صدرالعلماء به عنوان اولین شهردار قزوین برگزیده شد. از آن زمان تاکنون ۶۲ شهردار مسئولیت هدایت شهرداری را عهده دار بوده اند.

سایت پایگاه اطلاع رسانی شهر قزوین به نشانی پیش گفته در بردارنده این لینک هاست: خانه، شورای اسلامی شهر قزوین، شهرداری، معاونت ها، مناطق، سازمان ها، آگهی و مناقصه ها، گالری عکس، جست و جو، دفتر میهمانان، پرسش و پاسخ و تماس با ما. بر روی صفحه اصلی علاوه بر لینک های نام برده شده که بر روی تمامی صفحات سایت به چشم می خوردند، خلاصه ای از اخبار شهر و شهرداری و لینکی به آرشیو این اخبار نیز وجود دارند. از صفحه های جالب توجه سایت صفحه دفتر میهمانان است. در این صفحه میهمانان سایت می توانند چند سطر به رسم یادبود بنویسند؛ که مطالب مندرج پس از رؤیت مدیران سایت بر روی صفحه مذکور قرار داده می شود.

سایت دارای طراحی زیبا و کارآمدی است، به گونه ای که دسترسی به تمامی صفحات به سهولت انجام می پذیرد و نیازی به ایجاد صفحه نقشه سایت برای راهنمایی کاربران به صفحه های مختلف احساس نمی شود. با وجود آنکه بخش بندی های سایت پاسخگوی طیف وسیعی از نیاز کاربران به اطلاعات است، ولی جای خالی خدمات الکترونی در آن احساس می شود. با توجه به فراهم شدن بسترهای لازم برای ارائه خدمات پول الکترونیکی به وسیله بانک های کشور با استفاده از طرح شتاب، ارائه خدماتی که اشخاص را از مراجعه حضوری به شهرداری بی نیاز گردانند دیر یا زود باید در دستور کار شهرداری ها قرار گیرد.

در زمان تنظیم این متن بسیاری از صفحه ها خالی از مطلب بودند، که امید می رود مطالب مرتبط، هر چه زودتر بر روی صفحات متناسب با آنها قرار گیرند.

www.muni.org

شهر انکوريج^(۱) در آلاسکای جنوبی واقع شده است. این شهر که بزرگترین شهر آلاسکا نیز هست در سال ۱۹۱۴ بر پایه نیاز آلاسکا به خط آهنی که از این بندر تا قلب آلاسکا کشیده شود ساخته شد. گفته می شود نام این شهر از نام نخستین دفتر پستی که در ماه مه ۱۹۱۵ در این منطقه گشایش یافت گرفته شده است.

نشانی اینترنتی پیش گفته مربوط به شهرداری شهر انکوريج است. این سایت که برای اولین بار در چهارم اکتبر ۱۹۹۶ بر روی

شبکه جهانی اینترنت قرار گرفته است، اکنون با نسخه بهنگام شده ای چند هزار صفحه ای کار خدمات رسانی به شهروندان و گردشگران را بر عهده دارد. صفحه اصلی سایت حاوی لینک است که مهم ترین آنها از این قرارند: شهردار، شورای شهر، ساکنان، خدمات آن لاین، دولت شما، بازدیدکنندگان، دپارتمان ها، تجارت و اقتصاد و نظایر اینها.

در کل، سایت مذکور مجموعه ای بی نظیر از هرگونه اطلاعات در مورد ترافیک شهری، خدمات ارائه شده به وسیله شهرداری، تجارت، برنامه ریزی شهری و منطقه ای، خدمات درمانی، تاریخ شهر، حمل و نقل شهری و دریایی، گردشگری، تحصیلات، ساخت و ساز، اقتصاد، رویدادها، خدمات فوریتی و جز اینهاست. از جمله صفحه های جالب توجه سایت صفحه "خدمات آن لاین شهرداری" است که در آن خدماتی چون کاربایی به صورت آن لاین، خدمات آن لاین کتابخانه، درخواست نظافت و برف رویی خیابان، پرداخت مالیات، مراقبت از کودکان، اطلاعات زمان و محل حرکت اتوبوس ها، استفاده از GIS و نقشه مناطق مختلف شهر و بسیاری خدمات دیگر به چشم می خوردند. از دیگر بخش های جالب توجه بخش "دفتر مدیریت بحران" است. این دفتر مسئولیت مدیریت بحران ها را - اعم از طبیعی و غیرطبیعی - عهده دار است. برای این منظور دفتر مذکور با برنامه ریزی های دقیق اقدام به ارائه راه حل هایی کارآمد برای مواجهه با بحران هایی نظیر زمین لرزه، سیل، نامساعدی هوا، آتش سوزهای گسترده، نزول بهمین و حتی شرایط گروگان گیری و عملیات های تروریستی کرده است. این برنامه ها شامل پیشگیری از به وجود آمدن بحران، سازمان دهی ارگان ها و سازمان های دولتی و غیردولتی برای روبه رو شدن با بحران، برنامه ریزی برای کاهش صدمات جانی و مالی ناشی از بحران و کمک رسانی و عملیات امداد و نجات است.

سایت همچنین حاوی خبرهای جدید شهر و شهرداری است و در بخش هایی از آن نیز توصیه هایی برای ایمنی هر چه بیشتر شهروندان به چشم می خوردند. برای مثال در بخشی از سایت به منظور کاهش خطر آتش سوزی در جشن های کریسمس به شهروندان توصیه شده است که از درخت های کاج تازه استفاده کنند تا گرمای حاصل از چراغ ها و دیگر وسایل پیچیده شده به دور آنها موجب آتش سوزی نشود. به علاوه، نحوه تشخیص تازه بودن یا خشک بودن این درخت ها بر روی سایت توضیح داده شده است.

پانوش:

1-Anchorage





نام کتاب: مدیریت بحران در نواحی شهری (زلزله و سیل)، نویسنده: مجید عبدالمهدی، ناشر: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، چاپ دوم: ۱۳۸۲، شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه در ۱۲۵ صفحه، آمده ۱۱۰۰۰ ریال.

با همه پیشرفت‌های فناوریانه، بسیاری از کشورهای جهان سوم در برابر رخدادهای طبیعی همچنان تسلیم مانده‌اند. شوربختانه مردم این سرزمین‌ها خود را به دست سرنوشت می‌سپارند، بی‌هیچ پیش‌اندیشی. آنان بر این آگاهی ندارند که از ویژگی‌های زندگی اجتماعی و گردآمدن در آبادی‌های کوچک و بزرگ و شهرها، یکی آن است که توان و نیروی جمعی اراده‌ای است بر اینکه بهنگام در برابر هر رخدادی در ایستند و در گامی جلوتر، به همان باور کهن «علاج واقعه را پیش از وقوع» بکنند. افزایش شمار آدمیان پیامد رویارویی دراز دامن او با طبیعتی است که از نخستین گام‌های زندگی او را به مبارزه خوانده است و اینک انسان در جایی ایستاده است که می‌خواهد با اندیشه و تدبیر خود پس از شناخت طبیعت، دست‌بخشده‌اش او را بر سر نسل خود همواره نگاه‌دارد و با رخدادهای بزرگ و ویرانگر آن نیز کنار بیاید و خود را از دم تیغ آن پس بکشد؛ اما آنان که از رخدادهای طبیعی نیندیشند و چاره‌نسازند، به قهرش گرفتار خواهند آمد. پس بیاموزیم، به خود و به دیگران که آذیرهای طبیعت را هشیار بشنویم و پیش از وقوع، به هنگام واقعه و پس از آن را اداره و مدیریت کنیم.

کتاب مدیریت بحران به گواه خود نویسنده - در فصل نخست - اگر یگانه اثر نباشد، از نخستین‌ها در این زمینه به فارسی است و خواندن آن برای همه آنانی که به گونه‌ای با مسائل شهری سروکار دارند، و در گام بعد برای همگان، ضرورتی است. کتابی با زبانی نه چندان دشوار، اما پر بار. چندان که در زیر عنوان کتاب بر نخستین برگ نشسته، تنها بر دو رخداد طبیعی - سیل و زلزله - تأکید شده که در این سرزمین پربسامدتر است و مهم، پیکره کتاب از دو پیش‌گفتار (برای چاپ یکم و دوم) یک مقدمه و چهار فصل ساخته شده است: طرح مسئله و دیدگاه‌ها، سیل‌گیری شهرها و روش‌های مقابله با آن، اثرات زلزله بر شهر و شیوه‌های کاهش خسارت‌های آن، نتیجه‌گیری و راهبردهای اجرایی با هدف کاهش اثرات بلایای طبیعی، نویسنده پیوست و منابع و مأخذی را هم بر پایان افزوده است.

فصل نخست نشان می‌دهد که اثر، دست‌آورد یک پژوهش است و ضرورت این پژوهش را پدید آور، بحرانی بودن مناطق شهری کشور دانسته است که در واقع انگیزه اوست. وی مدیریت بحران را «یکی از جنبه‌های مهم و قابل توجه در برنامه‌ریزی توسعه کشور و به ویژه شهرها دانسته که حجم بالایی از سرمایه‌گذاری و مکان‌گزینی تأسیسات و ابزارهای اقتصادی و اجتماعی جامعه در آنهاست». نویسنده با گرت‌برداری از یک منبع به جای «نویشتگان مطالعه» از واژه نادرست «ادبیات» سود جسته و در پی آن به جای واژه «پیشینه» ترکیب «تاریخ موضوع» را به کار برده است که هر دوی اینها کجتابی آشکاری در معنا دارد. پدیدآور در پایان این بخش نشان داده است که در زمینه مدیریت بحران به جز چند مقاله، تحقیق پراکنده و کنفرانس هیچ کار مدونی صورت نگرفته است (ص ۲۷).

فصل دوم به نخستین بلیه یعنی «سیل» پرداخته. پیش درآمد این بخش با آمارهای جالبی همراه است. زیر فصل نخست آن «توسعه شهری در هیدرولوژی [= آبشناسی] حوضه آبریز» تأثیرات این توسعه را در تغییر آورد رواناب، تغییر میزان تغذیه ناشی از بارش و تغییر بیشترین آورد سیلاب و تغییر در کیفیت آب دانسته است. در زیر فصل

بعدی، سیل‌گیری شهرها را پیامد دو گونه اقدام در ساخت و ساز شهرها دانسته است: آسانی ساخت و ساز و دسترسی به آب در کنار رودخانه‌ها، که به نظر وی درباره ایران، به جز شهرهایی چند مانند اهواز و برخی از شهرهای شمالی، در همه جا درست نیست. اما نفوذ ناپذیر کردن زمین موضوع بسیار مهمی است که به تازگی مورد توجه برنامه‌ریزان و طراحان شهری قرار گرفته است - مخالفت با ایدئولوژی اسفالت! موضوع جالب در این بخش، پیشنهاد آمدن «شناسنامه سیل‌گیری شهری» به دست شهرداری‌هاست (ص ۳۵). زبان‌های سیل در زیرفصلی دیگر آمده است. نویسنده با بازگشت به عوامل سیل‌خیزی و زبان‌های آن، این عوامل را در دو دسته طبیعی (فرسایش خاک ناشی از عدم وجود پوشش گیاهی) و انسانی جای داده است که در اولی نیز انسان کنشگر اصلی است. ای کاش نویسنده به نمونه‌های بزرگ‌تری مانند سیل نکا و گلستان می‌پرداخت که دست کم اولی پیامد جنگل‌تراشی یک شرکت توانمند و بانفوذ است. در زیر فصلی دیگر به نام «روش‌های ساختمانی کنترل سیلاب»، نویسنده به انواع آن در سه بخش پرداخته است: دیواره‌های سیل‌بند، سیلاب‌روها و اصلاح مسیر و مقطع رودخانه. پدید آورنده واژه پربسامد و دقیق «سیلگرد» را نادیده انگاشته و در بخشی دیگر به جای «بندساز» از گونه‌ای حوضچه‌های کنترل سیلاب نام برده است. مهم‌ترین زیرفصل این فرگرد «روش‌های مدیریتی مقابله با سیلاب» است. نویسنده در پایان این فصل «سازمان‌های درگیر و اقدام‌های مورد نیاز برای مقابله با سیل» را در جدولی در دو صفحه به دست داده است.

فصل سوم با نام «اثرات زلزله بر شهر و شیوه کاهش خسارت‌های آن»، بیش از نیمی از کتاب را در بر گرفته و نخستین زیر فصل آن «مدیریت بحران» است که در آن تأثیر و نقش برنامه‌ریزی شهری در فرایند این مدیریت در این پنج مرحله بررسی شده است: یکی از مهم‌ترین زیرفصل‌های کوتاه آن «ضرورت آمادگی قبلی در برابر زلزله» است و در جدولی واکنش انسان در برابر زمین‌لرزه نشان داده شده که بسیار خواندنی است. از زیرفصل‌های جالب دیگر «تجارب جهانی در برخورد با آسیب‌پذیری شبکه‌های ارتباطی» است که نمونه فیلیپین را پس از زمین‌لرزه ۱۹۹۰ برای درس‌آموزی به دست داده است. در این بخش از کتاب یک بند (پاراگراف) به صورت ایرانیکی چاپ شده که در واقع هشدار است برای شهرهای بزرگ ایران به ویژه تهران. به طور کلی با طراحی شبکه ارتباطی کارآمد شهری، می‌توان صدمات زلزله را در شهرها تا حد زیادی کاهش داد. شبکه ارتباطی کارآمد، شبکه‌ای است که دارای عرض بیشتری باشد، سطح آن نسبت به سطوح ساخته شده شهری نیز بیشتر و پل‌های آن کمتر باشد. نیز می‌بایست با شبکه‌های خارج از شهر ارتباط داشته باشد و دارای معابر مستقیم با پیچ و خم کمتری باشد، و ارتباط کاربری‌های حساس را به طور مستقیم برقرار سازد، از حریم گسل‌ها به دور بوده و امکان دسترسی سواره به آن هر چه بیشتر فراهم باشد. پدیدآور در پایان کتاب ۹ جدول بسیار سودمند را پیوست کرده است. وی برای تدوین این اثر از ۳۱ پایه نگاشته (کتاب و مقاله) فارسی و ۹ پایه نگاشته انگلیسی سود جسته. می‌ماند آن دروغ همیشگی برای کتاب‌های خوب که بی‌نمایه می‌مانند.

Contents

Note	4
Special Report	
-Disaster , Management - Prevention before Happening/ J. Niknum	5
Idea and Research	
- Earthquake Disaster and Its Management / M. Hooshmand Marvasty	12
-Confrontation by Natural Disaster from Another Viewpoint/ V. Hosseini & M. Solaimani	18
Dialogue	
-Urban Planning and Management System in Iran/ I. Asadi	23
Municipalities According to Documents	
-A Small Baladye (Municipality) in Great Disaster/ A. Jalali	28
Mayor's View	
-Boruzjun in The Face of Drought and Flood/ M. Salari	32
Councils and Participation	
- Ups and Downs in Councils'Law (Part IV)/ M. Bijani	36
-Government and Councils in Iran/ Authoritarian Bureaucratic Government and the Municipalities Law / H. Shafi'i	38
-The ABC of City / Disaster Management / M. Barabadi	40
World's Experiences	
-Natural Disaster Management in Bangladesh/ Trans and Abridge: Sh. Farzinpak	42
-Cultural Properties, Natural Disaster/ Trans: P. Moghaddam	45
-13 October, International Day of Natural Disaster Reduction/ Trans: A. Arabanidana	47
World Cities and Municipalities	51
Plan and City	
-Waste Analyzing from Origin and Necessity of Citizen Training (Mashhad Enperience)/ M.H. Boochani	54
Instruction	
-Team Making in Organizations, A Hidden Priority / M. Azad Fallah	61
Point of view	
-Bam Fell down Prevent From another Disaster/ M. Mohanniyie	65
Research Selection	
-Obstacles of Growth and Expantion of NGOs in Iran/ MH. Boochanni	68
News Report	
-Disaster Management in Baghershahr/ Managing Earthquake Hazard's Seminar in Urban Areas	71
Brief News	83
Glance at Cities /Ahvaz, Boruzjun, Tabriz, Sarab ...	91
Web Sites/ Sh. Farzinpak	92
New Publication/ A. Jalali	93

68

Monthly Journal of Information
Education and Research on
Urban Management and Planning
Number 68 - Jan. 2005

Shahr-dariba

- Disaster, Management-Prevention before Happening
- Confrontation by Natural Disaster from Another Viewpoint
- Urban Planning and Management System in Iran
- Boruzjun in the Face of Drought and Flood
- Authoritarian Government and the Municipalities Law
- Natural Disaster Management in Bangladesh
- 13 October, International day of Natural Disaster Reduction
- Team Making in Organizations, A Hidden Priority
- Bam Fell down, Prevent From another Disaster
- Managing Earthquake Hazard's Seminar in Urban Areas

